

دعای توبه حضرت امام  
 علیه السلام صلوات الله علیه  
 یا رب العالمین یا رحمن  
 یا رحیم یا کریم یا  
 قهار یا قیوم یا ذا  
 الجلال و الاکرام یا  
 ذا الشان و العز  
 الاله تم ربت هذه التوبة  
 تبت الشور الذي انزل فيه  
 يد و ربت الملائكة الموكلين  
 اسم ازاره را برود و بحر عم  
 رقا و اسعفا و علما فافعا

(Faint handwritten text, likely bleed-through from the reverse side)

(Small handwritten mark or signature)



58



کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب ..... کتب چهارم

مؤلف .....

مترجم .....

شماره قفسه ..... ۷۱۱۲



جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب

۲۰۸۲۷۸



۱۷۱۱۳  
۲۰۸۲۷۸



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ختم سوره مبارکه قل هو الله احد از جمله ختم مجربه  
که سرآمد همه ختمهاست لذای هر حاجتی و طلبی انواع طریق از اربعین الیه هفته دوم و هجده

بجه هر حاجتی مدت هفت روز بعد از نماز صبح هر روز یکصد بار سوره توحید را بخواند بدون کتم  
با خضع و خشوع هنوز هفته تمام شده باشد که حاجتش برآورده شود

ایضا اگر در دست ظالمی یا کاری گرفتار باشد هر روز ۹۹ مرتبه این اسم را بخواند  
هر چه از خدا بخواهد انجام گیرد

يَا عَيْنَانِي عِنْدَ كُلِّ كَرْبَةٍ وَمَعَاذِي عِنْدَ كُلِّ شِدَّةٍ  
وَجُحْبِي عِنْدَ كُلِّ دَعْوَةٍ

اگر کسی در مهمی حیران باشد این حمد را بر کف دست خود بنویسد و در زیر روی خود بخواند یا بنویسد  
رو بقبله بخواب در خواب شخصی را ببیند که او را دلاکت کند و یا چیزی را گشاده بنویسد  
من هب من هب هب لوط الاسمه و غيرها اب و ک  
ل من وهلا

دعای بعد از نماز سه روزه  
رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيًّا وَبِالْعِرَانِ الَّذِي  
أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا كِتَابًا وَبِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً وَبِالصَّلَاةِ فَرِيضَةً وَبِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَوْلَا  
أَمَّا وَبِالْحُسَيْنِ وَبِالْحُسَيْنِ وَبِالْحُسَيْنِ وَبِالْحُسَيْنِ وَبِالْحُسَيْنِ وَبِالْحُسَيْنِ وَبِالْحُسَيْنِ وَبِالْحُسَيْنِ وَبِالْحُسَيْنِ وَبِالْحُسَيْنِ  
وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَبِالْحُسَيْنِ وَبِالْحُسَيْنِ وَبِالْحُسَيْنِ وَبِالْحُسَيْنِ وَبِالْحُسَيْنِ وَبِالْحُسَيْنِ وَبِالْحُسَيْنِ وَبِالْحُسَيْنِ وَبِالْحُسَيْنِ  
وَسَلَامٌ عَلَيْهِمْ وَعَلَيْهِمْ يَا اللَّهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ آمَنَ أَوْ تَعَالَيَ هَذَا الْقَرَارُ وَبِكَ



بِسْمِ اللَّهِ وَالْأَمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنْتَ خَيْرُ مُتَوَدِّعٍ قُرْدَهُ عَلَى دَقَّتِ سَوَالِ  
مَنْكَرٌ نَكِيرٌ جَمَلٌ أَرْحَمُ الرَّحِمِينَ



غفلت سرانجامش در جلاجل القدرت  
 بسیار بفرمان طایفه از اهل محمد و محمد اهل بیت  
 در زمین دولت آن پیرس حکومت  
 میخواند آن حبیب علی بن ابی طالب  
 العالیین آن حبیب علی بن ابی طالب  
 او علی بن ابی طالب و علی بن ابی طالب  
 که بهای آن سلطان و او بهای آن  
 نیست که فلاحت کرد از این جهت  
 معاش و دولت از خود میکند چهر  
 ناز را و این ناز را و این ناز را  
 عصم علیکم من اهل او این ناز را  
 لب طایفه از این ناز را  
 که این ناز را و این ناز را  
 بعضی از این ناز را و این ناز را  
 طایفه از این ناز را و این ناز را  
 از این ناز را و این ناز را

مکتبہ اسلامیہ دارالعلوم دیوبند

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيد المرسلين  
محمد وآله الطيبين الطاهرين  
الطاهرين

شیبہ زقیدان



که روایت کرده اند از شریف

7/1. 7/1 7/19

— 11 —

॥ श्री गणेशाय नमः ॥

1. 123-12345

که روایت کرد ما را

سال دولت و صنعت

کتابخانه

۱

البیاضی علیٰ ابی

تصنيف قسطنطين

میر علی زکریا علیہ السلام

که ملاقات کردم

روزگار و روزگار

و خال اکے اور دو

پس گفت چرا

رسالة الكرم

وہی

السهم فاعلم

علی ابیہ

فَقَالَ لِي

الاعمال

اینکه بماند نیست که طایفه یهود اودا  
بعبارت حضرت امیرالمومنین علیه السلام  
واعتقاد این از راه کمالا منکر است که  
کند بشیر و از غیره در این باب  
فرموده که در او را شنیده بودار  
چون که در لغت هم

در آن مصلحت که زیاده  
کشتن

فصل فی بیان

三







جَعَفَرُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ دَعَا النَّاسَ  
إِلَى الْحَيَاةِ وَنَحْنُ دَعَوْنَاهُمْ إِلَى الْمَوْتِ  
فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَمْ أَعْلَمُ أَمْ أَنْتُمْ  
فَأَطَرَقَ إِلَى الْأَرْضِ مَلِيًّا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ  
وَقَالَ كُنَّا لَهُ عِلْمٌ غَيْرَ أَنَّهُمْ يَعْلَمُونَ  
كَلِمَاتِنَا فَعَلِمُوا وَلَئِنْ كُنَّا يَعْلَمُونَ  
ثُمَّ قَالَ لِمَا كُنْتُمْ مِنْ ابْنِ عَمِّي شَيْئًا  
قُلْتُ ثُمَّ قَالَ أَرَيْتُمْ فَأَخْرَجَ إِلَيْهِ وَجُوهًا  
مِنْ الْعِلْمِ وَأَخْرَجَتْ لَهُ دُعَاءُ أَمْلَأَهُ  
عَلَمًا

امام جعفر صادق بر هر کس که بگوید درود خواندند مردمان را  
بسوی حیات و ما خواندیم ایشان را بسوی مرگ  
پس گفت ای پسر رسول خدای ایام این دعا را بخواند  
پس از او پرسید که از این دعا چه می دانند  
و گفت همه ما را علم است الا اینکه ایشان میدانند  
هم آنچه می دانیم و میدانیم ما هم آنچه ایشان میدانند  
پس گفت مرا این نوشته از پسر عم من و من و چه  
گفتم آری گفت بنام این از این پسر آوردم بسوی او و نوعی چیز  
از علم و آنچه را که بخواهد از برای او دعا را که ملاک کرده اند

عَلَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَحَدَّثَنِي  
أَنَّ أَبَاهُ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ  
أَمْلَأَهُ عَلَيْهِ وَأَخْبَرَهُ أَنَّ مِنْ دُعَاءِ  
أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْحَيُّ عَلَى هُمَا السَّلَامُ  
مِنْ دُعَاءِ الصَّغِيْفَةِ الْكَامِلَةِ فَظَرَّ  
فِيهِ يَحْيَى حَتَّى آتَى عَلَى آخِرِهِ وَقَالَ  
لِي أَمَّا ذُنُوبِي فِي نَجْحِهِ فَقُلْتُ يَا ابْنَ  
رَسُولِ اللَّهِ أَسْتَأْذِنُ فِيمَا هُوَ عَنْكُمْ  
فَقَالَ مَا الْأَخْرَجَنِي إِلَيْكَ صَغِيْفَةً  
بِكَفْتِ كَمَا كُنْتَ بَشَرًا

بر من حضرت ابی عبد الله بر داد درود و گفته بود مرا  
پس من که پدر زکریا را حضرت امام محمد باقر بر پیشان درود  
املا کرد علی و او خبر داده او را که این از دعا  
پس پدر زکریا را حضرت امام زین العابدین است بر پیشان درود  
از جمله دعا ای صغیفه کامله پند کرد  
در آن سجده تا اینکه رسید به آخر آن و گفت  
لی اما ذنوبی فی نجحه فگفتم یا ابن  
مرا که آیا حضرت میبرد و نوشتن این دعا پس گفت ای پسر  
رسول خدا ای صغیفه مطهره را آنچه او از شماست  
پس گفت که کاه بش که هر آینه بیرون می آورم بسوی تو صغیفه

حضرت امام محمد باقر علیه السلام

در این دعا



بفرستد عیسی علیه السلام

عن

مِنَ الدُّعَاءِ الْكَامِلِ مِمَّا حَفِظَهُ أَبِي عَنْ  
 أَبِيهِ وَارْتَبَ أَوْصَانِي بِصَوْنِهَا وَ  
 مَنَعَهَا غَيْرَ أَهْلِهَا قَالَ عُمَيْرٌ قَالَ  
 أَبِي فَقُمْتُ إِلَيْهِ فَقَبَّلْتُ رَأْسَهُ وَ  
 قُلْتُ لَهُ وَاللَّهِ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي  
 لَا ذِينَ اللَّهُ يُحِبُّكُمْ وَطَاعَتِكُمْ وَإِنِّي  
 لَا ذِينَ أَنْ يَسْعِدَنِي فِي حَيَاتِي وَمَمَاتِي  
 يَوْمَ لَا يَنْفَكُ عَنْكُمْ قُرْبِي حَقِيقَتِي الَّتِي دَفَعْتَهَا  
 إِلَيْهِ إِلَى غَلَامٍ كَانَ مَعَهُ وَقَالَ  
 يَا ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ

از دعای کامل از آنچه حفظ کرده آنرا پدرم زید  
 پدرش و بپستی که پدرم وصیت کرده مرا نگاه داشتن آن و  
 باز داشتن آن از غیر اهل آن گفت عیمر که گفت  
 پدرم منوچکر که پس بر خوارم بپوشیدم سر او را و  
 کفتم مرا و او بعد قسم ای پسر رسول خدا بدیستی  
 که هر چه از این بر من میگویم ضایع است و مرا از دست او بدیستی  
 که امید میدارم که نیکیهای تو در هر روز از من نماند و مرا که خود  
 بر دوستی شما پس از خست بختی آن دعا که نزد داده بودم  
 با او بسود پس بر سرش گذارد با او و گفت

اكْتُبْ هَذَا الدُّعَاءَ بِمِخْطَطِ بَيْنِ حَسَنِ  
 وَاعْرِضْهُ عَلَيَّ لَعَلِّي أَحْفَظُهُ فَإِنِّي كُنْتُ  
 أَطْلُبُهُ مِنْ جَعْفَرٍ حَفِظَهُ اللَّهُ فِيمَنْغِيهِ  
 قَالَ مُوَكَّلٌ قَدِمْتُ عَلَى مَا فَعَلْتُ  
 وَلَمْ أَذْرَ مَا أَصْنَعُ وَلَمْ يَكُنْ أَبُو عَبْدِ  
 اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَقْدِمُ إِلَيَّ إِلَّا أَذْفَعُ  
 إِلَيَّ أَحَدٌ ثُمَّ دَعَا بِعَيْبَةٍ فَاسْتَخْرَجَ  
 مِنْهَا حَكِيْفَةً مُقْفَلَةً مَخْنُومَةً  
 فَظَرَّ إِلَى الْخَاتَمِ وَقَبَّلَهُ وَبَكَى ثُمَّ قَضَاهُ

بنویس این دعا را بمخاطب بین حسن  
 و عرض کن مرا بر من بنماید که حفظ کنم آنرا از آنکه در دستم  
 میطلبیدم از جعفر که حفظه الله فیمانی  
 گفت منوچکر که پیشان شدم بر آنچه کرده بودم  
 و ندانستم که چه کنم و ندانم که یک حضرت ابوعبد  
 الله بر و با او درود پیشتر من گفته باشد که نه این دعا را  
 بکنم پس طلب کرد جامه را از او پس بیرون آورد  
 از آن صیغه فضل زده مهر کرده  
 پس نگاه کرد به پیران مهر و بسید آنرا و گریست پس گفت مهر را

دعای  
بفرستد اذن عیسی



وَفَخَّ الْقُلُوبَ لَمْ تَشْرَ الضَّحِيفَةَ وَوَضَعَهَا  
 وگشود قفل را پس داد کرد ضعیفه را و گذاشت  
 عَلَى عَيْنِهِ وَأَمَرَهَا عَلَى وَجْهِهِ وَقَالَ  
 چشم خود و بلند آرا بر روی خود و گفت  
 وَاللَّهِ يَا مُتَوَكِّلُ لَوْلَا مَا ذَكَرْتُ  
 بخدا ای متوکل که اگر نبودم آنچه ذکر کردی تو  
 مِنْ قَوْلِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَتَى قَتْلُ وَأُصْلَبُ  
 او گفت پس من که برستی که گفت میشوم مرا کشید و میسوزم  
 لَمَّا دَفَعَهَا إِلَيْكَ وَلَكُنْتُ بِهَا  
 بر انداخته ام این ضعیفه را بخود و این بخت  
 ضَيْئًا وَلَكِنِّي أَعْلَمُ أَنَّ قَوْلَهُ حَقٌّ  
 میسوزم و لیکن میدانم که برستی که گفت اوجست  
 أَخَذَ عَنْ الْبَائِسِ وَأَتَى سَيْحُ فَخَفَّتْ أَنْ  
 فرافکته از بایس را بخود و برستی که بزدی میشود پس رسیدم  
 يَقَعُ مِثْلُ هَذَا الْعِلْمِ إِلَى أَمِيَّةٍ  
 بختند این علم برست بنده امیه  
 فَيَكْتُمُوهُ وَيَذْخَرُوهُ فِي خَزَائِنِهِمْ  
 پس پنهان کنند آنرا و ذخیره سازند در خزانه خود

لَا أَفِيهِمْ فَأَقْبَضُهَا وَأَكْفِيهَا وَتَوَلَّصَ  
 از برای خود پس بگیرم ضعیفه را و کفایت کن برای من از آنرا و منظر  
 بِهَا فَإِذَا أَقْضَى اللَّهُ مِنْ أَمْرِي وَأَمْرُ هَؤُلَاءِ  
 پس پس که چه کنم ضعیفه را از کار من و کار این قوم  
 الْقَوْمُ مَا هُوَ قَاضٍ فِيهِ أَمَانَةٌ لِي عِنْدَكَ  
 آنچه را که گفتم است ای پسر ایضا فایست از من نزد تو  
 حَتَّى تُوَصِّلَهَا إِلَيَّ ابْنِ عَبَّاسٍ مُحَمَّدٌ وَابْرَاهِيمُ  
 تا اینکه برست از این پسران من محمد و ابراهیم  
 ابْنِي عَبْدَ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ  
 پسران  
 عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَاتَّهَمَا الْفَائِئِمَانِ  
 پس برستی که ایشان قایم مقام شدند  
 فِي هَذَا الْأَمْرِ بَعْدِي قَالَ الْمُتَوَكِّلُ  
 و این امر بعد از من گفت متوکل  
 فَقَبَضْتُ الضَّحِيفَةَ فَلَمَّا قُتِلَ ابْنُ حَنِيٍّ  
 که پس گرفتم آن ضعیفه را پس چون کشته شد بخت بن  
 زَيْدٌ ضَرَبَتْ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلَقِيَتْ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ  
 زید بستم پس رسید به ایطاف کرم حضرت ابا عبد

که بخت بستم پس بر آن آید  
 که بخت بستم پس بر آن آید

که بخت بستم پس بر آن آید  
 که بخت بستم پس بر آن آید



پس صل کریم سخندان

پسندیدند از او ادب و حال و گفت که میامرز و خدا

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين

بخدا ای متوکل که باز نداشتد بود مرا از داور دعا

بحسبى مكرهان معنی كوكب مشرقیہ اذان

صغیر پرورش و کثرت از صغیر

تآن پس شود آنرا و گفت که این بخدا که حفظ

از دولت و اهل دولت

پس فرموده است که اگر چه

ایں اسمعیل پس چارائی دے را

بخطان و نگاره‌های آن پس از جویست اسمعیل پس از وفات

عجیفه ۱۱ که کوایه علی محیفه است که داده بود از

پہن کیجئے۔ یہی دعا ہے جو مسند از حضرت ابو عبد اللہ علیہ السلام و

که پشت از او همیشه خرا و فرمود که این خط

موت و کف و نشسته عورت - پشت باز در دو بخند

منزل رکعتی در نماز عشاء اگر بخوابد نمازش باطل است

کرمی

و بعضی از اینها را در بعضی از اینها



لَذَلِكَ أَهْلًا فَقَطَرْتُ وَإِذَا هُمَا أَمْرًا  
 وَلَمْ أَجِدْ حَرْفًا مِنْهَا مُخَالَفَ مَا فِي  
 الصَّحِيفَةِ الْآخَرَى ثُمَّ اسْتَأْذَنْتُ أَبَا  
 عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي دَفْعِ الصَّحِيفَةِ  
 إِلَى ابْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ  
 يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُوَدُّوا الْأَمَانَاتَ إِلَى  
 أَهْلِهَا فَأَدْ فَعَلْتُهَا إِلَيْهِمَا فَلَمَّا هَضَمْتُ  
 لِقَاءَهُمَا قَالَ لِي مَكَانُكُمْ وَجْهٌ  
 إِلَى مُحَمَّدٍ أَمْرِهِمْ فَجَاءُوا فَقَالَ هَذَا

این صحیفه را که بنویسند که از پدر و دود  
 کرده بود که بعد از آن ایضا بود

آدر

مِنْ رَأْسِ ابْنِ عُمَرَ كَمَا يَجِيءُ مِنْ أَبِيهِ قَدْ  
 خَضَعَا لَهُ دُونَ أَخَوَيْهِ وَتَحَرُّمُ شَرْطُونَ  
 عَلَيْكَ كَمَا فِيهِ شَرْطًا فَقَالَ لَارْحِمَكَ اللَّهُ  
 قُلْ فَقَوْلُكَ الْمَقْبُولُ فَقَالَ لَا تَخْرُجَا  
 بِهَذِهِ الصَّحِيفَةِ مِنَ الْمَدِينَةِ قَالَا وَ  
 لَمْ ذَاكَ قَالَ إِنَّ ابْنَ عُمَرَ كَمَا خَافَ  
 عَلَيْهَا أَمْرًا أَخَافُهُ أَنَا عَلَيْكَ كَمَا قَالَ  
 أَنَّمَا خَافَ عَلَيْهِ مَا جِئَ بِهِ عِلْمُ أَنْ يُقْتَلَ  
 فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ فَلَا تَأْمَنَّا

را به ابنت که بنویسند که بعد از آن  
 است ایضا بود که بعد از آن ایضا بود



فَوَاللَّهِ إِنِّي لَا أَعْلَمُ أَنَّكُمْ سَخَّرْتُمْ جَانِ كَمَا  
*پس خدا قسم که میدانم که شما بر دوی خروج کنید چنانچه*  
 خَرَجَ وَتَقْتُلَانِ كَمَا قُتِلَ فَتَمَامَا  
*اخراج کرد و بر دوی کشته بشوید چنانچه او کشته شد پس هر دو استند*  
 وَهَمَّا يَقُولَانِ لِأَحْوَلٍ وَلَا فَوْقَ إِلَّا بِاللَّهِ  
*و حال اینکه میگفتند نیست قدرت و نه قوت که ما بر خدا*  
 الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ فَلَمَّا خَرَجَا قَالَ لِي أَبُو  
*بزرگوار من پس چون بیرون رفتند گفت مرا حضرت*  
 عَبْدُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا مُنَوَّكُلُ  
*ابو منهدان برو ما در دود ای منوکل*  
 كَيْفَ قَالَ لَكَ يَحْيَى أَنْ عَمِّي مُحَمَّدٌ  
*چگونه گفت ترا منی که برستی که عم من امام*  
 ابْنُ عَلِيٍّ وَابْنُهُ جَعْفَرٌ دَعَا النَّاسَ  
*محمد باقر علیه السلام و پسرش امام جعفر صادق خواندند مردمان را*  
 إِلَى الْحَيَاةِ فَخُذْ دَعْوَانَا إِلَى الْمَوْتِ  
*بسوی زندگانی و خواندیم ما این را بسوی مرگ*  
 قُلْتُ فَمَ أَصْلَحَكَ اللَّهُ قَدْ قَالَ لِي ابْنُ  
*گفتم آری صلاح و هدایت ترا خدا بخیر گفت مرا پسر*

عَمِّي يَحْيَى ذَلِكَ فَقَالَ يَرْحَمُ اللَّهُ يَحْيَى  
*عم من یحیی این حرف را پس فرمود که بیایم زود خدا را بخیر*  
 ارْتَلَى حَدَّثَنِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّ عَنْ  
*پس می خواند که روایت کرد مرا از پدرش از جدش از حضرت*  
 عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى  
*امیر المومنین علیه السلام که برستی که رسول این صلوات*  
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَخَذَتْهُ نَفْسُهُ وَهُوَ  
*کنند تا پسر و والد او گرفت پیکر او حال اینکه بر بالای*  
 عَلَى مَنَبَرٍ وَفَرَأَى فِي مَنَامِهِ رِجَالًا  
*منبر بودند پس دیدم در خواب مردی چند را*  
 يَتَزَوَّنَ عَلَى مَنَبَرِهِ نَزْوًا الْقُرْآنَ يَرُدُّونَ  
*که میخوانند بر بالای منبر او مانند جنتی بوزنید و برگردانند*  
 النَّاسَ عَلَى أَعْقَابِهِمُ الْقَهْقَرَى فَاسْتَوَى  
*مردم را بر پشتهای بیای خود واروند بر حضرت*  
 رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَالِسًا  
*رسول الله علیه و آله را در استند*  
 وَالْحَزَنُ يَعْرِفُ فِي وَجْهِهِ فَأَتَاهُ  
*و حال اینکه انداخته اند و یافت میشد در روی آنحضرت پس آورد*

علی  
 بیفرمودم را پس بر سر نهاد



[illegible]

جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِهَذِهِ الْآيَةِ وَمَا  
جَبْرِئِيلُ بِهِ دُرُودُ ابْنِ آدَمَ كَرِيمًا وَمَا  
جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ الْإِقْبَةَ  
مَكْرَهُ سَيِّئٍ مَا أَخْبَرْنَاكَ لَكُنَّا نَكُونُ مِنْكُمْ لَوْ أَنَّا كُنَّا  
لِلنَّاسِ وَالشَّجَرِ الْمَلْعُونَةِ فِي الْقُرْآنِ  
أَنْزِلَانِ مُرَدَّدَانِ وَأَنْ قَبْلَ ذَلِكَ كَرَّمَ وَدَقَّ بَنَانِ  
وَنَحْوَهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا  
وَمِنْ سَيِّئِ مَا دَعَاؤُنِي أَنْزِلَ مِنْ تَرْجُمَانِ لَيْسَ فِيهِ إِلَّا مَا كُنْتُ مُرْسِلًا  
يَعْنِي بَنِي أُمِّيَّةٍ قَالَ يَا جَبْرِئِيلُ اعْلَمْ  
يُخْبَرُ بِهَذَا ابْنُ آدَمَ وَهُوَ دُرُودُ ابْنِ آدَمَ كَرِيمًا وَمَا  
عَهْدِي يَكُونُونَ وَفِي زَمَنِي قَالَ لَا  
عَهْدَ مِنْ خَلْقٍ سَبَقَ بَدُو وَدُرُودُ ابْنِ آدَمَ كَرِيمًا وَمَا  
وَلَكِنْ تَدُورُ رَحَى الْأَيْدِي مِنْ مِثَاجِكِ  
لَيْسَ فِيهَا سَبْعُونَ أَلْفًا مِنْ مِثَاجِكِ كَرِيمًا وَمَا  
فَنُكِّلْتُ بِذَلِكَ عَشْرًا ثُمَّ تَدُورُ رَحَى  
وَمَا كَانَ مِنْ كَرِيمٍ وَدُرُودُ ابْنِ آدَمَ كَرِيمًا وَمَا  
الْإِسْلَامُ عَلَى رَأْسِ خَمْسَةٍ وَثَلَاثِينَ مِنْ  
إِسْلَامِ بَرَسَلِ سِتَّةٍ وَخَمْسِينَ

مُهَاجِرَكَ فَتَلَبَّثُ بِذَلِكَ خَمْسًا ثُمَّ لَا يَدُ  
جوت نو پس میماند درین کوشش پنج سال پس از آن تا حیات  
مِنْ رَحَى ضَلَالَةٍ مَعِيَ قَائِمَةٌ عَلَى قُطْبِهَا  
از آسیای که امر که هست او پند بر قطب خود و گردو  
ثُمَّ مَلِكُ الْفِرَاعِيَّةِ قَالَ وَأَنْزَلَ اللَّهُ  
پس از آن پادشاه فرعون است که حضرت ابراهیم کو فرستادند  
تَعَالَى فِي ذَلِكَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ  
درین باب درستی که فرستادیم از آنرا در شب قدر  
الْقَدَرِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدَرِ  
در چه شب و آنکه در چه شب  
لَيْلَةُ الْقَدَرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ  
شب قدر بهتر است از هزار ماه  
يَمْلِكُ مَا بَنَوا مِثْلَهُ لَيْسَ فِيهَا لَيْلَةٌ  
که پادشاه خدا در آن بنی امید و نیت در آن هزار ماه  
الْقَدَرِ قَالَ فَاطْلِعْ اللَّهُ نَبِيَّهٗ عَلَيْهِ  
قدر که حضرت صادق علیه السلام که از خدا بیجا پیغمبر خود را برد  
الْأَمَانِ أَنْ يَنْبَغِي أَمِيَّةٌ تَمْلِكُ سُلْطَانَ  
با دورود که پادشاهی که بنی امید را که

[illegible]



مِنْ الْأَمَةِ وَمُلْكُهَا طَوْلُ هَذِهِ الْمُدَّةِ  
 این است و سلطان او خواهد بود و این مدتی هزار ماه  
 فَلَوْ طَاوَلَتْهُمْ الْجِبَالُ لَطَاوُا عَلَيْهِنَ حَتَّى  
 پس اگر کوهها بر سر آنها افتد ایشان را بر سر کوهها  
 يَأْذَنُ اللَّهُ تَعَالَى بِزَوَالِ مُلْكِهِمْ وَ  
 حضرت و بعد از اینست بزوال پادشاهی ایشان و  
 هُمْ فِي ذَلِكَ يَتَشَعَّرُونَ عِدَاؤَنَا أَهْلَ  
 ایشان در این وقت در دل دارند دشمنی با ما  
 الْبَيْتِ وَبُغْضًا أَخْبَرَ اللَّهُ نَبِيَّهٖ عَمَّا  
 بیت را و گفت خدا خبر داد که اینها را با شما  
 يَلْقَى أَهْلَ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلَ مَوَدَّتِهِمْ  
 برسد و اهل بیت پیغمبر و اهل دوستی ایشان  
 وَشَبَعَتْهُمْ مِنْهُمْ فِي أَيَّامِهِمْ وَمُلْكِهِمْ  
 و پیروان ایشان از ایشان در ایام دولت و پادشاهی ایشان  
 قَالَ وَاتْرَكَ اللَّهُ تَعَالَى فِيهِمُ الْفِتْرَةَ الَّتِي  
 گفت حضرت خداوند در میان ایشان فتنه را که در میان ایشان بود  
 الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا  
 پس ایشان را که بدیدل کردند نعمت خدا را کفر و آلودند

این است و سلطان او خواهد بود و این مدتی هزار ماه  
 پس اگر کوهها بر سر آنها افتد ایشان را بر سر کوهها

قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَيُفَسِّدُونَ  
 قوم خود را در ایستادگی ملک که جهنم است و می آلودند آن و بد  
 الْقَرَارَ وَفَعِمَتْ اللَّهُ مُحَمَّدٌ وَأَهْلُ بَيْتِهِ  
 آنجا که است آن و فتنه خدا را محمد و اهل بیت او  
 حَتَّى إِيمَانُ يُدْخِلُ الْجَنَّةَ وَبَعْضُهُمْ كُفْرٌ  
 و بعضی ایشان ایمان که داخل بهشت ایشان و بعضی ایشان کفر  
 وَفَسَاقٌ يُدْخِلُ النَّارَ فَاسْتَرْسَلُ رَسُولُ اللَّهِ  
 و فتنه که در میان او و دشمنان ایشان پس پادشاه گفت رسول خدا  
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَلِكَ إِلَى أَهْلِ  
 در میان شما برود و بر اهل او این حکایت که بگفت علی علیه السلام و اهل  
 بَيْتِهِ قَالَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مَا خَرَجَ  
 بیت او و گفت من که بر این گفت حضرت امام جعفر علیه السلام که خروج  
 وَلَا يُخْرَجُ مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ إِلَى قِيَامِ  
 که ما را که از میان شما از ما اهل بیت تا بر خیزند  
 حَتَّى نَأْتِيَ أَحَدًا لِيُدْفَعُ ظُلْمًا أَوْ نَبْعَثَ  
 تا آنکه ما کسی را برای آنکه دفع مظلمه را یا بفرستد سازد  
 حَقًّا إِلَّا أَصْطَلَمْنَاهُ الْيَلِيَّةَ وَكَانَ  
 حق را که ما را که از میان شما از ما اهل بیت تا بر خیزند

لغز صواب الامر علیه السلام



قيامه زياده في مكر وهينا وشيعة

قيام او اين كار كه باعث زياده اندوخته و پيروان ما

قال الموثق بن هرون ثم امكن على ابو

كثرت مكر و بسبب هرون كه پس خواند بر من حضرت ابو

عبد الله عليه السلام الاذعية وهي

صدارة بر و باد در و د و عالمي حيدر و آن

خمس وسبعون بابا سقط عني منها

هفتاد و پنج باب بود وقت شدن من از ان بابها

اחד عشر بابا وحفظت منها ثيقا و

يازده باب و نكده و شتم از انها مست و

ستين بابا وحدثنا ابو الفضل قال

چهار باب و روايت كه دار ابو الفضل گفت

وحدثني محمد بن الحسن بن روبر ابو بكر

كه روايت كرد مرا

المدائني الكاتب نزيل الرجة في

كه ساكن رجه است

داره قال حدثني محمد بن احمد بن مسلم

خاندان خود گفت كه روايت كرد مرا

حفظت من كتابي و روايت كردم از كتاب من و روايت كردم از كتاب من و روايت كردم از كتاب من

محمد بن الحسن بن روبر ابو بكر و روايت كردم از كتاب من و روايت كردم از كتاب من و روايت كردم از كتاب من

محمد بن احمد بن مسلم و روايت كردم از كتاب من و روايت كردم از كتاب من و روايت كردم از كتاب من

المطهر قال حدثني ابي عن عمير بن موكل

گفت كه روايت كردم از ابي عن عمير بن موكل

البجلي عن ابيه الموثق بن هرون قال

گفت موكل

لقيت يحيى بن زبير بن علي عليهما السلام

كه خوردم بچي بن زبير بن علي بر پشت بن باد در و

فذكر الحديث فيما فيه الى رؤيا النبي

پرسيدم كه ان حديث را بيايم تا ان حديث خواب من

صلى الله عليه واله التي ذكرها

بنو مسلم از علي و اله كه نقل فرموده بود آنرا

جعفر بن محمد عن ابيه صلوات الله عليهم

حضرت امام جعفر از پسران خود صلوات الله عليهم

وفي رواية المطهر في ذكر الاكابر

در روايت مطهر در ذكر اكابر

التحسين لله عز وجل الصلوة

و دعا كه تحسين است لله عز وجل و دعا كه تحسين است لله عز وجل

علي محمد واله الصلوة على حملة العرش

بر محمد و اله او و دعا كه بر حملة العرش و دعا كه بر حملة العرش

في رواية المطهر في ذكر الاكابر و دعا كه تحسين است لله عز وجل و دعا كه تحسين است لله عز وجل



الصَّلَاةُ عَلَى مَصَدِّ فِي الرُّسُلِ دَعَا لِنَفْسِهِ وَ  
مصدد بر قصد تو گشته که پنهان است از نفیست بر اسم بران خود و  
 خَاصِّهِ دَعَا عِنْدَ الصَّبَاحِ دَعَا فِي الْمَمَاتِ  
دعای صبح دعای بمیان خود  
 دَعَا فِي الْإِسْتِعَادَةِ دَعَا فِي الْإِسْتِثْقَاءِ  
دعای برودن بخدا از اخلاق بد در آنست که در پیشگاه  
 دَعَا فِي الْجَمْعِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى دَعَا  
دعای برودن بخدا و استغفار از شیطان و غیر آن  
 بِخَوَاتِمِ الْخَيْرِ دَعَا فِي الْأَعْرَافِ دَعَا فِي ظُلُمَاتِ  
دعای عاقبت بخیر دعای اعتراف بگناه و طلب  
 دَعَا فِي الظُّلُمَاتِ دَعَا عِنْدَ  
دعای در تاریکی دعای نزد  
 الْمَرَضِ دَعَا فِي الْإِسْتِقْلَالِ دَعَا عَلَى  
دعای بیمار دعای در تنهایی از گناهان  
 الشَّيْطَانِ دَعَا فِي الْمَحْذُورَاتِ دَعَا  
دعای شیطان دعای در نهیها  
 فِي الْإِسْتِثْقَاءِ دَعَا فِي تَكْلَامِ الْأَخْلَاقِ  
دعای بران دعای در طلب اخلاق ستوده

دَعَا إِذْ حَزَنَهُ أَمْرٌ عِنْدَ الشِّدَّةِ  
دعای آنکه اندوه میآید از شدت امر  
 بِالْعَاقِبَةِ دَعَا لِابْنَيْهِ دَعَا لِوَلَدِهِ  
دعای عاقبت دعای برای پسران دعای برای اولاد  
 لِجَارِيَةٍ وَأَوْلِيَانِهِ دَعَا لِأَمَلِ الثَّغُورِ  
دعای برای کنیز خود و دوستان خود دعای برای املاک بیابانی سرحد  
 فِي الثَّقَرِ دَعَا إِذَا قُتِرَ عَلَيْهِ الرِّزْقُ  
دعای در تنگدستی دعای اگر بر او تنگدستی شود  
 فِي الْمُعُونَةِ عَلَى قَضَاءِ الدِّينِ دَعَا  
دعای برای امداد در قضاء دین  
 بِالتَّوْبَةِ دَعَا فِي صَلَوةِ اللَّيْلِ دَعَا فِي  
دعای توبه دعای در نماز شب  
 الْأَسْتِخَارَةِ دَعَا إِذَا ابْتُلِيَ بِفَضْحَةٍ ذَنْبٍ  
دعای استخاره دعای اگر بر او رسد گناه  
 دَعَا فِي الرِّضَا بِالنِّسَاءِ دَعَا عِنْدَ  
دعای رضا بقتضای مردگان  
 سَمَاعِ الرَّعْدِ دَعَا فِي الْأَعْيُنِ  
دعای شنیدن رعد دعای در چشمها

و بعد از این دعاها



در طلب جفا از کنان      زواید گردن ترک

و طلب نوشتن  
عشرها و نکه

الحمد لله رب العالمين

برای آمدن ماه مبارک رمضان

صان للعبدین واجمعهم

فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ

فہرست

و شمس

فِي الرِّهْبَةِ وَالْفِي النِّصْرَةِ وَ

كانت في الحجاج دعاوة

البرهان على ان

در فروعی نمودن از خطیب حق و در طلب رفع

عبد الله بن عبد الرحمن

الحسنات ، عذراء ، روایت کرده اند

گفت و روایت کرد که در

ابن عمر بن خطاب الزيات قال

بسم الله الرحمن الرحيم

ادایت کرد مرا خالوی من

کف: ۱۰۰ = ۱۰۰

البجلي عن أبيه منوكل بن هرون قال

أَمَّا عَائِدَةُ الْيَوْمِ بِمَا فَعَلَ الْأَعْدَاءُ بِرُسُلِ اللَّهِ

وہابیہ کے یہاں سید احمد علی شاہ کی قبر ہے۔

انما خالو نقل که من از این نقل کرده  
 و منقول که او نقل شده است و منقول  
 از حضرت ابی عبد الله علیه السلام که  
 گفت که خشت و دیوار را در راه بود و از  
 مکر که در این نقل و خبر این  
 نقل است



عند التمجيد لله عز وجل

جعفر بن محمد قال أملى جدی علی بن الحسین

دور که خوانده من

علی ابی محمد بن علی علیهم اجمعین السلام

در روز حضرت امام مجتهد نور برای آن که بود در روز

مشهدی منی و کان من عانی علیه السلام

در حضور من و در امامت حضرت عباس امین خیریه که در آن وقت

ابتداء الدعاء بداء بالقیل و الله عز وجل

بر سر من و آنرا از آنکه در آن وقت در آن وقت

علیه فقال الحمد لله الاول بلا اول

بر سر گفتند سبب از آنکه اول است به آنکه اول است

كان قبله والاخر بلا اخر يكون بعده

پیش از او و آخر است به آنکه آخر است پس از او

الذي ضربت عن رؤيته ابصار الناظر

آنکه که گرفته است که او را دیدن او چشمها را میزند

وعجزت عن نعته او هام الواصفين

و عاجز است از وصف کردن او اندیشه های وصف کننده گان

ابتدع بقدر في الخلق ابتداء و آخرهم

پیدا آورده است بقدر خود از میان مخلوقات و آخر آن که

سبب از آنکه در آن وقت در آن وقت

عزاد از آنکه در آن وقت در آن وقت

عند التمجيد لله عز وجل

علی مشینہ اختراعاً تم سلك بهم طريق

ایش را چنانچه خود اختراع کرده پس بدین راه را

ارادته وبعثهم في سبيل محبتہ لا

اراده خود و بگذاشتن آن را راه محبت خود نیستند

يملكون تاخير فاعتا قدمهم اليه ولا

مالک تا خیر نماند از آنچه تقدیم نموده است از آنکه

يستطيعون تقدما الى ما اخرهم عنه

آنکه قادرند بر تقدیم به آنکه آخر نموده است از آنکه

وجعل لكل روج منهم قوتا معلوما

و کرد برای هر یک از ایشان روزی معلوم

مقتنوما من رزقه لا ينقص من زاده

گرفته نموده از روزی خود که کم نمیکند هر که از آن گرفته است او

ناقص ولا يزيد من نقص منهم زائدا ثم

کم نمیکند و زیاد نمیکند هر که کم نموده است ایشان زیاد نمیکند پس

ضرب له في الحياة اجلا موقوتا و نصب

تعیین کرده است برای او روزی که در آن معلوم و پدید آید

له امداء محدودا بخطا اليه باسلام

برای او نوبت معین کلام نیز بر آن نوبت بر روزی

این را چنانچه خود اختراع کرده پس بدین راه را

عزاد از آنکه در آن وقت در آن وقت











عند التحيات لله عز وجل

التي لا تزولُ ومحل كرامته التي لا  
 تحول والحمد لله الذي اختار لنا  
 محاسن الخلق وأجرى علينا طيبات  
 الرزق وجعل لنا الفضيلة بالملكية  
 على جميع الخلق فكل خلقته  
 منقاداً لنا بقدرته وصايرة إلى  
 طاعتنا بعزته والحمد لله الذي  
 أغلق عنا باب الحاجة إلا إليه فكيف  
 نطيق حنده أم متى نؤدى شكره  
 عاقبت دارم سپیدی وادارایکه ادا نمائیم کرد

عند التحيات لله عز وجل

لائمة والحمد لله الذي ركب قينا  
 الآيات الباطنة وجعل لنا أدوات القبض  
 ومنعنا بآزواج الحياة وأثبت قينا  
 جوارح الأعمال وقدنا طيبات  
 الرزق وأغننا بفضلِهِ وأقنا نائمته  
 ثم أمرنا بالختير طاعتنا ونهانا لئلا  
 شكركنا فحالفنا عن طريق أمره و  
 ركبنا متون زجره فلم يبتدرنا  
 بعقوبته ولم يعالجنا بنقمته بل  
 عاقبت خود و تمجیل فرمود با ادا دارم شکر خود کرد







التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

الْمَاضِينَ وَالْبَاقِينَ عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ  
 عِلْمُهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ وَمَكَانَ  
 كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهَا عَدَدُ مَا أَضَعَفَا  
 مُضَاعَفَةً أَبَدًا سَرْمَدًا إِلَى تَوَارِثِ الْقِيَمَةِ  
 حَسَنًا لَا مَنَاقِبَ لِحَدِّهِ وَلَا حِسَابَ لِعَدَدِهِ  
 وَلَا مَبْلَغَ لِعَافِيَتِهِ وَلَا انْقِطَاعَ لِمَدِّهِ  
 حَسَنًا يَكُونُ وَصْلُهُ إِلَى طَاعَتِهِ وَ  
 عَفْوُهُ وَسَبَبًا إِلَى رِضْوَانِهِ وَذَرْعَةً  
 إِلَى مَغْفِرَتِهِ وَطَرِيقًا إِلَى جَنَّتِهِ وَخَفِيرًا  
 إِلَى نَجَاتِهِ

فِي الصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ

مِنْ تَقِيَمَتِهِ وَأَمْنًا مِنْ غَضَبِهِ وَظَهْرًا  
 عَلَى طَاعَتِهِ وَخَاجِرًا عَنْ مَعْصِيَتِهِ وَ  
 عَوْنًا عَلَى تَأْدِيبِهِ حَقِّقَهُ وَوُطِّئْهُ حَمْدًا  
 لِنَعْدِيهِ فِي التَّعْدَاءِ مِنْ أَوْلِيَائِهِ وَ  
 نَصِيرِهِ فِي تَعْلِيمِ الشُّهَدَاءِ لِيُوفِيَ  
 أَعْدَائِهِ أَنَّهُ وَلِيُّ حَسِيدٍ وَكَانَ مِنْ  
 عَلَيْهِ سَلَامٌ نَعْدُ الْحَمْدَ الْمَلُوقَ عَلَيْهِ  
 لِقَوْلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
 مَزَّ عَلَيْنَا عَمْدُ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
 وَآلِهِ وَسَلَّمَ



فِي الصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

وَاللَّهُ دُونَ الْأُمِّ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ

وَالْأَزَلِ *وَالْأَزَلِ بِرَأْسِهِ كَمَا شِئْتَ وَتَرَاهُ*

الْثَّالِفَةِ يَقْدِرُنَهُ الْبَقِيَّةُ لَا تَقْجُرُ عَنْ شَيْءٍ

*بِقِسْمِ رَحْمَتِهِ بَعْدَ ذَلِكَ كَمَا جَاءَ فِي كِتَابِهِ*

وَأِنْ عَظُمَ وَلَا يَفُوتُهَا شَيْءٌ وَإِنْ لَطُفَ

*وَأِنْ جَدَّ بِرَحْمَتِهِ وَفِي كِتَابِهِ كَمَا جَاءَ فِي كِتَابِهِ*

فَخَتَمَ بِنَا عَلَى جَمِيعٍ مِنْ ذُرِّيَّةٍ وَجَعَلْنَا

*بَيْنَهُمْ كُودًا بِرَأْسِهِ كَمَا جَاءَ فِي كِتَابِهِ*

شُهَدَاءَ عَلَى مَنْ مُحَمَّدٌ وَكَثَرْنَا بِمَنْ

*كَوْنِهِ بِرَأْسِهِ كَمَا جَاءَ فِي كِتَابِهِ*

عَلَى مَنْ قُلُوبُ اللَّهِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

*بِرَأْسِهِ كَمَا جَاءَ فِي كِتَابِهِ*

أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ وَنَجِيكَ مِنْ خَلْقِكَ

*كَوْنِهِ بِرَأْسِهِ كَمَا جَاءَ فِي كِتَابِهِ*

وَصَفِيكَ مِنْ عِبَادِكَ إِمَامِ الرَّحْمَةِ

*وَبَيْنَهُ بِرَأْسِهِ كَمَا جَاءَ فِي كِتَابِهِ*

وَقَائِدِ الْخَيْرِ وَمِفْتَاحِ الْبَرَكَةِ

*وَكُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلْعَالَمِينَ*

فِي الصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

كَانَصَبَ لَمْ يَزَكْ نَفْسَهُ وَعَرَضَ فَيْكَ

*بِقِسْمِ رَحْمَتِهِ بَعْدَ ذَلِكَ كَمَا جَاءَ فِي كِتَابِهِ*

لِلْكَرَامَةِ بَدَنَهُ وَكَاشَفَ فِي الدُّعَا

*بِرَأْسِهِ كَمَا جَاءَ فِي كِتَابِهِ*

إِلَيْكَ حَامَتَهُ وَحَارَبَ فِي رِضَاكَ

*بِقِسْمِ رَحْمَتِهِ بَعْدَ ذَلِكَ كَمَا جَاءَ فِي كِتَابِهِ*

أَسْرَتَهُ وَقَطَعَ فِي إِحْيَاءِ دِينِكَ رَحِمَهُ

*بِقِسْمِ رَحْمَتِهِ بَعْدَ ذَلِكَ كَمَا جَاءَ فِي كِتَابِهِ*

وَأَقْصَى الْأَذْنِينَ عَلَى جُودِهِمْ وَقَرَّبَ

*بِقِسْمِ رَحْمَتِهِ بَعْدَ ذَلِكَ كَمَا جَاءَ فِي كِتَابِهِ*

الْأَقْصَيْنِ عَلَى اسْتِجَابَتِهِمْ لَكَ وَوَالِي

*بِقِسْمِ رَحْمَتِهِ بَعْدَ ذَلِكَ كَمَا جَاءَ فِي كِتَابِهِ*

فَيْكَ الْأَبْعَدِينَ وَعَادَى فَيْكَ

*بِقِسْمِ رَحْمَتِهِ بَعْدَ ذَلِكَ كَمَا جَاءَ فِي كِتَابِهِ*

الْأَقْرَبِينَ وَأَذَابَ نَفْسِهِ فِي تَبْلِيغِ

*بِقِسْمِ رَحْمَتِهِ بَعْدَ ذَلِكَ كَمَا جَاءَ فِي كِتَابِهِ*

رِسَالَتِكَ وَأَتَعَبَهَا بِالْذُّعَاءِ إِلَى مِلَّتِكَ

*بِقِسْمِ رَحْمَتِهِ بَعْدَ ذَلِكَ كَمَا جَاءَ فِي كِتَابِهِ*



فِي الصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

وَسَعَلَهَا بِالصَّحْحِ لَا هِلَ دَعُونَكَ وَ  
 وَشَوَّلَ خَشَاةً اَوَّلًا بِمَدَدِ مَرَسَلِ دَعَوْتِ تَرَا  
 مَا جَرَّ إِلَى بِلَادِ الْغُرْبَةِ وَمَحَلِّ النَّجَى  
 دَوْرَ كَرَانِ بِلَوَى بِلَادِ غُرْبَتِ وَ مَحَلِّ دَوْرِ سَهْ  
 عَنْ مَوْطِنِ رَحْلِهِ وَمَوْضِعِ رَجْلِهِ وَ  
 اَزْمَانِ بِلَاغِ مَسَلِ خُودِ وَ مَوْضِعِ قَدَمِ خُودِ  
 مَسْقِطِ رَأْسِهِ وَمَا نَزَفَتْهُ ارَادَةُ مِنْهُ  
 مَحَلِّ نَزْوِ الدَّمَنِ مَرُوحِ دَوَارِ مَحَلِّ نَفْسِ مَبَارَكِ خُودِ بِلَاغِ اَدَمِ اَو  
 لَا غَزَا زِدْ بِنِكَ وَاسْتَنْصَارًا عَلَى اَهْلِ  
 مَرُوحِ نَسَمَتِ دِينِ تَرَا دَوَارِ خُودِ سَنَنِ مَرَسَلِ  
 الْكُفْرِ بِكَ حَتَّى اسْتَبْتَّ لَهُ مَا حَاوَى  
 كُفْرَ بِنُو نَبِيِّكَ هَيْتَ شَدَّ اَزْ بِلَاغِ اَوَّلِ نَجْوِ قَصْدِ  
 فِي اَعْدَائِكَ وَاسْتَمْتَّ لَهُ مَا دَبَّرَ فِي  
 دَوْرِ رَاوَدِ شَيْئَانِ تُو دَلَامِ كَرَامَةِ اَزْ بِلَاغِ اَوَّلِ نَجْوِ قَصْدِ  
 اَوْلِيَاءِكَ فَهَذَا إِلَهُهُمْ مُتَفَتِحًا بِعَوْنِكَ  
 مَحَلِّ اَوَّلِ نَجْوِ قَصْدِ تُو دَلَامِ كَرَامَةِ اَزْ بِلَاغِ اَوَّلِ نَجْوِ قَصْدِ  
 وَمُتَفَوِّيًا عَلَى ضَعْفِهِ بِبَصْرِكَ فَغَرَامُ  
 دَوْنِ تُو دَلَامِ كَرَامَةِ اَزْ بِلَاغِ اَوَّلِ نَجْوِ قَصْدِ تُو دَلَامِ كَرَامَةِ اَزْ بِلَاغِ اَوَّلِ نَجْوِ قَصْدِ

فِي الصَّلَاةِ عَلَى حِلَّةِ الْعَرْشِ

فِي عَقْدِ يَارِهِمْ وَهَجَمَ عَلَيْهِمْ فِي حُجُوحِهِ  
 دَوْرِ بِلَاغِ خَشَاةً اَوَّلًا بِمَدَدِ مَرَسَلِ دَعَوْتِ تَرَا  
 قَرَارِهِمْ حَتَّى ظَهَرَ اَمْرُكَ وَعَلَتْ كَلِمَتُكَ  
 دَوْرِ بِلَاغِ خَشَاةً اَوَّلًا بِمَدَدِ مَرَسَلِ دَعَوْتِ تَرَا  
 وَلَوْ كَبَرَهُ الْمُشْرِكُونَ اللَّهُمَّ فَادِّعِهِ  
 دَوْرِ بِلَاغِ خَشَاةً اَوَّلًا بِمَدَدِ مَرَسَلِ دَعَوْتِ تَرَا  
 بِمَا كَدَحَ فَبِكَ إِلَى الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا  
 دَوْرِ بِلَاغِ خَشَاةً اَوَّلًا بِمَدَدِ مَرَسَلِ دَعَوْتِ تَرَا  
 مِنْ جَنَّتِكَ حَتَّى لَا يَسَاوَى فِي مَنَزَلَةٍ وَ  
 اَزْمَانِ بِلَاغِ مَسَلِ خُودِ وَ مَوْضِعِ قَدَمِ خُودِ  
 لَا يَكْفَا فِي مَرْتَبَةٍ وَلَا يُوَارِيهِ  
 دَوْرِ بِلَاغِ خَشَاةً اَوَّلًا بِمَدَدِ مَرَسَلِ دَعَوْتِ تَرَا  
 لَدَيْكَ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا بَنِي مُرْسَلٌ  
 دَوْرِ بِلَاغِ خَشَاةً اَوَّلًا بِمَدَدِ مَرَسَلِ دَعَوْتِ تَرَا  
 وَعَرَفَهُ فِي اَهْلِهِ الظَّاهِرِينَ وَامْنِهِ  
 دَوْرِ بِلَاغِ خَشَاةً اَوَّلًا بِمَدَدِ مَرَسَلِ دَعَوْتِ تَرَا  
 الْمُؤْمِنِينَ مِنْ حُزْنِ الثَّقَاةِ اَجَلًا مَا  
 دَوْرِ بِلَاغِ خَشَاةً اَوَّلًا بِمَدَدِ مَرَسَلِ دَعَوْتِ تَرَا



# فی الصلوة علی حمله العرش

وَعَدْتُهُ يَا نَافِذَ الْعِدَّةِ يَا وَافِيَ الْقَوْلِ  
 واده کرده یا نافذ عهد و وفا کننده بکفایت  
 يَا مُبْدِلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ  
 ای بدل کننده بدیها بچندین برابر آن از خوبیها

إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ  
 ای که از بزرگواری بزرگ  
 فِي الصَّلَاةِ عَلَى حَمْلَةِ الْعَرْشِ وَكُلِّ صَلَاةٍ  
 در صلوة بر ملا که بر دانه و نشاندن در ملاک و هر ملاک

اللَّهُمَّ وَحْمَلَةَ عَرْشِكَ الَّذِينَ لَا يَفْتَرُونَ  
 پروردگار ای تو بر دانه کننده عرش تو آنرا که گستاخ نیستند  
 مِنْ تَبْخِيحِكَ وَلَا يَتَأَمُّونَ مِنْ تَقْدِيرِكَ  
 از تسخیر کردن تو و دانا نیستند از اندازه بخشیدن تو  
 وَلَا يَسْتَحِيرُونَ مِنْ عِبَادَتِكَ وَلَا يُؤْتِرُونَ  
 و مانده نمی دارند از پرستش تو و خوار نمی نمایند  
 التَّقْصِيرَ عَلَى الْجِدَّةِ فِي أَمْرِكَ وَلَا يَغْفُلُونَ  
 تقصیر را بر کوشش در کار تو و غافل نمی شوند  
 عَنِ الْوَلَوِ لِيْنِكَ وَإِيْرَافِلِ صَاحِبِ الْقُبُورِ  
 از حیرانگی بسوی جناب تو و آفریننده صاحب قبر است

بجز تو چه را میبرد و چه میزداید  
 آنرا چه بد میدهد

در هر نماز و هر وقت که بخواهید  
 در هر نماز و هر وقت که بخواهید  
 در هر نماز و هر وقت که بخواهید  
 در هر نماز و هر وقت که بخواهید  
 در هر نماز و هر وقت که بخواهید  
 در هر نماز و هر وقت که بخواهید  
 در هر نماز و هر وقت که بخواهید  
 در هر نماز و هر وقت که بخواهید

در هر نماز و هر وقت که بخواهید

# في الصلوة على حمله العرش

الشَّائِخُ الَّذِي يَنْظُرُ مِنْكَ الْإِذْنَ وَحُلُولَ  
 چشم کشنده و آنست که از تو بخواهد  
 الْأَمْرِ فَيَنْبُتُ بِالْفَتْحِ صَرْغِي رَهَائِنِ الْقُبُورِ  
 فرمانروایان را که از تو بخواهد  
 وَمِنْ كَأَيْلِ ذُو الْجَاهِ عِنْدَكَ وَالْمَكَانِ  
 و از کوشش و از کوشش تو در آنجا

الرَّافِعِ مِنْ طَاعَتِكَ وَجَبْرِي الْأَمِينِ عَلَى وَحْيِكَ  
 ای بلند کننده از طاعت تو و جبریل امین بر وحی تو  
 الْمَطَاعِ فِي أَهْلِ سَوَائِكَ الْمَكِينِ لَدَيْكَ  
 و مطاع در میان اهل آسمانهای تو صاحب قدرت در پیش تو

الْمُقَرَّبِ عِنْدَكَ وَالزَّوْجِ الَّذِي هُوَ عَلَى مَلَكَةٍ  
 مقرب نزد تو و زوجی که بر ملاک  
 الْحَبِيبِ وَالرَّوْحِ الَّذِي هُوَ مِنْ أَمْرِكَ اللَّهُمَّ  
 محبوب و آن روحی که از امر تو است

فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ مِنْ  
 و برکت بفرست بر ایشان و بر فرشتگان که با ایشان  
 دُونِهِمْ مِنْ سُكَّانِ سَوَائِكَ وَأَهْلِ الْأَمْنِ  
 اینست از ساکنان آسمانهای تو و اهل امانت

چشم کشنده از اول و آنست که از تو بخواهد  
 چشم کشنده از اول و آنست که از تو بخواهد  
 چشم کشنده از اول و آنست که از تو بخواهد  
 چشم کشنده از اول و آنست که از تو بخواهد  
 چشم کشنده از اول و آنست که از تو بخواهد  
 چشم کشنده از اول و آنست که از تو بخواهد  
 چشم کشنده از اول و آنست که از تو بخواهد  
 چشم کشنده از اول و آنست که از تو بخواهد

در هر نماز و هر وقت که بخواهید

در هر نماز و هر وقت که بخواهید

در هر نماز و هر وقت که بخواهید

در هر نماز و هر وقت که بخواهید

در هر نماز و هر وقت که بخواهید

در هر نماز و هر وقت که بخواهید

در هر نماز و هر وقت که بخواهید

در هر نماز و هر وقت که بخواهید



في الصلوة على حملة الكرش

عَلَى رِسَالَتِكَ وَالَّذِينَ لَا تَدْخُلُهُمْ سَامَةٌ  
 مِنْ دُونِ وَلَا اِغْيَاءٌ مِنْ غُوبٍ وَلَا فُتُورٌ  
 وَلَا تَغْلَهُمْ عَنْ تَسْبِيحِكَ الشَّهَوَاتُ وَلَا  
 يَقْطَعُهُمْ عَنْ تَعْظِيمِكَ هَوَا الْعَفْلَانِ الْخُشَعِ  
 الْاِكْبَارِ وَلَا يَرُومُونَ النَّظَرَ إِلَيْكَ التَّوَّابِينَ  
 الْأَذْقَانِ الَّذِينَ قَدْ طَلَتْ رَغْبَتُهُمْ فِيمَا  
 لَدَيْكَ السُّنْهَرُونَ بِذِكْرِ الْإِيكِ وَالْمَوَاضِعُونَ  
 دُونَ عَظَمَتِكَ وَجَلَالِ كِبَرِيَاكَ وَ  
 الْبَيْنِ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ تَرَفُّوْا  
 وَأَنَّا كَمَا يَكُونُ حِينَ نَنْظُرُ كُنْهِنَا

بعضی از دفعه‌ها در کتاب است  
و مانند کتاب ن باشد

1870

عزیزات تو کو روزم عبادت  
بر تعلیم

[illegible]

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the previous page, mentioning "الشيخ" (the scholar) and "المرجع" (the reference).

یغیر نسخ و تقدیر بحار طعام و آب  
و حقیقت بیاد معلوم است

في الصلاة على حمله العرش

عَلٰی اَهْلٍ مَّعْصِيٰنِكَ سُبْحَانَكَ مَا عِبَدْنَاكَ  
 اَهْل مَعْصِيَت تو خداوند ايستگي تو پرستيدم كه در اين  
 حَقِّ عِبَادَتِكَ فَضَّلَ عَلَيْهِمْ وَعَلَىٰ اَرْوَاحِنَا  
 حق پرستيدن تو را بر حق پرستيدن بندگان ديگر از اهل  
 مِنْ مَّلِكِكَ وَاهْلِ الرَّفْعَةِ عِنْدَكَ  
 از فرشتگان تو و اهل قرب منزلت نزد تو  
 وَحُتَمَا الْغَيْبِ اِلَىٰ رُسُلِكَ وَالْمُؤْمِنِينَ  
 و انبيا كه در اينده امور پنهاني را به رسول تو رسانند  
 عَلٰى وَحْيِكَ وَقِبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ  
 بر وحي تو و رحمت پرست بندگان مختلفه و فرشتگان كه  
 اخْتَصَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَاعْنِيَهُمْ عَنِ الطَّغَا  
 مخصوص كرد اينده آنها را براي ذات خود و بشارت كرد اينده اهل از خود  
 وَالشَّرَابِ يَفْقَدُ بِسِكَ وَاَسْكَنَهُمْ  
 و شراب بدين سبب و تفديلي خود و ساكن ساخت اين را  
 بَطُونِ اَطْلَاقِ سَمَوَاتِكَ وَالَّذِينَ عَلٰى اَرْوَاحِهِمْ  
 را از اهل طيفه اهل آسمانهاست خود و آنها را كه رساننده امر بكنند  
 اِذَا اُنْزِلَ الْاَمْرُ بِتِلْكَ اَمْرِكَ وَعِدِكَ وَخُرُوجِ  
 بكنند كه در و آيد فرمان تو بگويم شكنند و عدو تو را بكنند و خزان

کشف کبر از زلف انجمن  
 خواجه نصیر کدورت  
 راقی از زلف انجمن  
 یار اهل انجمن  
 کرده اند سخن از بیخ لغت  
 کرد و سخن که بگوید  
 از رخ و کبر و شکست  
 جنات و جنت  
 و گفتن از صفات

بیت خرمایا شهادت از حق معصوم  
توبه منکران بر سر راه

و در این کتاب نیز گفته شده است که

عرضه اجلاس

که خدا را می شناسد  
و حق را می شناسد  
و حق را می شناسد  
و حق را می شناسد

و ان شاء الله تعالی

فان كان المالك قد اصابه  
موت قبل ان ياتي به المالك  
فان كان المالك قد اصابه











# اتباع الرسل

دَهْرُ وَرَمَانِ ارْسَلَتْ فِيهِ رُسُلًا وَاَقَمْتُ  
 لَامِلُهُ دَلِيلًا لِمَنْ لَدُنْ اَدَمَ اِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ  
 عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ اُيْمَةِ الْهُدَى وَقَادَةَ  
 اَهْلِ النَّقَى عَلَى جَمِيعِهِمُ الْكَلَامُ فَاذْكُرْهُمْ  
 مِنْكَ بِمَعْنَى قَوْلِ رِضْوَانِ اللَّهِ وَاصْحَابِ  
 مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ احْسَنُوا الصَّحَابَةَ  
 وَالَّذِينَ ابْلَوْا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ  
 وَكَافَرُوهُ وَاسْرِعُوا اِلَى وَقَادَتِهِ  
 وَسَابِقُوا اِلَى دَعْوَتِهِ وَاسْتَجَابُوا اِلَيْهِ

بزرگداشت ائمه زابو

اسما حضرت علی و ائمه زابو  
 صلوات الله علیهم اجمعین  
 در بیان احوال و صفات  
 و احوال از دنیا رفته باشند

# اتباع الرسل

حَيْثُ اشْهَعَهُمْ حُجَّةً رَسَالَتِهِ وَفَارَقُوا  
 الْاَزْوَاجَ وَالْاَوْلَادَ فِي اَظْهَارِ كَلِمَتِهِ  
 وَقَاتَلُوا الْاَبَاءَ وَالْاَبْنَاءَ فِي تَبْلِيغِ  
 نُبُوَّتِهِ وَانْصَرَوْا بِهِ وَمَنْ كَانَ مِنْ مُنْطَوِينَ  
 عَلَى حُجَّتِهِ يَرْجُونَ تَجَارَةً لَنْ يَتُورَ فِي  
 مَوَدَّتِهِ وَالَّذِينَ هَجَرْتَهُمُ الْعَشَائِرُ اِذَا  
 تَعَلَّقُوا بِغُرُونِهِ وَانْفَقَتْ مِنْهُمْ الْقَرَابَاتُ  
 اِذْ سَكَنُوا فِي ظِلِّ قَرَابَتِهِمْ فَلَا تَنْسَ  
 لَهُمُ اللَّهُمَّ مَا تَرَكُوا لَكَ وَفِيكَ وَارْضِهِمْ

بزرگداشت ائمه زابو

عز و شرف دل و دوزخ و گناه  
 آنکه در این مقام  
 مجازات  
 و گناهان است که در این مقام  
 مجازات  
 و گناهان است که در این مقام  
 مجازات



# اتباع الرسل

مِنْ رِضْوَانِكَ وَعَمَّا خَشُوا الْخَلْقَ عَلَيْكَ  
 وَكَانُوا مَعَ رَسُولِكَ دُعَاةَ لَكَ إِلَيْكَ  
 وَأَشْكُرُهُمْ عَلَى هَجْرِهِمْ فِيكَ دِيَارَ قَوْمِهِمْ  
 وَخُرُوجِهِمْ مِنْ سَعَةِ الْعَاشِرِ إِلَى ضَيْقِهِ  
 وَمَنْ كَثُرَتْ فِي غَزَا زِدْ بِكَ مِنْ  
 مَظْلُومِهِمُ اللَّهُمَّ وَأَوْصِلْ إِلَى التَّائِبِينَ  
 لَهُمْ يَا خُسَّانَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا  
 اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا  
 بِالْإِيمَانِ خَيْرَ جَزَائِكَ الَّذِينَ قَصَدُوا

یعنی وقتی که  
 بفرستاده خود را  
 بپسندیدند و  
 کرده اند و این  
 جع کرده اند و این

یعنی پس از آن  
 که از دنیا رفتند  
 و این

یعنی پس از آن  
 که از دنیا رفتند  
 و این

# اتباع الرسل

سَمْنَهُمْ وَتَحَرَّوْا وَجْهَهُمْ وَمَضَوْا عَلَى  
 شَاكِلِهِمْ لَمْ يَنْتَبِهْ رَيْبٌ فِي بَصِيرِهِمْ  
 وَلَمْ يَخْتَلِجْهُمْ شَكٌّ فِي قَفْوَانِ رَهْمِهِمْ  
 وَالْإِقْتِمَامِ هِدَايَةِ مَنْ أَرَاهِمُ مَكَافِيهِمْ  
 وَمُوَازِينَ لَهُمْ يَدَيُنْوَ يَدَيْهِمْ وَ  
 يَهْتَدُونَ بِهَدْيِهِمْ يَتَفَقَّحُونَ عَلَيْهِمْ  
 وَلَا يَتَهَيَّبُونَهُمْ فِيمَا أَدَّوْا إِلَيْهِمْ اللَّهُمَّ  
 وَصَلْ عَلَى التَّائِبِينَ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا  
 إِلَى يَوْمِ الدِّينِ وَعَلَى أَزْوَاجِهِمْ وَعَلَى ذُرِّيَّتِهِمْ

یعنی پس از آن  
 که از دنیا رفتند  
 و این

یعنی پس از آن  
 که از دنیا رفتند  
 و این

یعنی پس از آن  
 که از دنیا رفتند  
 و این



# اتباع الرسل

وَعَلَىٰ مَنْ أَطَاعَكَ مِنْهُمْ صَلَواتُ تَعِظُهُمْ بِهَا  
 مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَفَتَحَ لَهُمْ فِي رِيَاضِ  
 جَنَّتِكَ وَتَمَنَّهُمْ بِهَا مِنْ كَيْدِ  
 الشَّيْطَانِ وَتَعَيُّتُمْ بِهَا عَلَىٰ مَا اسْتَعَانُوا  
 عَلَيْهِ مِنْ بَرٍّ وَتَقِيَهُمْ طَوَارِقَ اللَّيْلِ  
 وَالتَّهَارِ الْأَطَارِقَ يَطْرُقُ بِخَيْرٍ وَتَعِظُهُمْ  
 بِهَا عَلَىٰ اعْتِقَادِ حُسْنِ الزَّجَاءِ لَكَ  
 وَالظَّمْعِ فِيمَا عِنْدَكَ وَتَرَكِ الثُّمَّةَ  
 فِيمَا تَحْوِيهِ أَيْدِي الْعِبَادِ لِيَرُدَّهُمْ

وَعَلَىٰ مَنْ أَطَاعَكَ مِنْهُمْ صَلَواتُ تَعِظُهُمْ بِهَا  
 مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَفَتَحَ لَهُمْ فِي رِيَاضِ  
 جَنَّتِكَ وَتَمَنَّهُمْ بِهَا مِنْ كَيْدِ  
 الشَّيْطَانِ وَتَعَيُّتُمْ بِهَا عَلَىٰ مَا اسْتَعَانُوا  
 عَلَيْهِ مِنْ بَرٍّ وَتَقِيَهُمْ طَوَارِقَ اللَّيْلِ  
 وَالتَّهَارِ الْأَطَارِقَ يَطْرُقُ بِخَيْرٍ وَتَعِظُهُمْ  
 بِهَا عَلَىٰ اعْتِقَادِ حُسْنِ الزَّجَاءِ لَكَ  
 وَالظَّمْعِ فِيمَا عِنْدَكَ وَتَرَكِ الثُّمَّةَ  
 فِيمَا تَحْوِيهِ أَيْدِي الْعِبَادِ لِيَرُدَّهُمْ

# اتباع الرسل

إِلَى الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَالرَّهْبَةِ مِنْكَ وَ  
 تَوَقَّعُهُمْ فِي سَعَةِ الْعَاجِلِ وَتُحِبُّ  
 إِلَيْهِمُ الْعَمَلَ لِلْأَجْلِ وَالْإِسْتِعْدَادَ لِلْمَا  
 بَعْدَ الْمَوْتِ وَتَهْوُونَ عَلَيْهِمْ كُلَّ كَرْبٍ  
 يَحُلُّ بِهِمْ يَوْمَ خُرُوجِ الْأَنْفُسِ مِنْ أَجْدَانِهَا  
 وَتُعَافِيهِمْ بِمَا تَقَعُ بِهِ الْفِتْنَةُ مِنْ  
 مَحْذُورَاتِهَا وَكِبَّةِ النَّارِ وَطُولِ  
 الْخُلُودِ فِيهَا وَتَصِيرُهُمْ إِلَى آمْنٍ مِنْ مَقِيلِ  
 الْمُتَّقِينَ وَكَانَ مِنْ عَمَلِ الرُّسُلِ أَنْ يَنْفَعُوا

یا از دست دهن پرورش  
 از این دنیا  
 از این دنیا



نفس داهله

داهله لايت يا من لا تنقضي عجائب  
عظمته صل على محمد وآله واجبتنا  
عن الاتحاد في عظمته ويا من لا تنقضي  
ممن ملوكه صل على محمد وآله واعق  
رقابتنا من نعمته ويا من لا تنقضي خزائن  
رحمته صل على محمد وآله واجعل  
لنا نصيبا في رحمته ويا من لا تنقطع  
دور رؤيته الا بشار صل على محمد  
وآله واذننا الى قريته ويا من تصغر

بیشتر از بقیه در کمال الوهیت  
بیشتر از بقیه در کمال العزیزیت  
بیشتر از بقیه در کمال الجلالیت

بعضی خوان کیدر که ما که ده ایم با دیگران ده و آنرا عطف و یا غیر آنکه کار هر کس باشد  
بکری که کند گمان مانند اینکه اگر خطا کنیم ما را تنبیه بفرماید و بعباس  
بنوا که سبب جرات و دلیر باشد و اصرار و رزم و خطا و  
مدتها برین بگذرد که ما اصرار و رزم و خطا و  
و آخر بیک معاذ را استقامت هر چه باشد

نفس داهله

عند خطره الا بشار صل على محمد وآله  
وكرمنا عليك ويا من تظهر عند  
بواطن الاخبار صل على محمد وآله  
ولا تقصنا لديك اللهم اغثنا عن  
هبة الوهابين بهمينك واكفنا  
رخصة القاطعين بصلتك حتى لا  
نرغب الى احد مع بذك ولا نشو  
من احد مع فضلك اللهم فصل على  
محمد وآله وكذا لنا ولا تكذ علينا

بیشتر از تو که امر بشیر

بیشتر از تو که امر بشیر  
بیشتر از تو که امر بشیر  
بیشتر از تو که امر بشیر

بیشتر از تو که امر بشیر  
بیشتر از تو که امر بشیر  
بیشتر از تو که امر بشیر



تقر و آله

وَأَمَّا كُرْنَا وَلَا تَمْكُرْنَا وَادِلْنَا

والمكر كسر الزاوية والمكر كسر الجا وغلب و هو طارا

وَلَا تُدِلْ مِنَّا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

مفتوحه، یکرا از ابراهیم در خدا یادعت نبوت به محمد و الهام

وَقِنَا مِنْكَ وَاحْفَظْنَا بِكَ وَاهْدِنَا

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ رِزْقٌ مِنْ رَبِّهِ وَكَفَّتْ لَاحِقَةُ الْأَنْفُسِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ

إِلَيْكَ وَلَا تُبَاعِدُنَا عَنْكَ إِنَّ مِنْ قِبَلِهِ

بسوی خود و در مکره ان مارا از خود بدستی که هرگز ننگه ناری

يَسْلَمُ وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَعَلَهُ وَمَنْ يَقْرَبِكُمْ

بسم الله الرحمن الرحيم

يَغْنَمُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ

غنی مسرور بار خایا بهت بخت بر محمد و آل او و

اَكْفِيَا حَدَّثَنَا ابْنُ الزَّيْمَانِ وَشَرَرُ

کتابت کفر از انبیا و ائمه و اولاد و زکات و صدقه

مَصَائِدِ الشَّيْطَانِ وَمَرَارَةُ صَوْلَةٍ

و اجماعی مشیطان علی

السُّطَّارِ اللَّهُمَّ إِنَّمَا يَكْفِي الْمُكْنَفُونَ

پایستاد. خداوند این گفتار را بیکدیگر می‌افزاید.

یا مفضل بن حکم دولت بده مارا  
و میر دولت را از ما

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

خبر از این که این کتاب از  
یغفر خرد گوشت کار است  
مستوفی است

نفس و آله

بِفَضْلِ قُوَّتِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَآفِئْنَا

مکر بفضل غوث تو ایست غوث بر محمد و آل او و کتب

وَإِنَّمَا يُعْطَى الْمُعْطُونَ مِنْ فَضْلِ جَدِّكَ

و بعد میکنند عطسه کنند کنان که از آنجا با دستهای عطسه می کنند

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاعْطِنَا وَإِنَّمَا

پس رحمت و بخت بر محمد و آل او و عطا کرم ما را و راه

يَهْدِي الْمُتَدُونُ يَوْمَ وَجْهَكَ فَضْلًا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافِدِنَا اللَّهُمَّ إِنَّكَ

بقوت بر محمد و آل او دریا و آفاق را از خدا جدا کردند

مَنْ وَالَيْتَ مَعَهُ لَمْ يَضُرَّهُ خِذْلَانُ

تو به کرباوری و اور سمنه فیست خاورد از خوار کرده ن

الْخَازِلِينَ وَمَنْ أُعْطِيَ لَمْ يَنْقُصْهُ مِنْهُ

خداوند گمان و هر کرا عطا نمود و نقیضه میرزا و اورا

الْمُتَّقِينَ وَمَنْ هَدَيْتَ لَمْ يَغْوِهِ إِضْلَالٌ

از دارنه کانی و دیگر که از راه ملوک کمره ای می سازد و اورا

المُصَلِّينَ فَضَّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَمْنَعْنَا

مکملہ کنندہ ن پیمائش حضرت محمد و آل او و باز وادار



# نفسه و اهله

يَعْلَمُكَ مِنْ عِبَادِكَ وَأَعِزَّنَا عَنْ غَيْرِكَ  
 بخت خود از بندگان و بزرگواران ما را از غیر خود  
 يَا رَفَائِكَ وَأَسْأَلُكَ بِمَا سَبَّحَكَ الْحَقُّ يَا شَادِدَ  
 بخت خود و بسیار بار ابراهیم بر نفس خود  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ  
 یا خدا ای رحمت نبوت بر محمد و آل او و بگردان  
 سَلَامَةً قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ وَفَرَاغِ  
 سکای دلهای ما را در یاد کردن بزرگواری خود و بگردان فرا  
 أَبْدَانِنَا فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ وَأَنْظِلْ لَنَا الْبَرَاقَاتِ  
 به نهایی ما را در شکرگذاری نعمت خود و بگردان نیززبانده ما را  
 فِي وَصْفِ مَنِّكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
 در وصف کردن نعمت خود خداوند رحمت نبوت بر محمد  
 وَآلِهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ دُعَاكَ الدَّاعِينَ  
 و آل او و بگردان ما را از خوانندگان خود که میخواهند مردمان را  
 إِلَيْكَ وَمُدَاتِكَ لَتَاتِنَ عَلَيْكَ وَمِنْ  
 بسوی تو و آیدمان تو که دعوت میکنند بسوی تو و از  
 خَاصَّتِكَ الْخَاصِّينَ لَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
 خاصان تو که مخصوصند نزد تو ای مهربانترین مهربانان

بعضی از کلمات این دعا را  
 در روزهای پنجشنبه و یکشنبه  
 و جمعه و روزهای دیگر  
 بخواند و حاجت او برآید

# عند المأوا

وَكَانَ مِنْ عِبَادِكَ وَأَعِزَّنَا عَنْ غَيْرِكَ  
 و بود از عبادت آنحضرت علیه السلام نزد صبح و شام  
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ  
 سپاس از خداوند که آفرید شب و روز را  
 يَقْوِيهِ وَمَنْ يَنْتَهِيهَا بِقُدْرَتِهِ وَجَعَلَ  
 بقوت خود و جاست داد بندگان را بقوت خود و گردانید  
 لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ مَا أَحَدٌ خَدُّوْا  
 برای هر یک از آنها نهایت  
 وَأَمَّا مَنْ دُوْدَ أَيُّوْبَ كُلِّ وَاحِدٍ  
 و اما مانند کشیده و مثل میزد بر یک  
 مِنْهُمْ فِي صَاحِبِهِ وَيُؤَلِّجُ صَاحِبَهُ  
 از شب و روز را در صاحب او و در مثل میزد صاحب او را  
 فِيهِ يَتَقَدَّرُ مِنْهُ الْعِبَادُ فَمَا يَغْدُوهُمْ  
 در او بتقدیر اندازد از عبادت او که میخواهند مردمان را  
 بِهِ وَيَنْتَهِي عَنْهُ فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ  
 آن را و نشود خاموشی از ایشان پس آفرید برای ایشان شب را  
 لِيَكُنْ نَوَافِهِ مِنْ حَرَكَاتِ التَّعَبِ  
 تا بیاید آمدن در آن از حرکتی که سبب تعب

بعضی از کلمات این دعا را  
 در روزهای پنجشنبه و یکشنبه  
 و جمعه و روزهای دیگر  
 بخواند و حاجت او برآید







# عند الصباح والمساء

فِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا سَكَنَةٌ وَ  
 فِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا سَكَنَةٌ  
 وَفِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا سَكَنَةٌ  
 عَلَى فِي الْهَوَاءِ وَمَا كُنْتَ تَحْتَ الثَّرَى  
 أَصْبَحْنَا فِي قُبُورِكَ يَحْيَا مَلَكُكَ  
 وَسُلْطَانُكَ وَتَضَعْنَا مَشْيُكَ وَتَقْصُرُ  
 عَنْ أَمْرِكَ وَتَقْلِبُ فِي تَذْيِيرِكَ لَيْسَ لَنَا  
 مِنَ الْأَمْرِ إِلَّا مَا قَضَيْتَ وَلَا مِنْ الْخَيْرِ  
 إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ وَهَذَا يَوْمُ مَحَادِثٍ  
 جَدِيدٍ وَهُوَ عَلَيْنَا بِشَامِدٌ عَتِيدٌ  
 أَنْ يَكُونَ يَوْمُ مَحَادِثٍ

ترجمه است برادران من  
 که در میان هرگاه خواهد بود  
 جمع کند و هرگاه خواهد  
 پاک کند و هرگاه خواهد  
 و هرگاه خواهد  
 و هرگاه خواهد  
 و هرگاه خواهد  
 و هرگاه خواهد  
 و هرگاه خواهد

# عند الصباح والمساء

در وقت صبح و عصر  
 در وقت صبح و عصر  
 در وقت صبح و عصر  
 در وقت صبح و عصر  
 در وقت صبح و عصر  
 در وقت صبح و عصر  
 در وقت صبح و عصر  
 در وقت صبح و عصر

أَحْسَنَ وَذَعْنَا مُحَمَّدًا وَإِنْ سَأَلْنَا فَاقْبَلْنَا  
 بِذِمَّةِ اللَّهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْنَا  
 حَسَنَ مُصَاحِبَةٍ وَأَعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ  
 مُفَارَقَةٍ بَارِكْ يَا رَبُّ فِيهِ وَأَوْقِرْ فِيهِ  
 صَغِيرَةً أَوْ كَبِيرَةً وَأَجْزِلْ لَنَا فِيهِ  
 الْحَسَنَاتِ وَأَخْلِفْ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ  
 وَأَمْلَأْ لَنَا مَا بَيْنَ طَرَفَيْهِ حَمْدًا وَشُكْرًا  
 وَأَجْرًا وَذَخْرًا وَفَضْلًا وَإِحْسَانًا  
 اللَّهُمَّ يَسِّرْ عَلَى الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ  
 حَمْدًا وَشُكْرًا

ترجمه است برادران من  
 که در میان هرگاه خواهد بود  
 جمع کند و هرگاه خواهد  
 پاک کند و هرگاه خواهد  
 و هرگاه خواهد  
 و هرگاه خواهد  
 و هرگاه خواهد  
 و هرگاه خواهد  
 و هرگاه خواهد



# عند الصباغ والثناء

وَأَمَّا لَنَا مِنْ حَسَنَاتِنَا صَحَابَتُنَا وَلَا  
 نَحْنُ نَعْنَدُهُمْ يَوْمَ أَعْمَلْنَا اللَّهُمَّ  
 اجْعَلْ لَنَا فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِهِ  
 حَقًّا مِنْ عِبَادَتِكَ وَنَصِيحًا مِنْ شُكْرِكَ  
 وَشَاهِدًا صِدْقٍ مِنْ مَلَائِكَتِكَ اللَّهُمَّ  
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاحْفَظْنَا مِنْ بَيْنِ  
 أَيْدِينَا وَمِنْ خَلْفِنَا وَعَنْ أَيْمَانِنَا وَعَنْ  
 شِمَائِلِنَا وَمِنْ جَمِيعِ تَوَاجِبِنَا حِفْظًا  
 غَاصِمًا مِنْ مَعْصِيَتِكَ مَا دَيَّا إِلَى طَاعَتِكَ

بسم الله الرحمن الرحيم  
 اللهم صل على محمد وآل محمد  
 وارزقنا من حسناتك ما نحتاجه  
 من عبادتك وشكرتك

# عند الصباغ والثناء

وَأَمَّا لَنَا مِنْ حَسَنَاتِنَا صَحَابَتُنَا وَلَا  
 نَحْنُ نَعْنَدُهُمْ يَوْمَ أَعْمَلْنَا اللَّهُمَّ  
 اجْعَلْ لَنَا فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِهِ  
 حَقًّا مِنْ عِبَادَتِكَ وَنَصِيحًا مِنْ شُكْرِكَ  
 وَشَاهِدًا صِدْقٍ مِنْ مَلَائِكَتِكَ اللَّهُمَّ  
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاحْفَظْنَا مِنْ بَيْنِ  
 أَيْدِينَا وَمِنْ خَلْفِنَا وَعَنْ أَيْمَانِنَا وَعَنْ  
 شِمَائِلِنَا وَمِنْ جَمِيعِ تَوَاجِبِنَا حِفْظًا  
 غَاصِمًا مِنْ مَعْصِيَتِكَ مَا دَيَّا إِلَى طَاعَتِكَ

مُسْتَعْلًا لِحَبْلِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى  
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَوَفِّقْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا  
 وَلَيْلَتِنَا هَذِهِ وَفِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا  
 لَا سِتْعَالَ الْخَيْرِ وَهَجْرَانِ الشَّرِّ  
 شُكْرًا لِنِعْمِ وَاتِّبَاعًا لِسُنَنِ  
 مُحَابَبَةِ الْبِدْعِ وَالْإِمْرَاءِ بِالْمَعْرُوفِ  
 وَالْتِهَانِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَحِيَاطَةِ  
 الْإِسْلَامِ وَانْتِقَاصِ الْبَاطِلِ  
 إِذْ لَا إِلَهَ وَلَا نَصْرَةَ الْحَقِّ وَاعْزَاؤُهُ

وَلِيَّائِنَا

بسم الله الرحمن الرحيم

يا رب العالمين



عند الفباغ والباء

وَأَرْشَادِ الضَّالِّ وَمُعَاوَنَةِ الضَّعِيفِ  
 وراه نمودن کراه و در راهی کردن ضعیف  
 وَأَذْرَاكَ اللَّهُمَّ الضَّعِيفِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى  
 و در پیشانی مستعید و خداوند ارحمت بخت بر  
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْهُ أَيْمَنَ يَوْمَ عَهْدِنَا  
 محمد و آل او و بگردان این روز را ایمن تر از روز دیگر  
 وَأَفْضَلَ صَاحِبِ صَحْبَانِهِ وَخَيْرِ وَقْتِ  
 و کمال تر صاحب کبریا و بهترین وقت  
 ظِلِّكَ فِيهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِيكَ مِنْ مَرٍّ  
 که پس برده ایم از آن و بگردان ما را از خشنودترین  
 عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ مِنْ جَلَّةِ خَلْقِكَ  
 که بیشتر است بر شب و روز از جلالت او  
 أَشْكُرُهُمْ لِمَا أَوْلَيْتَ مِنْ نِعْمَتِكَ وَأَقْوَمُهُمْ  
 شکر کننده را آنچه ایستاد و آنچه از نعمت خود  
 بِمَا شَرَعْتَ مِنْ شَرَائِعِكَ وَأَوْفَقُهُمْ  
 از گردان آنچه شیوه و حد از شرع خود و باز ایستاده ترین  
 عَمَّا حَدَّثْتَ مِنْ نَهْيِكَ اللَّهُمَّ  
 از آنچه ترسانیده از آن از نهی خود خداوند

از جمله این که گفته اند که بگردان  
 از جمله این که گفته اند که بگردان  
 از جمله این که گفته اند که بگردان

عند المباع والباء

إِنِّي أَشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ وَاشْهَدُ  
 بر منی که گواه بگیرم ترا و کفایت کند ترا  
 سَمَاءَكَ وَأَرْضَكَ وَمَنْ أَسْكَنْهُمَا  
 آسمان ترا و زمین ترا و هر که اسکان دهد در آنها  
 مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَسَائِرِ خَلْقِكَ  
 از فرشتگان تو و سایر آفریده های تو  
 فِي يَوْمِي هَذَا وَسَاعَتِي هَذِهِ وَلِيْلَتِي  
 در این روز و در این ساعت و در این شب  
 هَذِهِ وَمُسْتَقَرِّي هَذَا إِنِّي أَشْهَدُ  
 و در این جا بگذرم و در این جا بمانم  
 أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ قَائِمٌ  
 تو هستی تو خدا هستی که نیست خدای دیگر تو پایدار  
 بِالْقِسْطِ عَدْلٌ فِي الْحُكْمِ رَوْفٌ بِالْعِبَادِ  
 انصاف و عدل در حکم و مهربانی با بندگانش  
 مَالِكُ الْمَلِكِ رَحِيمٌ بِالْخَلْقِ وَأَنْ مُحَمَّدًا  
 مالک پادشاهان و رحیم بر خلق و آن محمد  
 عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَخَيْرُكَ مِنْ  
 بنده است و رسول است و بهترین است از

شهادت  
 کواسته

مجلس اول

الذی  
 از جمله این که گفته اند که بگردان

از جمله این که گفته اند که بگردان



کَلِّ رَحِمَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

پس ہم چیزہ بھجھو اس تو یہ گفتگو فسران بردارند

پس ہم چیزہ بھجھو اس تو یہ گفتگو فسران بردارند



# عند الكرب

وَبَارِ ادَّتِكَ دُونَ نَفْسِكَ مُتَزَجَّةً أَنْتَ  
 و بجز او را و تو هستی نه تو نموتی تو هستی  
 الْمَدْعُو لِلْمَهْمَاتِ وَأَنْتَ الْمَفْزَعُ فِي  
 خوانده شده برای کارهای سخت و تو هستی پناه  
 الْمُلْهَاتِ لَا يَنْدِفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعَهُ  
 که از آن شود دفع نمیشود از پلایا مگر آنچه دفع کند تو  
 لَا يَنْكُشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفَ وَقَدْ  
 برطرف نمیشود از آنها مگر آنچه برطرف کند تو بحقیق  
 نَزَلَ بِي يَارَبِّ مَا قَدْ تَكَادَى ثِقَلُهُ وَالْمُتَزَجَّةُ  
 که فرود آمده است برای پروردگار که نزدیک شد ثقل او و متزج شده  
 بِي مَا قَدْ بَهْطَنِي حِمْلُهُ وَبِقَدْرَتِكَ أَوْدَيْتَنِي  
 و تا نزد من شد بار من که بر من است و بقدرت تو اودان نمودی مرا  
 عَلَى وَسْطِ طَائِفِكَ وَجْهَتَهُ إِلَى فَلَا مَصْدَرَ  
 بر من و بر وسط طایفه تو و چهره او را به سوی فلان مگردان  
 لِمَا أَوْرَدْتَ وَلَا صَارِفَ لِمَا وَجَّهْتَ  
 که آنچه وارد نمودی و آنچه را که از آن دور گردانی  
 وَلَا فَالَاحَ لِمَا أَفْلَقْتَ وَلَا مَغْلِقَ لِمَا  
 و نیست گشاینده برای آنچه را که تو گشایدی و نیست بستنده برای آنچه را که تو

بجز در کارهای سخت که عاجز  
 شود از انجام دادن و دور  
 میطلبند

# عند الكرب

فَتَحْتَ وَلَا مَيْسَرَ لِمَا عَسَيْتَ وَلَا نَاصِرَ  
 تو گشایدی و نیست آسان کننده و آنچه را که تو برودار کرده هستی یا درنده  
 لِمَنْ خَذَلْتَ فَصَلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْتَحْ  
 مرا از کار خود که تو بر من هستی بفرست بر محمد و آل او و بگشاید  
 لِي يَارَبِّ بَابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِكَ وَكَفَرِ  
 برای من ای پروردگار در درخت را بفضل خود و بشکنت  
 عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ جَوْلِكَ وَأَنْلِي حُسْنِ  
 از من سلطنت اندوه را بفرست خود و برسان مرا بخیر و دل  
 النَّظَرِ فِيمَا شَكَوْتُ وَأَذِقْنِي حِلَاوَةَ  
 در آنچه شکوه کردم و بچش من را شیرینی  
 الصُّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ  
 کار در آنچه طلب کردم و بخش مرا از نزد خود  
 رَحْمَةً وَفَرَجًا وَاجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجًا  
 رحمت و در آسای و بگردان برای من از جانب خود بدرستی  
 وَحَيًّا وَلَا تَشْغَلْنِي بِالْأَهْمَامِ عَنْ تَعَاهِدِ  
 زود از این پلای مشغول گردان مرا با احوال و از رعایت لاف  
 فَرَوْضِكَ وَاسْتِغْمَالِ سِتْنِكَ وَمَوَالَاةِ  
 و اجابت تو و گردن سستیهای تو

و بجز در کارهای سخت که عاجز  
 شود از انجام دادن و دور  
 میطلبند  
 و بجز در کارهای سخت که عاجز  
 شود از انجام دادن و دور  
 میطلبند



في الاستعادة

أَوْلِيَايَكَ وَمُعَادَاةَ أَعْدَائِكَ فَقَدْ  
خُفِّتُ لِمَا نَزَلَ بِي يَا رَبِّ دَرَعًا وَمِنْ لَدُنْكَ  
يَحْمِلُ مَا حَدَثَ عَلَيَّ هَمًّا وَأَنَا الْقَادِرُ  
عَلَى كَشْفِ مَا مُنِيتُ بِهِ وَدَفْعِ مَا  
وَقَعْتُ فِيهِ فَأَفْعَلْ بِي ذَلِكَ وَإِنْ لَمْ  
أَسْتَوْجِبْهُ مِنْكَ يَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

و بود از دعا آن حضرت علیه السلام در پنجاستین از مکر و بهمان و خوشبختی است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هِجَانِ الْخَرَصِ  
وَسُورَةِ الْغُضْبِ وَغَلْبَةِ الْحَسَدِ وَضَعْفِ  
وَأَذَى الْخَسَمِ

خداوند منم که از هجاء و خرابی و سوره غضب و غلبه حسد و ضعف و آذی خصم

در کتابخانه کتب خطی  
مسجد جامع از کتب خطی  
توسط کاتبان  
تألیف شود

في الاستغابة

الصَّبْرُ وَقِلَّةُ الْقَنَاعَةِ وَشَكَاةُ الْخَلْقِ  
 واز سرشت خویشتن و از سرشت خلق  
 وَالْحَاجُ الشَّهْوَةَ وَمَلَكَ الْحَمِيَّةَ وَ  
 و از جاه و از شهوات نفس و از ستم بودن محبت و  
 مُتَابِعَةُ الْهَوَىٰ وَمُخَالَفَةُ الْهَدْيِ وَ  
 از پیروی هوا و پیروی از حق و از مخالفت کردن و از دوری و  
 سِنَةُ الْغَفْلَةِ وَتَعَاطِي الْكَلْفَةِ وَ  
 از خواب غفلت و از انداختن خود در مشقت و  
 إِثَارَ الْبَاطِلِ عَلَى الْحَقِّ وَالْإِصْرَارَ  
 از بر کردن باطل بر حق و از ایستادگی کردن  
 عَلَى الْمَآثِرِ وَأَسْخِغَارِ الْمَعْصِيَةِ وَ  
 بر کثرت و از خرد کردن و از معصیت کردن و  
 اسْتِكْبَارَ الطَّاعَةِ وَمِبَاهَاتِ الْمَكْرَرِ  
 از بزرگ کردن شمردن و عظمت و از مغفرت کردن و از انکار کردن  
 وَالْإِزْوَاعَ بِالْمُقْلِينَ وَسَوْءَ الْوِلَايَةِ  
 و از خوار شمردن و از ویران کردن و از بد و از رسیدن بی باقی  
 لِمُنْتَحَىٰ أَيْدِينَا وَتَرْكِ الشُّكْرِ لِمَنْ  
 که زیر دست ما نیست و از ترک شکر کردن و از ترک شکر کردن

[illegible]



اصْطَنَعَ الْعَارِفَةُ عِنْدَنَا أَوْ أَنْ نَعُصِدَ  
 كركوزه باشد نیکوتر با ما یا اینکه در کسیم  
 ظَالِمًا أَوْ تَحْذُلْ مَلْهُوفًا أَوْ تَرْوِمَا لَيْسَ  
 ستانند و یا بخوار گردانیم سید و یا بقتلیم یا بکشتن  
 لَنَا حَقٌّ أَوْ نَقُولُ فِي الْعِلْمِ بغير علم و  
 بر ما سزاوار است یا اینکه سخن گوئیم در علم نادر و بی علم و  
 نَعُوْذُ بِكَ أَنْ تَنْطَوِي عَلَيَّ غِشًّا أَحَدٌ و  
 پناه بگیریم بنو از اینکه در خاطر داشته باشیم خیانت یکدیگر و  
 أَنْ نَجُوبَ بِأَعْمَالِنَا وَنَعُدَّ فِي أَمَالِنَا  
 یا اینکه محو داشته باشیم کردارهای خود و در ابراهیم امیدمان خود را  
 وَ نَعُوْذُ بِكَ مِنْ سَوْءِ السَّرِيْرَةِ وَ اخْتِقَارِ  
 و پناه بگیریم بنو از بدی باطن و از حقیر دانستن و  
 الصَّغِيْرَةِ وَ أَنْ يَسْتَحْذَوْ عَلَيْنَا الشَّيْطَانُ  
 کند و خورد و از اینکه مستو شود بر ما شیطان و  
 أَوْ يَكُنَّ الرِّمَانُ أَوْ يَهْضَمْنَا الشَّيْطَانُ  
 یا اینکه بگردد و از زرد مار و زکار یا اینکه ستم کند بر ما پادشاه  
 وَ نَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَأْوِلِ الْاِسْرَافِ وَ مِنْ  
 و پناه بگیریم بنو از گرفتاری اسراف و از

یا اینکه ما را در آن حق نرساند

چون است که سرخ را بر خود عظیم و  
شکل عبادت خود یا علم خود

منه از آن که بگوید از آنکه بگوید

اسراف است که سرخ را از خانه جمع  
کنند

فَقْدَانِ الْكِفَافِ وَ نَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَمَاتِ  
 نابستن کفایت و پناه بگیریم بنو از شامت  
 الْأَعْدَاءِ وَ مِنْ الْفَقْرِ إِلَى الْأَكْهَاءِ وَ مِنْ  
 دشمنان و از احتیاج به اهل خانه و از  
 مَعْشَةٍ فِي شَيْءٍ وَ مَيْتَةٍ عَلَى غَيْرِ عِدَّةٍ  
 زیستن و در سخن و از مردن بر سر نهیست  
 وَ نَعُوْذُ بِكَ مِنْ الْحَسْرَةِ الْعَظْمَى وَ  
 و پناه بگیریم بنو از حسرت بزرگ و  
 الْمُصِيبَةِ الْكُبْرَى وَ أَشَقَى الشَّقَاءِ  
 از مصیبتی که بزرگترین مصیبت و از بدترین بدبختیها  
 وَ سَوْءِ الْمَأَبِ وَ حُرْمَانِ التَّوَابِ وَ  
 و از بدی بخت و از نوبت شدن از تواب و  
 حُلُولِ الْعِقَابِ اللَّهُمَّ صِلْ عَلَيَّ  
 زود آمدن عذاب خداوند رحمت بفرست بر  
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاعْذِنِي مِنْ كُلِّ ذَلِكَ  
 محمد و آل او و پناه ده و جدا از اینهاست  
 بِرَحْمَتِكَ وَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ  
 برکت خود و پناه ده به جمیع مؤمنین و مؤمنات را

کفایت است از تو که آمرزا  
باشد  
مانند شام را از آنکه بپزد

بغیر نهی و زجره از راه آخرت  
اگر چه باشیم از اعدا  
نیکنان و دشمنان

از آنکه در این دنیا  
بغیر از خیر و برکت

بجای بدی که ستم می کند بر من  
و دفع عتاب  
و از آنکه بگردد



فطلب المغفرة

وكان رسول الله صلى الله عليه وسلم

دروازا دعا بخواند که ای محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله در اظهار

محتاجت طلب المغفرة را می خواند

استیاض بطلب مغفرت از خدا عزوجل

اللهم صل على محمد وآل محمد وصبرنا

خداوند ما رحمت بفرست بر محمد و آل او و بگردان ما را

الى محبوبك من التوبة و ازلنا عن

السيئ التي كنا نعمل و ادر كمان توبه و ادر كمان ما را از آنچه

مكرو هلك من الاضرار اللهم و متى

ناخوش و ادر كمان اهر است بر كمان خطا و ادر كمان

وقفنا بين قضيتي في دين و دنيا فاقع

بجستیم میان دو نقصان یکی در دین و یکی در دنیا و ادر كمان

التقص باسرعهم فناء و اجعل التوبة

آن نقصان را بر آنچه زد و توبه را تسهیل فرما و بگردان توبه را

في أطولها بقاء و اذ اهننا بهتتين

در آنچه از امانت دراز تر شود بفرمان و بگردان قصدیم و بگردان

يرضيك احدهما عنا و يسخطك

رضایت ده از هر یکی از اینها از ما و بگردان آرد ترا

توبه را تسهیل فرما و بگردان توبه را

بفرما که ای محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله در اظهار

محتاجت طلب المغفرة را می خواند

استیاض بطلب مغفرت از خدا عزوجل

فطلب المغفرة

الاخر علينا قبل بنا الى ما يرضيك

و بگردان بر ما پس بگردان ما را به آنچه تو را بپسندد

عنا و اوهن قوتنا عما يسخطك

از ما و دست گردان قوت ما را از آنچه تو را بپسندد

علينا و لا تخل في ذلك بين نفوسنا

بر ما و ادر كمان در میان ما و بگردان ما را

و اخیارها فاما مختارة للباطل

و بگردان اختیارها را اما مختارة الباطل را

الاما وقفنا اثمارة بالسوء الا ما

مگر آنچه تو بفرستی بپسندد بسیار را که بپسندد به بدی و بگردان

رحمت اللهم و ائتك من الضعف

رحمت فرست تو خداوند و بگردان ما را از ناتوانی و از بزرگی

خلقنا و على الوهن بئتنا و من ماء

ما را و بگردان بپسندد ما را و بگردان ما را و از آب خوار

مهيئ ابتدائها فلا حول لنا الا

و بگردان آماده کرده ما را و بگردان ما را و بگردان

بقوتك و لا قوة لنا الا بعونك

بقوت تو و بگردان ما را و بگردان ما را و بگردان



طلب الغفره

فَايْتِدْنَا بِتَوْفِيقِكَ وَسَكِّرْ دُنَا بِتَسْدِيدِكَ  
 بِسُوءِ قَوْلِهِ مَا رَأَيْتُ قَوْلَهُ وَتَوْفِيقُ قَوْلِهِ مَا رَأَيْتُ قَوْلَهُ  
 وَأَعِمْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا عَمَّا خَالَفَ  
 وَخَالَفَ كَرَامَتِ بَرِّكَ وَبَرِّكَ مَا دَارَ مِنْهُ مِنْ خَالَفَ  
 مَحَبَّتِكَ وَلَا تَجْعَلْ شَيْءَ مِنْ جَوَارِحِنَا  
 وَتَوْفِيقُ قَوْلِهِ وَتَوْفِيقُ قَوْلِهِ  
 نَفُوزًا فِي مَعْصِيَتِكَ اللَّهُمَّ فَضِّلْ عَلَيَّ  
 وَتَوْفِيقُ قَوْلِهِ وَتَوْفِيقُ قَوْلِهِ  
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ هَسَاتِ قُلُوبِنَا  
 وَتَوْفِيقُ قَوْلِهِ وَتَوْفِيقُ قَوْلِهِ  
 وَحَرَكَاتِ أَعْضَائِنَا وَلِحَاثِ  
 وَتَوْفِيقُ قَوْلِهِ وَتَوْفِيقُ قَوْلِهِ  
 أَعْيُنِنَا فِي مُوجِبَاتِ ثَوَابِكَ حَتَّى  
 وَتَوْفِيقُ قَوْلِهِ وَتَوْفِيقُ قَوْلِهِ  
 لَا تَقُوتُنَا حَسَنَةً نَسْتَحِقُّ بِهَا جَزَاءَكَ  
 وَتَوْفِيقُ قَوْلِهِ وَتَوْفِيقُ قَوْلِهِ  
 وَلَا تَبْقِ لَنَا سَيِّئَةً نَسْتُجِبُ بِهَا  
 وَتَوْفِيقُ قَوْلِهِ وَتَوْفِيقُ قَوْلِهِ

ظاهر از این است که در دل  
 و در آیه از کلام خدا

في الدعاء الى الله

وَكَانَ مِنْ عِقَابِكَ عِقَابُكَ  
 وَتَوْفِيقُ قَوْلِهِ وَتَوْفِيقُ قَوْلِهِ  
 اللَّهُمَّ ارْتَقِ عَنَّا فَضْلَكَ  
 وَتَوْفِيقُ قَوْلِهِ وَتَوْفِيقُ قَوْلِهِ  
 وَإِنْ تَشَاءْ نَعْدْنَا بِعَذَابِكَ فَهَلْ  
 وَتَوْفِيقُ قَوْلِهِ وَتَوْفِيقُ قَوْلِهِ  
 لَنَا عَفْوَكَ بِمَنْكَ وَاجْرْنَا مِنْ عَذَابِكَ  
 وَتَوْفِيقُ قَوْلِهِ وَتَوْفِيقُ قَوْلِهِ  
 بِتَجَاوُزِكَ فَإِنَّهُ لَا طَاقَةَ لَنَا بِعَذَابِكَ  
 وَتَوْفِيقُ قَوْلِهِ وَتَوْفِيقُ قَوْلِهِ  
 وَلَا نَجَاتٍ لِأَحَدٍ مِمَّنْ دُونَ عَفْوِكَ  
 وَتَوْفِيقُ قَوْلِهِ وَتَوْفِيقُ قَوْلِهِ  
 يَا غَنِيَّ الْأَغْنِيَاءِ هَا مَخْرُجُ عِبَادِكَ بَيْنَ  
 وَتَوْفِيقُ قَوْلِهِ وَتَوْفِيقُ قَوْلِهِ  
 يَدَيْكَ وَأَنَا أَفْقَرُ الْفُقَرَاءِ إِلَيْكَ  
 وَتَوْفِيقُ قَوْلِهِ وَتَوْفِيقُ قَوْلِهِ  
 فَاجْبُرْنَا قَتْلًا بَوْسَعِكَ وَلَا تَقْطَعْ  
 وَتَوْفِيقُ قَوْلِهِ وَتَوْفِيقُ قَوْلِهِ

بسته خلاق

نه بظلم و جور

جوابت از این است که در دل  
 و در آیه از کلام خدا



بغیر از امید به جبرین خواهد بود

رَجَاءُ نَاغِبَةٍ فَتَكُونُ قَدْ أَشَقِيْتُ  
مِنْ أَسْتَسْعِدُّ بِكَ وَحُمْتُ مِنْ أَسْتَرْفِدُ  
فَضْلِكَ فَالِي مِنْ حِينَ عَدِمْتُ قَلْبِي نَا  
عَنْكَ وَالْإِيْزَ مَدَّهَا عَنْ يَدَيْكَ  
سُبْحَانَكَ خَيْرَ الْمُضْطَرِّوْنَ الدِّينِ  
أَوْجِبْتَ إِيَّاهُمْ وَأَهْلَ السُّوءِ الدِّينِ  
وَعَدْتَ الْكَشْفَ عَنْهُمْ وَأَشْبَهَ  
الْأَشْيَاءِ بِمِثْلِيَّتِكَ وَأَوَّلَى الْأُمُورِ  
بِكَ فِي عَظَمَتِكَ رَحْمَةً مِنْ أَسْتَرْجَحُ

اشاء با آن که بعد از آن مضطر  
از او باشد و شرف او را

وَعَوْتُ مِنْ أَسْتَعَاثَ بِكَ فَارْحَمْ  
نَضْرَعْنَا إِلَيْكَ وَأَغْنِنَا إِذْ طَرَحْنَا  
أَنْفُسَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ اللَّهُمَّ إِنْ الشَّيْطَانَ  
قَدِ شِمْتُ بِنَا إِذْ شَاعِنَا عَلَى مَعْصِيَتِكَ  
فَضِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَهُ وَلَا تَشْمِتْهُ بِنَا  
بَعْدَ تَرْكِئِنَا آيَاهُ لَكَ وَرَغْبَتِنَا عَنْهُ  
إِلَيْكَ كَانَتْ مِنْ عَالَمِ الْخَلْقِ الْمَرْغَبِ  
يَا مَنْ ذَكَرَهُ شَرَفٌ لِلدَّارِكِينَ وَيَا مَنْ  
شَكَرَهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ وَيَا مَنْ طَاعَتْهُ

میشمارد



فَوَاطِمُ الْخَيْرِ

نَجَاةٌ لِلطَّيْعِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ  
 وَاشْغَلْ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ عَنْ كُلِّ  
 ذِكْرٍ وَالسَّنَنَاتُ بِذِكْرِكَ عَنْ  
 كُلِّ شُكْرٍ وَجَوَارِحُنَا بِطَاعَتِكَ عَنْ كُلِّ  
 طَاعَةٍ فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ  
 فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَةٍ لَا تَدْرِكُنَا فِيهِ  
 تَبَعَةٌ وَلَا تُلْحِقُنَا فِيهِ سَامَةٌ حَتَّى  
 يَنْصَرِفَ عَنَّا كِتَابُ السَّيِّئَاتِ بِصِحْفَةٍ  
 خَالِيَةٍ مِنْ ذِكْرِ سَيِّئَاتِنَا وَيَتَوَلَّى

راکبیت برای قلوبمان برنگان رحمت بفرست بر محمد و آل او  
 و مشغول سازد لعلهای ما را با یاد خود از هر  
 یاد دیگری و سَنَنَاتِ را با یاد تو از هر یاد دیگری  
 و جوارح ما را با طاعت خود از هر طاعت دیگری  
 و غرض این که بفرستد کرده باشد برای ما باز پرده از کارها  
 پس بگردان فراغ را به سعادتی که در دل ما آید  
 فراغ مظهر و باریک و در آن وافر ملاست نماید  
 برگرداند از پیش ما نویسنده گان گناهان با صحنه  
 نه از دلک بردهای ما و برگرداند

فَوَاطِمُ الْخَيْرِ

كِتَابِ الْحَسَنَاتِ عَنَّا مَسْرُورِينَ عَمَّا  
 كُتِبَ أَمِنْ حَسَنَاتِنَا وَإِذَا انْقَضَتْ أَيَّامُ  
 حَيَاتِنَا وَتَصَرَّفَتْ مَدَدُ أَعْمَارِنَا  
 وَاسْتَحْضَرْتَنَا دَعْوَتُكَ الَّتِي لَا يَلْتَمِهَا  
 وَمِنْ جَانِبِهَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ  
 وَاجْعَلْ خِتَامَ مَا تَحْصِي عَلَيْنَا كِتَابَةً  
 أَعْمَالِنَا تَوْبَةً مَقْبُولَةً لَا تَوْقِفُنَا بَعْدَهَا  
 عَلَى ذَنْبٍ اجْتَرَحْنَاهُ وَلَا مَعْصِيَةٍ  
 أَقْرَفْنَا هِيَ وَلَا تَكْشِفُ عَنَّا سِتْرًا

نویسنده گان اعمال بشکوه رحمتی که شادمان باشند با آنچه  
 نوشته اند از حسنات ما و هرگاه بگذرد روزهای زندگی ما  
 و در برده بشود مدتهای عمر ما  
 و حاضر گردانند خواندن تو که بپرست او تو  
 و از اجابت آن رحمت بفرست بر محمد و آل او  
 و بگردان آن آنچه می شمارند بر ما نویسنده گان  
 اعمال ما توبه بپسندیده که باز نماند از ما بعد از آن  
 بر گناهانی که کرده ایم آنرا و نه بر معصیتی  
 که از نظر خود ایمان ما و برگرداند از ما

یا مراد است که طبع حضور  
 و کند خواندن تو  
 و در حضور و حرکت

یعنی بعد از آن تو را بگردان  
 بر آن و برگرداند از ما نویسنده گان  
 خدایت باز نماند از ما بعد از آن  
 و رفتن تو که در این دنیا است  
 که خواندن تو که در این دنیا است  
 بر گناهانی که کرده ایم آنرا و نه بر معصیتی  
 که از نظر خود ایمان ما و برگرداند از ما



## فطلب التوبة

سَتَرْتَهُ عَلَى رُؤُسِ الْأَشْهَادِ يَوْمَ تَسْلُو  
 كاپش نه از او در حضور حاضران روز که از ایشان

أَخْبَارُ عِبَادِكَ أَنْتَ رَحِيمٌ مِّنْ  
 بکنی خبری بندگان خود را بدستی که نور رحمت بهر که

دَعَاكَ وَمُسْتَجِبٌ لِّمَن نَادَاكَ وَكَانَ  
 خداوندی که باز میدارد دعا از سوال کردن از جانب پیغمبر

ثَلَاثٌ وَتَحَدُّونِي عَلَيْهَا خَلَّةٌ وَاحِدَةٌ  
 خصلت و میرانده مرا بر سوال کردن بیک خصلت  
 بِحَبْنِي أَمْرًا مَرَّتْ بِهِ فَاثْبَاتُ عَنْهُ  
 باز میدارد مرا امری که او کرده و توان پس درنگ ز دیده ام  
 وَنَهَى هَيْبَتِي عَنْهُ فَاسْرَعْتُ إِلَيْهِ  
 و چنان که سستی کرده از آن پس شتافتم بسوی آن  
 وَبِقِسْمَةِ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ فَقَصَّرْتُ  
 و بقسمت که انعام فرموده بآن بر من پس تقصیر کرده ام

مرا از اشهاد کوفالت در  
 بر تقصیر آنچه دانم و  
 بلکه است  
 مرا احوال اینست

از خداوند

پس آن خصلت است

## فطلب التوبة

فِي شُكْرِهَا وَيَحْدُونِي عَلَى مَسْئَلَتِكَ  
 در شکر گذاری آن و میرانده مرا بر سوال کردن از تو

تَفَضَّلْكَ عَلَى مَنْ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَيْكَ  
 تفضل تو بر کسی که روی آورد بسوی تو

وَوَفَدَ بِحَسَنِ ظَنِّهِ إِلَيْكَ إِذْ جَمِيعٌ  
 و بیا بد با کسان بیکو نزد تو چه همه

إِحْسَانُكَ تَفَضَّلْ وَأَذْكَرُ نِعَمِكَ  
 احسانهای تو تفضلست و چه همه نعمتهای تو

أَبْتَدَأُ فَمَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي وَاقِفٌ  
 ابتدا میکنم پس اینک بمن ای خدای من ایستاده  
 بِبَابِ عِزِّكَ وَقُوفُ الْمُسْتَسْلِمِ  
 در درگاه عزت تو ایستادن کسی که فرمان بردار  
 الدَّلِيلُ وَسَائِلُكَ عَلَى الْحَيَاءِ عَمِّي  
 و خواهم باشد و سوال کننده ام ترا باشم در از من  
 سَوَّالُ الْبَائِسِ الْمُعِيلِ مَقَرُّكَ بَائِسٌ  
 سوال کردن کسی که محتاج به تو و فقیر تو را بکننده ام برای تو  
 لَمْ أَسْتَسْلِمْ وَقَدْ أَحْسَنْتَ إِلَيَّ يَا أَوْفَا  
 باینکه فرمان برداری نکردم از تو که مرا باینکه ایستاد

مغفرت بکنم و تفضل بفرماید احسانها  
 احسانهای تو تفضل بفرماید احسانها  
 از خداوندی که باز میدارد دعا از سوال کردن از جانب پیغمبر

خداوندی که باز میدارد دعا از سوال کردن از جانب پیغمبر

خداوندی که باز میدارد دعا از سوال کردن از جانب پیغمبر

خداوندی که باز میدارد دعا از سوال کردن از جانب پیغمبر

خداوندی که باز میدارد دعا از سوال کردن از جانب پیغمبر

خداوندی که باز میدارد دعا از سوال کردن از جانب پیغمبر

خداوندی که باز میدارد دعا از سوال کردن از جانب پیغمبر

خداوندی که باز میدارد دعا از سوال کردن از جانب پیغمبر



فطلب التوبة

عَنْ عَصِيَانِكَ وَلَمْ أَخْلُ فِي الْحَالَاتِ  
 اَزْ عَصِيَانِي تُو وَخَالِي بِنُو دَام رَحْمَتُهَا  
 كُلِّهَا مِنْ امْتِنَانِكَ فَهَلْ يَنْفَعُنِي يَا اِلٰهِي  
 اَزْ نَفْسِي تُو بِيَسُوْد نَفْسِي مَدْرَا اِيْ حَقِّكَ  
 اِقْرَارِي عِنْدَكَ لِسُوءِ مَا اَلْتَسَبْتُ  
 اَقْرَارِ كَرْدَنِ مَن تُو دُو بِيَسُوْد اِيْمَانِي اَلْتَسَبُّ كَرْدَنِ  
 وَهَلْ يَنْجِيْنِي مِنْكَ اَعْتِرَافِي لَكَ  
 وَبَارِي يَسْبِيْحُهُ رَا اَزْ عَدَاةِ اِقْرَارِ كَرْدَنِ مَن بَرَايِ تُو  
 بَقِيْعُ مَا اَرْتَكَبْتُ اَمْ اَوْجِبْتُ لِي فِي  
 اِيْمَانِي اَنْ اَرْكَبُ بِنَفْسِي اِيْ اِيْمَانِي وَجِبُّ كَرْدَنِ اِيْمَانِي بَرَايِ تُو  
 مَقَامِي هَذَا سَخَطُكَ اَمْ لَزِمْنِي فِي  
 اِيْمَانِي مَقَامِي حَشَمِ خُو دُو اِيْ اِيْمَانِي لَزِمْنِي اِيْمَانِي  
 وَقَدْ دَعَا نِي مَقْتُكَ سُبْحَانَكَ لَا  
 وَقَدْ دَعَا كَرْدَنِ مَن كِيْنَتُو تُو تَزِيْرِيْ كِيْنَتُو تُو  
 اَيْتُسْرُ مِنْكَ وَقَدْ فَتَحْتَ لِي اَبَابَ التَّوْبَةِ  
 اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي  
 اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي  
 اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي

العبد عبد الله

فطلب التوبة

لِنَفْسِهِ الْمُسْتَخَفِّ بِجُرْمَةِ رَبِّهِ الَّذِي  
 بَرِئْتُ مِنْكَ اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي  
 عَظُمَتْ ذُنُوبُهُ فَجَلَّتْ وَاذْبَرَتْ اِيْمَانُهُ  
 كَرْدَنِ كَرْدَنِ كَرْدَنِ كَرْدَنِ كَرْدَنِ كَرْدَنِ كَرْدَنِ  
 فَوَلَّتْ حَتَّى اِذَا رَا نِي مَدَّةَ الْعَمَلِ  
 اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي  
 قَدْ انْقَضَتْ وَغَايَةِ الْعَمْرِ قَدْ اَنْتَهَتْ  
 كَرْدَنِ كَرْدَنِ كَرْدَنِ كَرْدَنِ كَرْدَنِ كَرْدَنِ كَرْدَنِ  
 وَآيَقُنْ اَنَّهُ لَا مَحِيصَ لَهُ مِنْكَ وَلَا  
 وَآيَقُنْ اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي  
 مَهْرَبَ لَهُ عَنْكَ تَلَقُّاكَ بِالْاِنَابَةِ  
 كَرْدَنِ كَرْدَنِ كَرْدَنِ كَرْدَنِ كَرْدَنِ كَرْدَنِ كَرْدَنِ  
 وَاخْلَصْ لَكَ التَّوْبَةَ فَقَامَ اِلَيْكَ  
 وَخَالَصْ كَرْدَنِ كَرْدَنِ كَرْدَنِ كَرْدَنِ كَرْدَنِ كَرْدَنِ  
 بِقَلْبٍ طَاهِرٍ نَقِيٍّ ثُمَّ دَعَاكَ بِصَوْتِ  
 اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي  
 حَائِلٍ خَفِيٍّ قَدْ تَطَاوَلَ لَكَ فَالْخَنِيْ  
 اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي اِيْمَانِي

بِرِئْتِي مِنْكَ اِيْمَانِي  
 وَخَالَصْتُكَ اِيْمَانِي



فَطَلِبِ التَّوْبَةَ

وَنَكْسِ رَأْسَهُ فَإِنَّهُ قَدْ ارْعَشَتْ خَشْيَتُهُ

وچون آنکه سر خود را نهد و سرش را بکشد و خشت از خشت بر سرش

يَجْلِيهِ وَغَرَقَتْ دُمُوعُهُ خَدَيْهِ

برو و بار آورد و غرق کرد چهره اش در اشک و بر روی او بارید

يَدْعُوكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَيَا أَرْحَمَ

سجده نماز ترا ای مهربانترین بخشنده و ای مهربانترین بخشنده ترا

مِنْ أَثَابِهِ الْمُسْتَرْجُونَ وَيَا اعْطِفْ

از آنکه مکرر درگاه او در دست طلبیان و ای مهربان ترا از

مِنْ أَطَافٍ بِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ وَيَا مَنْ

برگردد و بگوید او را بخشنده و آمرزش دهنده ای ای آنکه و

عَفْوُهُ أَكْثَرُ مِنْ نَقَمَتِهِ وَيَا مَنْ رِضًا

عفو او بیش است از انتقام او و ای آنکه بخشنده او

أَوْ قَرَمِنْ سَخَطِهِ وَيَا مَنْ تَحَدَّى الْخَلْقَ

زباوه است از خشم او و ای آنکه نیت نموده است بر خلق خود

بِحَسَنِ الْجَاوِزِ وَيَا مَنْ عَوَّدَ عِبَادَهُ

بیکو نه و بکشتن و ای آنکه عادت فرموده است بندگان خود را

قَبُولِ الْإِثَابَةِ وَيَا مَنْ اسْتَصْلَحَ فَاسِدَهُمْ

به پذیرفتن پاداش و ای آنکه طلب صلاح کرد فاسقین و

بیشتر داده که سزاوار است  
و آنکه عفو او از  
که گنای منزه است

فَطَلِبِ التَّوْبَةَ

يَا تَوْبَةَ وَيَا مَنْ رَضِيَ مِنْ فِعْلِهِمْ

ای توبه و ای آنکه راضی شده است از کار او ایست

يَا لَيْسِيرَ وَيَا مَنْ كَانَتْ فِي قَلْبِهِمْ

ای آنکه جزا داده است کار آنکه ایست ترا

يَا لِكثِيرَ وَيَا مَنْ ضَمِنَ لَهُمْ أَجَابَةَ

ای آنکه بسیار و ای آنکه ضمانت شده برای ایشان اجابت

الدَّعَاءِ وَيَا مَنْ وَعَدَهُمْ عَلَى نَفْسِهِ

و داد و ای آنکه وعده فرموده است ایشان را بر نفس خود

بِفَضْلِهِ حَسَنَ الْجَزَاءِ مَا أَنَا بِأَعْصَى

ببفضل خود بیکو نه جزا ای منستم از کار ترا

مِنْ عَصَاكَ فَغَفَرْتَ لَهُ وَمَا أَنَا بِأَلْوَمَ

از آنکه فرمان تو کرد پس آمرزیدی او و ای منستم از عطا ترا

مِنْ أَعْتَذَرَ إِلَيْكَ فَقَبِلْتُمْنَهُ وَ

از آنکه عذر خواست از تو پس پذیرفتی عذر او و

مَا أَنَا بِأَظْلَمَ مِنْ تَابَ إِلَيْكَ فَعَدَّتْ

نیست منستم از آنکه پاداش کرد پس تو را حساب کردی

عَلَيْهِ أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا

برو ای بیکو نه بسوی تو ای منمقامی در اینجا

ایست ترا ای مهربانترین  
بخشنده ترا ای مهربانترین  
بخشنده ترا



فی طلب التوبۃ

تَوْبَةً نَادِمٍ عَلَى مَا فَرَطَ مِنْهُ مُشْفِقٍ  
 بِاِشْتِغَالِ كَسْرِ الْبَيْتِ بِرَأْسِ الْبَيْتِ كَرَاهَتِ نَزْسِنْدِهِ هَسْت  
 مِمَّا اجْتَمَعَ عَلَيْهِ خَالِصُ الْحَيَاءِ  
 از انچه جمع شده است بر او مشهور محض است  
 مِمَّا وَقَعَ فِيهِ عِلْمُ يَأْنِ الْعَفْوِ عَنِ  
 از انچه افتاده است در آن دانست باينكه عفو كرده اند از  
 الذَّنْبِ الْعَظِيمِ لَا يَتَعَاظِبُكَ وَأَنْ  
 كند بزرگ بزرگست نماييزد تو و باينكه  
 الْجَنَاءُ وَزَعْنُ الْأَثَرِ الْجَلِيلِ لَا يَسْتَضِعُّكَ  
 در كشتن از كند بزرگ و مشواريت بر تو  
 وَأَنْ أَحْتَمِلَ الْإِجْنَائَاتِ الْفَاحِشَةَ  
 و باينكه برداشتن جرمهاي از حد و ترك نشدن  
 لَأَيْتِكَ كَادُكَ وَأَنْ أَحَبَّ عِبَادُكَ  
 كران نيت بر تو و باينكه دوستين بندگان تو  
 إِلَيْكَ مَنْ تَرَكَ الْإِسْتِكْبَارَ عَلَيْكَ  
 بسوي تو گيت كه ترك كرده است سر كشي را بر تو  
 وَحَابِ الْأَضْرَارِ وَلَزِمَ الْإِسْتِغْفَارَ  
 و او بر كرده است از استادن بكنهه و گاه شده است طلب آمرزش

بدرجه نيت از وجه آيد

فی طلب التوبۃ

وَأَنَا أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنْ أَنْ أَسْتَكْبِرَ وَ  
 و من بزرگوارم بسوي تو از اينكه كشي نايم و  
 أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَصِرَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ  
 بجا بگويم چو از اينكه اصرار كنم بر كنهه و طلب آمرزش بكنم از تو  
 لِمَا قَصَرْتُ فِيهِ وَأَسْتَعِينُ بِكَ عَلَى  
 براي انچه قصير كرده ام در آن و يار بگويم چو  
 مَا عَجَزْتُ عَنْهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
 انچه عاجز مانده ام از آن خداوند رحمت بفرست بر محمد  
 وَإِلَهُ وَهَبْ لِي مَا يَجِبُ عَلَى لَكَ وَ  
 و اله او تو بخشيش انچه واجبست بر من از بران تو  
 وَعَافِنِي مِمَّا اسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ وَأَجِرْنِي  
 و عافيت ده مرا از انچه مستوجب شده ام از جانب تو و پناه ده مرا  
 مِمَّا يَخَافُهُ أَهْلُ الْأَسَاءَةِ فَإِنَّكَ عَلِيمٌ  
 از انچه ميترسند از آن بزرگواران پس بگوي كه تو كمال قدرتي  
 بِالْعَفْوِ مَرْجُوٍّ لِلْغَفْرِ مَعْرُوفٌ  
 بر عفو اميد داشته شده براي آمرزش مشهور است  
 بِالْجَنَاءِ وَزِلْ لِي لِحَاجَتِي مَطْلَبُ سَوَاكَ  
 بزرگداشتن از كند نيت بران حاجت فرج طلب سواي تو

از كره ز طاعت و عبادت

بدرجه نيت از وجه آيد







فطلب الحوائج

عَنْ خَلْقِكَ وَأَنْتَ أَهْلُ الْإِغْنَى عَنْهُمْ

از خلق خود و نوسن او را به نیاید از ایشان

وَلَنَسَبْنَهُمْ إِلَى الْفَقْرِ وَهُمْ أَهْلُ الْفَقْرِ

ولبت داد ایشان را با حنیف و ایشان اهل اخیانند

إِلَيْكَ فَرَجًا وَلَسَدَّ خَلَّتْ مِنْ

بسوی تو پس هر که قصد کرد این جنباب خود را از

عِنْدِكَ وَرَأَى مَصْرَفَ الْفَقْرِ عَنْ

جانب تو و خواست که بگرداند فقیر را از

نَفْسِهِ بِكَ فَقَدْ طَلَبَ حَاجَتَهُ فِي

خود بسبب تو این حقیق که طلب کرده است حاجت خود را داد

مَظَانِّهَا وَأَتَى طَلِبَتَهُ مِنْ وَجْهِهَا

چایکه آن واده است بسو مطلب خود ابریش روی آن

وَمَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَتِهِ إِلَى أَحَدٍ مِنْ

وہر کہ بگڑا اندوہی حاجت خود را بسوی سے از

خَلَقَكَ أَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ نَحْمَادٍ

افزودن کمالی تو میگوید اند افروزه در کتب براند از حجاب

فقد تعرض للحوادث واستحق من

پس می که در عرض حرمان در آمده است و سر او از شده است

عقیدہ

طلب الحوائج

عِنْدَكَ فَتُالْإِحْسَانِ اللَّهُمَّ

حاشا تو نعمتین احب برا خداوند

وَلِيَّكَ حَاجَةٌ قَدْ قَصَّرَ عَنْهَا

وہ کہتے ہیں کہ حاشیہ تحقیق عاجز ہے ان

جُهِدِي وَنَقَطْتَ دُونَهَا جِلِّي

مقامت در پیرو شده است نزد آن جهت چارهای من

وَسَوَّلْتُ لِي نَفْسِي رَفَعَهَا إِلَى مَنْ

و در نظام زینت داد و گرفت نفس بر بدن آن حاجت بود که

يَرْفَعُ حَوَاجَّهِ إِلَيْكَ وَلَا يَسْتَعِينِي

که در آرد حبیبتهای خود را بسوی تو و به نیاز هست

فِي طَلِبَاتِهِ عَنْكَ وَهِيَ رَلَّةٌ مِنْ ذَلِكَ

در مطالبها از خود از تو و این معجزات شیت از لغزشها

الْمَخَاطِئِ وَعَشْرَةٌ مِنْ عَشَرَاتِ الْمَذِيبِ

خطا کنندگان و بهر در اختیار از سر و آید نهایی کنند کار را

ثُمَّ انْتَهَتْ بِتَذْكِيرِكَ إِلَى مَرِغَفَةٍ

پس بدان آگاه شدم بسبب آنکه میدان تو مرا از غفلت خود

وَنَهَضْتُ بِتَوْفِيقِكَ مِنْ زِلَّتِي وَنَكَصْتُ

و بر خاتم بنو فنیق تو اذان لغزش خود و رجوع کرد

ورجعت







# فِي طَلَبِ الْحَوَائِجِ

وَلَا تَبْتَ سَبَبِي مِنْكَ وَلَا تَوَجِّهْنِي  
 فِي حَاجَتِي هَذِهِ وَغَيْرَهَا إِلَى سِوَاكَ وَ  
 وَتَوَلَّنِي بِحُجَّتِي وَتَقْضَاءِ حَاجَتِي وَ  
 نِيْلَ سَوْلى قَبْلَ زَوَالِ عَنِ مَوْقِفِي هَذَا  
 بِتَيْسِيرِكَ لِي الْعَسِيرَ وَحَسَنَ تَقْدِيرِكَ  
 لِي فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
 وَآلِهِ صَلَوةً دَائِمَةً نَاقِيَةً لَا انْقِطَاعَ  
 لِأَيْدِيهَا وَلَا مُسْتَهْيَ لِأَمْدِهَا وَاجْعَلْ  
 ذَلِكَ عَوْنًا لِي وَسَبَبًا لِحَاجَتِي طَلِبَتِي

# فِي الظَّلَامَاتِ

إِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ وَمِنْ حَاجَتِي يَا رَبِّ  
 كَذَا وَكَذَا وَتَذَكُّرُ حَاجَتِكَ شَمَّ  
 تَسْجُدُ وَتَقُولُ فِي سَجُودِكَ فَضْلَكَ  
 الْبَنِي وَاحْسَانُكَ دَلَّنِي فَاسْأَلْكَ بِكَ  
 وَبِحَمْدِكَ وَآلِهِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِمْ أَنْ لَا تُؤْخِرَنِي  
 خَائِبًا  
 يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أُنْبَاءُ  
 الْمُتَظَلِّينَ وَيَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ فِي قَضَائِهِمْ  
 إِلَى شَهَادَةِ الشَّاهِدِينَ وَيَا مَنْ قُوتُ

وهر چه خواهر را در فقر  
 و در غایت حاجت از تو  
 بگویم و حاجت من  
 و حاجت من را از تو  
 بگویم و حاجت من

وهر چه خواهر را در فقر  
 و در غایت حاجت از تو  
 بگویم و حاجت من  
 و حاجت من را از تو  
 بگویم و حاجت من

وهر چه خواهر را در فقر  
 و در غایت حاجت از تو  
 بگویم و حاجت من  
 و حاجت من را از تو  
 بگویم و حاجت من



# فی الظلمات

نُصْرَتُهُ مِنَ الْمَظْلُومِينَ وَيَا مَنْ بَعْدَ عَوْنِهِ  
 یاری دادنی او بسپاسدگان و ای آنکه در پشت بدو کار او  
 عَنِ الظَّالِمِينَ قَدْ عَلِمْتَ يَا إِلَهِي مَا نَا لِي مِنْ  
 ازستم کندگان بحقیق که دانستی ای خدای من آنچه رسیده من  
 فَلَا بِنِ بْنِ فَلَانٍ مَا حَظَرْتَ وَاسْتَهَكَمَنِي  
 از فلان بن فلان از آنچه حرام کرده بر من و استهکام من  
 مَا حَجَرْتَ عَلَيْهِ بَطْرًا فِي نِعْمَتِكَ عِنْدَهُ  
 از آنچه منع فرموده او را بر آن از در طغیان او و نعمت تو نزد او  
 وَاعْتَرَا رَأْيَ كِبْرِكَ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ فَضِّلْ  
 و غفلت او از انکار تو بر او خداوند الهی رحمت  
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخُذْ ظَلَمِي وَعِدْوِي عَنْ  
 بخت بر محمد و آل او و بگیر ظالم مرا و دشمن مرا از  
 ظَلَمِي يَقْوَتِكَ وَأَفْلَحَ حُدُّهُ عَمِّي يَقْدَرَتِكَ  
 ازستم کردن من بخت خود و شکستند او را از من بقدرت خود  
 وَاجْعَلْ لَهُ شُغْلًا فِيمَا يَلِيهِ وَغُجْرًا عَمَّا  
 و بگردان بر او شغلی در نزد آنچه پیش اوست و غجری از آنچه  
 يَنَاقِبُهُ اللَّهُمَّ وَصِلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا  
 با او دشمنی کن خداوند الهی رحمت بخت بر محمد و آل او و رحمت

آنچه در اینجا گفته شده است در بیان آنکه از دشمنان من

خداوند ازستم بخت بر او و رحمت

یاری دادنی او بسپاسدگان و ای آنکه در پشت بدو کار او

# فی الظلمات

تُسَوِّغْ لَهُ ظُلُمِي وَاحْسِنْ عَلَيْهِ عَوْنِي وَ  
 ده برای او گشایم کردن مرا و نیکو کن بر او عاونی او  
 اعْصِمْنِي مِنْ مِثْلِ أَفْعَالِهِ وَلَا تَجْعَلْنِي  
 نگاه دار مرا از مانند کارهای او و مگردان مرا  
 فِي مِثْلِ حَالِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ  
 در مثل حال او خداوند الهی رحمت بخت بر محمد و آل او  
 وَاعِدْنِي عَلَيْهِ عِدْوِي حَاضِرَةً تَكُونُ  
 و بیا بر من عداوت مرا بر او حاضر که بود بهستم  
 مِنْ غِيظِي بِهِ شِفَاءً وَمِنْ خِفَتِي عَلَيْهِ  
 از خشم من بر او شفا ده و از کسیندگی من بر او  
 وَفَاءً اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاعِزَّنِي  
 وفای او خداوند الهی رحمت بخت بر محمد و آل او و عاونی مرا  
 مِنْ ظُلْمِهِ لِي عَفْوِكَ وَأَبْدِلْنِي سُوءَ صَنِيعِهِ  
 ازستم کردن من او بر من عفو خود را و بدل کن برای من بدی او را  
 فِي خَسْمَتِكَ فَكُلْ مَكْرُوهٍ جَلْدُ دُونَ  
 بخت خود را پس هر مکرده ای از کسبت نزد  
 سَخَطِكَ وَكُلْ مَرْزُوقَةً سِوَاءَ مَعَ جِدَّتِكَ  
 قهر تو و هر مصیبتی بخوارست با وجود غضب تو

بخت بر او عاونی او

خداوند ازستم بخت بر او و رحمت





فِي الظَّلَامَاتِ

اللَّهُمَّ فَكَمَا كَرِهْتَ إِلَيَّ أَنْ أَظْلِمَ فِقْتِي  
 خداوند ای منجی جانم که او ایند بگویم من اینکستم بر تو سزاوار  
 مِنْ أَنْ أَظْلِمَ اللَّهُمَّ لَا أَشْكُو إِلَّا إِلَى أَحَدٍ  
 اینکستم بر تو دیگر کنم خداوند من شکو میگویم بسوی کسی  
 سِوَاكَ وَلَا أَسْتَعِينُ بِحَاجَتِكَ غَيْرَكَ حَاشَا  
 سوا تو و یا در نیجویم بحاجت من غیر تو حاشا که چنین  
 فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَلِّ دُعَائِي بِالْإِجَابَةِ  
 ای حقست بوقت بر محمد و آل او و چون کن دعای مرا بجا  
 وَأَقْرُنْ شِكَايَتِي بِالْغَيْبِ لَا تَقْتَنِي بِالْقُيُوتِ  
 و مقارن شکایت مرا بغيبر میاز ما را بنویشد  
 مِنْ إِضَافَتِكَ وَلَا تَقْنِنُهُ بِالْأَمْنِ مِنْ انْكَارِكَ  
 از عدل و انصاف تو و آرمایش من که او را با من نه از انکار او  
 فَيَصْرُ عَلَى ظُلْمِي وَيُجَاوِزُ عَنِّي حَقِّي وَعِزِّي  
 پس ایستاد که کند بر من و بگذرد بر من حق من و عزت من  
 عَمَّا قَلِيلٍ مَا أَوْعَدْتَ الظَّالِمِينَ وَعِزِّي  
 از آنچه بگوید که او وعده کرده استمندان را و او را بشناسان  
 مَا أَوْعَدْتَ فِي إِجَابَةِ الْمُظْطَرِّينَ اللَّهُمَّ  
 آنچه وعده کرده از اجابت بجا رکنان خداوند

از این بیت  
 غلبه بر دین  
 بیز و نه تامل  
 اند  
 این بیت  
 غلبه بر دین  
 بیز و نه تامل  
 اند  
 این بیت  
 غلبه بر دین  
 بیز و نه تامل  
 اند

اللَّهُمَّ

بیت پنجمی است از در غلبه بر دین بیز و نه تامل اند  
 این بیت  
 غلبه بر دین  
 بیز و نه تامل  
 اند  
 این بیت  
 غلبه بر دین  
 بیز و نه تامل  
 اند

فِي الظَّلَامَاتِ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَوَفِّقْنِي لِقَبُولِهَا  
 ای حقست بوقت بر محمد و آل او و تو فقی ده مرا برای قبول این  
 قَضَيْتَ لِي وَعَلَى وَرَقْنِي بِمَا أَخَذْتَ لِي  
 حکم کرده برای من و بر من داد هر که از مرا بجا گرفته برای من  
 وَمَنِّي وَاهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَأَسْتَعِينُ  
 و از من و راه من کن مرا ایستاد که است بر است و بکار دار مرا  
 بِمَا هُوَ أَسْلَمُ اللَّهُمَّ وَإِنْ كَانَتْ  
 بکار که ایستاد است خداوند و اگر جایز بود باشد  
 الْخَيْرَةُ لِي عِنْدَكَ فِي تَأْخِيرِ الْأَخْذِ  
 بیز من نزد عزم تو در تأخیر گرفتن عالم  
 لِي وَتَرْكِ الْإِنْتِقَامِ مِمَّنْ ظَلَمَنِي الْيَوْمَ  
 برای من و ترک انتقام از کسی که مرا ظلمت کرده است و من تا روز  
 الْفَضْلِ وَجَمْعِ الْخَصْمِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
 فضل و جمع دشمنان پس ای حقست بوقت بر محمد  
 وَآلِهِ وَآيِدْنِي مِنْكَ بَيْتَةً صَادِقَةً  
 و آل او و تو فقی ده مرا از جانب خود بیتی راسته و  
 صَبْرًا ثَمَرًا وَأَعِزَّنِي مِنْ سُوءِ الرَّغْبَةِ  
 شکیبایی داشته و پناه ده مرا از خواهش بد

بیت پنجمی است از در غلبه بر دین بیز و نه تامل اند  
 این بیت  
 غلبه بر دین  
 بیز و نه تامل  
 اند  
 این بیت  
 غلبه بر دین  
 بیز و نه تامل  
 اند







عند نزول الرضخ

ثَقُلَ بِهِ عَلَى ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ وَتَطْهِيراً  
لِمَا انْعَمَسْتُ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ وَبَيْنَهُمَا  
لَتَنَاوُلِ التَّوْبَةُ وَتَذَكُّرُ الْحَوَائِدِ  
بِقَدِيمِ اللَّعْمَةِ وَفِي خِلَالِ ذَلِكَ مَا  
كُتِبَ لِي الْكَاتِبَانِ مِنْ رُكِّي الْأَعْيَالِ  
مَالاً قَلْبٌ فَكَّرْتُهُ وَلَا لِسَانَ نَطَقَ  
بِهِ وَلَا جَارِحَةً تَكْلِفُهُ بَلَاءُ فُضِّلَ  
مِنْكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانًا مِنْ صَنِيعِكَ  
إِلَى اللَّهِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

بدان خط و سواد آن شخص را دان  
ستاد و بنده و قطره لب  
از او اندیم  
چرا  
از اینست که در این  
کتابانی اعلا علی شکر  
میکنند از بابا که او  
اگر میکند و در بابا که  
تقریب بابا بسیار واقع شده  
چرا

عند نزول الممرض

وَحَبِّ اِلَى مَا رَضَيْتَ لِي وَكَيْسِرُ لِي  
 داورت گردان بسوزش آنچه را تو پسندیدی برای من و تسکین کردی برای من  
 مَا احْلَلْتَ لِي وَطَهَّرْتَ لِي مِنْ ذُنُوبِ  
 آنچه را تو آزاد آوردی بر من و پاکیزه کردی برای من  
 مَا اسْأَلْتُ وَاغْنُ عَنِّي شَرَّ مَا قَدَّمْتُ  
 آنچه را که آم خواهم پس از این و محو نما از من شر آنچه پیش کرده ام  
 وَاَوْجِدْ لِي حَلَاوَةَ الْعَافِيَةِ وَاَذِقْنِي  
 و غیره را که مرا بشیرین عافیت و بچشش مرا  
 بَرْدَ السَّلَامَةِ وَاَجْعَلْ مَخْرَجِي عَنْ  
 سردی سلامت و بگردان برون شدن مرا از این  
 عَلَيَّ اِلَى عَفْوِكَ وَمُخَوِّلِي عِصْرَ عَتَمَةٍ  
 عفت من بسوی عفو خود و گردان مرا از این افتادگی  
 اِلَى تَجَاوُزِكَ وَخَلِّصْنِي مِنْ كُرْبِي  
 بسوی ادگشتن تو از کدمان و خلاص مرا از این اندوه من  
 اِلَى رَوْحِكَ وَسَلَامَتِي مِنْ هَذِهِ  
 بسوز راحت تو و سلامت مرا از این  
 الشَّدَةِ اِلَى فَرْحِكَ اَيْتَكَ الْمُنْفَضِلُ  
 سختی بسوی سادگی تو چه هستی که تو تفضل کنندی

مراد از نسبت انانیت و  
در پیاپیست ؟

بغیر از آنکه از جانب ایشان



فطلب العفو

بِالْإِحْسَانِ الْمُنْطَوَّلِ بِالْإِمْتِنَانِ الْوَهَّابِ  
 الْكَرِيمِ الْمَوْجِدِ زُجْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ  
 اللَّهُمَّ يَا مَنْ بِرَحْمَتِهِ  
 لَيْسَتْ غِيثُ الْمَذْنُونِ وَيَأْمَنُ إِلَى ذِكْرِكَ  
 إِحْسَانُهُ يَفْزَعُ الْمُضْطَرُّونَ وَيَأْمَنُ  
 بِحَقِيقَتِهِ يَنْجُو الْخَاطِئُونَ يَا أَنْسَ كُلِّ  
 مُسْتَوْحِشٍ غَوِيبٍ وَيَا فَرَجَ كُلِّ  
 مَكْرُوبٍ كَيْبٍ وَيَا غَوْثَ كُلِّ مَخْذُولٍ  
 فَرِيدٍ وَيَا عِصْدَ كُلِّ مُحْتَاجٍ طَرِيدٍ أَنْتَ

فعلت که از جهل صفات  
 قهر واد باشد و از اکرام  
 صفات است  
 خود را از این صفات  
 عفو میجو

فطلب العفو

الَّذِي وَسَّعَتْ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا وَ  
 أَنْتَ الَّذِي جَعَلْتَ لِكُلِّ مَخْلُوقٍ نَفْسَكَ  
 سَهْمًا وَأَنْتَ الَّذِي عَفَوْتَ أَعْلَى مِنْ عِقَابِهِ  
 وَأَنْتَ الَّذِي تَسْعَى رَحْمَتُهُ أَمَامَ غَضَبِهِ  
 وَأَنْتَ الَّذِي عَطَاؤُهُ أَكْثَرُ مِنْ مَنَعِهِ  
 وَأَنْتَ الَّذِي تَسْعَى الْخَلَائِقُ كُلُّهُمْ فِي  
 وَسْعِهِ وَأَنْتَ الَّذِي لَا يَرْغَبُ فِي  
 جَزَاءٍ مِنْ عَطَاةٍ وَأَنْتَ الَّذِي لَا يَفُوتُ  
 فِي عِقَابٍ مِنْ عَصَاةٍ وَأَنَا يَا إِلَهِي عَبْدُكَ

بغیر هر چه در رحمت و علم  
 تو بگنجیده است



کتابخانه  
 مسجد  
 ...







فطلب العفو

سَمِعْتُ نَفْسَكَ بِالْعَفْوِ فَاعْفُ عَنِّي  
 نام نهاده نفس خود را عفو کردن پس در گذر از من  
 قَدْ تَرَى يَا إِلَهِي فَيْضَ دَمْعِي مِنْ خِيفَتِكَ  
 تحقیق که من جز این غبار غمزدان شدن از سوز تو  
 وَ وَجِبَ قَلْبِي مِنْ خِشْيَتِكَ وَ انْتِقَاضَ  
 و اضطراب دل من از بیم تو و از بین  
 جَوَارِحِي مِنْ هَيْبَتِكَ كُلُّ ذَلِكَ حَيَاءٌ  
 اعضا من از هیبت تو همه اینها از روی شرمساری  
 مِنِّي بِسُوءِ عَمَلِي وَلِذَلِكَ خَدَّصْتُ عَنْ  
 من بسبب بدی کردار من و از جهت دلشسته است آواز من از  
 الْجَارِ إِلَيْكَ وَ كَلَّ لِسَانِي عَنْ مُنَاجَا  
 زاری کردن بسوی تو و گدازیده است زبان من از مناجات تو  
 يَا إِلَهِي فَلِكَ الْحَمْدُ فَمِنْ غَاثَةٍ سَتَرْتَهَا  
 ای خدا ای من پس تو است پس بسایر عیبی که پوشش دادی از  
 عَلَيَّ فَلَمْ تَقْضِ عَنِّي وَ كَمْ مِنْ زَيْبٍ عَطِيتَهُ  
 بر من پس رسوا نکردی مرا و بسیار گدازستی که پوشش دادی از  
 عَلَيَّ فَلَمْ تَشْهَرْنِي وَ كَمْ مِنْ شَائِئَةٍ  
 بر من پس شرم نداشتی مرا و بسیار چه کنی و دشتی که

منك

مناجات را از گفتن است

فطلب العفو

الْمَتُّ بِمَا فَلَمْ تَهْتِكْ عَنِّي سِتْرَهَا وَلَمْ  
 بجا آوردم پس نه زید که بر من پرده آنرا و در  
 تُقَلِّدَنِي مَكْرُوهَ شَنَارِهَا وَلَمْ تُدَسِّسْ لَهَا  
 کردن فریب دهنده ناخوش غیب آنرا و ظاهر نشانی بدیدنی آنرا  
 لَنْ يَلْتَمِسَ مُعَايِي مِنْ جِزْيَتِي وَ حَسَدُهُ  
 بران کسی که جستجو میکند عیب مرا از عیبی که من و مشک برزدگان  
 نَعَمَتِكَ عِنْدِي ثُمَّ لَمْ يُبْهِنِي ذَلِكَ عَنْ  
 نعمت تو نزد من پس باز نداشت مرا این لطف از  
 أَنْ جَرَيْتَ إِلَى سُوءِ مَا عَهَدْتَ مِنِّي مِنْ  
 روان شدن بسبب آن بدیدنی که دریافته بودم از من پس  
 أَجْهَلُ مِنِّي يَا إِلَهِي بِرُشْدِهِ وَمَنْ أَعْقَلُ  
 نادان تر از من ای خدا ای من بخیر و صلاح خود و کس فاعل تو  
 مِنِّي عَنْ حِطَّةٍ وَمَنْ أَبْعَدُ مِنِّي مِنْ  
 از من از نصیب خود و کس دور از من از  
 اسْتِصْلَاحِ نَفْسِهِ حِينَ أَنْفَقَ مَا أَجَرْتِ  
 اصلاح آوردن نفس خود هنگامی که صرف میکنم آنچه جاری  
 عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ فِيمَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ مِنْ  
 بر من از رزق خود در آنچه نهی کرده مرا از آن از

در نهی کردن از بدی و نهی کردن از بدی



فطلب العفو

مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَمَنْ أَبْعَدُ غَوْرًا فِي الْبَاطِلِ

از معصیت خود و کس دورتر از تو در باطل و باطل

وَأَشَدُّ اقْدَامًا عَلَى السُّوءِ مَنِ اجْتَنَبَ

و سختتر جرات کننده بر بدی از آن که دوری از بدی

بَيْنَ دَعْوَتِكَ وَدَعْوَةِ الشَّيْطَانِ فَاتَّبِعْ

میان خواندن تو را و خواندن شیطان مرا پس پیروی کن

دَعْوَتَهُ عَلَى غَيْرِ عَمَلٍ مَتَى فِي مَعْرِفَةٍ بِهِ

خواندن او را با عدم نیت از او در معرفت با او

وَلَا نِسْيَانٍ مِنْ حِفْظِهِ لَهُ وَأَنَا حِينَئِذٍ قَدْ

و یاد داری از نگاه داشتن او و من در آنوقت

بِأَنْ مَنَّهُ دَعْوَتَكَ إِلَى الْجَنَّةِ وَمَنَّهُ

اینکه منتهی از تو به سوی بهشت است و منتهی

دَعْوَتِهِ إِلَى النَّارِ سُبْحَانَكَ مَا أَعْجَبَ مَا

خواندن او به سوی آتش ای خداوند چه عجیب است آنچه

أَشْهَدُ بِهِ عَلَى نَفْسِي وَأَعِدُّهُ مِنْ مَكْتُومٍ

که گواهی میدهم بر نفس خود و میبخشم آنرا از پنهان

أَمْرِي وَأَعْجَبُ مِنْ ذَلِكَ أَنَّكَ عَنِّي وَ

کار خود و عجیبتر از این بودی مرا از من و

خداوند را چه که بداند  
چرا او را که بداند  
او میگوید

فطلب العفو

لَا وَكَ عَنْ مُعَاجَلَتِي وَلَيْسَ ذَلِكَ مِنْ

و اینست از زود کردن من و نیست این از

كَرَمِي عَلَيْكَ بَلْ تَأْتِيَا مِنْكَ لِي

به بودن من بر تو بلکه از جهت بدی از من

تَضَلُّامِيكَ عَلَى لَأَنْ أَرْتَدَّ عَنْ

و تضرع تو بر من و برای آنکه از من بازگردم

مَعْصِيَتِكَ الْمَسْخُطَةِ وَأَقْلَعُ عَنْ سَيِّئَاتِي

ناروازی تو که مضطرب است و دور کنم از بدیهایم

الْمَخْلُوقَةِ وَلَئِنْ عَفَوَكَ عَنِّي أَحَبُّ إِلَيْكَ

که گناهانم از تو ای مخلوقه و اگر مرا عفو کنی دوست داشتنیتر است

مِنْ عُقُوبَتِي بَلْ أَنَا يَا إِلَهِي أَكْثَرُ ذُنُوبًا

از عقوبت من بلکه من ای خداوند بسیار گناهکارترم

وَأَقْبَحُ أَثَارًا وَأَشْنَعُ أَفْعَالًا وَأَشَدُّ

و زشتتر اثر دارم و زشتتر اعمال دارم و سختتر اندازم

فِي الْبَاطِلِ تَهَوُّرًا وَأَضْعَفُ عِنْدَ

در باطل بیهوشی و ضعیفتر در حق

طَاعَتِكَ نِقْطًا وَأَقْلُ لَوْعِيدِكَ

نقطه و کمتر از وعده تو

و تضرع تو بر من  
و برای آنکه از من بازگردم

و عید و عذر و عذر

و عید و عذر و عذر

و عید و عذر و عذر

و عید و عذر و عذر

و عید و عذر و عذر

و عید و عذر و عذر

و عید و عذر و عذر



فطلب العفو

اَنْتَبَاهَا وَاَرْتَقَا مِنْ اَنْ اُحْصِيَ لَكَ  
 عِيُونِي اَوْ اَقْدِرَ عَلٰى ذِكْرِ ذُنُوبِي وَاِنَّمَا  
 اَوْجِعُ بِهَذَا نَفْسِي طَمَعًا فِي رَافِقِكَ الَّتِي  
 بِهَا صَلَاحُ امْرِ الْمَذْنِبِيْنَ وَرَجَاءُ لِرَحْمَتِكَ  
 الَّتِي بِهَا فَكَاكَ رِقَابُ الْخَاطِئِيْنَ اَللّٰهُمَّ  
 وَهَذِهِ رَقَبَتِي قَدْ اَرْقَنْهَا اَلْذُّنُوبُ فَضِلْ  
 عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَاغْنِنَهَا بِعَفْوِكَ وَهَذَا  
 ظَهْرِي قَدْ اَثْقَلْتُهُ اَخْطَايَا فَضِلْ عَلٰى  
 مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَخَفِّفْ عَنْهُ بِمَنِّكَ يَا اِلٰهِي

نکبتا خود و عقید ترا از اینکه بشمارم برای تو  
 عیون من یا اقدر علی ذکر ذنوب من و انما  
 اوجع بهذا نفسی طمعاً فی رافقک الّتی  
 بها صلاح امر المذنبین و رجاء لرحمتک  
 الّتی بها فکاک رقاب الخاطیّین اللّهم  
 و هذه رقبتی قد ارقنّها الذنوب فضل  
 علی محمد و آلہ و اغنیها بعفوک و هذا  
 ظهری قد اثقلتہ اخطایا فضل علی  
 محمد و آلہ و خفف عنه بمنّک یا ایلہ

فطلب العفو

لَوْ بَكَيْتُ إِلَيْكَ حَتَّى تَسْقُطَ اشْفَادُ عَيْنِي  
 وَ انْجَحْتُ حَتَّى يَنْقَطِعَ صَوْتِي وَ قُتِلْتُ لَكَ  
 حَتَّى تَنْشُرَ قَدَمَايَ وَ رَكَعْتُ لَكَ حَتَّى  
 يَخْلَعَ صَلْبِي وَ سَجَدْتُ لَكَ حَتَّى تَنْفِقَا  
 حَدَقَتَايَ وَ أَكَلْتُ تُرَابَ الْأَرْضِ طَوْلَ  
 عُمْرِي وَ شَرِبْتُ مَاءَ الزَّمَادِ اِخْرَدَهْرِي وَ  
 ذَكَرْتُكَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ حَتَّى يَكِلَ  
 لِسَانِي ثُمَّ لَمْ اَرْفَعْ طَرْفِي اِلٰى اَفَاقِ السَّمَاءِ  
 اَسْتَحْيَا مِنْكَ مَا اَسْتَوْجِبْتُ بِذَلِكَ مَحْوِ

اگر گریه کنم بموی تو تا اینکه بیفتد چشمت مرا  
 و انجحت حتی یقطع صوتی و قُتِلْتُ لک  
 حتی تنشر قدماي و رکعت لک حتی  
 یخلع صلبی و سجدت لک حتی تنفقا  
 حدقتای و اکلْتُ تراب الارض طول  
 عمری و شربت ماء الزماد اخرجد هری و  
 ذکرْتُک فی خِلالِ ذلک حتی یکل  
 لسانی ثُمَّ لَمْ ارفع طرفی الی افاق السماء  
 استحیاء مِنک ما استوجبْتُ بِذلک محو







بشرى اعرفها وعز في فيه علامه انيتها  
بشرى اعرفها وعز في فيه علامه انيتها  
بشرى اعرفها وعز في فيه علامه انيتها

بشرى اعرفها وعز في فيه علامه انيتها  
بشرى اعرفها وعز في فيه علامه انيتها  
بشرى اعرفها وعز في فيه علامه انيتها

قد برزنا ذكرا الشيطان

اللهم انا نعوذ بك من ترغبات الشيطان  
اللهم انا نعوذ بك من ترغبات الشيطان  
اللهم انا نعوذ بك من ترغبات الشيطان

بما بينته ومواظبه وعز ورم ومصايبه  
بما بينته ومواظبه وعز ورم ومصايبه  
بما بينته ومواظبه وعز ورم ومصايبه

برخورد يا بربرگوان  
يا بربرگوان  
يا بربرگوان

نفسه

ما حسن لنا او ان يثقل علينا ما كثر  
ما حسن لنا او ان يثقل علينا ما كثر  
ما حسن لنا او ان يثقل علينا ما كثر

لا يفيقه اللهم صل على محمد وآله

واشغله عنا بعض اغدايك واغصنا  
واشغله عنا بعض اغدايك واغصنا  
واشغله عنا بعض اغدايك واغصنا

منه بحسن رعايتك واكفنا خيره  
منه بحسن رعايتك واكفنا خيره  
منه بحسن رعايتك واكفنا خيره

بمطافه بغير حشر  
بمطافه بغير حشر  
بمطافه بغير حشر

منه بحسن رعايتك  
منه بحسن رعايتك  
منه بحسن رعايتك



لاِسَعَاة

مِثْلَ صَلَاتِهِ وَذَقْنَا مِنْ التَّقْوَى وَضِدَّ  
 عَوَائِيهِ وَاسْلُكْ بِنَا مِنْ التَّقَى خِلَافَ سَبِيلِهِ  
 مِنَ الرَّدَى اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ فِي قُلُوبِنَا  
 مَذْخَلًا وَلَا تَوَطِّنْ لَهُ فِيمَا لَدَيْنَا مَنَزَلًا  
 اللَّهُمَّ وَمَا سَوَّلَ لَنَا مِنْ بَاطِلٍ فَغَرِّفْنَا  
 وَإِذَا عَرَفْنَا فِقْدَانَهُ وَبَصُرْنَا مَا نَكَدَهُ  
 وَالْهِنَا مَا نَعْدَهُ لَهُ وَآيَقُظْنَا عَنْ مَسْئَةِ  
 الْغَفْلَةِ بِالرُّكُونِ إِلَيْهِ وَاحْزَنْ تَوَقُّفَكَ  
 عَوْنًا عَلَيْهِ اللَّهُمَّ وَأَشْرِبْ قُلُوبَنَا

بیشتر از آنکه او را از تقوی ذوق دهی و بر خلاف سبیل او راه را از دل ما ببرد و در دل ما راهی برای او نگذاری و در آنچه نزد ماست راهی برای او نیافر و اگر در آنچه نزد ماست راهی برای او نیافر و اگر در آنچه نزد ماست راهی برای او نیافر

لاِسَعَاة

إِنْكَارِ عَمَلِهِ وَأَلْطِفْ لَنَا فِي نَفْضِ حِيلِهِ  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَحَوِّلْ سُلْطَانَهُ  
 عَنَّا وَاقْطَعْ رَجَاءَهُ مِنَّا وَادْرَأْهُ عَنِ الْوُلُوعِ  
 بِنَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ أَبَائَنَا  
 وَأُمَّهَاتِنَا وَأَوْلَادَنَا وَأَهْلًا لَنَا وَذَوَى أَجْلَانَا  
 وَقُرَابَانَا وَجِيرَانَنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ  
 فِي حَرْزِ حَارِزٍ وَحِصْنِ خَافِظٍ وَكَهْفِ مَانِعٍ  
 وَالْيَسْمُ مِنْهُ جُنَا وَاقِيَةً وَأَعْطِهِمْ  
 عَلَيْهِ أَسْلِحَةَ مَاضِيَةِ اللَّهُمَّ وَاعْمِدْ ذَلِكَ

بیشتر از آنکه او را از تقوی ذوق دهی و بر خلاف سبیل او راه را از دل ما ببرد و در دل ما راهی برای او نگذاری و در آنچه نزد ماست راهی برای او نیافر و اگر در آنچه نزد ماست راهی برای او نیافر

بیشتر از آنکه او را از تقوی ذوق دهی و بر خلاف سبیل او راه را از دل ما ببرد و در دل ما راهی برای او نگذاری و در آنچه نزد ماست راهی برای او نیافر و اگر در آنچه نزد ماست راهی برای او نیافر



بِالْوَحْدَانِيَّةِ وَعَادَاهُ لَكَ حَقِيقَةُ الْعُبُودِيَّةِ  
میکند و دانستن تو و دشمنی کردن است شیطان را تو را پس نیستی

وَأَمَّا أَنْتَ يَا مُنْظِرَ الْغُيُوبِ فَكُنْ لِي مُنْظِرًا لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ

اللَّهُمَّ احْلُلْ مَا عَقَّدَ وَافْتَقَ مَا رَفَقَ وَ

اَفْسَحْ مَا دَبَّرَ وَبَشِّطْهُ اِذَا عَزَمَ وَانْقُضْ مَا

ابنم الله واهزم حنذه وابطل كيده

وَاهْدِنَا كَهْفَهُ وَارْغِمْ أَنْفَهُ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا

فِي نَظْمِ اَعْدَائِهِ وَاعْزِلْنَا عَنْ عِيَادِهِ

اولیائے لا نطیع له اذا استهوانا ولا  
 دوستداران او را اطاعت کنیم اورا بکام قریب بعد ما را و

تخصیص  
بدرستی  
از وضع  
علوم  
کلیه  
مستطابان

سکون است که جزا  
و همیشه از مردار  
و غیر آن

سَتَجِيبُ لَهُ إِذَا دَعَانَا نَا مُرْعِبًا وَاتِّمَنْ

اطَاعَ أَمْرًا وَنَظَرَ عَنْ مُتَابَعَتِهِ مِنْ أَتْبَعَ

زَجَرْنَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ خَاتَمِ

التَّائِبِينَ وَسَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ وَعَلَى أَهْلِ

بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَاعْبُدْنَا وَانْصُرْنَا

وَإِخْوَانًا وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مِمَّا

اَسْتَعِذُّنَا مِنْهُ وَاجْعَلْنَا مِمَّا يَسْتَحْيَا لَكَ  
يَا حَسْبُ جِسْتِيْمُ الْاِذَا نِ دَوْلَتُو دِهْ مَارَا اَزْ اِيْجِيْزِيْهِيْ رُوْحُوْ جِسْتِيْمُ

مِنْ خَوْفِهِ وَاسْمِعْ لَنَا مَا دَعَوْنَا بِهِ وَاَعْطِنَا  
اَمْرًا مَسْكُونًا وَلَيْسَ بِرَأْيِ الْمَدْعُوِّ شَيْءٌ مَعَ الدَّاعِي

ما اغفلناه واحفظ لنا ما ليسيناه وحيرونا  
انچه تركه كرم وكفيمه از او نماند ۱۰۰ برابر آنچه فرستادش كرديم

بغیر اور ایندہیم کہ چہ  
شیطان کند؟

[illegible]



في المذونات

یغیر لب اول انچه از تو  
خواستیم

بِذَلِكَ فِي دَرَجَاتِ الصَّاحِبِينَ وَمَرَاتِبِ الْمَوْتِينَ  
سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ مَا يَكُونُ لَهُ عِلْمٌ شَيْءٍ مِنْ غَيْرِ ذِكْرِ شَيْءٍ مِنْ رَبِّهِ

امین یارب العالمین  
چنانکه دعا می خوانی و دعا می کنی

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ  
هرگاه نوح میشد خدا و ناموست **سکس** از ایشان انحضرت میفرمود

عَلَى حُسْنِ قَضَائِكَ وَبِمَا صَرَفْتَ عَنِّي مِنْ

بلائیك فلا تجعل حظي من رخصتك ما  
بلائی خود پس گویان بهره مرا از رخصت خود آنی

عَجَلَتْ لِي مِنْ عَافِيَتِكَ فَأَكُونُ قَدْ شَقِيتُ  
الْمُرُشِيدَةُ بْنُ أَرْعَفٍ خُوْدِي بِهَذَا الشَّعْرِ كَمَا تَحْيِي بِكَ

مَا أَخْبَتْ وَسَعِدَ عِزِّي بِمَا كَرِهْتُ وَ  
أَخْلَصْتُ دَائِرَتِي مِنْ غَيْرِ لَيْبٍ أَوْ تَخَلُّفٍ

زنی که ما ظلاله فيه اوت فيه من

هذه العاقبة بين يدي بلاء لا يقطع  
بين عاقبتكم يا فتى ام يمشي بلائكم لا يقطع نكر

[illegible]

بیم  
اگر این عقیقت  
که یافته ام عقیقت  
عقبت خود خواهد بود پس اندازد  
عقبت را که در دنیا داده و عقیقت را که در آخرت  
داده و باور دارد آنرا پس اندازد  
بسیار نیست پس باور دارد آنرا  
و آنچه عقیقتی نباشد که در آخرت  
بسیار نیست پس باور دارد آنرا  
بسیار نیست پس باور دارد آنرا

و وزیر لا یرفع فقیه فی ما آخرت و آخر

عَمِي مَا قَدَّمْتُ فَعِيرُ كَثِيرٌ مَا عَاقَبْتَهُ الْفُتَا  
از من که از پدرم پرسیدند ای پسر چه کردی که از پدرت عار شدی

وَعَزَّزْتُ قَلِيلًا مَا عَاقَبْتَهُ الْبَقَاءُ وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
وَأَكْرَمْتُ الْحُجَّةَ عَمَّ شَيْءٍ بَقَاةً وَرَحِمْتُ بَنَاتِ بَرْجَمَ

وَاللهُ  
وَبُورِ اَزْدَعَالِي الْاَكْفَرِ وَالْاَوَّلِيْمِ نَزْدَ طَلِبِ اَبْرَارِ بَعْدَ اَزْ حَقِّ

اللَّهُمَّ اسْقِنَا الْغَيْثَ وَانْشَرْ عَلَيْنَا حَتَّى

بِعَيْثِكَ الْمَغْدُوقِ مِنَ السَّحَابِ الْمُنَاقِلِ

أَرْضِكَ الْمَوْثِقِ فِي جَمِيعِ الْأَفَاقِ وَأَمْنٌ عَلَى

عِبَادَكَ بِإِنْعَاقِ الثَّمَرَةِ وَأَحْمَدِ بِحَمْدِكَ

بِلَوْغِ الزَّهْرَةِ وَاشْهَدْنَا نِكَتَ الْكِرَامِ  
تسبیح شکوہ و کواہ کیر و ششکل خود، اگر کیران

عند الاستقاء

بجز که نوشته اند در این کتاب  
نویسندگان و دستمندان  
بهشت از زبان نویسنده  
نویسندگان و دستمندان

بغیر رسیدن شکوفه  
میباشد



# عند الاستقاء

السفرة يستقي منك نافع دائم غزوه واسع  
 ولست بك غدا بدارك ولا زجرك لو كنت في حوزة  
 درره ما قدفات وتخرج به ما هوأت  
 وتوسع به في الأقوات سحابا مترا كما هنيئا  
 مريئا طقا مجلجلا غير ملث ودقه ولا  
 خلب برقه اللهم اسقنا غيثا مغيا مريئا  
 مبرعا عريضا واسعا غير ارتد فيه المهيض  
 وتجبر به المهيض اللهم اسقنا سقيا سبيلا  
 منه الظراب وتملأ منه الجباب ونجور  
 به الأنهار وتنبئ به الأشجار وترخص به  
 السبل

قوله استقي منك نافع دائم غزوه واسع  
 يعني ما لا ينفد ولا يحد ولا يحد ولا يحد  
 قوله سحابا مترا كما هنيئا  
 يعني ما لا ينفد ولا يحد ولا يحد ولا يحد

قوله مريئا طقا مجلجلا غير ملث ودقه ولا  
 يعني ما لا ينفد ولا يحد ولا يحد ولا يحد  
 قوله خلب برقه  
 يعني ما لا ينفد ولا يحد ولا يحد ولا يحد

# عند الاستقاء

الاسعار في جميع الأمصار وتغش به  
 البهائم والخلق وتكل لنا به طيبات الرزق  
 وتنبئ لنا به الرزق وتذريه الصرع  
 تزيدنا به قوة الى قوتنا اللهم لا تجعل  
 ظله علينا سوما ولا تجعل برده علينا  
 حسوما ولا تجعل صوبه علينا رجوما ولا  
 تجعل ماءه علينا اجاجا اللهم صل على  
 محمد وآل محمد وارزقنا من بركات  
 السموات والارض انك على كل شيء قدير

قوله البهائم والخلق  
 يعني ما لا ينفد ولا يحد ولا يحد ولا يحد

قوله وتغش به  
 يعني ما لا ينفد ولا يحد ولا يحد ولا يحد



# مکالمه اخلاق

وكان دعا على كاد من ذلك

ابوداد دعاي اخيرت عذر رسم و طلب اخلاق ستوده و افشار  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

و اخلاق خداوند را بخت بخت بر محمد و آل او پسندیده  
 وَبَلِّغْ بِإِيمَانِي أَكْلَ الْإِيمَانِ وَاجْعَلْ يَقِينِي  
 و بسم الله ايمان مرا بکمال ايمان و بخت بخت مرا  
 أَفْضَلَ الْيَقِينِ وَأَنْتَ بِلِقَائِي أَحْسَنَ  
 و بخت بخت مرا بخت بخت مرا بخت بخت مرا  
 الْيُسْرَى وَبِعَمَلِي إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ

و بخت بخت مرا بخت بخت مرا بخت بخت مرا  
 اللَّهُمَّ وَفَرِّطُفِكَ نِيَّتِي وَصَحِّحْ بِمَا عِنْدَكَ  
 خداوند و بخت بخت مرا بخت بخت مرا بخت بخت مرا  
 يَقِينِي وَاسْتَصْلِحْ بِقُدْرَتِكَ مَا سُدَّ مَنِّي اللَّهُمَّ  
 و بخت بخت مرا بخت بخت مرا بخت بخت مرا  
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْكُنِي مَا يَشْغَلُنِي الْإِفْتِمَاءَ  
 و بخت بخت مرا بخت بخت مرا بخت بخت مرا  
 بِمِوَأَسْتَعِزَّنِي بِمَا شَاءَ لِي عَدَاةً وَ

و بخت بخت مرا بخت بخت مرا بخت بخت مرا  
 و بخت بخت مرا بخت بخت مرا بخت بخت مرا  
 و بخت بخت مرا بخت بخت مرا بخت بخت مرا

و بخت بخت مرا بخت بخت مرا بخت بخت مرا  
 و بخت بخت مرا بخت بخت مرا بخت بخت مرا

# مکالمه اخلاق

استغفر آياتي فيما خلقني له و اغني و

و بخت بخت مرا بخت بخت مرا بخت بخت مرا  
 أَوْسِعْ عَلَيَّ رِزْقَكَ وَلَا تَقْتِنِي بِالْظُّرِّ

و بخت بخت مرا بخت بخت مرا بخت بخت مرا  
 وَاعِزَّنِي وَلَا تَلِيْلِي بِالْكِبَرِ وَعِزَّنِي لَكَ  
 و بخت بخت مرا بخت بخت مرا بخت بخت مرا  
 وَلَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْجُبِّ وَاجْرُ لِلنَّاسِ  
 و بخت بخت مرا بخت بخت مرا بخت بخت مرا  
 عَلَى يَدَيَّ وَلَا تَحْقُقْهُ بِالْمِنْ وَهَبْ لِي مَعَا

و بخت بخت مرا بخت بخت مرا بخت بخت مرا  
 الْأَخْلَاقَ وَاعْصِمْنِي مِنَ الْفَحْرِ اللَّهُمَّ صَلِّ  
 و بخت بخت مرا بخت بخت مرا بخت بخت مرا  
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَرْفَعْنِي فِي النَّاسِ دَرَجَةً  
 و بخت بخت مرا بخت بخت مرا بخت بخت مرا  
 إِلَّا حَظَّ ظَنِّي عِنْدَ نَفْسِي مِثْلَهَا وَلَا تَحْدِثْ  
 و بخت بخت مرا بخت بخت مرا بخت بخت مرا  
 لِي عِزًّا ظَاهِرًا إِلَّا أَحْدَثْتَ لِي ذِلَّةً بَاطِنَةً

و بخت بخت مرا بخت بخت مرا بخت بخت مرا  
 و بخت بخت مرا بخت بخت مرا بخت بخت مرا

و بخت بخت مرا بخت بخت مرا بخت بخت مرا

و بخت بخت مرا بخت بخت مرا بخت بخت مرا

و بخت بخت مرا بخت بخت مرا بخت بخت مرا  
 و بخت بخت مرا بخت بخت مرا بخت بخت مرا



عند الاستقواء  
مكارم الاخلاق

بقدرها  
بقدر ان كرت

عِنْدَ نَفْسِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ  
 مَعْنِي عُدَى صَالِحٍ لَا أَسْتَبْدِلُ بِهِ وَطَرِيقَةً  
 حَقِّي لَا أَرْبِعُ عَنْهَا وَنِيَّةٍ رَشِيدًا أَشْكُ فِيهَا  
 وَعَمْرِي مَا كَانَ عَمْرِي بِذَلِكَ فِي طَاعَتِكَ  
 فَإِذَا كَانَ عَمْرِي مُرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَأَقِضْ  
 إِلَيْكَ قَلْبِي أَنْ يَسْبِقَ مَقْتِكَ إِلَيَّ وَتُخَيَّرَ  
 غَضَبُكَ عَلَيَّ اللَّهُمَّ لَا تَدْعُ خَصْلَةً تَقَا  
 مَنِّي إِلَّا أَصْلَحْتَهَا وَلَا عَايِبَةً أَوْبُهَا إِلَّا  
 أَتَمَمْتَهَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآلِ  
 مُحَمَّدٍ

حَسَنًا وَلَا أَكْرَهًا  
فِي تَائِيَةِ الْأَمْرِ

عند الاستقواء  
مكارم الاخلاق

مِنْ بَغْضَةِ أَهْلِ الشَّنَانِ الْحَبَّةِ وَمِنْ حَسَدِ  
 أَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوْدَةِ وَمِنْ ظَنَّةِ أَهْلِ الضَّلَاةِ  
 الْثِقَةِ وَمِنْ عِدَاوَةِ الْأَذِينَ الْوَلَايَةَ وَ  
 مِنْ عُقُوقِ ذَوِي الْأَرْحَامِ الْمُبَرَّةِ وَمِنْ خُدَا  
 الْأَقْرَبِينَ النَّصْرَةَ وَمِنْ حُبِّ الْمَدَارِبِينَ  
 نَصِيحَةَ الْمُقَةِ وَمِنْ رَدِّ الْمَلَابِسِينَ كَرَمًا  
 الْعُسْرَةَ وَمِنْ مَرَارَةِ خَوْفِ الظَّالِمِينَ حِلَا  
 الْأَمْنَةَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ  
 لِي يَدًا عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَلِسَانًا عَلَى مَنْ خَا صَنِي

بقي قدر كره و كبر لو دانی  
 بقی قدر كره و كبر لو دانی  
 بقی قدر كره و كبر لو دانی  
 بقی قدر كره و كبر لو دانی  
 بقی قدر كره و كبر لو دانی  
 بقی قدر كره و كبر لو دانی  
 بقی قدر كره و كبر لو دانی  
 بقی قدر كره و كبر لو دانی  
 بقی قدر كره و كبر لو دانی  
 بقی قدر كره و كبر لو دانی

عند الاستقواء  
مكارم الاخلاق



# مکارم اخلاق

و ظفر ابر جان دنی و هب لی مکر اعلی من کایدنی  
 و غیر دنی بر آنکه با فرموده است و بخش مرا که بر آنکه بر آنکه  
 و قدرة علی من اضطهدنی و تکتینا لمن  
 و قدره بر آنکه با من تکر کرده است و تکتینا لمن  
 قصینی و سلامة من توعدنی و وفقی لطاعة  
 تکر کرده است و سست آنکه که عده داده است مرا و فقی به مرا  
 من سددنی و متابعة من ارشدنی اللهم  
 بر آنکه بر آنکه بر آنکه بر آنکه بر آنکه بر آنکه بر آنکه  
 صل علی محمد و آله و سددنی لکن اعراض  
 رحمت نبوت بر محمد و آله او و فقی و مرا بر آنکه بر آنکه  
 من عشم بالضح و اخوی من محبی بالبر و  
 که با که دین کرده است با بر آنکه بر آنکه بر آنکه بر آنکه  
 اثب من حر منی بالبدل و اکافی من  
 و حق بهم که بر آنکه بر آنکه بر آنکه بر آنکه بر آنکه  
 قطعی بالصلة و اخالف من اغتابنی الی  
 از فرموده است بر آنکه بر آنکه بر آنکه بر آنکه بر آنکه  
 حسن الذکر و ان اشکر الحسنة و  
 بنیکه بر آنکه بر آنکه بر آنکه بر آنکه بر آنکه

بهر نیکوئی بدو  
 بیکر از عیش و زور و فغان  
 فرموده است علی بن اقیق و بنده  
 و نه به چشم

اغضی

# مکارم اخلاق

اغضی عن السیئة اللهم صل علی محمد و آله  
 چشم به چشم از بدی و خداوند رحمت نبوت بر محمد و آله  
 و حللی بحلیة الصالحین و البشی بینه  
 و انداز کن مرا بصفت صالحان و بپوشان مرا زینت  
 المثقین فی بسط العدل و کظم الغیظ  
 بر من کاران و گستردن عدل و فروزیدن چشم  
 و اطفاء النائرة و ضم اهل الفرقة و  
 و فروزیدن نه دانی را دوست و جمع کردن گروهی که مشفق باشند و  
 اصلاح ذات البین و افشاء العارفة  
 اصلاح کردن میان مردمان و افش کردن جان ح  
 و ستر العائبة و لیز العزیز و خفض الحنا  
 و پوشش دادن عیب و از سرافراز و لب کردن بال  
 و حسن السیرة و سکون الیرح و طیب  
 و نیکوئی سیرت و ساکن بودن بار و خوش  
 الخالقة و السبق الی الفضیلة و ایشار  
 حفظ مردم و پیش رفتن بفضیلت و اختیار کردن  
 التفضل و ترک التغبیر و الافضال علی  
 تفضل و ترک سب و زشتی کردن مردم و افضال بر

بیان صفت صالحان و رحمت  
 بر این کاران  
 پیش رفتن مردم بفضیلت  
 بفرستادن بود و بفرستادن  
 با نیت دور بر تقدیر  
 سب از صفت و فغان  
 با از عدم بیکر



# مکارم الاخلاق

بزرگوارترین صفات

غَيْرِ الْمُسْتَحَقِّ وَالْقَوْلَ بِالْحَقِّ وَإِنْ عَزَّ وَاسْتَفْلَا  
 غَيْرِ مُسْتَحَقِّ *وگفتنی حق را اگر چه از کمال و*  
 الْخَيْرُ وَإِنْ كَثُرَ مُنْقِبُكَ وَفِعْلُكَ وَاسْتِكْنَا  
 خیر *و اگر چه بسیار باشد از گفتن حق و کردار نیک و استقامت*  
 الشَّرُّ وَإِنْ قَلَّ مُنْقِبُكَ وَفِعْلُكَ وَاكْمَلْ ذَلِكَ  
 شر *و اگر چه اندک باشد از گفتن حق و کردار نیک و کامل گردان این*  
 إِلَى بَدْوَامِ الطَّاعَةِ وَلِرُؤُوسِ الْجَمَاعَةِ وَرِفْضِ  
 برای همیشه طاعت کردن و همیشه با جماعت بودن و ریزش  
 أَهْلِ الْبِدْعِ وَمُسْتَعِیلِ الرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ اللَّهُمَّ  
 اهل بدعت و اهل گمراهی بگردان *و ای خداوند*  
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ أَوْسَعَ رِزْقِكَ  
 رحمت بفرست بر محمد و آل او و بگردان از آخرت روزی خود را  
 عَلَيَّ إِذَا كَبُرْتُ وَأَقْوَى قُوَّتِكَ فِيَّ إِذَا  
 بر من برگاه بر شوم و قوی ترین قوت خود را در من برگاه  
 نَصَبْتُ وَلَا تَهْلِيلِي بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ  
 نهاده ای و بسط مسخره را بگذاشتن من از عبادت تو  
 وَلَا الْعَصْيَ عَنْ سَبِيلِكَ وَلَا مَا تُعَرِّضُ لِحَالَا  
 و نه نافرمانی از راه تو و نه آنچه تو را در معرض

ظاهر است که افضل کنی  
 غیر مستحق از این بزرگوار  
 افضل کنی  
 بسیار نیکو  
 بسیار نیکو

بزرگوارترین روز خود را  
 بر من توانی بگردان  
 بزرگوارترین  
 بزرگوارترین

# مکارم الاخلاق

عَجَّتِكَ وَلَا جُمَاعَةً مِنْ يَفْرُقُ عَنْكَ وَلَا  
 دوست ترا و نه جمعی شدن با کسی که جدا شد از تو و نه  
 مُفَارَقَةً مِنْ اجْتِمَاعِ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي  
 مفارقت کسی که لازم آید بهند بسوی تو خداوند *و بگردان مرا*  
 أَصُولُكَ عِنْدَ الصَّرُورَةِ وَأَسْأَلُكَ عِنْدَ  
 اصل تو در محض تنویر ضرورت *و سوال کنم از تو نزد*  
 الْحَاجَةِ وَاتَضَرَّعُ إِلَيْكَ عِنْدَ الْمُسْكِنَةِ وَ  
 حاجت *و از سرگشته شدن بسوی تو نزد فقر و*  
 لَا تَفْتِنَنِي بِالْإِسْتِعَانَةِ بِغَيْرِكَ إِذَا اضْطُرَّ  
 آفتان بر تو اگردا *و بگردان من* *بغیر تو هرگاه مضطر شوم*  
 وَلَا بِالْخُضُوعِ لِسُؤَالِ غَيْرِكَ إِذَا افْتَقَرْتُ  
 و نه بی تو تنه گردان برای سوال از غیر تو *چون محتاج شوم*  
 وَلَا بِاللِّضَرِّعِ إِلَى مَزْدُونِكَ إِذَا رَهَيْتَ فَاسْتَقِ  
 و نه برادر کردن بسوی کسی که میباید که سرگردان *چون بترسم*  
 بِذَلِكَ خَذْلًا لَكَ وَمَنْعَكَ وَأَعْرَاضَكَ يَا  
 ای سبب خوار گردانیدن تو را و منع کردن تو را و گردانیدن تو را  
 أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا إِلَيَّ الشَّيْطَانِ  
 بخشاید تو را از شیطان *خداوند ای خداوند ای خداوند*

نیست قوت قدرت تو



# مکارم الاخلاق

فِرْزُوعٍ مِنَ الْقَمَمِ وَاللَّظَنِي وَالْحَسَدِ ذِكْرًا

در اول مرتبه از آلودگی و درنگ و در شک یاد کردن

لِعَظَمَتِكَ وَتَفَكُّرًا فِي قُدْرَتِكَ وَتَذَكُّرًا

بر بزرگی ترا و تفکر کردن در قدرت تو و تذکر کردن

عَلَى عَدْوِكَ وَمَا أَجْرَى عَلَى السَّانِي مِنْ لَفْظَةٍ

بر دشمنی تو و آنچه را که در میان تو و من از لفظی

فُحِشٍ أَوْ هَجْرٍ أَوْ شِمٍّ عَرَضَ أَوْ شَهَادَةٍ بَاطِلَةٍ أَوْ

فحش یا بدی یا دشنام یا کجاست یا کجاست یا

اِغْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ وَمَا أَشْبَهَ

عیب کردن مؤمن غایب یا دشنام به حاضر و آنچه مانند

ذَلِكَ نَطَقًا بِأَحَدِكَ وَأَعْرَاقًا فِي الشَّيْءِ

این سخن گفتن به یکی تو و جدا کردن در شئ

عَلَيْكَ وَذَهَابًا فِي تَجَنُّدِكَ وَشُكْرًا لِلنِّعْمَتِكَ

بر تو و دور شدن از تو و شکر کردن از نعمت ترا

وَاعْتِرَاقًا بِإِحْسَانِكَ وَإِخْصَاءَ عِلْمِيكَ

و در قرائت کردن از احسان تو و شکر کردن از معرفت ترا

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَظْلِمَنَّ وَأَنْتَ

خداوند رحمت بر محمد و آل او و ستم وید و ستم و حال تو

این را بخواند اگر شیطان از او بگوید  
در اول مرتبه از آلودگی و درنگ و در شک یاد کردن

این سخن گفتن به یکی تو و جدا کردن در شئ  
عیب کردن مؤمن غایب یا دشنام به حاضر و آنچه مانند

عظمت تو را یاد کردن و تفکر در قدرت تو و تذکر کردن  
بر دشمنی تو و آنچه را که در میان تو و من از لفظی  
فحش یا بدی یا دشنام یا کجاست یا کجاست یا  
اغتیاب مؤمن غایب یا دشنام به حاضر و آنچه مانند  
ذات تو را یاد کردن و شکر کردن از نعمت ترا  
و اعتراق با احسان تو و شکر کردن از معرفت ترا  
اللهم صل على محمد و آل و ستم وید و ستم و حال تو

# مکارم الاخلاق

مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ عَنِّي وَلَا أَظْلَمُ وَأَنْتَ الْقَادِرُ

توانا هستی از دفع ستم از من و ستم نکنی و حال آنکه تو قدرت داری

عَلَى الْقَبْضِ مِنِّي وَلَا أَضِلُّنَّ وَقَدْ امْكُنَّاكَ

بر نگاه داشتن من و گمراه نسوم و حال آنکه مکنست ترا

هُدَايَتِي وَلَا أَفْتَرَنَّ وَمِنْ عِنْدِكَ وَسُحِّي

در ستمی من و فیکر نکردم و حال آنکه تو از دست تو بداری

وَلَا أَطْغِينِ وَمِنْ عِنْدِكَ وَجُدِي اللَّهُمَّ

و طغیان نودرم و حال آنکه از تو است تو اگر من خداوند

الْمَغْفِرَتِكَ وَفَدْتُ وَإِلَى عَفْوِكَ قَصْدُ

ببر آرمش تو ای خداوند من و به عفو تو قصد کرده ام

وَإِلَى تَجَاوُزِكَ أَشَقْتُ وَبِفَضْلِكَ وَ

و به گذشتن تو از من و ستم شده ام و بفضل تو و

ثَقْتُ وَلَيْسَ عِنْدِي مَا يُوجِبُ لِي مَغْفِرَتَكَ

افتاد کرده ام و نیست از من آنچه واجب است از عفو ترا

وَلَا فِي عَمَلِي مَا اسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوُكَ وَمَالِي

و نیست در کرده من آنچه مستحق است از عفو ترا و نیست ترا

بَعْدَ أَنْ حَكَمْتُ عَلَى نَفْسِي الْأَفْضَلَ

بعد از آنکه حکم کردم بر نفس خود که افضل تو

این را بخواند اگر شیطان از او بگوید  
در اول مرتبه از آلودگی و درنگ و در شک یاد کردن  
عظمت تو را یاد کردن و تفکر در قدرت تو و تذکر کردن  
بر دشمنی تو و آنچه را که در میان تو و من از لفظی  
فحش یا بدی یا دشنام یا کجاست یا کجاست یا  
اغتیاب مؤمن غایب یا دشنام به حاضر و آنچه مانند  
ذات تو را یاد کردن و شکر کردن از نعمت ترا  
و اعتراق با احسان تو و شکر کردن از معرفت ترا  
اللهم صل على محمد و آل و ستم وید و ستم و حال تو







# مکارم الاخلاق

الْمَعَادِ وَأَمْنِي حُسْنَ الْإِشْرَادِ اللَّهُمَّ صَلِّ  
 بَرَكَتِ دُعَاكَ مَرَا سَيَكُونُ ارشاد خاوندان  
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَادْرَاعِي بِلُطْفِكَ  
 بخت بر محمد و آل او و دفع کن از من بطف خود  
 وَاغْذِنِي بِمَغْسِتِكَ وَأَصْلِحْ لِي بَكْرِي  
 و پرورش ده مرا بنیت خود و اصلاح ده مرا بکرم خود  
 وَادِرْ بِنِي بِصُنْعِكَ وَأَطْلُبْنِي فِي ذُرَاكَ  
 و ده ای مرا بپسند خود و طلب ده مرا در جنت خود  
 وَجَلِّلْنِي بِرِضَاكَ وَوَقِّفْنِي إِذَا اشْتَكَلَتْ  
 و بزرگوار گردان مرا با رغبت خود و توقف ده مرا برگاه مشیت خود  
 عَلَى الْأُمُورِ لَا هَذَا هَا وَإِذَا انْتَشَبَتْ  
 بر من کارها بر این خصوص نیست و هرگاه من بپوشم  
 الْأَعْمَالُ لَا رُكَاةَا وَإِذَا انْقَضَتْ  
 کردارها بر این بجز نیست و هرگاه من بپوشم  
 أَلَمَلُ لَا رِضَا هَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ  
 بخت بر محمد و آل او و دفع کن از من بطف خود  
 وَتَوَخَّيْ بِالْكَهَانَةِ وَسَهْنِي حُسْنَ الْوَلَايَةِ  
 و بپوش من مرا با کهنیت و ده مرا ساز بر من بکرم و ولایت

ارشاد و بپوش من مرا  
 بخت بر محمد و آل او  
 و دفع کن از من بطف خود

بپوش من مرا  
 بخت بر محمد و آل او  
 و دفع کن از من بطف خود

بپوش من مرا  
 بخت بر محمد و آل او  
 و دفع کن از من بطف خود

بپوش من مرا  
 بخت بر محمد و آل او  
 و دفع کن از من بطف خود

# مکارم الاخلاق

وَهَبْ لِي صِدْقَ الْهُدَايَةِ وَلَا تَقْنِي بِالسَّعَةِ  
 و بخش مرا صدق هدایت و موقوف کن مرا بر بخت  
 وَأَمْنِي حُسْنَ الدَّعَةِ وَلَا تَجْعَلْ عَيْشِي  
 و عطا کن مرا بکرم خود و موقوف کن مرا بر بخت  
 كَذًا كَذَا وَلَا تَرُدَّ دُعَايَ عَلَى رَدِّ أَفَاتِي  
 سخت سخت و بر مگردان دعای مرا بر مگردان بر مگردان  
 لَا أَجْعَلْ لَكَ صَدًّا وَلَا أَدْعُو مَعَكَ نَدًّا  
 که من نیکو داند برای تو صدق و من نیکو داند برای تو صدق  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَمْنِي مِنْ  
 خاوندان بخت بر محمد و آل او و دفع کن از من بطف خود  
 الشَّرِّ وَحَسِّنْ رِزْقِي مِنَ التَّلَفِ وَوَقِّفْنِي  
 اسراف و نگاهدار رزق مرا از تلف شدن و بپوش من  
 مَلَائِكِي بِالْبَرَكَةِ فِيهِ وَأَصْبِ سَيْلَ  
 مای مرا بپوش بخت و ده مرا بپوش بخت  
 الْهُدَايَةِ لِلْبَرِّ فِيمَا أُفِقَ مِنْهُ اللَّهُمَّ صَلِّ  
 بخت بر محمد و آل او و دفع کن از من بطف خود  
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكَفِّنِي مَوْنَةَ الْأَكْثَابِ  
 بخت بر محمد و آل او و دفع کن از من بطف خود

بخش مرا صدق هدایت  
 و موقوف کن مرا بر بخت  
 و عطا کن مرا بکرم خود  
 و موقوف کن مرا بر بخت  
 سخت سخت و بر مگردان  
 دعای مرا بر مگردان  
 بر مگردان بر مگردان

که من نیکو داند  
 برای تو صدق  
 و من نیکو داند  
 برای تو صدق

خاوندان بخت  
 بر محمد و آل او  
 و دفع کن از من  
 بطف خود

اسراف و نگاهدار  
 رزق مرا از تلف شدن  
 و بپوش من

مای مرا بپوش  
 بخت و ده مرا  
 بپوش بخت

بخت بر محمد و آل او  
 و دفع کن از من  
 بطف خود

بخت بر محمد و آل او  
 و دفع کن از من  
 بطف خود



# مکالمه در اخلاق

وَارْزُقْنِي مِنْ غَيْرِ اخْتِسَابٍ فَلَا اسْتَعْلَ  
 و از روزی و غیره است چنانچه از هیچ کس نترسم  
 عَنْ عِبَادَتِكَ بِالْظَلْبِ وَلَا اخْتِلَ اضْرَ  
 از عبادت تو بطلب کردن و در خواهم که از من  
 تَبْعَاتِ الْمَكْسِبِ اللَّهُمَّ فَاطْلِبِي بِقُدْرَتِكَ  
 و طلبه کردن خداوند ای برادر بخت خود  
 مَا أَطْلُبُ وَاجْزِي عِزَّتِكَ فَمَا ارْهَبُ  
 آنچه بطلبم و بخواه مرا بخت خود از بیم نترسم  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصْنِ وَحْيِي الْبَشَا  
 خداوند رحمت بفرست بر محمد و آل او و صفت من و وحی انبیا  
 وَلَا تَبْذُلْ جَاهِي بِالْاِقْتَارِ فَاسْتَزِرْ قَاهِلَ  
 و نذر کن منزلت مرا بدارد بیش از طلب و ترس از پهل  
 رَزَقِكَ وَاسْتَغْطِي شَرَّ اَخْلَقِكَ فَافْتِنَنَ  
 روزی تو و خداوند عطا فرم از بدان خشن تو پس گرفتارم  
 بِحَسَدٍ مِنْ اَعْطَانِي وَابْتَلِي بِذَمِّ مَنْ مَنَعَنِي  
 بپسند کردن کسی که عطا کند مرا و بسازد که در دلم بدمت کردن کسی که منعی  
 وَأَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَلِي الْأَعْطَاءِ وَالْمَنْعِ اللَّهُمَّ  
 و مال اینکه تو ندانی ایشان منو عطا کردن و منع نمودن خداوند

بغیر طلب کردن از شمار روزی  
 ای خداوند از قیامت شد  
 باشد  
 یا خداوند ای برادر بخت خود  
 یا خداوند ای برادر بخت خود  
 یا خداوند ای برادر بخت خود

# مکالمه در اخلاق

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْنِي صِحَّةً فِي عِبَادَةٍ  
 رحمت بفرست بر محمد و آل او و روزی کن مرا صحت که عبادت کند  
 وَفَرَاغاً فِي زَهَادَةٍ وَعِلْماً فِي اسْتِعْمَالِ دُورَعَا  
 و فراغی که بازگشت به پند و علم که بکار آید و دوری که از دنیا  
 فِي اجْتِمَالِ اللَّهُمَّ اخْتِمِ بِعَفْوِكَ اجْلِي  
 که بگویشد خداوند ختم کن بپسند خود دلت مرا  
 وَحَقِّقْ فِي رَجَاءِ رَحْمَتِكَ آمَلِي وَسَقِلْ إِلَى  
 و محقق گردان و امید رحمت تو آرزوی مرا و آسان کن لبوی  
 بُلُوغِ رِضَاكَ بُسْلِي وَحَسِّنْ فِي جَمِيعِ اَحْوَالِي  
 رسیدن بخشندگی تو و پند مرا و بساز که در همه احوال مرا  
 عَمَلِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَقَبَّلْ  
 عمل مرا خداوند رحمت بفرست بر محمد و آل او و بپذیر  
 لِدُخْرِكَ فِي اَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ وَاسْتَعْمَلُو  
 برای یاد کردن تو در اوقات غفلت و بکار دار مرا  
 بِطَاعَتِكَ فِي اَيَّامِ اَهْلَةٍ وَاهْلِي اِلَى الْمُحْتَمَلِ  
 در طاعت خود در روزگار محبت و محبت کن مرا برای محبت  
 سَبِيلَ سَهْلَةٍ اكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا  
 راه آسانی تمام کن برای من بپسند آن راه خیر دنیا

بغیر طلب کردن از شمار روزی  
 یا خداوند ای برادر بخت خود  
 یا خداوند ای برادر بخت خود  
 یا خداوند ای برادر بخت خود  
 یا خداوند ای برادر بخت خود  
 یا خداوند ای برادر بخت خود



في الامتضاء

وَأَقْبَتَ دَاوُدَ إِذْ هُوَ يَرْعَى الْغَنَمَ وَهُوَ يَتْلُو الْكِتَابَ

رہنما کہ فرستادہ کے از خلق خود ہمیشہ از و آنچه

خواہر خواہر کے بعد اورو عطا کن مارا اور دینا

عظية خوسه در آفت عظمه خوسه و نك بدار در آفت

و بود از دعا که از عذاب آنش هرگاه اندوختن می کند او را احوال

حسد او اندامی کا رنگداری کے کرتھ پشند و ضعیف و نکلہ و ارج

از جمله کتب معتبره و قدس که در این کتاب مراعات شده است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فمنه فمنا فكلوا فكلوا فكلوا

۳۱

[illegible]

في الاستكفاء

و کجایان نواز گردانید مرا از نو و حال او چیست مرا و کیست مرا و از نو

و حال آنکه نهادهای اخذ مکرر و کثرت نوازده و او را و اما این توضیح

بنا به دستور خود او خازن می بود و در هر روز با قیام می نمود

مکر علی حسنه علیہ روزه نماز و یا در سب و عداوت و یا در طاعت و عبادت

[illegible]

وَاللَّهُ يَخْتَارُ  
وَاللَّهُ يَخْتَارُ

أَيُّهَا الصَّوْفِيُّ عَمَّ وَجْهَكَ الْكَبِيرَ أَوْ مَنَعَكَ

فَإِنَّكَ الْحَسَنُ أَوْ حُظَّتْ عَلَيْكَ رِزْقُكَ

[illegible]



# في الاستكفاء

أَوْ قَطَعْتَ عَنِّي سَبِكَ لِمَا جِدَ السَّيْلُ لَكَ  
 شَيْءٌ لَمْ يَكُنْ غَيْرَكَ وَلَمْ أَقْدِرْ عَلَى مَا عِنْدَكَ  
 بِمَعُونَةِ سِوَاكَ فَإِنِّي عِنْدَكَ وَفِي قَبْضِكَ  
 نَاصِيَتِي بِيَدِكَ لَا أَمْرَ لِي مَعَ أَمْرِكَ مَا ضَرَفَ  
 حُكْمَكَ عَدْلٌ فِي قَضَائِكَ وَلَا قُوَّةٌ لِي عَلَى  
 الْخُرُوجِ مِنْ سُلْطَانِكَ وَلَا اسْتَطِيعَ مُجَاوِزَةً  
 قَدْرَتِكَ وَلَا اسْتَمِيلُ هَوَاكَ وَلَا أَبْلُغُ رِضَاكَ  
 وَلَا أَنَا لِمَا عِنْدَكَ إِلَّا بِطَاعَتِكَ وَبِفَضْلِكَ  
 رَحْمَتِكَ إِلَهِي أَصْبَحْتُ وَأَمْسَيْتُ عِنْدَكَ

من  
 بغير امر لیسوا از خود  
 بغير از تو نیست  
 ناصیتی نیست  
 بودن کتابت از حضور و در دست

بغیر سبیل نمیتوانم کرد و نتوانم  
 رسید و در نهایت کرب و  
 طاقت تو

# في الاستكفاء

دَاخِرًا لَكَ لَا أَمَلُكَ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا  
 إِلَّا بِكَ أَشْهَدُ بِذَلِكَ عَلَى نَفْسِي وَأَعْتَرِفُ  
 بِضَعْفِ قُوَّتِي وَقِلَّةِ حِيلَتِي فَأَخْجِزْ لِي مَا  
 وَعَدْتَنِي وَتَمِّمْ لِي مَا اتَّيَسَّنِي فَإِنِّي عِنْدَكَ  
 الْمُسْكِينُ الْمُسْكِينُ الضَّعِيفُ الضَّعِيفُ الْحَقِيرُ  
 الْمُهِنُ الْفَقِيرُ الْخَائِفُ الْمُسْتَجِيرُ اللَّهُمَّ  
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَجْعَلْنِي نَاسِيًا لِدُكْرِكَ  
 فِيمَا أَوْلَيْتَنِي وَلَا غَافِلًا لِأَحْسَانِكَ فِيمَا  
 أَبْلَيْتَنِي وَلَا أَيْسَارًا لِإِحَابَتِكَ لِي وَارْزُقْ بَطْنِي

بغیر بزرگوار

در این

خوار و بدم بران تو مالک نیستی بر است خود یعنی از خود ضروری را  
 مگر این تو که است بیدم بجز بر نفس خود و اعتراف میکنم  
 و بعد کرده ام و نام کرده ام بر این چیزهای را عطا کرده ام پس کسی که مرسته  
 مسکین و فقیه که است خوار به اعتبار  
 فقیر تر است که این خواهانده تو ام خداوند ا  
 رحمت بفرست بر محمد و آل او و مکره آن مرا از انوش کنند مرا با تو را  
 در آنچه عطا کرده اند و نه عفت و زنده مرا چنان تو را در آنچه  
 انعام داده اند و نه تو می شود نه از احابت کردن تو مرا و اگر چه در کمال



# فِي الاستكفاء

عَنِّي فِي سَرَاءٍ كُنْتُ أَوْضَرَاءَ أَوْ شِدَّةَ أَوْ رَحَاءَ  
 ايجاز در سراء و شدة و رعاء  
 أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ بَلَاءٍ أَوْ بَوِّسٍ أَوْ نَعَاءٍ أَوْ جِدَّةٍ  
 اوجافيه و بلاء و بوس و نعاء و جدته  
 أَوْ لَا وَاءَ أَوْ فَقْرٍ أَوْ غِنَى اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى  
 اولا واء او فقر او غنى اللهم صل على  
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ ثَنَاءِي عَلَيْكَ وَمَكْلًا  
 محمد و آل او و بگردان ثنائی من بر تو و مستودعی  
 آيَاكَ وَحَمْدِي لَكَ فِي كُلِّ حَالٍ حَتَّى  
 آياك و حمدی من بر تو در همه حال هر چه باشد  
 لَا أَفْرَحُ بِمَا أَلَيْسَ بِي مِنَ الدُّنْيَا وَلَا أَحْزَنُ  
 لا خوشی را شوم بآنچه عطا کرده من از دنیا و اندوه میکنم از شوم  
 عَلَيَّ مَا مَنَعَنِي فِيهَا وَأَشْعِرْ قَلْبِي تَقْوَاكَ وَ  
 بر آنچه باز داشته مرا در دنیا و بیهوشی دل مرا به پروردگار خود  
 اسْتَعْمِلْ بَدَنِي فِيهَا فَتَكُنْ لِي مَعِي وَأَشْعِلْ  
 بکار دار بدن من را در دنیا و بکار من و مشغول ساز  
 بَطَاعَتِكَ نَفْسِي عَنْ كُلِّ مَا يَرُدُّ عَلَيَّ  
 بطاعت خود نفس مرا از هر چه بر من دارد و بر من

بگو از آن مرا داخل از تو  
 بگو از آن مرا داخل از تو

بگو از آن مرا داخل از تو  
 بگو از آن مرا داخل از تو

بگو از آن مرا داخل از تو  
 بگو از آن مرا داخل از تو

# فِي الاستكفاء

حَتَّى لَا أَحِبَّ شَيْئًا مِنْ سَخَطِكَ وَلَا أَسْخَطُ  
 حتی لا احب شيئا من سخطك ولا اسخط  
 شَيْئًا مِنْ رِضَاكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ  
 شيئا من رضاك اللهم صل على محمد وآله  
 وَتَوَخَّجْ قَلْبِي لِمَحَبَّتِكَ وَأَشْعِلْهُ بِذِكْرِكَ  
 و توجع قلبی لمحبته و اشعله بذكرك  
 وَأَنْعَشْهُ بِخَوْفِكَ وَبِالْوَحْلِ مِنْكَ وَفَقْرٍ  
 و انعشه بترس او و بترس من خود و بهم از خود و فقر او  
 بِالرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَآمِلْهُ إِلَى طَاعَتِكَ وَاجْعَلْ  
 بالرغبة اليك و امله الى طاعتك و اجعل  
 فِي رِجْلَيْ سَبِيلِي خُودَ سَبِيلِي بَعْدَ رِجْلَيْ خُودِ وَارْكَنْ أَوْرَاقِي  
 في رجلي سبيلي خود و سبيل بعد رجلي خود و ارکن اوراقی  
 بِرَبِّهِ أَحَبَّ السَّبِيلِ إِلَيْكَ وَذِلَّ لَهُ بِالرَّغْبَةِ  
 بر ربی احب السبيل اليك و ذلل له بالرغبة  
 فِيمَا عِنْدَكَ أَيَّامَ حَيَاتِي كُلَّهَا وَاجْعَلْ  
 فيما عندك ايام حياتي كلها و اجعل  
 تَقْوَاكَ مِنَ الدُّنْيَا زَادِي وَإِلَى رَجْسِكَ  
 تقواك من الدنيا زادي و الى رجسك  
 رَحْلَتِي وَفِي مَرْضَاتِكَ مَدْخَلِي وَاجْعَلْ  
 رحلتي و في مرضاتك مدخلي و اجعل  
 حَقَّتْ مَعَا وَفِي شَوَارِعِهَا وَجْهٌ شَدِيدٌ مَعَا وَبِجَدَانِ  
 حقت معا و في شوارعها وجه شديد معا و بجدران

بگو از آن مرا داخل از تو  
 بگو از آن مرا داخل از تو

بگو از آن مرا داخل از تو  
 بگو از آن مرا داخل از تو

بگو از آن مرا داخل از تو  
 بگو از آن مرا داخل از تو







عند التذلل

لَا طَاقَةَ لِي بِالْجَهْدِ وَلَا صَبْرًا عَلَى الْبَلَاءِ  
 زینت گفت مرا پشت نیست مشکب مرا بر سلا  
 وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَى الْفَقْرِ فَلَا تَحْظُرْ عَلَيَّ رِزْقِي  
 زینت خور مرا بر فقر کسب من کن از من روزه را  
 وَلَا تَكِلْنِي إِلَى خَلْقِكَ بَلْ نَصِّرْ دُجَا حَقِّي  
 وحوال کن مرا بخلق خود بلکه بجهنم و راحت مرا  
 وَتَوَلَّ كِفَايَتِي وَانْظُرْ إِلَيَّ وَانْظُرْ لِي  
 و منو کار کن از من پیش و نگاه کن بسوی من و نگاه کن برای من  
 فِي جَمِيعِ أُمُورِي فَإِنَّكَ إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى  
 در همه کارهای من پس دست من کنو اگر حواله کنی مرا  
 نَفْسِي عَجَزَتْ عَنْهَا وَمَا أَمَّا مَا يَدُهُ مَضَلَّتْهَا وَادَّ  
 نفس من عاجز شد از آن و پستی توانم ز دست او که در آن مضل است  
 اَزْوَكَ كَلْتَنِي إِلَى خَلْقِكَ تَحْتَمُونِي وَإِنْ  
 و اگر حواله کنی مرا بخلق خود ترسند از من و اگر عطا کنند  
 الْحَاجَاتِي إِلَى قَرَابَتِي حَرَمُونِي وَإِنْ أَعْطُوا  
 ترسند مرا به پناه خویش من محروم کن و اگر عطا کنند  
 أَعْطُوا قَلِيلًا مَكَّنَا وَمُنَا عَلَى طَوْلَاوِ  
 عطا کنند اندک اندک و منت گذارند بر من و در آن

عند التذلل

وَدَعُوا كَثِيرًا فَيَفْضُلِكَ اللَّهُمَّ فَأَغْنِنِي  
 و دست بکنند بسیار پس بفضل خود خداوند را پس غنی گردان مرا  
 وَبِعِظَمَتِكَ فَأَنْعَشْنِي وَبِسَعَتِكَ فَاسْطِ  
 و ب بزرگواری خود بلند من بس از من و ب بزرگواری خود بکشد و بکشد  
 يَدِي وَبِمَا عِنْدَكَ فَأَكْفِنِي اللَّهُمَّ صِلْ  
 دست مرا و آنچه نزد است بر کن دست کن مرا خداوند رحمت  
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخَلِّصْنِي مِنَ الْخَسَدِ  
 بر من و محمد و آل او و خلاص مرا از خسار و  
 اخْصُرْنِي عَنِ الذُّنُوبِ وَوَرِّعْنِي عَنِ الْحَاوِ  
 باز دار مرا از گناهات و دور من بفرما از حواص  
 وَلَا تَجْرُسْنِي عَلَى الْمَعَاصِي وَاجْعَلْ هَوَايَ  
 و دلبری مرا بر معصیتها و بگردان من میل مرا  
 عِنْدَكَ وَرِضَايَ فِيمَا يَرُدُّ عَلَيَّ مِنْكَ  
 نزد خود و رضای مرا و آنچه بر من برسد از جانب  
 وَبَارِكْ لِي فِيمَا رَزَقْتَنِي وَفِيمَا خَوَّلْتَنِي  
 و بרכת ده مرا در آنچه روزی کردی مرا و در آنچه بخشید ده مرا  
 وَفِيمَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَاجْعَلْنِي فِي  
 و در آنچه انعام کردی بانی بر من و بگردان مرا در

کَلِّفْ



# عند السَّلَاةِ

حَالًا لِي مَحْفُوظًا مَكْلُوءًا مَسْتَوْرًا

از آن روزی که من را نگاه داشتی و پنهان کردی و پنهان داشتی

مَنْعُوعًا مَعَاذَ اِحْجَارِ اللّٰهِ صَلِّ عَلَى

از آن روزی که من را نگاه داشتی و پنهان کردی و پنهان داشتی

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاقْضْ عَنِّي كُلَّ مَا اَلَمْ تُنْصِبْهُ

از آن روزی که من را نگاه داشتی و پنهان کردی و پنهان داشتی

وَفَرَضْتَهُ عَلَيَّ لَكَ فِي وَجْهِهِ مِنْ وَجْهِهِ

از آن روزی که من را نگاه داشتی و پنهان کردی و پنهان داشتی

طَاعَتِكَ اَوْ خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَاِنْ ضَعُفَ

از آن روزی که من را نگاه داشتی و پنهان کردی و پنهان داشتی

عَنْ ذَلِكَ بَدَنِي وَوَهَبْتَ عَنْهُ قُوَّةً

از آن روزی که من را نگاه داشتی و پنهان کردی و پنهان داشتی

وَلَمْ تَتْلُهْ مَقْدَرِي وَلَمْ يَسْعَهُ مَالِي وَ

از آن روزی که من را نگاه داشتی و پنهان کردی و پنهان داشتی

لَا ذَاتُ يَدَيَّ ذَكَرْتُهُ اَوْ نَسِيتُهُ

از آن روزی که من را نگاه داشتی و پنهان کردی و پنهان داشتی

هُوَ يَارَبِّ مَا قَدْ اَحْصَيْتَهُ عَلَيَّ وَاغْفَلْتَهُ

از آن روزی که من را نگاه داشتی و پنهان کردی و پنهان داشتی

# عند السَّلَاةِ

اَنَا مِنْ نَفْسِهِ فَادِّهِ عَنِّي مِنْ جَزِيلِ عَطِيَّتِكَ

از آن روزی که من را نگاه داشتی و پنهان کردی و پنهان داشتی

وَكَثِيرٍ مَّا عِنْدَكَ فَانْكُ وَأَسْأَلُكَ

از آن روزی که من را نگاه داشتی و پنهان کردی و پنهان داشتی

حَتَّى لَا يَبْقَى عَلَيَّ شَيْءٌ مِنْهُ تَرِيدُ أَنْ تَقْصِبُوهُ

از آن روزی که من را نگاه داشتی و پنهان کردی و پنهان داشتی

بِهِ مِنْ حَسَنَاتِي اَوْ تَصْنَعُفَ بِهِ مِنْ سَيِّئَاتِي

از آن روزی که من را نگاه داشتی و پنهان کردی و پنهان داشتی

يَوْمَ اَلْقَاكَ يَارَبِّ اللّٰهُ صَلِّ عَلَى

از آن روزی که من را نگاه داشتی و پنهان کردی و پنهان داشتی

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْنِي الرِّقْبَةَ فِي الْعَمَلِ

از آن روزی که من را نگاه داشتی و پنهان کردی و پنهان داشتی

لَكَ لِأَخْرَجَنِي حَتَّى اعْرِفَ صِدْقَ ذَلِكَ

از آن روزی که من را نگاه داشتی و پنهان کردی و پنهان داشتی

مِنْ قَلْبِي وَحَتَّى يَكُونَ الْغَالِبُ عَلَيَّ الزُّهْدُ

از آن روزی که من را نگاه داشتی و پنهان کردی و پنهان داشتی

فِي دُنْيَايَ وَحَتَّى اَعْمَلَ الْحَسَنَاتِ شَوْقًا

از آن روزی که من را نگاه داشتی و پنهان کردی و پنهان داشتی

بمن بفرست و در حق من بفرست  
و در حق من بفرست و در حق من بفرست  
و در حق من بفرست و در حق من بفرست  
و در حق من بفرست و در حق من بفرست

بمن بفرست و در حق من بفرست  
و در حق من بفرست و در حق من بفرست  
و در حق من بفرست و در حق من بفرست  
و در حق من بفرست و در حق من بفرست







# عند الشدة

مِنْ خَلْقِكَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ فَضْلِكَ وَحَتَّى

*از خلق تو بر چیزی از فضل تو*

لَا أَرَى نِعْمَةً مِنْ نِعَمِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ

*چنین نمی بینم از نعمت تو بر کسی از خلق تو*

فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا أَوْ عَاقِبَةٍ أَوْ قَوَى أَوْ سَعَةٍ

*در دین یا دنیا یا عاقبت یا قوی یا وسعت*

أَوْ رَحَاءٍ إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِي أَفْضَلَ ذَلِكَ

*یا آسانی مگر اینکه آرزو کنم برای خود بهتر از آنرا*

بِكَ وَمِنْكَ وَخَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ اللَّهُمَّ

*بسیب تو و از تو تنها هستی و آنکه شریکی باشد ترا خداوند*

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْنِي التَّحْفَظَ مِنْ

*رحمت نبوت بر محمد و آل او و روزی کن مرا محافظت کردن*

الْخَطَايَا وَالْإِحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِي الدُّنْيَا

*از خطایا و احتیاط از لغزشها در دنیا*

وَالْآخِرَةِ فَجَاءَكَ الْغَضَبُ وَالرِّضَا حَتَّى

*و آخرت در حالت خشم و راضی شدی*

أَكُونُ بِمَا يَرُدُّ عَلَى مِنْهُمَا بِمِزْلَةٍ سَوَاءٍ

*بودم بهیچ وجه و در هر دو یکی بودم به منزله برابر*

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد و آله الطيبين  
الطاهرين

اللهم صل على محمد و آله  
و ارزقني التحفظ من  
الخطايا و الاحتراس من  
الزلل في الدنيا و الآخرة  
فجاءك الغضب و الرضا حتى  
أكون بما يرد على منهما  
بميزلة سواء

# في طلب العافية

عَامِلًا بِطَاعَتِكَ مُؤْتِرًا لِرِضَاكَ عَلَا

*در پی عمل کنده به طاعت تو و بخشنده رضای ترا*

مَا سِوَاهُمَا فِي الْأَوَّلِيَّاتِ وَالْآخِرَاتِ حَتَّى

*آنچه در اولیات و آخرات و حق و دوستی و دشمنی تا آنکه*

يَأْمَنَ عَدُوِّي مِنْ ظُلْمِي وَ جَوْدِي وَ بَالِيسٍ

*ایمن باشد دشمن من از ظلم من و دستم من و وفای من شود*

وَلَيْسِي مِنْ مَيْلِي وَ انْخِطَاطِ هَوَايَ وَ اجْعَلْ

*و دست من از میل من و پاداشی آمدن خواهش من بسوی او و بگردان مرا*

مِمَّنْ يَدْعُوكَ مُخْلِصًا فِي الرِّخَاءِ دُعَاءَ

*از آنکس که بخواند ترا از در احتیاج در حالت آسایش دعای*

الْمُخْلِصِينَ الْمَظْطَرِّينَ لَكَ فِي الدُّعَاءِ إِنَّكَ

*مخلصان مضطربان بخداوند در دعا ایستاده ای که در دعا دعا بگریز کنی*

وَ كَانَ حَيْدُ مُحَمَّدٍ رَحْمَةً أَوَّلًا

*و بود از اول رحمت بر محمد و آله*

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْعَاقِلَةِ

*خداوند صل بر محمد و آل او و شکر بر عاقبت*

وَالْبَشَرِ عَافِيَتِكَ وَ حَصْبِي بِعَافِيَتِكَ

*و بشری مرا عافیت خود و نگاه دار مرا با عافیت خود*

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد و آله الطيبين  
الطاهرين

اللهم صل على محمد و آله  
و ارزقني التحفظ من  
الخطايا و الاحتراس من  
الزلل في الدنيا و الآخرة  
فجاءك الغضب و الرضا حتى  
أكون بما يرد على منهما  
بميزلة سواء

والبشر عافيتك  
وحصبي بعافيتك







في طلب العافية

مَشْكُورٌ مَذْكُورٌ الذِّكْرُ مَذْخُورٌ عِنْدَكَ

پسندید و یاد کرد و شد به پیش تو از خیر که باشد نزد تو

وگو یکن بسپاس تو و مشک تو و یا انو

وَحُسْنُ الشَّاءِ عَلَيْكَ لِسَانِي وَأَشْرَحُ

وَمِنْهَا سَمِيعٌ خَلْقٌ  
لَا يَشَاءُ دِينًا قَلِيلٌ وَلَا أَكْثَرًا

برای تفصیل دین تو را مرا و نگاه دار مرا و اولاد مرا

مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَمِنْ شَرِّ السَّامَةِ

وَمِنْ شَيْطَانٍ إِذَا شَاءَ وَكَانَ شَرًّا

والهامه والعامه واللامه ومن سیر  
از شسته بوم و از شر عوام و از شر لامه و از شر

كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ

سبطان سرکے دانہ شکر

سلطان عبید و من سیر کل متوف  
دش. عبیدی و از سر هر متوف

حَفِيدٌ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ضَعِيفٍ وَشَدِيدٍ وَ

عیدک از شهر مستفی و محنتی

[illegible]

في طلب العافية

مِنْ شَرِّ كُلِّ شَرِيفٍ وَوَضِيعٍ وَمِنْ شَرِّ

از شهر هر چند باو بودی و پستی و دره شهر

كُلِّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ قَرِيبٍ

ہر کو چکے دینے والے ہر شے کے

وَبَعِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ مَنُضِبٍ لِرَسُولِكَ

وَأَلْهَمْنَا بَيْتَهُ خَرَامًا مِّنَ الْجَمِّ وَالْإِلْسِرِ وَ

وہ کہیں سے کہیں سے  
ہو رہا ہے ہل ہل کے اڑ جی و

مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا

از مشرق به جبینده که نو کوه  
آلاء عاذا الطمسق الله صل

ایک علی صبر و استقامت سے  
چستی کو نور و راه راستے

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْ

عنْ وَأَنْزَعْنَاهُ مَكَاهُ وَأَذْرَأَعْنَاهُ

عفی وادحر عی شریه وادحر عی شریه  
ازمن کن ازمن کن او را وادحر کن ازمن کن او را

وَرَدَّ كَيْدَهُ فِي خِيَرَتِهِ وَأَجْعَلَ يَتِيمًا

و باز کردن لید او را در کردن او و بیدار کردن

پیش تو بفرستاده ام  
که که دست بفرستاده  
پیش تو بفرستاده ام  
که که دست بفرستاده





## فطلب العافية

يَدِينِ سُدَّ حَتَّى تَقْبَلِي عَنِّي بَصَرَهُ وَتَضْمِي

عَنْ ذِكْرِي سَمْعَهُ وَتَقْبِلِي دُونَ اخْطَارِي

قَلْبَهُ وَتُخْرِسِي عَنِّي لِسَانَهُ وَتَقْعَ رَأْسَهُ

وَتُدِلَّ عِزَّهُ وَتُكْسِرِي جَبْرُوتَهُ وَتَذِلَّ

رَقَبَتَهُ وَتَقْضِي كِبْرَهُ وَتُؤَمِّنِي مِنْ جَمِيعِ

ضَرَرِهِ وَشَرِّهِ وَغَمِّهِ وَهَمِّهِ وَلَمَزِهِ

وَحَسَدِهِ وَعَدَاوَتِهِ وَحَبَائِلِهِ وَمَصَائِدِهِ

وَرَجُلِهِ وَخَيْلِهِ إِنَّكَ عَزِيزٌ قَدِيرٌ

اللَّهُمَّ

اللَّهُمَّ

اللَّهُمَّ

اللَّهُمَّ

بَدَلِ اَوْزَانِ كِتَابِكَ بِاَوْزَانِ قَلْبِي  
بَدَلِ اَوْزَانِ كِتَابِكَ بِاَوْزَانِ قَلْبِي

بَدَلِ اَوْزَانِ كِتَابِكَ بِاَوْزَانِ قَلْبِي  
بَدَلِ اَوْزَانِ كِتَابِكَ بِاَوْزَانِ قَلْبِي

بَدَلِ اَوْزَانِ كِتَابِكَ بِاَوْزَانِ قَلْبِي  
بَدَلِ اَوْزَانِ كِتَابِكَ بِاَوْزَانِ قَلْبِي

## حَمْدُ رَسُولِهِ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَاهْلِهِ

بَيْتِهِ الظَّاهِرِينَ وَاخْصُصْهُمْ بِافْضَلِ

صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَتَوَكَّلْكَ وَسَلَامَتِكَ

وَاخْصُصْ اللَّهُمَّ وَالِدَتِي بِالْكَرَامَةِ لَدَيْكَ

وَالصَّلَوةَ مِنْكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاهْلِهِ عِلْمَ مَا يَحِبُّ

لَهَا عَلَى الْهَامِ مَا وَاجِبُكَ لِي عِلْمَ ذَلِكَ كُلِّهِ

تَمَامًا شَأْنِي اسْتَعِظْنِي يَا اللَّهُمَّ سِتِّي وَوَقْفَتِي

لِلتَّغَوُّذِ فِيمَا تَقْضِي مِنْ عَلَيَّ حَتَّى لَا يَقُوتِي

اللَّهُمَّ

اللَّهُمَّ

اللَّهُمَّ

اللَّهُمَّ

بَدَلِ اَوْزَانِ كِتَابِكَ بِاَوْزَانِ قَلْبِي  
بَدَلِ اَوْزَانِ كِتَابِكَ بِاَوْزَانِ قَلْبِي

بَدَلِ اَوْزَانِ كِتَابِكَ بِاَوْزَانِ قَلْبِي  
بَدَلِ اَوْزَانِ كِتَابِكَ بِاَوْزَانِ قَلْبِي

بَدَلِ اَوْزَانِ كِتَابِكَ بِاَوْزَانِ قَلْبِي  
بَدَلِ اَوْزَانِ كِتَابِكَ بِاَوْزَانِ قَلْبِي

بَدَلِ اَوْزَانِ كِتَابِكَ بِاَوْزَانِ قَلْبِي  
بَدَلِ اَوْزَانِ كِتَابِكَ بِاَوْزَانِ قَلْبِي

بَدَلِ اَوْزَانِ كِتَابِكَ بِاَوْزَانِ قَلْبِي  
بَدَلِ اَوْزَانِ كِتَابِكَ بِاَوْزَانِ قَلْبِي

بَدَلِ اَوْزَانِ كِتَابِكَ بِاَوْزَانِ قَلْبِي  
بَدَلِ اَوْزَانِ كِتَابِكَ بِاَوْزَانِ قَلْبِي

بَدَلِ اَوْزَانِ كِتَابِكَ بِاَوْزَانِ قَلْبِي  
بَدَلِ اَوْزَانِ كِتَابِكَ بِاَوْزَانِ قَلْبِي

بَدَلِ اَوْزَانِ كِتَابِكَ بِاَوْزَانِ قَلْبِي  
بَدَلِ اَوْزَانِ كِتَابِكَ بِاَوْزَانِ قَلْبِي



# دعاء الابرار

اَسْتَعِزُّ بِشَيْءٍ عِلْمَتَيْهِ وَلَا تَقْلُ أَرْكَانِي  
 ازین که در هر کس که علم او در او است و اگر از سزا و عذاب او  
 عَنِ الْخُفُوفِ فِيمَا أَلْهَنِيهِ اللَّهُمَّ صَلِّ  
 از خفت کردن و در آنچه بهم حاشه و آزار می دهد خداوند رحمت  
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا شَرَفْتَنِي بِهِ وَصَلِّ  
 بر محمد و آل او چنانچه شرف دادی برای من و رحمت  
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا أُوجِبْتَ لَنَا الْحَقَّ  
 بر محمد و آل او چنانچه واجب ساختی برای ما حق  
 عَلَى الْخَلْقِ بِسَبَبِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَهْلًا مَسْمُومًا  
 بر خلق بسبب آن خداوند بگردان ترا چنانچه بر من از تو  
 هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعَسُوفِ وَأَبْرَهُائِرِ الْأَمِّ  
 ترسیدن از پادشاه استغفار و پادشاهان که بر من از تو  
 الْكُفُوفِ وَاجْعَلْ طَاعَتِي لِمَا أَلَدِي وَتَرْبِيَّتِي  
 کردن از تو در هر چه که بر من از تو و در آنچه تو بر من  
 أَقْرَبَ لِي مِنْ رَقْدَةِ الْوَسْطَانِ وَأَتْلُ لِي  
 نزدیک تر از من از خواب و سستی و آرام و سستی  
 مِنْ شَرِّهِ الظَّانِ حَتَّى أُوْتِرَ عَلَى هَوَايَ  
 از شر او پادشاه تا آنکه بر من بر آید و بر روی خود

این دعا را در هر وقت که بخواهی بخوانی  
 و اگر در وقت خواب بخوانی  
 و اگر در وقت بیداری بخوانی  
 و اگر در وقت غم بخوانی  
 و اگر در وقت شادی بخوانی  
 و اگر در وقت غم و شادی بخوانی  
 و اگر در وقت غم و شادی بخوانی

# دعاء الابرار

هَوَاهَا وَأَقْدِمَ عَلَى رِضَايَ رِضَاهَا وَ  
 از روی او پیش قدم بر رضای خود رضای او  
 اَسْتَكَثِرُ بِرُهَايَ وَإِنْ قُلْتُ وَأَسْتَقِلُّ بِرِي  
 بسیار شمارم بیکویش او را و اگر چه از او بپوشم و کم از او بپوشم  
 بِهَا وَإِنْ كَثُرَ اللَّهُمَّ خَفِضْ لَهَا  
 او را و اگر چه بسیار است خداوند خداوند است کن برای او  
 صَوْتِي وَأَطْبِ لَهَا كَلَامِي وَالزُّلْمَ لَهَا  
 آواز مرا و خوشی کردن برای او بشنیدن کلام مرا و نرم کن برای او  
 عَرِيَّتِي وَاعْظِفْ عَلَيْهَا قَلْبِي وَصَيِّرْ  
 خواب مرا و مهر بدار کن بر پیشانی دل مرا و بگردان مرا  
 بِهَا رَفِيقًا وَعَلَيْهَا شَفِيقًا اللَّهُمَّ اشْكُرْ  
 او را را دوست بدار و بر او شکر بخور خداوند خداوند است  
 لَهَا تَرْبِيَّتِي وَأَشْبِهْ مَا عَلَى تَكْرِمَتِي وَاحْفَظْ  
 مرا را تربیت ترا و در آنچه تو بر من از تو و در آنچه تو بر من از تو  
 لَهَا مَا حَفِظَ لِي فِي صَغُرِي اللَّهُمَّ  
 برای او آنچه تو بر من از تو و در آنچه تو بر من از تو  
 وَمَا مَسَّهَا مِنِّي مِنْ أَدَى وَأَخْلَصَ إِلَيْهَا  
 و آنچه بر من از تو و در آنچه تو بر من از تو و در آنچه تو بر من از تو

این دعا را در هر وقت که بخواهی بخوانی  
 و اگر در وقت خواب بخوانی  
 و اگر در وقت بیداری بخوانی  
 و اگر در وقت غم بخوانی  
 و اگر در وقت شادی بخوانی  
 و اگر در وقت غم و شادی بخوانی  
 و اگر در وقت غم و شادی بخوانی



کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

هوا



# «عَاءِ الْاَبْوَيْنِ»

عَمِّي مِنْ مَكْرُوهِهِ اَوْ ضَاعَ قَبْلِي لَهَا مِنْ  
 اَزْمَرِ اَزْ كَرُوْنِي *یا خداوند مندا که در روز قیامت از من بپوشد*  
 حَقِّ فَاجْعَلْهُ حِطَّةً لِّذُنُوبِهِمَا وَعَلَوَانِي  
 حَقِّ بِنِ كَرُوْنِي *یا خداوند مندا که در روز قیامت از من بپوشد*  
 دَرَجَاتِهِمَا وَزِيَادَةً فِي حَسَنَاتِهِمَا يَا مُبْدِي  
 دَرَجَاتِ الْبَيْنِ *و زیاده در حسنات ایشان ای پرستنده*  
 الْكَيْثِيَّاتِ يَا ضَعَّافًا مِنْ الْحَسَنَاتِ اَللّهُمَّ  
 بِه *یا خداوند برابری از حسنات خداوند*  
 وَمَا تَعَدَّ اَعْلَى فِيهِ مِنْ قَوْلٍ اَوْ اَسْرَفَا عَلَيَّ  
 و آنچه تعدی کرده اند بر من در آن چیز از گفته و اسراف کرده اند بر من  
 فِيهِ مِنْ فِعْلٍ اَوْ ضَيَّعَا لِي مِنْ حَقٍّ اَوْ قَصَّرَا  
 در آن چیز از کرده ای یا ضایع کرده اند از آن بر من حق یا کوتاهی  
 فِي عَمَلِي مِنْ وَاَجِبْ فَقَدْ وَهَبْتَهُ لَهَا  
 کرده اند بر من از آن چیزی را و آنچه بخواهی بپوشد من را از آن  
 وَجَدْتُ بِهِ عَلَيْهِمَا وَرَعَيْتُ الْيَتَامَى فِي  
 و من کردم بآن برایشان و رعایت کردم یتیمان را  
 وَضَعْتُ تَبَعَهُ عَنْهُمَا فَاِنِّي لَا اَتُحِبُّهُمَا عَلَيَّ  
 و من خشن و بادی آن از ایشان پس دوستی که منم نمی دارم از ایشان

باز گفتن بر آن نسبت  
 اگر کسی را بپوشد  
 و در روز قیامت  
 و در روز قیامت  
 و در روز قیامت  
 و در روز قیامت  
 و در روز قیامت  
 و در روز قیامت  
 و در روز قیامت

# «عَاءِ الْاَبْوَيْنِ»

نَفْسِي وَلَا اسْتَبْطِئْتُهَا فِي بَرِي وَلَا اَكْرَهُ  
 نفس خود و دوست ندارم بپایانم ایشان را و هرگز با خود نمی خورم  
 مَا تَوَكَّلْتُهَا مِنْ اَمْرِي يَارَبِّ هُمَا اَوْجِبُ  
 آنچه متوکل شده ام از امر من از تو ای پروردگار و کار من بر ایشان واجب است  
 حَقًّا عَلَيَّ وَاَقْدَمُ احْسَانًا اِلَيَّ وَاَعْظَمُ  
 حقش بر من و قدیم تر از احسان ایشان بسوی من و عظیم تر  
 مِثْلَهُ لَدَيَّ مِنْ اِنْ اَقْصَاهُمَا بَعْدَ اَوْ  
 نمیشود نزد من از آنکه از این دو بزرگتر باشد  
 اُجَارِيَهُمَا عَلَيَّ مِثْلَ اَيْنِ اِذَا يَا اَلْهَى طَوَّلُ  
 بجا می آورم ایشان را بر من مانند آن که است از تو ای خداوند طول  
 شَغَلَهُمَا بَرِيَّتِي وَاَيْزِيَّتُهُ بَعْدَهُمَا  
 مشغول ایشان بپیری من و آیزیت من بعد از ایشان  
 فِي حِرَاسَتِي وَاَيْنِ اقْتَارُهُمَا عَلَيَّ اَنْفُسُهُمَا  
 در پاسداری من و آین اقتاری ایشان بر من و نفس ایشان  
 لِلتَّوَسُّعَةِ عَلَيَّ هُمَا مَا اَيْتَوَقِيَانِ مَيَّ  
 برای توسع بر من و هر یک از آن دو می توانند استیفا کنند از من  
 حَقَّهُمَا وَلَا اَذُرُّكَ مَا يَحِبُّ عَلَيْهِمَا وَلَا  
 حق خود را و نمی توانم از حق خود بپوشد برایشان و آنچه دوست دارند

باز گفتن بر آن نسبت  
 اگر کسی را بپوشد  
 و در روز قیامت  
 و در روز قیامت  
 و در روز قیامت  
 و در روز قیامت  
 و در روز قیامت  
 و در روز قیامت  
 و در روز قیامت





# دعاء الالبوين

اَنَا بِقَاضٍ وَظِيفَةٌ خِدْمَتُهُمَا فَصَلِّ عَلَى

بِسْمِ مَنْ يَأْتِيهِ شَرْطُ خِدْمَتِ الْإِثْنَيْنِ الْبُيُوتِ بِرُوحِ

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِنِّي بِأَخْيَرِ مَزَاسْتَعِينَ بِهِ

مُحَمَّدٌ وَالسَّادَةُ وَآلِهِمْ وَارْتَدَّ عَنِ الْبَيْتِ الْبَارِئِ حَتَّى يَمُوتَ

وَوَقَفَنِي يَا أَهْدَى مَزَاسْتَعِينَ إِلَيْهِ وَلَا

وَنُفْسِي بِيَوْمِ الْإِثْنَيْنِ الْبُيُوتِ الْبَارِئِ حَتَّى يَمُوتَ

بِجَعْلِي فِي أَهْلِ الْعُقُوقِ لِلْآبَاءِ وَ

بِكِرَامِي عَمَّا وَجَسَدَ الْبُيُوتِ الْبَارِئِ حَتَّى يَمُوتَ

الْأَمْهَاتِ يَوْمَ حَزْرَى كُلِّ بَيْتٍ بِمَا

مَادَرَانِ رُوحِي كَيْفَ جَادَادُ مَيُوتُ بِرُوحِ

كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ اللَّهُمَّ

كَبَرُوهَ بَيْتَ وَحَالِ الْبُيُوتِ الْبَارِئِ حَتَّى يَمُوتَ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَ

رُوحِ بَيْتِ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَ

أَخْصُصْ أَبَوِي بِأَفْضَلِ مَا خَصَصْتَ بِهِ

مُحَمَّدٌ وَالسَّادَةُ وَآلِهِمْ وَارْتَدَّ عَنِ الْبَيْتِ الْبَارِئِ حَتَّى يَمُوتَ

الْآبَاءِ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ وَأَمْهَاتِهِمْ

بِرُوحِ بَيْتِ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَ

بِرُوحِ بَيْتِ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَ

بِرُوحِ بَيْتِ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَ

# دعاء الالبوين

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ لَا تَنْسِنِي

أَلَيْسَ بِذِي عَيْنٍ عَيْنُكَ كَانِ خَدَاؤُهُ قَوْلُ الْبُيُوتِ الْبَارِئِ حَتَّى يَمُوتَ

ذِكْرُهَا فِي أَذْنِ رُوحِي وَفِي أَنَا

بِرُوحِ بَيْتِ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَ

مِنْ أَنَا لِيَلِي وَفِي سَاعَةِ مَزَاسْتَعِينَ

الْأَوْقَاتِ بِيَوْمِ الْإِثْنَيْنِ الْبُيُوتِ الْبَارِئِ حَتَّى يَمُوتَ

نَهَارِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ

رُوحِ بَيْتِ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَ

أَغْفِرْ لِي بِدُعَائِي لَهُمَا وَأَغْفِرْ لَهُمَا لِي

بِرُوحِ بَيْتِ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَ

بِرُوحِ بَيْتِ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَ

بِرُوحِ بَيْتِ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَ

بِرُوحِ بَيْتِ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَ

بِرُوحِ بَيْتِ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَ

بِرُوحِ بَيْتِ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَ

بِرُوحِ بَيْتِ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَ

بِرُوحِ بَيْتِ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَ

بِرُوحِ بَيْتِ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَ

بِرُوحِ بَيْتِ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَ

بِرُوحِ بَيْتِ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَ

بِرُوحِ بَيْتِ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَ

بِرُوحِ بَيْتِ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَ

بِرُوحِ بَيْتِ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَ



دعاء اوله

مَغْفِرَتِكَ لِي فَتَقَعْنِي فِيهَا حَتَّى يَجْتَمَعَ  
 آمزشش تو مرا بشیخه سازد و حق بابتش را جمع شود  
 بِرَأْفَتِكَ فِي دَارِكَرَامَتِكَ وَحُلِّ مَغْفِرَتِكَ  
 بر رحمت تو در سرای کرامت تو و حلال آمرزش تو  
 وَرَحْمَتِكَ إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ  
 و رحمت تو بیش از تو واجب فضل عظیم  
 وَالْمِزَاقُ الْقَدِيمُ وَأَنْتَ أَزْهَمُ الرَّاحِمِينَ  
 و لغت قدیم و تو سخت بند تر از رحمت کننده

و بود از دهن آن حضرت علیه السلام از برای اولاد خود علیه السلام

اللَّهُمَّ وَمَرَّ عَلَى بَقَاءِ وَلَدِي وَ  
 خاوند و انعام کن بر بقاء اولاد من و  
 بِإِصْلَاحِهِمْ لِي وَبِمُتَابَعِهِمْ لِي  
 بصلاح آوردن ایشان را من و به پیروی بودن من ایشان را خداوند  
 وَبِإِعْمَارِهِمْ وَزِدْ لِي فِي جَاهِهِمْ  
 و ازین برای من و عمر من و زیاده بکنش را در جاه من  
 وَزِدْ لِي صَغِيرَهُمْ وَقَوِّ لِي ضَعِيفَهُمْ  
 و زبخت کن برای من خرد ایشان را و ازین دهر را بر ضعیف ایشان را

بسم الله الرحمن الرحيم

دعاء الولد له

وَاصْحَ لِي أَبْدَانَهُمْ وَأَذْيَابَهُمْ وَأَخْلَاقَهُمْ  
 و صحت و دهر را بر بدن من و عیال من و اخلاق من  
 وَعَافِهِمْ فِي أَنْفُسِهِمْ وَفِي جَوَارِحِهِمْ  
 و عافیت ده ایشان را در نفس و در اعضا ایشان  
 وَفِي كُلِّ مَا عَصَيْتُ بِهِ مِنْ أَمْرِهِمْ وَ  
 و در هر چه از دستم در امر ایشان از عیال ایشان  
 أَدْرَدْتَنِي وَعَلَى يَدِي أَرْزَأْتَهُمْ وَاجْعَلْهُمْ  
 و اگر دانی بر من در دست من و در عیال من و اگر دانی بر من  
 أَبْرَادًا اتَّقِيَاءَ بَصَرَاءَ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ  
 بیکوگانان بر من بترسانان شنونده گان اطاعت کننده گان  
 لَكَ وَلَا وَلِيَّائِكَ مُجْتَبِينَ وَمُنَاصِحِينَ وَ  
 برایت تو و در دوستی ترا و برستانان خالص برایت کننده و  
 لِجَمِيعِ أَعْدَائِكَ مُعَانِدِينَ وَمُبْغِضِينَ  
 بر همه دشمنان ترا و معاونان و دشمنان ترا و دشمنان ترا  
 أَمِينِينَ اللَّهُمَّ أَشَدُّ دَرِيْمٍ عَضْدِي وَ  
 ایستاد کن و معاونان مرا و ایستاد کن بابت من از دهر من و  
 أَقْوَمُ بِهِ أَوْدِي وَكَثْرَتُهُمْ عَدْدِي وَ  
 راست تر بابت من و کثرت ایشان را بابت من شمار مرا

ایستاد کن

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم

و زبخت کن

بسم الله الرحمن الرحيم

و زبخت کن



زَيْنَ لَهُمْ مَحْضَرِي وَأَخِي بِهِمْ ذِكْرِي  
 وَكَفَنِي لَهُمْ فِي عَيْتِي وَأَعْنِي لَهُمْ  
 عَلَى حَاجَتِي وَاجْعَلْهُمْ لِي مَجْنِينَ وَعَلَى  
 حَلِيمِينَ مُقْبِلِينَ مُسْتَقِيمِينَ لِي مُطْعِمِينَ  
 غَيْرَ عَاصِينَ وَلَا عَاقِبِينَ وَلَا مَخَالِفِينَ وَلَا  
 لَاطِطِينَ وَأَعْنِي عَلَى تَرْبِيَتِهِمْ وَتَأْدِيبِهِمْ  
 وَبِرِّهِمْ مِنْ لَدُنْكَ مَعَهُمْ أَوْلَادًا ذُكُورًا وَ  
 اجْعَلْ ذَلِكَ خَيْرًا لِي وَاجْعَلْهُمْ لِي عَلَى  
 مَا سَأَلْتُكَ وَأَعِزَّنِي وَدَرِّبْنِي مِنَ الشَّيْطَانِ

مغفرتی از خداوند که بعد از این که  
 فراموش کردی آن است از یاد تو  
 برای من و برای تو که من و تو  
 در این دنیا و در آن دنیا  
 است که از تو و از من و از تو  
 است که از تو و از من و از تو  
 است که از تو و از من و از تو  
 است که از تو و از من و از تو

الرَّحِيمِ فَإِنَّكَ خَلَقْتَنَا وَأَمَرْتَنَا وَهَيَّيْتَنَا وَ  
 رَغَبْتَنَا فِي ثَوَابِ مَا أَمَرْتَنَا وَرَغَبْتَنَا عِقَابَهُ  
 وَجَعَلْتَ لَنَا عَدُوًّا يَكِيدُنَا وَسُلْطَةً  
 مِثْلَ عَلِيٍّ مَا لَمْ تَسْطِطْنَا عَلَيْهِ مِنْهُ اسْكَنْتَهُ  
 صُدُورَنَا وَآخِرَتَهُ مَجَارِي دِمَائِنَا لَا  
 يَغْفُلُ أَنْ غَفَلْنَا وَلَا يَنْسِي أَنْ نَسِينَا يُؤْمِنُنَا  
 عِقَابَكَ وَخَوَفْنَا بِغَيْرِكَ أَنْ هَمَمْنَا  
 بِفَاحِشَةٍ تَجْعَلُنَا عَلَيْهَا وَأَنْ هَمَمْنَا  
 بِعَمَلٍ صَالِحٍ تَقْطَعُنَا عَنْهُ يَتَعَرَّضُ لَنَا

مغفرتی از خداوند که بعد از این که  
 فراموش کردی آن است از یاد تو  
 برای من و برای تو که من و تو  
 در این دنیا و در آن دنیا  
 است که از تو و از من و از تو  
 است که از تو و از من و از تو  
 است که از تو و از من و از تو  
 است که از تو و از من و از تو

بغیر از این



# دُعَاءُ الْوَلَدِ

بفرموده شاهنشاهی آرد

بِالشَّهَوَاتِ وَيَنْصِبُ لَنَا بِالشَّهَوَاتِ  
 وَوَعَدَنَا كَذِبًا وَأَزْمَانًا أَخْلَفْنَا  
 أَنْ لَا بَصَرَ عَمَّا كَذَبَ يَصْلُنَا وَأَنْ لَا نَقْتَنَا  
 خَبَا لَهُ يُسْتَرْزَلْنَا اللَّهُمَّ فَاقْهَرْ سُلْطَانَهُ  
 عَمَّا يَسُطُّ بِكَ حَتَّى تَحْسِبَهُ عَمَّا يَكْثُرُ  
 الدُّعَاءُ لَكَ فَتَضَعُ كَيْدَهُ فِي الْمَعْصُومِينَ  
 بِكَ اللَّهُمَّ أَعْصِي كُلَّ سُوءٍ عَلَيَّ وَاقْضِ  
 لِي حَوَائِجِي وَلَا تَمْنَعْنِي لِإِجَابَتِهِ وَقَدْ ضَمِنْتُهَا  
 لِي وَلَا تَحْبِ دُعَائِي عَنْكَ وَقَدْ أَمَرْتَنِي بِهِ

بفرموده سلطان آرد از مازندران

مین

بفرموده شاهنشاهی آرد

# دُعَاءُ الْوَلَدِ

وَأَمِّنْ عَلَيَّ كُلِّ مَا يُصْلِحُنِي فِي دُنْيَايَ  
 وَأُخْرَى مَا ذَكَرْتُ مِنْهُ وَمَا نَسِيتُ  
 وَأُظْهِرْتُ وَأُخْفِيتُ وَأُعْلِنْتُ وَأُتَسَرَّدُ  
 وَأُجْعَلُنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ  
 لِيَسْأَلُنِي بِكَ الْخَجِينُ بِالْطَّلَبِ لِيَكُ غَيْرُ  
 الْمُنْعُوعِينَ بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ الْمَعُودِينَ بِأَ  
 لْتَعُوذُ بِكَ الْكَرَّاجِينَ فِي الْحَجَارَةِ عَلَيْكَ  
 الْحَجَّارِينَ بِعِزِّكَ الْمُوسِعِ عَلَيْهِمُ الرِّزْقَ  
 الْحَلَالَ مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ بِجُودِكَ وَ

اینها از باب کسب نعمت است

بفرموده از مازندران

بفرموده شاهنشاهی آرد



كَرَمِكَ الْمُعْتَرِينَ مِنَ الذُّلِّ بِكَ  
 وَالْمُجَارِبِينَ مِنَ الظُّلْمِ بَعْدَ لَكَ وَالْمُعَايِنِينَ  
 مِنَ الْبَلَاءِ بِرَحْمَتِكَ وَالْمُغْنِينَ مِنَ الْفَقْرِ  
 بِغَنَّاكَ وَالْمَعْصُومِينَ مِنَ الذُّنُوبِ وَالزَّلَلِ  
 وَالْخَطَا بِتَقْوَاكَ وَالْمُوقِنِينَ لِلْخَيْرِ وَالرَّشِيدِ  
 وَالصَّوَابِ بِطَاعَتِكَ وَالْمَحَالِّ بَيْنَهُمْ  
 وَبَيْنَ الذُّنُوبِ بِقُدْرَتِكَ التَّارِكِينَ لِكُلِّ  
 مَعْصِيَتِكَ الشَّاكِينَ فِي جَوَارِكَ اللَّهُمَّ  
 اعْظِنَا جَمِيعَ ذَلِكَ بِتَوْفِيقِكَ وَرَحْمَتِكَ

باسب هر کس که در این دعا  
را بخواند

وَاعْظِنَا مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ وَاعْظِنَا جَمِيعَ  
 الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَ  
 الْمُؤْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِي سَأَلْتُكَ لِنَفْسِي  
 وَلَدِي فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا وَآجِلِ الْآخِرَةِ  
 إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ سَمِيعٌ عَلِيمٌ غَفُورٌ غَفُورٌ  
 رَوْفٌ رَحِيمٌ وَإِنَّمَا فِي الدُّنْيَا حَسْبَةٌ وَ

فِي الْآخِرَةِ وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
 وَتَوَلَّيْنِي فِي حَيَاتِي وَمَوَالِي الْعَارِفِينَ بِحَقِّنَا

حَسْبَةُ عَظِيمٌ

وَالِدِهِمُ

وَالِدِهِمُ







الامل النغمي

لا اهل العوَم

بیا سوزان طریق مکر ابراهیم  
یعنی مکر کن ابراهیم این الی انشا

این سفره از دیوانه است  
و بیخود از یاد است

بیتکھا میں ان مہربان راق

وَبِالْغَالِينَ  
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَحَصِّنْ ثَغُورَ الْمُسْلِمِينَ بِعِزَّتِكَ وَآيِدَتِنَا  
حُصَانَتَهَا بِقُوَّتِكَ وَأَسْبِغْ عَطَايَاهُمْ  
مِنْ جَدِّدَتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ  
كَثْرَ عِدَّتِهِمْ وَاشْحَذْ أَسْلِحَتَهُمْ وَأَخْشِ  
سَيَادَتَهُمْ

[illegible]



لا اهل النعم

قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفَتُونُ وَاجْعَلِ  
 لِحَبَّتِهِمْ تَضَاعِفُهُمْ وَلَوْحٍ مِنْهَا لَافِضًا  
 مَا أَعَدَدْتَ فِيهَا مِنْ مَسَاكِينِ الْخُلْدِ وَمَسَاكِينِ  
 الْكَرَامَةِ وَالْحُورِ الْحُسْنَانِ وَالْأَشْجَارِ  
 الْمُظَرِّدَةِ بِأَنْوَاعِ الْأَشْرِبَةِ وَالْأَشْجَارِ  
 الْمَتَكَلِّفَةِ بِصُورِ الشَّرْحِ لَا يَمُوتُ أَحَدٌ  
 مِنْهُمْ بِالْأَذْبَارِ وَلَا يَحْدُثُ نَفْسُهُ عَنْ قَرِينِهِ  
 بِقِرَارِ اللَّهِ أَفَلَا يَذْكُرُكَ عَدُوَّهُمْ وَأَقْلَمِ  
 عَنْهُمْ أَظْفَارَهُمْ وَفَرِّقْ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ أَسْلِحَتِهِمْ

جمع خوار است  
 و در این کلمات از خداوند  
 گویند که بسیار و متعدد  
 در غایت شدت است اما در عرف  
 از برای مردمان آفر  
 پدید شده اند  
 و اینها را در این دنیا  
 و در آخرت  
 و در این دنیا و در آخرت  
 و در این دنیا و در آخرت  
 و در این دنیا و در آخرت

لا اهل النعم

وَاجْعَلْ وَثَائِقَ أَفْعَادِهِمْ وَبَاعِدْ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ  
 أَرْوَادِهِمْ وَخَيْرِهِمْ فِي سُبُلِهِمْ وَضَلَّاهُمْ  
 عَنْ وَجْهِهِمْ وَاقْطَعْ عَنْهُمْ الْمَدَدَ وَانْقُضْ  
 مِنْهُمْ الْعِدَّةَ وَامْلَأْ أَفْعَادَهُمُ الرُّعْبَ وَ  
 اقْبِضْ أَيْدِيَهُمْ عَنِ الْبَسْطِ وَآخِرُهُمُ السِّتَمَ  
 عَنِ الْطَّقِ وَشَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ وَتَكَلِّفْ  
 بِهِمْ مَزُورَاتِهِمْ وَاقْطَعْ جُزْئِهِمْ أَطْلَاعَ  
 مِنْ بَعْدِهِمُ اللَّهُمَّ عَقِّمْ أَرْحَامَ لِسَانِهِمْ  
 وَتَلَسَّسْ أَصْلَابَ رِجَالِهِمْ وَاقْطَعْ نَسْلَ

و اینها را در این دنیا و در آخرت  
 و در این دنیا و در آخرت  
 و در این دنیا و در آخرت  
 و در این دنیا و در آخرت  
 و در این دنیا و در آخرت  
 و در این دنیا و در آخرت  
 و در این دنیا و در آخرت  
 و در این دنیا و در آخرت  
 و در این دنیا و در آخرت  
 و در این دنیا و در آخرت



# لاهل التقوم

ذَوَابِّهِمْ وَأَنْعَامِهِمْ لَأَنْذَرَنَّهُمْ فِي  
 قَطْرِ وَلَا لِأَرْضِهِمْ فِي نَبَاتِ اللَّهُمَّ وَقُو  
 بِذَلِكَ مَحَالَّ أَهْلِ الْإِسْلَامِ وَحَصِّنْهُمْ بِدِيَارِهِمْ  
 وَثَمَرِيهِ أَمْوَالِهِمْ وَفَرِّغْهُمْ عَنْ مَحَارِبِهِمْ  
 لِعِبَادَتِكَ وَعَنْ مُنَابَذَتِهِمْ لِلْخَلْقِ بِكَ حَتَّى  
 لَا يُعْبَدَ فِي بَقَاعِ الْأَرْضِ غَيْرُكَ وَلَا تُقْفَرَ  
 أَحَدٌ مِنْهُمْ جَهْدُهُ وَنَكَ اللَّهُمَّ اغْنُ  
 بِكُلِّ نَاحِيَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَلَى مَنْ يَزَالُ يُمِ  
 مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَأَمْدِهِمْ بِعِلَاقِكَ مِنْ عِنْدِكَ

نیز شتر و گاو و گوسفند  
 و حیوانات دیگر را

برای آنکه ایشان را پیش از آنکه  
 در دوزخ انداخته شود

# لاهل التقوم

مُرْدَفِينَ حَتَّى يَكْشِفُوهُمْ إِلَى مُنْقَطِعِ الْمَرَاتِبِ  
 قَتْلًا فِي أَرْضِكَ وَأَسْرًا أَوْ قَبْرًا أَمَّا أَنْتَ  
 أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ  
 لَا شَرِيكَ لَكَ اللَّهُمَّ وَاعْمِ بِذَلِكَ أَعْدَاءَ  
 فِي أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنْ الْهِنْدِ وَالرُّومِ وَالْثُر  
 وَالْأَنْدَلُسِ وَالْحَبَشِ وَالْأَنْدَلُسِ وَالْحَبَشِ  
 وَالْأَنْدَلُسِ وَالْحَبَشِ وَالْأَنْدَلُسِ وَالْحَبَشِ  
 أَسْمَاءُ وَهُمْ وَصِفَاتُهُمْ وَقَدْ حَصَّنْتَهُمْ  
 بِمَعْرِفَتِكَ وَأَشْرَفْتَ عَلَيْهِمْ بِقُدْرَتِكَ اللَّهُمَّ

مرد فین حتی بکشفونم  
 قتل در زمین تو و اسیر  
 انداختن ایشان را  
 و اشرفی بر ایشان  
 و تقویت ایشان را





# لا اهل النعم

اشغل المشركين بالمشركين عزتنا اول  
 شغل سازگانان را بگناهان ادا کردن  
 اطراف المسلمين وخدمهم بالتقصير عن  
 اطراف مسلمانان و بکسر الشراک کردن از  
 تنقصهم و تبطلهم بالفرقة عن الاختشاد  
 کردن مسلمانان و باز داشتن از راه پر گداز کردن از راه آمدن  
 عليهم اللهم اخل قلوبهم من الامنة و  
 بر مسلمانان خداوند داخل کند دلها را از امنيت و  
 ابذاهم من القوة و اذهل قلوبهم عن  
 دهنها را از قوت و غافل سازد دلها را از  
 الاحتيال و اوهن اركانهم عن سائر  
 حيله کردن و مست کند اعضا را از پايه ها  
 الرجال و حثهم عن مقارعة الابطال و  
 جدا کردن و ترسان کند اين را از کوفتن و پيران و  
 انعت عليهم جندا من ملائكتك ببايس  
 برانگيز بپايش از ملائکه از دشمنان با نوازش  
 كفعلك يوم يذرت قطع يد ابرهه و  
 چنانکه کرد روزي در روز بدر پير بران بجای آيش را

بغير گناهان را اين ملائکه کند  
 مال و جان ايشان را که باز گردد  
 از کم کردن مال و جان مسلمانان

بغير گناهان را اين ملائکه کند  
 مال و جان ايشان را که باز گردد  
 از کم کردن مال و جان مسلمانان

# لا اهل النعم

وتخصدهم شوكتهم وتفرق به عديم الله  
 و بدو بپايش شوکت ايشان را و بگدازان شراک را خداوند  
 و امزج مياههم بالوباء و اطعمهم بالاذواء  
 و آميخته کند آبها را بآلودگي و بطعام و خود دهنها را بآلودگي  
 و ارميلا دهم بالحسوف و الخ عليمنا  
 و بپندارد بپوشان حشوها و مبالغه کن بر بپاشان  
 بالقذوف و افرعها بالحوول و اجعل ميرهم  
 با نوازش و شرف ساز بر بپاشان و خشک سازي و بگدازان از دهنها  
 في احص ارضك و ابعد ما عنهم و امنع  
 در احصاي زمين و دور ترين زمين را از ايشان و ممنوع ساز  
 حصونهم اصبرهم بالجموع المقيم و السقم  
 قلعه ها زمين را از ايشان و پايان بر سنگها ثابت و بپاشان  
 الا ليم اللهم و ايمان غار عزاهم من اهل  
 در دناک خداوند و بپاشان گدازان کند بپاشان از اهل  
 مملتك او مجاهد جاهد منهم من اتباع سنك  
 مملت تو با جهاد کنند که جهاد کند بپاشان از پيروان طريقت تو  
 ليكون دينك الاعلى و خربك الاقوى  
 تا نبوده باشد دين تو بلندتر و خراب تر و قوی تر

بغير گناهان را اين ملائکه کند  
 مال و جان ايشان را که باز گردد  
 از کم کردن مال و جان مسلمانان







الاحل الثغوم

سید

اَنْ يُّوَلِّيَ عَدُوَّكَ مَدِيْرِيْنَ اَللّٰهُمَّ وَاِيْمًا خَلَفَ

که بگرداند اشخاصی تو را بپشت کرده اند خداوند او را بهر مقامی که بخواهد برساند

خَايِزًا أَوْ مَطَاوِي دَارَهُ أَوْ تَعَمَّدَ خَالَفَ هـ

فراکنده بطریق در خانه او مانده است بازمانده کار او

وَعَنْتَهُ أَعْلَانُ بِطَائِفَةٍ مِّنَ الْأَنْصَارِ

فِي عَيْبِهِ أَوْ آعَانَهُ بِطَائِفَةٍ مِنْ مَالِهِ أَوْ أَمَدِهِ

و عیبت او بایر میکند او بیچاره از مال خود یا ابداد نماید

بِعِتَادِ أَوْ شَعْدَةِ عَلَى جِهَادٍ وَأَتَّبَعَهُ فِي وَجْهِهِ

ساز راه یافتار کند او را بر جبهه بازار بی او کند و آن را که در دست

يَعُوذُ أَوْ رَعَى لَهُ مِنْ وَرَائِهِ حُرْمَةٌ فَاجْرُلَهُ

عائدہ باریک کنڈ ہاں اور از غف اور مرستے بسا اور بدہ

شَلَّجَهُ وَزَنَّاوْهُ وَمَشَلَحْشَاوْهُ عَصْفُهُ

وَمِنْهَا عِشْرَتٌ وَعِصْرَةٌ

فَعَلَا عَزَّالَةً لِّقَوْمٍ

رَبِّهِ عَوْضًا حَاضِرًا يَنْجِلُ بِهِ نَفْعَ مَا

کردار او عوض حاضر که برادر علی بدو بقیع آنچه

ثم وسرو ما اتى به الى ان ينشئ الوقت

و شد و آنجا ایستاد و بعد از آن که مدتی در آنجا ماند و

مَا أَجْرِي لَهُ مِنْ فَضْلِكَ وَأَعَدَّتْ لَهُ

بهر آنکه عاقل سرخس برابر او از فضل خود آگاه گردانیده برای او

لاهل الثغور

مِنْ كَرَامَتِكَ اللَّهُمَّ وَأَيُّهَا مُسْلِمُ أَهْلِهِ

از کرامت خود خداوند و در میان کرامت و کرامت ساختن او

أَمْ الْإِسْلَامُ وَآخِرُهُ تُخَرَّبُ أَهْلُ الشَّرِكِ

کاف، اسلام و غلبہ کرد اور اجتماع میل شرک

کتاب فرائض و عبادت

عليهم قوى عروا اوهم مجي

بر سلطان زین العابدین که در غار ایام جنگ جهاد نمود پس

بِهَ ضَعْفٍ وَأَبْطَأَتْ بِرِفَاقِهِ أَوَّخَرَهُ

شستی یا دینک فرمود اورا فقیر با پس انداخت

عَنْهُ حَدِيثٌ أَوْ عَرَضَ لَهُ دُونَ إِيَّائِهِ مَا

از آن قصد و نه <sup>و</sup> می شد مرا و را نزد او ادا و او

فَاكْتُبْ اسْمَهُ فِي الْعَامِدَةِ. وَأَوْحِبْ لَهُ ثَوْبًا

فان كتاب سماه بي لعل يدين راجع اليه  
 به سوز ابرار از بنده کمال و واجبه ان براي او

أَلَا أَمْرٌ وَأَحْمَدُ وَنِظَامُ الشُّمْلَاءِ

المجاهدين واجعله في بطانة الشهيد

جهد کنندگان و بگردان او را در سلسله شهدا

وَالصَّالِحِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ

و صاحبان خداوند رحمت بزرگ بر محمد بنده

وَرَسُولِكَ وَالْمُحَمَّدِ صَلَوةً غَالِيَةً عَلَى الصَّ

و رسول تو دال محمد رفته که بلند باشد بر رقص

三

بفرمانک شریک از برای خدا  
قرار میدهند

از احوال آنها در خبر دادن بکاران  
مختصت کردن سحر و جادو و فری  
ضابطه بکشتن بکار و در حد ازیان

ہمارا دانت لک کر رانجھا ہوا  
 برای آنیکہ اور ہم ان پے  
 آن ہر سندہ سب  
 غیبی ہوتے اور  
 ہر آن غائب ہوا ربط ہے

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰



في الفرج

مُشْرِفَةً قَوْراً الْحَيَاتِ صَلَوةً لَا يَنْتَهِي  
 مَشْرِفَتُهُ بِاللَّيْلِ وَدُرُودُهُ رَحْمَتِي كَمَا مَشْنُونِي لَسْتُ  
 أَمْدُهَا وَلَا يَنْقُطُ عَدَدُهَا كَأَنَّمَا مَضَى  
 دَمْتُ أَنْ وَاسْقُطُ كَرْدًا شَارَهُ أَنْ يَجْعَلَ مَسْرُوحًا كَمَا كُنْتُ  
 مِنْ صَلَواتِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيائِكَ أَتَيْتُ  
 أَرْجُو مَهْلِكِي نُو بَرِيءِي مِنْ دُشْمَانِي نُو بَرِيءِي مِنْ دُشْمَانِي  
 الْمَثَانُ الْحَمِيدُ الْمُبْدِي الْمُعِيدُ الْفَعَالُ الْغَالِي  
 عَطَا دِهْنَهُ بَسْمًا رَسُوْدَهُ ائْتَدَا كُنْزَهُ اَعَادَهُ وَكَا كُنْزَهُ هَرَجًا

وكان من عظمى توبته عليه السلام ان يتركها الى الله

و بود از دعا حضرت میخواست علیهم السلام در طاعت که پناه میدادند بسوی خداوند

اللَّهُمَّ إِنِّي أَخْلَصْتُ بِإِقْطَاعِي إِلَيْكَ وَ

خداوند بپرستی که خواهم ساختن خود را بپرستی تو و منصرفم از پرستی غیر تو

أَقْلْتُ بِكَ كُلِّي وَصَرَفْتُ وَجْهِي عَنْ

در و کرده ام همه خود را گردانده ام رو خود را از پرستی غیر تو

يَحْتَاجُ إِلَى رِفْدِكَ وَفَلَيْتُ مَسْئَلَتِي عَنْ

که نمی خواهم بپرستم تو و بر گردانده ام سوال خود را از غیر تو

لَمْ يَسْتَفِزْ عَن فَضْلِكَ وَرَأَيْتُ أَنَّ طَلَبَ

کسی که بپایان نرسید از احسان تو و دانستم که طلب کردن

جز بپرستی تو و خداوند

آن بسوی تو

عندك

بر تو

جز بپرستی تو و خداوند

في الفرج

الْحَاجَّ إِلَى الْخُتَابِ سَفَهَ مِنْ دَابِهِ وَضَلَّ  
 محتاج بسوی محتاج سبکیت از رای او و گمراهی  
 مِنْ عَقْلِهِ فَمَا قَدْ رَأَيْتُ يَا إِلَهِي مِنْ أَنَا  
 از عقل او و بس که تحقیق دیده ام ای خدای من از مردمان  
 طَلَبُوا الْعِزَّ بِغَيْرِكَ فَذَلُّوا وَرَأَوْا الثَّرْوَةَ  
 که طلب عزت کردند بجز تو بسوی خود شدند و فقیر گردیدند و توانگری  
 مِنْ سِوَاكَ فَأَفْقَرُوا وَاحْأَوْا لَوْلَا الْارْتِفَاعُ  
 از سواي تو بسوی فقر شدند و آنگاه کردند بلند گردیدن

فَاتَّضَعُوا فَمَعَايِشِهِمْ أَمْثَالُ حَزَنٍ

بسوی خود شدند و معاشیهایی مانند اندوه و راند

وَقَفَّهُ اغْتِبَارُهُ وَارْشَدُهُ إِلَى طَرِيقِ صَوَابِهِ

که توقف داد او بر فکر کردن او و راه نصیحت بسوی حق و راستی او

اخْتِيَارُهُ فَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ دُونَ كُلِّ

انتخاب او را بسوی تو ای مولای من

مَسْئُولٍ مَوْضِعُ مَسْئَلَتِي وَدُونَ كُلِّ

سوال کرده شده محل سوال کردن من و غیر

مَطْلُوبٍ إِلَيْكَ وَبِي حَاجَتِي أَنْتَ الْخَصُوصُ

طلب کرده شده بسوی تو و بپایان رسیده حاجت من تو را مخصوص

محتاج بسوی محتاج سبکیت از رای او و گمراهی  
 از عقل او و بس که تحقیق دیده ام ای خدای من از مردمان  
 که طلب عزت کردند بجز تو بسوی خود شدند و فقیر گردیدند و توانگری  
 از سواي تو بسوی فقر شدند و آنگاه کردند بلند گردیدن

فَاتَّضَعُوا فَمَعَايِشِهِمْ أَمْثَالُ حَزَنٍ

بسوی خود شدند و معاشیهایی مانند اندوه و راند

وَقَفَّهُ اغْتِبَارُهُ وَارْشَدُهُ إِلَى طَرِيقِ صَوَابِهِ

که توقف داد او بر فکر کردن او و راه نصیحت بسوی حق و راستی او

اخْتِيَارُهُ فَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ دُونَ كُلِّ

انتخاب او را بسوی تو ای مولای من

مَسْئُولٍ مَوْضِعُ مَسْئَلَتِي وَدُونَ كُلِّ

سوال کرده شده محل سوال کردن من و غیر

مَطْلُوبٍ إِلَيْكَ وَبِي حَاجَتِي أَنْتَ الْخَصُوصُ

طلب کرده شده بسوی تو و بپایان رسیده حاجت من تو را مخصوص

محتاج بسوی محتاج سبکیت از رای او و گمراهی

از عقل او و بس که تحقیق دیده ام ای خدای من از مردمان

که طلب عزت کردند بجز تو بسوی خود شدند و فقیر گردیدند و توانگری

از سواي تو بسوی فقر شدند و آنگاه کردند بلند گردیدن

الحاج



بهر مجربیت و این کتاب است از استحضار قدرت و شکوه  
ضعف و سست دران راه ندارد  
فی الفتح

قَبْلَ كُلِّ مَدْعُوٍّ يَدْعُوَنِي لَا يَشْرُكَكَ أَحَدٌ  
بیشتر از هر خواننده پیشند بخواندن من پیشتر یک نیستند با تو کسی  
فِي دَجَائِي وَلَا يَفِرُّ أَحَدٌ مَعَكَ فِي دُعَائِي وَ  
در امید من و متفق نیست کسی با تو در جواب از من پیشند  
لَا يَنْظِمُهُ وَ إِنَّا لَنَدَّائِي لَكَ يَا إِلَهِي وَ خَدَّائِي  
جمع میکنند او را و ترا با هم ندای من و تراست از خداوندی  
الْعَدَدَ وَ مَلَكَ الْقُدْرَةَ الصِّدْقَ وَ فَضِيلَةَ  
شمار و صفت و ارکان قدرت و کبریت و صفت کامله  
الْحَوْلَ وَ الْقُوَّةَ وَ دَرَجَةَ الْعِلْمِ وَ الرِّقْعَةَ  
کمان قدرت و قولت و پاییز بلندست و در گفت  
وَمَنْ سَوَّاهُ لَمْ يَخْرُجْ مِنْ عَيْنِهِ مَغْلُوبٌ عَلَى  
و هر که سواست از او هرگز نماندست از شکست او غلبه کرده است  
أَمْرِهِ مَقْهُورٌ عَلَى شَأْنِهِ مُخْتَلِفٌ الْحَالَاتِ  
بر او و هر که بر او برده است بر حال او مختلف است حالهای او  
مُسْقِلٌ فِي الصِّفَاتِ فَتَعَالَيْتَ عَنِ الْأَشْيَاءِ  
کرده است در صفات پس برتر منی از اشیا  
وَالْأَضْدَادُ وَ تَكَبَّرْتَ عَنِ الْأَمْثَالِ وَ  
و خداوند و عظمت من از مشابها و

بهر مجربیت و این کتاب است از استحضار قدرت و شکوه  
ضعف و سست دران راه ندارد  
فی الفتح  
بهر مجربیت و این کتاب است از استحضار قدرت و شکوه  
ضعف و سست دران راه ندارد  
فی الفتح  
بهر مجربیت و این کتاب است از استحضار قدرت و شکوه  
ضعف و سست دران راه ندارد  
فی الفتح

بهر مجربیت و این کتاب است از استحضار قدرت و شکوه  
ضعف و سست دران راه ندارد  
فی الفتح

وَالْأَضْدَادُ فَسُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ تَعَالَى  
و خداوند پس بزرگوارستی لا اله الا انت تعالی  
كَانَ مِنْ عُلُوِّكَ كَبِيرًا  
و بود از عظمی و بزرگوار  
اللَّهُمَّ  
ای خداوند  
إِنَّكَ أَنْتَ لَتَكُنَّ فِي أَرْزَاقِنَا سُوءَ الظَّنِّ وَ فِي  
بدستی که تو از ما پیشتر بودی و در روزهای بد گمانه و در  
الْجَائِلِ نَاطِلِ الْأَمَلِ حَتَّى التَّمَسُّنَا أَرْزَاقَكَ  
عمرهای ما بد روزی امید نطلب کردیم روزهای ترا  
مِنْ عِنْدِ الْمَرْزُوقِينَ وَ طَمَعْنَا بِأَمْثَالِنَا  
از نزد روزی داده شد و طمع کردیم بسبب امیدهای خود  
فِي أَعْمَارِ الْمُعْتَمِرِينَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ  
در عمرهای معتمرین پس بخت بخت بر محمد و آل او  
وَهَبْ لَنَا يَقِينًا صَادِقًا تَكْفِينَا مِنْ مَوْثِقَةٍ  
و بختی را یقین راستی که بازماند ما را بختی از موقت  
الطَّالِبِ وَ الْهَمَّتَانِ قَدْ خَالَصَتْ مَضْمُونًا  
طلب و در دل آنکه از ما را اعتماد خالصه یافت و بر ما

بهر مجربیت و این کتاب است از استحضار قدرت و شکوه  
ضعف و سست دران راه ندارد  
فی الفتح  
بهر مجربیت و این کتاب است از استحضار قدرت و شکوه  
ضعف و سست دران راه ندارد  
فی الفتح  
بهر مجربیت و این کتاب است از استحضار قدرت و شکوه  
ضعف و سست دران راه ندارد  
فی الفتح





# اذا اقر عليه الزرق

من شدة النصب واجعل ما صرحت به  
 من عدتك في حيك واتبعته من قبلك  
 في كتابك قاطعا لا مقياما عابا الزرق  
 الذي تكلفت به وحسنا للاشتغال بما  
 صممت الكفاية له فقلت وقولك  
 الحق الصدوق واقصمت وقيل الاكبر الاول  
 وفي السماء رزقكم وما تعدون ثم قلت  
 قورب السماء والارض انه كمن شغل ما انكم

فمن شدة النصب  
 من عدتك في حيك  
 في كتابك قاطعا  
 الذي تكلفت به  
 صممت الكفاية له  
 الحق الصدوق  
 وفي السماء رزقكم  
 قورب السماء والارض

من شدة النصب  
 من عدتك في حيك  
 في كتابك قاطعا  
 الذي تكلفت به  
 صممت الكفاية له  
 الحق الصدوق  
 وفي السماء رزقكم  
 قورب السماء والارض

تظفرون

# في قضاء الدين

اللهم صل على محمد وآله الدين  
 وهب لي العافية من دين تخلق به وجهي  
 ويحاربه ذهني ويتشعب له فكري  
 ويطول عمارته شغلي واعوذ بك يارب  
 من همم الدين وفكره وشغل الدين وسهره  
 فصل على محمد وآله واعذ في منه واستجير  
 بك يارب من ذلته في الجورة ومن تبعته  
 بعد الوفاة فصل على محمد وآله واخر في منه  
 بوسع فاضل او كفاي فاضل اللهم صل

بمنه

بمنه

بمنه

بمنه



# ف قضاء الدين

على محمد وآله واجبتني عن الشرف والازالة  
 بر محمد وآل او وازاد مرا بكن وسرافت از اينكه  
 وقومني بالبدال والاقتصاد وعليه حسن  
 مستقيم ما من انجش كران وما يذو سر فودن ديما سوز مرا بكن  
 التقدير واقضني بلطفك عن التذير  
 انما زده در حق و بكنش مرا بلطف خود از تذر  
 واخر من اسباب الحلال اذ راقى وجهه في  
 دروان كران از سبب هلال دور بهاي مرا و بكنان در  
 ابواب البرافاق واز وعني من المال ما يجد  
 ابواب خيرا و نفقه كران و بكنش نعمه انما انجش بياورا  
 لي محبلة او تاديا الي نبي وما اتفق منه  
 بر اين نكته كران بكنش يا بيايم در عاقبت آن  
 طغيانا اللهم حبب الي صحبة الفقير وكنه  
 سر كنه خداوند دوست كران بسوز من عيشه و بكنش بياورا  
 على صغيتهم بحسن الصبر وما ذويت عني من  
 بر صحت اتيان بكنش صبر و انجش بكنش بياورا  
 مشاع الدنيا الفانية فاذا خفي في خزانة  
 مشاع و بياي فاست بكنش كران باخره و بكنش

بكنش انما زده در حق كران  
 بكنش در حق كران  
 بكنش در حق كران

بكنش در حق كران  
 بكنش در حق كران  
 بكنش در حق كران

بكنش در حق كران  
 بكنش در حق كران  
 بكنش در حق كران

# ف طلب التوبة

الباقية واجعل ما خولتني من خطاياها  
 بكنش انما انجش كران بكنش بكنش  
 وعملت لي من متاعها بلغة الى جوارك  
 بكنش انما زده بر اين نكته ان سبب بكنش بكنش  
 وصلة الى قربك وذريعة الى جنتك  
 بكنش بكنش بكنش بكنش بكنش  
 انك ذو الفضل العظيم وانت الجواد الكريم  
 بكنش بكنش بكنش بكنش بكنش

بكنش بكنش بكنش بكنش بكنش

اللهم يا من لا يصفه نعت الواصفين  
 خداوند اي كه وصف مستوانه كران او وصفه وصف كنه  
 ويا من لا يجاوزه رجاء الراجين ويا من لا  
 ويا كه در نكته د ازو اميد دارند ويا كه صبر  
 يضع لديه اجر الحسين ويا من هو ممتلئ  
 بكنش بكنش بكنش بكنش بكنش  
 خوفي العابدين ويا من هو غاية خشية  
 بكنش بكنش بكنش بكنش بكنش

بكنش بكنش بكنش بكنش بكنش  
 بكنش بكنش بكنش بكنش بكنش  
 بكنش بكنش بكنش بكنش بكنش

بكنش بكنش بكنش بكنش بكنش  
 بكنش بكنش بكنش بكنش بكنش  
 بكنش بكنش بكنش بكنش بكنش

بكنش بكنش بكنش بكنش بكنش  
 بكنش بكنش بكنش بكنش بكنش  
 بكنش بكنش بكنش بكنش بكنش



بفرموده است که هر که توبه کند...

توبه التوبة

بفرموده است که هر که توبه کند...

بفرموده است که هر که توبه کند...

المُتَّقِينَ هَذَا مَقَامُ مَنْ تَبَاوَلَتْهُ أَيْدِي الذُّنُورِ  
وَقَادَتْهُ أَرْمَةُ الْخَطَايَا وَاسْتَحْوَذَ عَلَيْهِ  
الشَّيْطَانُ فَقَصَّرَ عَمَّا أَمَرَتْ بِهِ تَقْرِيطًا وَ  
تَعَاطَى مَا هَمَّتْ عَنْهُ تَغْيِيرًا كَأَجَاهِلٍ يَقْدَرُ  
عَلَيْهِ أَوْ كَأَلْمَنِكْرِ فَضَّلَ إِحْسَانَكَ  
إِلَيْهِ حَتَّى إِذَا نَفَخَ لَهُ بَصْرُ الْهُدَى وَنَشِيعَتْ  
عَيْنُهُ سَحَابًا لَعْنَى أَحْصَى مَا ظَلَمَ بِهِ نَفْسَهُ  
وَفَكَرَ فِي مَا خَالَفَ بِهِ رَبَّهُ فَرَأَى كَثِيرًا  
عِصْيَانِهِ كَثِيرًا وَجَلِيلَ مَخَالَفَتِهِ جَلِيلًا

بفرموده است که هر که توبه کند...

بفرموده است که هر که توبه کند...

بفرموده است که هر که توبه کند...

توبه التوبة

بفرموده است که هر که توبه کند...

بفرموده است که هر که توبه کند...

فَاقِلْ خَوْفَكَ مُوقِلًا لَكَ مُسْتَحْيَا مِنْكَ وَ  
وَجْهَ رَغْبَتِهِ إِلَيْكَ ثِقَةً بِكَ فَأَمَّا كَاطِعُ  
يَقِينًا وَقَصْدَكَ خَوْفَهُ إِخْلَاصًا قَدْ خَلَا  
طَمَعُهُ مِنْ كُلِّ مَطْمُوعٍ فِيهِ غَيْرُكَ وَ  
أَفْرَحَ رَوْعَهُ مِنْ كُلِّ مَحْذُورٍ مِنْهُ سِوَاكَ  
مُتَضَرِّعًا وَغَضَضَ بَصَرَهُ إِلَى الْأَرْضِ مُخْتَشِعًا  
وَطَاطَرَ رَأْسَهُ لِعِزَّتِكَ مُتَذَلِّلًا وَلِجَلَالِكَ  
سَبِّحَ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعًا وَعَدَدَ  
مِنْ ذُنُوبِهِ مَا أَنْتَ أَحْصَى لَهَا خُشُوعًا وَ





في طلب التوبة

اَسْتَغَاثُ بِكَ مِنْ عَظِيمٍ مَا وَقَعَ بِي فِي  
 طَبْعِ اَوَّلِ سِرِّكَ اِذْ نَوَّاهُ بِي اِلَى مَا قَدْ جَاءَ مِنْكَ مِنْ  
 عَلَيْكَ وَقِيعٍ مَا فَضَحَهُ فِي حَكَمِكَ مِنْ  
 سَلَمٍ نَوَّاهُ بِي اِلَى مَا قَدْ جَاءَ مِنْكَ مِنْ  
 ذُنُوبٍ اَذْبَحْتَ لَهَا تَهَا فَذَهَبْتَ وَاَقَامْتَ  
 لَهَا مَا قَدْ جَاءَ مِنْكَ مِنْ  
 تَبَعَاتِهَا فَلَزِمْتَ لَا يُنْكِرُ يَا اِلٰهِي عَدْلَكَ اِنْ  
 وَالْهَالِكِ اِنْ يَلْزَمُ شَيْءٌ اَلَا تُكِنِّفُ اِيْضًا مِنْ عَدْلِكَ اِنْ  
 عَاقِبَتُهُ وَلَا يَسْتَغْطِمْ عَفْوُكَ اِنْ عَفَوْتَ  
 عَفْوُكَ كُنْتَ اَوَّلًا عَظِيمٌ شَارِدٌ عَفْوُكَ اِنْ عَفَوْتَ كُنْتَ اَوَّلًا  
 عَنْهُ وَرَحْمَتُهُ لَا تَكُ الْوَبُ الْكَرِيمُ الَّذِي  
 وَرَحْمَتُهُ كُنْتَ اَوَّلًا اِيْلًا نَوَّاهُ بِي اِلَى مَا قَدْ جَاءَ مِنْكَ مِنْ  
 لَا يَتَعَاطَاهُ عَفْرَانُ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ  
 بَرَكْتَ مَا يَدُوْرُ اِيْلًا نَوَّاهُ بِي اِلَى مَا قَدْ جَاءَ مِنْكَ مِنْ  
 فَهََا اِنَا اِذَا قَدْ جِئْتُكَ لَا مَرْكَ فِيمَا اَمَرْتَ بِهٖ مِنْ  
 اَلدُّعَاءِ مَتَّبِعًا وَعَدَّتْ بِهٖ مِنْ  
 وَعَدَّتْ بِهٖ مِنْ

[illegible]

في طلب التوبة

مِنَ الْإِجَابَةِ إِذْ تَقُولُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ  
 از اجابت زیرا که میگوید بخوانید مرا ایستجیب میکنم و شما را  
 اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِهِ وَآلِ عِصْمَتِكَ  
 خداوند ما را بر حق نبوت بر محمد و آل او و ملائکه کن و ایامه شریف خود  
 كَمَا الْفَيْضُ بِإِقْرَارِي وَارْفَعْنِي عَنْ  
 چنانچه طاعت کردم ترا با اقرار خود و بلند نما از  
 مُضَارِعِ الذُّنُوبِ كَمَا وَضَعْتَ لَكَ نَفْسِي  
 جانی را که با تو میگذارم چنانچه بگذاشتی برای تو نفس خود را  
 اسْتَرْنِي بِسِتْرِكَ كَمَا تَأْتِيَنِي عَنِ الْإِنْفِقَامِ  
 و پنهان کن مرا به پرده خود چنانچه در ملک خودی با فراموشی انقیاد کشیدن  
 مِنِّي اللَّهُمَّ وَتَبَّتْ فِي طَاعَتِكَ نَبْتِي وَ  
 از من خداوند ما را تابست از اطاعت خودت مرا و  
 أَحْكِمْ فِي عِبَادَتِكَ بَصِيرَتِي وَوَفِّقْنِي  
 استوار کن در پرستش خود چنانکه مرا در توفیق ده مرا  
 مِنَ الْأَعْمَالِ الَّتِي أَفْعَلُ بِهَا دُخْرَ الْحَقَائِدِ  
 از کارهای برای آنچه بشود بمان چو کار که بماند از  
 عَنِّي وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِكَ وَمِلَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ  
 از من و بپوشان مرا بر دین خود و دین پیغمبر خود محمد

[illegible]

عزیز و میان کار آمد از تو شوق  
چه از برای کار چنین



وطلب التوبة

عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا تَوَقَّيْتَنِي اللَّهُمَّ لِي

بر باد و درود چون بپیر اند مرا خاد و ناپهستی که من

اَتُوبُ إِلَيْكَ وَمَقَامِي هَذَا مِنْ كِبَارِ

بازگشت میخاییم بسوی تو در مقام خود این از بزرگبها

ذَنُوبِي وَصَغَائِرُهَا وَبَوَائِي سَيِّئَاتِي وَظُلُمَاتِي

کنان خود و خرد های آن و پوشید های کنان خود و آرد های

وَسَوَالِفِ زَلَالَةٍ وَحَمَادِ ثَنَائَةٍ مِمَّا لَحِقَ بِكَ

و کز شهنشاه تو مشهور خود و نوحه بداند که آن بایسته

نفسه معصية ولا يشاء ان يعبد في

یا خود بنا فرماخ و از ده انگه را نه انگه عمود کند و در

خَطَاةً وَكَفُورًا إِنَّ اللَّهَ فَاعٍ

حقیقت کہ کفر از خواہد بود که از مولا خود

وَمَا يَكْفُرُ لَكُمْ وَيُنَادِيَكُمْ لِمِ الْآيَاتِ

کتابت میرزا یکتا پهلوان

کتابخانه عمومی

عَرَبِيَّادِكْ وَلَعْمُو عَنِ السِّيَّاتِ وَحَبِّ

از جبهه آن خود در سید در از کمان و دو سید در

التَّوَابِينَ فَاِذَا بَلَغَ الْبُيُوتِ كَمَا وَعَدَتْ

فطلب التوبة

وَأَعْفُ غَرْسِيَّاقِي كَمَا ضَمَنْتَ وَأَوْجِبْ

و در کفر از کلمات من چنانچه ضامن شده و واجب کرد

لِمَجِّتِكَ كَمَا شَرَطْتَ وَلَكَ يَارَبِّ

برای منجبت ایا چنانچه شرط کرده و مرتبت ای پروردگار

شَطَطُ أَنْ لَا أَعُودَ فِي مَكْرُوهِكَ وَضَائِقِي

شیر طمینی که رنگش دردم در آنچه ناخوش داری و ضایع من

أَلَا أَرْجُو فِي مَذْمُومِكَ وَعَهْدِي أَنْ أَهْجُرَ

کار خود نکنند در اینگونه محاسبات و عهد من که دور نمایم

اللَّهُمَّ أَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا

از حسن و قبح اینها

مَا أَفْغَى الْمَاعِلَةَ وَأَفْغَى

عمر بن الخطاب رضي الله عنه

وَيَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا هَذِهِ السُّبُلَ الَّتِي هِيَ سُبُلَ الْكُفْرِ الَّتِي سَلَكَ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

يَهْدِيكَ إِلَى مَا أُجِيبُكَ بِهِ

بعد از آنکه بگویند که اینها را در

تبعات وحقهم من وبعات وحقهم من

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَيْتَهُمْ وَكُلُّهُمْ بِعَيْنِكَ اِي لَاتَمَام

درست میدارد و نویسنده کتاب

بفرستیم این شرط و این ضمانت و این  
عهد را تو میکنم چنانچه توان  
شرطها و عهد را در کند

Handwritten text in Arabic script, likely a signature or date, located at the bottom of the page.

والحق



## فطلب التوبة

عَلَيْكَ الَّذِي لَا يَنْسِي فَعَوِضْ مِنْهَا أَهْلَهَا  
 در علم هست که فراموش نمیکند پس عوض ده از آن حقوق آنها را  
 وَأَحْطِطْ عَنِّي وَزَرَهَا وَخَفِّفْ عَنِّي ثِقَلَهَا  
 و بفرما از من که است از آنها را و سبک ساز از من سنگینی آنها را  
 وَأَعْصِنِي مِنْ أَنْ أَقَارِفَ مِثْلَهَا اللَّهُمَّ  
 و نگاه دار مرا از اینکه نزدیک کنم مثل آن و یا لها خداوند  
 إِنَّهُ لَا وَفَاءَ لِي بِالتَّوْبَةِ إِلَّا بِعِصْمَتِكَ وَلَا  
 و بدستی که نرسد فدا کردن مرا بتوبه مگر بکفایت مددش خود و بدست  
 اسْتَمْسَاكَ بِي عَنِ الْخَطَايَا إِلَّا عَن قُوَّتِكَ  
 چنگ در زدن من بچیز مرا از گناهان گاهی مگر از قوت تو  
 فَقَوِّنِي بِقُوَّةِ كَافِيَةٍ وَتَوَلَّنِي بِعِصْمَةٍ  
 پس قوی گردان مرا بقوت که بسازد و یا رستورانی که مددش  
 مَانِعَةٍ اللَّهُمَّ إِنَّمَا عِبْدُكَ ابْنُكَ  
 که باز دارنده باشد خداوند هر چند که بازگشت کرد بسوی تو  
 وَهُوَ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ فَاسْخِرْ لَتَوْبَتِهِ  
 و حال انکه او در علم غیب که نزد است مشکند و است عفو تو را  
 وَعَائِدْ فِي ذَنْبِهِ وَخَطِيئَتِهِ فَإِنَّ أَعُوذُ  
 دعوی کننده است در گناه خود و خطای خود پس بدستی که عفو نماید

بغیر از این که در خطب در مذکور است  
 آن را نه با هم از شکران

یا کار گذارنده باشد

بغیر از این که در خطب است

## فطلب التوبة

يَا كُنْ أَنْ أَكُونَ كَذَلِكَ فَاجْعَلْ تَوْبَتِي  
 یا که از این که بوده باشم چنین پس بگردان توبه مرا  
 هَذِهِ تَوْبَةٌ لَا أَحْتَاجُ بَعْدَهَا إِلَى تَوْبَةٍ  
 این چنان توبه که محتاج نسوم بعد از آن بتوبه دیگر  
 تَوْبَةٍ مُوجِبَةٍ لِحُومِ اسْلَفٍ وَالتَّلَاحُفِ فِيهَا  
 توبه که موجب باشد و محو کردن آنچه گذشته است و بر سر گذاشتن  
 بَقِيَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ مِنْ جَمَلِي وَأَسْتَوْفِيكَ  
 و آنچه باقی خداوند بدستی که عذر میخواهد از من و از من و در میخوانم  
 سَوْءَ فِعْلِي فَأَضْمِنِي إِلَى كَفِّ رَحْمَتِكَ  
 بدی کردار من پس تضمین کن مرا به نیاید رحمت خود  
 تَطَوَّلًا وَاسْتَرْفِي لِي سِتْرَ عَافِيَتِكَ تَفَضُّلاً  
 از در و استرانی و بپوشان مرا به پرده عافیت خود از روی تفضل  
 اللَّهُمَّ وَإِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ كُلِّ مَا  
 خداوند و بدستی که بازگشت میکنم بسوی تو از هر چه  
 خَالَفَ أَرَادَتَكَ أَوْ زَالَ عَنْ مَحَبَّتِكَ مِنْ  
 آنچه لغت کرده است اراده ترا یا کرده است از محبت تو از  
 خَطَرَاتِ قَلْبِي وَخَطَايَا عَيْنِي وَحِكَايَا  
 اندیشه های دل من و از گناهان چشم من و از گفتگوهای

بغیر از این که در خطب است از خطب که در  
 از گناهان و از گناهان و از گناهان و از گناهان

بسوی تو

بغیر از این که در خطب است از خطب که در  
 و گفتگوهای



## فطلب التوبة

لِسَانِي تَوْبَةً تَسْلِمُ بِهَا كُلُّ جَارِحَةٍ  
 زبَانِ مِنْ دُرِّ كَشْفِ كَسْبَاتِ مَا لَيْسَ بِكَ  
 عَلَى حَيَاتِهِمْ تَبَعَاتِكَ وَتَأْمِنُ مَسَامًا  
 بِمُسِيْرِهِمْ اِنْ عَقُوبَتِهِمْ تَوْبَةً وَابْنِ بَشَرٍ اِنْ كَفَرَتْ  
 يَخَافُ الْمُعْتَدُونَ مِنْ اِلِيمِ سَطَوَاتِكَ  
 بِمُسْتَعْدِّ جَلَدِ كَرَمِ اِنْ قَرَأْتَ اِنْ دُونَكَ تَوْبَةً  
 اَللّٰهُمَّ فَارْحَمْ وَحْدَتِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَوَجِبَ  
 خَدَاوَتِ اِيْمَانِي بِرَبِّكَ وَوَجِبَ تَوْبَةً وَطَبِيعَتِي  
 قَلْبِي مِنْ خَشْيَتِكَ وَاضْطِرَابِ اَرْكَانِي  
 اِنْ اِنْ اَزْوَاجِي تَوْبَةً وَوَجِبَ اَعْصِي اَمْرًا  
 مِنْ هَيْبَتِكَ فَقَدْ قَامَتْنِي يَا رَبِّ ذُنُوبِي  
 اِنْ اِنْ اَزْوَاجِي تَوْبَةً وَوَجِبَ اَعْصِي اَمْرًا  
 مَقَامَ الْخِزْيِ بِفَنَائِكَ فَانْ سَكْتُمْ لِيَنْطِقْ  
 دَرْجَاتِ اَسْوَاحِ اَرْكَانِي تَوْبَةً وَوَجِبَ اَعْصِي اَمْرًا  
 عَنِّي اَحَدٌ وَاِنْ شَفَعْتُ فَلَسْتُ بِأَهْلٍ لِّلشَّفَاعَةِ  
 اِنْ اِنْ اَزْوَاجِي تَوْبَةً وَوَجِبَ اَعْصِي اَمْرًا  
 اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَشَفِّعْ فِي خَطَايَا  
 خَدَاوَتِ اِيْمَانِي بِرَبِّكَ وَوَجِبَ تَوْبَةً وَطَبِيعَتِي

## فطلب التوبة

كِرْمِكَ وَعُدَّ عَلَى سَيِّئَاتِي عِقُوبَكَ وَلَا تَجْزِي  
 كَرَمِ خُودِ اِنْ اَنْفَعَتْنِي بِرَبِّكَ اِنْ اِنْ اَزْوَاجِي تَوْبَةً وَوَجِبَ اَعْصِي اَمْرًا  
 جَزَائِي مِنْ عِقُوبَتِكَ وَاسْطَ عَلَى طَوْلِكَ  
 اِنْ اِنْ اَزْوَاجِي تَوْبَةً وَوَجِبَ اَعْصِي اَمْرًا  
 وَجَلَلَنِي لِشِرْكٍ وَاَفْعَلْ بِفِعْلِ عَزِيْزٍ  
 دَرْجَاتِ اَسْوَاحِ اَرْكَانِي تَوْبَةً وَوَجِبَ اَعْصِي اَمْرًا  
 تَضَرَّعَ اِلَيْهِ عَبْدٌ ذَلِيلٌ فَرَحُهُ اَوْ غَنِي  
 كَرَمِ خُودِ اِنْ اَنْفَعَتْنِي بِرَبِّكَ اِنْ اِنْ اَزْوَاجِي تَوْبَةً وَوَجِبَ اَعْصِي اَمْرًا  
 تَعَرَّضَ لَهُ عَبْدٌ فَقِيرٌ فَنَعَسَتْهُ اَللّٰهُمَّ  
 كَرَمِ خُودِ اِنْ اَنْفَعَتْنِي بِرَبِّكَ اِنْ اِنْ اَزْوَاجِي تَوْبَةً وَوَجِبَ اَعْصِي اَمْرًا  
 لَاخْفِي لِي مِنْكَ فَلْيَخْفُرْنِي عِزُّكَ وَلَا تَشْفِيعْ  
 خَدَاوَتِ اِيْمَانِي بِرَبِّكَ وَوَجِبَ تَوْبَةً وَطَبِيعَتِي  
 لِي اِلَيْكَ فَلْيَشْفِيعْ لِي فَضْلُكَ وَقَدْ وَجَلَّتْ  
 دَرْجَاتِ اَسْوَاحِ اَرْكَانِي تَوْبَةً وَوَجِبَ اَعْصِي اَمْرًا  
 خَطَايَايَ فَلْيُؤْمِنِّي عِقُوبَكَ فَمَا كَلَّ  
 كَرَمِ خُودِ اِنْ اَنْفَعَتْنِي بِرَبِّكَ اِنْ اِنْ اَزْوَاجِي تَوْبَةً وَوَجِبَ اَعْصِي اَمْرًا  
 مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلِ مَنِّي لِسُوءِ اَثَرِي  
 اِنْ اِنْ اَزْوَاجِي تَوْبَةً وَوَجِبَ اَعْصِي اَمْرًا







بعد صلوة الفجر

وكان في ذلك عجباً كثيراً فقرأه فوجد في

إِيَّاكَ  
بِسْمِ اللَّهِ

بعد صلوة الليل

میرزا وافر خادوم  
نویسند  
طی آنکه بدو است  
یکایک سید باد کاغذ

بغیر از آنکه مستورا باشد و در باب دیگر  
کلمه است و غیر لغت عربی است  
که کسی را نتوانستند سود  
باشد و با این نام میخوانند بود که  
ضابطه اصفهان را میخوانند  
نیت



بعد صلوة الليل

لَا تَزُولُ وَأَنَا الْعَبْدُ الضَّعِيفُ عَمَلًا

و اما بنابر دهم باید متعین و معلوم

الْحَسِيمُ أَمَّا أَخْرَجَتْ مِنْ يَدَيَّ أَسْبَابُ

بجاء کدو ایچید چیردن افقہ است از دست مرغ اسباب

الْوَصْلَاتِ الْإِمَامَا وَصَلَهُ رَحِمَتِكَ

چند روزی که در آنجا بودم چون که در آنجا رفتم نو

وَتَقَطَّعْتَ عَنِّي عِصْمَ الْأَمْوَالِ إِلَّا مَا آتَانَا

و بر پادشاه است از قهر و غضبش ایمنی را بکس نرساند

مُعْتَصِمٌ بِهِ مِنْ عَفْوِكَ قَلَّ عِنْدِي مَا أَبَوُءُ

درست از ده اتم بانی از عقول و کلمات نزد من ایچ کسایم

بِهِ مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَلَنْ يَضِيقَ عَلَيْكَ عَفْوُ

انرا از نصیبت خود استواریت بر تو بخواران

عَنْ عَبْدِكَ وَإِنْ أَسَاءَ فَاعْفُ عَنِّي اللَّهُمَّ

از جمله سخنان او این بود که راه یافتن به سوی حقیقت

وقد اشرف على خفايا الاعمال عليك  
بمحقق المظالم انت ربنا انت

أَنْتَ كَمَا يُرِيدُ

والاستفاد من مسعود دون خبرك ووه مشهور  
دشمنك را نماند است بر زمین و نماند اکابر تو را در نور

1890

بعد صلوة الليل

عَنْكَ دَقَاتُ الْأُمُورِ لَا تَقْرُبُ عَنْكَ عِيَا

از تو بار یکبار که در غایب فیکر دو از تو به یاد

السَّارِثِ وَقَدْ اسْتَحْوِزَ عَلَى عَدُوِّكَ الَّذِي اسْتَظَلَّ

راز: تحقیق که مستوط شد است بر زمین نو که مملکت

لَعَوَايَتِي فَأَنْظِرْتَهُ وَاسْتَمْتَلَكَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

برای که اسیرین ملت ۱۵۰۰ او را و مملکت علیحد است از نو با و رفیق

لَا ضَلَالَةَ لِي فَأَمَّهَلْتُهُ فَأَوْقَعَنِي وَقَدْ هَرَبْتُ

بر کراهه کردن از غیر و پسندیدن او را پسند است مراد در جمله مذکور

إِلَيْكَ مِنْ صَغَائِرِ ذُنُوبٍ مُوقِنَةٍ وَكَبَائِرِ

بسیار از آن خود و بیگانه کنند و از عملهای

اعمال مرذیة حتی اذا قارفت معصیتک و

بزرگ ملک تا چون نرایطه لرام بعصیت

اسلوجت يسوع سعيي سخطك فتع

منه وادارم بپایه بر سر کار و در محبت بپایه

عَنانِ غَدْرِهِ وَتَلْقَانِي بِكَلِمَةٍ كَفَرَةٍ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا هَذِهِ السُّبُلَ الَّتِي تَنفِرُ فِيهَا

نولی لبراة می وادیر مولی ای می فاحر  
 پز از جنت از من ابرکت پشت کند بر من پس در

17

اورا هست و او را بخند و زان مجید  
از برای که راه کردن میان و رضا است  
علیه السلام خدا را روزی است  
و در این شیطانی است که هست  
واقع است

این فقره تاکید فقره نسبت

بعضی از شش‌پایان گفت که من از ازاو  
نیز آمدم



بعد صلوة الليل

لَعَضْبِكَ فَرِيدًا أَوْ أَخْرَجَنِي إِلَى فِتْنَاءِ نَفْسِكَ  
 طَرِيدًا لَا شَفِيعَ يَشْفَعُ لِي إِلَيْكَ وَلَا خَفِيرَ يُقْنِي  
 عَلَيْكَ وَلَا حِضْنَ يَحْجِي عَنكَ وَلَا مَلَأَدُ  
 الْجَاءُ إِلَيْهِ مِنْكَ فَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ  
 وَحَلَّ الْمُعْتَرِفِ لَكَ فَلَا يَضِيقُنَّ عَنِّي فَضْلُكَ  
 وَلَا يَقْصُرَنَّ دُونِي عَفْوُكَ وَلَا أَكُنْ أَخِيْبُ  
 عِبَادِكَ الثَّائِبِينَ وَلَا أَقْطَعْ فُؤْدَكَ الْأَمِلِينَ  
 وَاعْفِرْ لِي إِلَيْكَ خَيْرَ الْغَافِرِينَ اللَّهُمَّ أَنْتَ  
 أَمْرَتَنِي فَرَكْتُ وَهَمَمْتَنِي فَرَكْتُ وَسَوَّلَ

بعد صلوة الليل

لِي الْخَطَا خَاطِرَ الشُّرْءِ فَقَرِطْتُ وَلَا اسْتَشْهِدُ  
 عَلَى صِيَامِي سَنَارًا وَلَا اسْتَجِيرُ بِتَجْدِي لَيْلًا  
 وَلَا تَنْتَنِي عَلَى بَاجِيَاهُمْ سِنَّةَ خَاشِعٍ فَرَضِكَ  
 الَّتِي مَرَّضْتَنِيهَا هَلَاكَ وَلَسْتُ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ  
 بِفَضْلِكَ نَافِلَةً مَعَ كَثِيرٍ مَا أَغْفَلْتُ عَنْ وَطْأِ  
 فُرُوضِكَ وَتَعَدَّيْتُ عَنْ مَقَامَاتِ حُدُودِ  
 الْحُرْمَاتِ ائْتَمَرْتُ بِهَا وَكَيْفَ أَذْنُوبِي اجْتَرَحْتُهَا  
 كَأَنَّ عَافِيَتَكَ لِي مِنْ فَضَائِحِهَا وَهَذَا  
 مَقَامُ مَنْ اسْتَجَا لِنَفْسِهِ مِنْكَ وَسَخَطَ

باز من بعد از نماز شبانه  
 و این دعا را بخواند  
 و اگر در نماز شبانه  
 کوتاهی کرده باشد  
 یا در روزه کوتاهی کرده باشد  
 یا در حج کوتاهی کرده باشد  
 یا در زکوة کوتاهی کرده باشد  
 یا در صدقه کوتاهی کرده باشد  
 یا در امر معروف نهی نکرده باشد  
 یا در غیر اینها کوتاهی کرده باشد  
 این دعا را بخواند  
 و اگر در نماز شبانه  
 کوتاهی کرده باشد  
 یا در روزه کوتاهی کرده باشد  
 یا در حج کوتاهی کرده باشد  
 یا در زکوة کوتاهی کرده باشد  
 یا در صدقه کوتاهی کرده باشد  
 یا در امر معروف نهی نکرده باشد  
 یا در غیر اینها کوتاهی کرده باشد  
 این دعا را بخواند

باز من بعد از نماز شبانه  
 و این دعا را بخواند  
 و اگر در نماز شبانه  
 کوتاهی کرده باشد  
 یا در روزه کوتاهی کرده باشد  
 یا در حج کوتاهی کرده باشد  
 یا در زکوة کوتاهی کرده باشد  
 یا در صدقه کوتاهی کرده باشد  
 یا در امر معروف نهی نکرده باشد  
 یا در غیر اینها کوتاهی کرده باشد  
 این دعا را بخواند  
 و اگر در نماز شبانه  
 کوتاهی کرده باشد  
 یا در روزه کوتاهی کرده باشد  
 یا در حج کوتاهی کرده باشد  
 یا در زکوة کوتاهی کرده باشد  
 یا در صدقه کوتاهی کرده باشد  
 یا در امر معروف نهی نکرده باشد  
 یا در غیر اینها کوتاهی کرده باشد  
 این دعا را بخواند



# بعد صلوة الليل

عَلَيْهَا وَبِضَى عَنْكَ فَتَلَقَّاكَ بِنَفْسٍ خَاشِعَةٍ  
 وَرَقَبَةٍ خَاضِعَةٍ وَظَهْرٍ مُثْقَلٍ مِنَ الْخَطَايَا وَاقْتِئَانًا  
 بَيْنَ الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَالرَّهْبَةِ مِنْكَ وَأَنْتَ أَوْلَى  
 مَنْ رَجَاهُ وَأَحْسَنُ مَنْ خَشِيَهُ وَأَتَقَاهُ فَأَعْطِنِي يَا  
 مَا رَجَوْتُ وَأَمْنِي مَا حَذَرْتُ وَعُدُّ عَلَى عِتَابِي  
 رَحْمَتِكَ إِنَّكَ أَكْرَمُ الْمُسْئِلِينَ اللَّهُمَّ  
 إِذْ سَتَرْتَنِي بِعَفْوِكَ وَتَعَمَّدَنِي بِفَضْلِكَ فِي دَارِ  
 الْقَنَاءِ بِحَصْرَةِ الْأَكْفَاءِ فَأَجِرْنِي مِنْ فِتْنَتِهَا  
 دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنْ مَلَأَ

# بعد صلوة الليل

الْمُقَرَّبِينَ وَالرُّسُلِ الْمُكْرَمِينَ وَالشُّهَدَاءِ  
 وَالصَّالِحِينَ فَكَمْ مِنْ جَارِكُنْتَ أَكَلَتْهُ سَيِّئَاتِي  
 وَمِنْ ذِي رَحِمٍ كُنْتَ أَحْتَسِمُ مِنْهُ فِي سِرِّي  
 لَمْ أَتُكِّمْ رَبِّ فِي السِّرِّ عَلَيَّ وَوَقَّعْتُ بِكَ  
 رَبِّ فِي الْمَغْفِرَةِ لِي وَأَنْتَ أَوْلَى مَنْ وَثِقَ بِهِ  
 وَأَعْطَى مَنْ دُعِيَ إِلَيْهِ وَأَرْوَفُ مَنْ اسْتَرْجَى  
 فَارْحَمْنِي اللَّهُمَّ وَأَنْتَ حَذَرْتَنِي مَاءَ مَهِينًا  
 مِنْ صَلْبٍ مُنْصَلِقٍ الْعِظَامِ حَرَجِ الْمَسَالِكِ  
 إِلَى رَحِمٍ ضَيِّقَةٍ سَتَرْتَهَا بِالْحُجُبِ تُصَوِّرُنِي



# بعد صلوة الليل

حالا عن حال حتى انتهيت بي الى تمام الصورة  
 واثبتت في الجوارح كانهت في كتابك بظقة  
 ثم علقه ثم مضغة ثم عظاما ثم كسوت  
 العظام لحمًا ثم انشأتني خلقًا آخر كما شئت  
 حتى اذا اجمعت الى رزقك ولم استغن عن  
 عيانتك فضلك جعلت لي قوتًا من فضل  
 طعام وشراب اجريته لامتك التي استكنت  
 جوفها واودعتني قرار رحمتها ولو تكلمني  
 يا رب في تلك الحالات الى حولي ونظرتني

# بعد صلوة الليل

الى قوتي لكان الحول عني معزلاً ولكانت  
 القوة مني بعيدة فعدوتني بفضلك غذاء  
 اللز اللطيف تفعل ذلك لي تطولوا على  
 غايته هذه لا اعد برزك ولا يطعني حسن  
 صنيعك ولا تتاكس مع ذلك تقني فانزع  
 عما هو اخطى لي عندك قدملك الشيطان  
 عياني في سوء الظن وضعف اليقين فانما  
 اشكو سوء مجاورتيه لي وطاعة نفسي له و  
 استغصمك من ملككته واتضرع اليك



# بعد صلوة الليل

بِإِنْ شَهِدَ إِلَى رِزْقِي سَبِيلًا فَلَكَ الْحَدُّ  
 عَلَى ابْتِدَائِكَ بِالنِّعَمِ الْجَسَامِ وَالْهَلَامِ  
 الشُّكْرُ عَلَى الْإِحْسَانِ وَالْإِعْزَازِ  
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَهَّلَ عَلَى رِزْقِي وَأَنْ يَقْبَلَهُ  
 بِقُدْرِكَ لِي وَأَنْ تُرْضِيَنِي بِحَقِّي فَمَا قَسَمْتُ  
 لِي وَأَنْ تَجْعَلَ مَا ذَهَبَ مِنْ حَيْثُ وَجَّهْتِ  
 سَبِيلَ طَاعَتِكَ إِنَّكَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ اللَّهُمَّ  
 إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ بَارِ تَغْلَطَتْ بِهَا عَلَى مَنْ  
 عَصَاكَ وَتَوَعَّدَتْ بِهَا مِنْ صَدَفٍ عَنْ ضَاكٍ

بجزا برکتی که بر تو در یک  
 قانع کردم

بجزا برکتی که بر تو در یک  
 قانع کردم

# بعد صلوة الليل

وَمِنْ بَارِ نُورِهَا ظِلَّةٌ وَمِنْهَا أَلِيمٌ وَبَعِيدُهَا  
 قَرِيبٌ وَمِنْ بَارِ يَأْكُلُ بَعْضُهَا بَعْضًا وَبَصُورُ  
 بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ وَمِنْ بَارِ تَدْرَأُ الْعِظَامَ رَمِيمًا  
 وَتَسْقِي أَهْلَهَا حَيْمًا وَمِنْ بَارِ لَا تَبْقَى عَلَى مَنْ  
 تَضَرَّعَ إِلَيْهَا وَلَا تَحْجُمُ مِنْ اسْتِعْظَمِهَا  
 لَا تَقْدِرُ عَلَى التَّخْفِيفِ عَنْ خَشَعِهَا وَاسْتَسْلَمَ  
 إِلَيْهَا تَلْقَى سُكَّانَهَا بِأَحْوَالِ كَيْدِهَا مِنْ أَلِيمِ  
 التَّكَالِ وَشَدِيدِ الْوَبَالِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ  
 عَقَارِهَا الْفَاعِرَةِ أَقْوَامُهَا وَحَيَاتِهَا الضَّا

بجزا برکتی که بر تو در یک  
 قانع کردم

بجزا برکتی که بر تو در یک  
 قانع کردم





بعد صلوة الليل

بأينائها وشرايها الذي يقطع أمعاء وافعدة  
 يسكنها وينزع قلوبهم واستهديك لما  
 باعد منها وأجر عنها اللهم صل على محمد وآله  
 وأجزي منها بفضل رحمتك وأقلبي عترتي  
 بحسن إقبالك ولا تخذلني يا خير المجيرين  
 أنت بقي الكريمة وتغطي الحسنة وتفعل ما تشاء  
 وانت على كل شيء قدير اللهم صل على  
 محمد وآله إذا ذكر الأبرار وصل على محمد  
 وآله ما اختلف الليل والنهار صلوا لا يقطع  
 مددها

في الاستخارة

مدد لها ولا يحصى عدد صلواتك تسخن  
 الهواء وتملا الأرض والسماء صلى الله  
 عليه وآله بعد الرضاء صلوا لأحد لها  
 ولا منتهى يا أرحم الراحمين  
 اللهم في استخبرك في الامتنان  
 بعلمك واستكفيك بقدرتك فصل على  
 محمد وآله واقتض لي بالخير والهناء معرفة  
 الاختيار واجعل ذلك ذريعة إلى الرضاء بما  
 قضيت لنا والسليم لما حكتفنا

حتى يرضى رضى الله  
 عليه ص

ويعفو عنكم  
 ما كنتم تعملون





في الاستغارة

از اذن نهی شایسته  
که بگوید و بگویند و بگویند  
فوق العادة و غیر از این  
همه سازه نفسانی است و بوق  
بنیادهای اخلاقی است و بوق  
بهر آنچه تو او را پسندیده  
و از هر چه او را پسندیده  
مخلی است بغیر ضابطه  
تغییر گرفته

عَنَّا رَيْبًا لَا رَيْبَ وَإِنَّا بَلِيقِينَ الْخُلَاصِينَ  
از ما نهرست شک و تردید کن ما را بلیقین خلاصان  
وَلَا تَسْمُنَا عَجْرًا مِّنَ الْعَرَفِ عَمَّا تَخْتَرُ نَقِطُ  
و ما در ما نپوشد عجز از معرفت آنچه اختیار کرده پسندید  
قَدْرَكَ وَنَسَكْرَهُ مَوْضِعَ رِضَاكَ وَنَجْمُ  
قدر ترا و خوش نه داریم جای خشنودی ترا و میل کنیم  
إِلَى الْآتِي هِيَ أَبْعَدُ مِنْ حُسْنِ الْعَاقِبَةِ وَأَقْرَبُ  
به آنچه آید و دور است از نیکوئی انجام و نزدیک است  
إِلَى الصِّدْقِ الْعَاقِبَةِ حَبِّ الْيَأْسِ مَا نَسَكْرَهُ  
بعضد عاقبت دوست گزاف و یأس و آنچه خوش پسندیم  
مِنْ قَضَائِكَ وَسَهْلٌ عَلَيْنَا مَا نَسْتَصْعِبُ  
از از قضای تو و آسان کرد آن بر ما آنچه دشوار میشد داریم  
مِنْ حِكْمِكَ وَالْهَيْئَةُ الْأَقْبَى دَلِيلًا أَوْرَدَ  
از حکمت تو و در راه انداخته را اگر در راه دوری برای آنچه وارد  
عَلَيْنَا مِنْ مَشِيئَتِكَ حَتَّى لَا يَحْتَاجَ تَأْخِيرُ مَا  
بر ما از خواست خود تا دوست نداریم پس افتاد آن آنچه  
عَجَلْتُ وَلَا تَعْجِلْ مَا أَخَوْتُ وَلَا تَكْرَهُ  
تجلیل آن کرده و نه زود آمدن آنچه تاخیر فرموده از آن ناخوش نداریم

ما احببت

في طلب السر

از اذن نهی شایسته  
که بگوید و بگویند و بگویند  
فوق العادة و غیر از این  
همه سازه نفسانی است و بوق  
بنیادهای اخلاقی است و بوق  
بهر آنچه تو او را پسندیده  
و از هر چه او را پسندیده  
مخلی است بغیر ضابطه  
تغییر گرفته

مَا أَحْبَبْتُ وَلَا تَخَيَّرَ مَا كَرِهْتُ وَأَخْتَمُ لَنَا  
از ما دوست داشتم و آنچه را که نپسندیدیم آنچه را که نپسندیدیم و ختم کن برای ما  
بِالَّتِي هِيَ أَحَدُ عَاقِبَةِ الْكُرْهِ مُصِيرًا إِلَيْكَ  
با آنکه یکی است از عاقبت کراهت و گزاف میسر کننده از دوری است  
تَقْدِيرَ الْكُرْهِ وَتُعْطِي الْحَسِمَةَ وَتَفْعَلُ  
تقدیر کراهت و بدهی حسیمت و تفعل  
مَا تُرِيدُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَكَانَ  
از آنچه خواهی و تو بر همه چیز قهار است و توانا است  
وَلَا تَقْطَعُ أَرْبَابَنَا وَتَرْسُلُ الْجَحِيمَ اللَّهُمَّ  
و نه قطع کن ارباب ما و نفرستاد جهنم را خداوند  
لَكَ الْاِحْتِدَاءُ عَلَى سَبِيلِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ وَمُعَافَاةٌ  
از تو است احتیاط بر سبیل تو بعد از علم تو و عفو و عفو  
بَعْدَ خَيْرِكَ فَكُنَّا قَدْ أَقْرَبُ الْعَاقِبَةِ  
بعد از خیر تو و ما را نزدیک است عاقبت  
فَلَمْ نَسْهَرْهُ وَارْتَكَبَ الْفَاحِشَةَ فَلَمْ  
پس نه شوهر نکردیم و ارتکاب کردیم فاحشه را پس رسوا  
نَفْضُحَهُ وَتَسْتَرْ مَا لَمْ سَاوِي فَلَمْ تَدُلَّ عَلَيْهِ  
نه خجسته او را و پنهان نگذاشتی آنچه را که مساوی نکردم پس راه نمود مرا

بسم الله الرحمن الرحيم



## فطلب السر

كَمْ نَهَى لَكَ قَدَائِنَاهُ وَأَمْرَقَدَ قَفْنَاهُ  
 عَلَيْهِ فَعَدَّيْنَاهُ وَسَيِّئَةً اِكْتَسَبْنَاهَا  
 وَخَطِيئَةً اَرْتَكَبْنَاهَا كُنَّا الْمَطْلَعِ عَلَيْهَا  
 دُونَ النَّاطِلِينَ وَالْقَادِرِ عَلَى اَعْلَانِهَا  
 فَوْقَ الْقَادِرِينَ كَانَتْ عَافِيَتُكَ لَنَا حَاجَا  
 دُونَ ابْصَارِهِمْ وَرَدَّ مَادُونَ اَسْمَاعِهِمْ  
 فَاجْعَلْهَا سِتْرَتٍ مِنَ الْعَوْرَةِ وَاخْفَيْتِ  
 مِنَ الذَّخِيلَةِ وَاِعْظَا لَنَا وَزَاجِرًا عَنْ سُوءِ  
 الْخُلُقِ وَاَقْرَافًا لِحَطِيئَةٍ وَسَعِيًّا إِلَى التَّوْبَةِ

## في الرضا بالقضاء

الْمَاجِيَةِ وَالطَّرِيقِ الْحَمُودَةِ وَقَرَّبِ  
 الْوَقْتَ فِيهِ وَلَا تَسْتَأْ الْغَفْلَةَ عَنْكَ  
 اِنَّا اِلَيْكَ رَاغِبُونَ وَمِنَ الذُّنُوبِ تَائِبُونَ  
 وَصَلِّ عَلَى خَيْرِ نَبِيِّكَ اَللّهُمَّ مِنْ خَلْقِكَ  
 مُحَمَّدٌ وَعِصْرَتُهُ الصِّفْوَةُ مِنْ رِبِّيكَ الظَّاهِرُ  
 وَاجْعَلْنَا لَهُمْ سَامِعِينَ وَمُطِيعِينَ  
 كَمَا اَمَرْتَ

بمروفت شست فرمود  
 وراه پسندیده نزدیک  
 کردان

بمروفت شست فرمود  
 وراه پسندیده نزدیک  
 کردان



في الرضاء بالقضاء

مُحَمَّدٌ وَالِاهِ وَلَا تَقْنِي بِيَا عَظِيمًا وَلَا

حُكْمَكَ اللَّهُمَّ صَاحِبَ الْحُكْمِ وَالْوَطَنِ

بِقَضَائِكَ نَفْسِي وَوَشِعَ بِمَوَاقِعِ حَلِيمِكَ  
بِقَضَائِكَ نَفْسِي وَوَشِعَ بِمَوَاقِعِ حَلِيمِكَ

سینہ ما و بنی ہما اعتماد کردار الہی بان اعتماد بامیہ  
قضاءک لم یجرا الا بالحیرة واجعل شکرى

الحمد لله الذي هدانا لهذا...

بِذِي عَدِمِ خَسَاةً أَوْ تَطْنُ حِمًى

نقص فی حد لازم نیست که با یکدیگر  
نقص کنند با یکدیگر با فضل و  
احسان که ۱۰۱ است

بغیر مذکور خود را  
عقب خود را  
پشت خود را  
از یک جهت  
مستقیم را

منه فرزند منم انصاف تو

[illegible]

طبعاً و از آنکه این کتاب  
خواهد بود و در آن

عَنْكَ

تروہ فصلان السریف من موصی صا  
تو اکوئی ذبا و تبا پس سنی که جزو اکو است که جزو اکو است که جزو اکو است

وَالْعَزِيزُ مِنْ أَعْرَافِهِ عِبَادُكَ فَضِّلْ عَلَى

مُحَمَّدٌ وَالِهُ وَمَسْعَا بِرُؤَةٍ لَافْتَدُ وَأَيْدِنَا

برخی از آل او در جزیره ای که آن را جزیره کبریا میگویند فرستادند و در آنجا

بجز آنکه نیست شود و در آن روز که او را پادشاهی داد و شاه پسرش را

الواحد الأحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد  
*آزمنه نه بکانه نه بنیازی که فروخته نه دار و فروخته نه گشته*

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ وَكَانَ مِنْ عِبَادِ

و بعد از آن حضرت علیه السلام

نظم میکردند و با بر برق و میسفتند آواز خدا و احوال بر سینه

هَذِينَ آيَاتِنَا مِنْ آيَاتِكَ وَهَذِينَ عَوَانِي مِنْ

اعوانك يبتدrian طاعتك بخير نافعة

از این که در دنیا کان نمیشناسند بویابند و از این که در دنیا کان نمیشناسند بویابند

تَرْجُمَةُ

و اما از این امر معلوم می شود که این  
 بیگانه ها می کنند و از این جهت  
 این مردان را در غایت خود  
 که از این امر معلوم می شود



أَوْ تَقْسِمَةٌ صَارَةٌ فَلَا تُنْظِرُنَا بِهِمَا مَطَرٌ  
 يَنْقُضُ خَيْرٌ مِنْهُ لِيُنْزِلَ عَلَيْنَا مَاءً بَارِكًا  
 السَّوَاءُ وَلَا تَلْبِسْنَا بَيْنَهُمَا لِبَاسَ الْبَلَاءِ اللَّهُمَّ  
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْزِلْ عَلَيْنَا نَفْعَ هَذِهِ  
 السَّحَابِ وَبَرَكَاتِهِ وَأَصْرِفْ عَنَّا أَذَاهَا  
 وَمَضَرَّتْهَا وَلَا تُصِيبْنَا فِيهَا بَاقَةً وَلَا تُرْسِلْ  
 عَلَيْهَا غَاسِقًا غَاسِقًا اللَّهُمَّ وَإِنْ كُنْتَ  
 بَعَثْتَ نَفْسَةً وَأَرْسَلْتَهَا سَحَابَةً فَإِنَّا  
 نَسْتَجِيرُكَ مِنْ غَضَبِكَ وَنَتَهَلَّلُ إِلَيْكَ  
 فِي سُؤَالِ عَفْوِكَ فَبَلِّغْنَا بِالْغَضَبِ  
 عَفْوَنَا لِيَسِيلَ بِنُورِهِ خَشَمُ خُودِنَا

إِلَى الشُّرَكِيِّينَ وَأَذِرْ رِجْحِي نَفْسِكَ عَلَى  
 الْمُجْدِبِينَ اللَّهُمَّ أَذْهِبْ مَحَلَّ بِلَادِنَا  
 لِسُقْيَاكَ وَأَخْرِجْ وَصْرُودَ رَبِّكَ  
 وَلَا تَشْغَلْنَا عَنْكَ بِغَيْرِكَ وَلَا تَقْطَعْ عَنْ  
 كَافِتِنَا مَا دَرَكَ بَرَكَ فَإِنَّ الْغَيْثَ مِنْ أَعْنِيَتِكَ  
 وَإِنَّ السَّالِمَ مِنْ وَقَيْتِ مَا عِنْدَ أَحَدٍ وَ  
 دِفَاعٌ وَلَا يَأْخُذُ عَنْ سَطَوَاتِكَ امْتِنَاعٌ  
 تَحْكُمُ مَا شِئْتَ عَلَى مَنْ شِئْتَ وَ  
 نَقْضِي مَا أَرَدْتَ فِيمَنْ أَرَدْتَ فَلَكَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



الْحَمْدُ عَلَى مَا وَقَيْتَنَا مِنَ الْبَلَاءِ وَلَكَ الشُّكْرُ  
 سبک بر آنچه نگاه داشتی ما را از بلا و تو هست شکر  
 عَلَى مَا خَوَّلْتَنَا مِنَ النِّعَمَاءِ حَمْدًا يَخْلِفُ  
 بر آنچه دادی ما را از نعمتها سپاس که بیند از تو  
 حَمْدًا الْحَامِدِينَ وَرَاءَهُ حَمْدًا يَمْلَأُ  
 سپاس سبک کند کارا به سر خود سپاس که پر کند  
 أَرْضَهُ وَسَمَاءَهُ إِنَّكَ الْمُنَانُ بِحَسَبِ  
 زمین و آسمان آنرا چه هستی که تو نیست از بهر دیگر  
 الْمُنَنِ الْوَهَّابُ الْعَظِيمُ النِّعَمُ الْقَابِلُ  
 نعمتها بخت بخشد و بزرگ نعمتها را بپذیرنده  
 يَسِيرُ الْحَمْدُ الشَّاكِرُ قَلِيلُ الشُّكْرِ  
 از کم سپاس را بجزا دهند از کم شکر  
 الْحَسَنُ الْمُحْمِلُ ذُو الطُّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا  
 بیک کار را بخیل کند خداوند بخت بخشد بیک  
 أَنْتَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ  
 تو بسوی است بازگشت  
 وَكَانَ قَدِيرٌ قَدِيرٌ  
 بود از دعا و نعمت  
 عَدِيمٌ عَدِيمٌ

بهر از همه سپاسها در پیش باشد  
 بیا از بخت سپاس آسان سپاس  
 زمین سپاسی که بزرگ سپاس  
 سبک سپاس که بزرگ سپاس  
 از کم سپاس که بزرگ سپاس  
 از کم سپاس که بزرگ سپاس

غزالية الشكر  
 بگویند و تقدیر از جای آوردن شکر خداوند را چه هستی که  
 لَا يَبْلُغُ مِنْ شُكْرِكَ غَايَةَ الْإِحْصَالِ عَلَيْهِ  
 نرسد از شکر کردن تو به حدی که حاصل آید بر تو  
 مِنْ إِحْسَانِكَ مَا يُلْزِمُهُ شُكْرًا وَلَا  
 از احسان تو آنچه لازم سازد در شکر دیگر و  
 يَبْلُغُ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِكَ وَأَنْ اجْتَهَدَ  
 بفرسد رسیدن تقدیر از طاعت تو و اگر چه کوشش کند  
 إِلَّا كَانَ مَقْصُرًا دُونَ اسْتِحْقَاقِكَ  
 مگر آنکه باشد تقصیر کننده نزد آنچه مستحق است تو از او  
 بِفَضْلِكَ فَاشْكُرْ عِبَادَكَ عَاجِرًا عَنْ  
 فضل خود پس شکر کن بندهای خود عاجز است از  
 شُكْرِكَ وَأَعْبُدْهُمْ مَقْصُرًا عَنْ طَاعَتِكَ  
 شکر تو و بپرستند تو را بخت ناقص کننده است از فرمانبرداری تو  
 لَا يَجِبُ لِأَحَدٍ أَنْ يُغْفِرَ لَهُ بِاسْتِحْقَاقِهِ  
 واجب نیست بر کسی که بخواهد بفرمان او را بفرماند  
 وَلَا أَنْ تَرْضَى عَنْهُ بِاسْتِجَابَةِ مَنْ غَفَرَتْ  
 و نه بیک خوشنود بهر از او بفرمان او بودی او پس بفرمان او بودی

بهر از همه سپاسها در پیش باشد  
 بیا از بخت سپاس آسان سپاس  
 زمین سپاسی که بزرگ سپاس  
 سبک سپاس که بزرگ سپاس  
 از کم سپاس که بزرگ سپاس  
 از کم سپاس که بزرگ سپاس  
 از کم سپاس که بزرگ سپاس  
 از کم سپاس که بزرگ سپاس

بهر از همه سپاسها در پیش باشد  
 بیا از بخت سپاس آسان سپاس  
 زمین سپاسی که بزرگ سپاس  
 سبک سپاس که بزرگ سپاس  
 از کم سپاس که بزرگ سپاس  
 از کم سپاس که بزرگ سپاس



لَهُ فَيُطَوِّلِكَ وَمَنْ رَضِيتَ عَنْهُ فَيُفَضِّلِكَ  
 او اياي منبت است و هر كه خوشتر باشد از او بياي بياي  
 تَشْكُرُ لِي مَا شَكَرْتَهُ وَتُثِيبُ عَلَيَّ  
 بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي  
 قَلِيلَ مَا تُطَاعُ فِيهِ حَتَّى كَانَ شُكْرُ  
 از كه بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي  
 عِبَادِكَ الَّذِي أَوْجِبْتَ ثَوَابَهُمْ  
 بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي  
 وَأَعْظَمْتَ عَنْهُ جَزَاءَهُمْ أَمْرُ مَلِكٍ  
 و بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي  
 اسْتَطَاعَةَ الْإِمْتِنَاعِ مِنْهُ دُونَكَ فَكَانَ  
 توانا بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي  
 سَبَبُهُ بِيَدِكَ فَجَازَيْتَهُمْ بِمَلِكٍ يَا  
 سبب آن بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي  
 إِلَهِي أَمْرُهُمْ قَبْلَ أَنْ يَمْلِكُوا عِبَادَتَكَ  
 خدای من او بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي  
 وَأَعَدَدْتَ ثَوَابَهُمْ قَبْلَ أَنْ يَفِيضُوا فِي  
 و آماده بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي

بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي  
 بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي  
 بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي  
 بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي

أفلم يكن

بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي  
 بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي  
 بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي  
 بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي

طَاعَتِكَ أَوْ ذَلِكَ أَنَّ سُنَّتَكَ الْإِفْضَالُ  
 و بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي  
 وَعَادَتُكَ الْإِحْسَانُ وَسَبِيلُكَ الْغَفْرُ  
 و عادت تو احسان و طریق تو عفو  
 فَكُلُّ الْبَرِيَّةِ مُعْتَرِفٌ بِأَنَّكَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِمَنْ  
 پس همه افراد جهان معترفند باینکه تو ستمگر نیستی  
 عَاقِبْتَ وَشَاهِدَةٌ بِأَنَّكَ مُنْقَضِلٌ عَلَى مَنْ  
 که تو بیا بیا بیا بیا بیا بیا بیا بیا بیا بیا  
 عَاقِبْتَ وَكُلُّ مَقْرُوعٍ عَلَى نَفْسِهِ بِالْقَصْرِ  
 عاقبت داده و هر کس گرفتار است بخت و بخت  
 عَمَّا اسْتَوْجِبْتَ فَلَوْلَا أَنَّ الشَّيْطَانَ  
 آنکه بیا بیا بیا بیا بیا بیا بیا بیا بیا بیا  
 يَجْتَدِعُهُمْ عَنْ طَاعَتِكَ مَا عَصَاكَ  
 بیا بیا بیا بیا بیا بیا بیا بیا بیا بیا  
 عَاصٍ وَلَوْلَا أَنَّهُ صَوَّرَهُمُ الْبَاطِلُ  
 عاصی و آنکه نمودار کرد شیطان از بیا بیا بیا  
 فِي مِثَالِ الْحَقِّ مَا ضَلَّ عَنْ طَرِيقِكَ  
 در بیا بیا بیا بیا بیا بیا بیا بیا بیا بیا

بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي

بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي

بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي بياي











ثَوَابٍ مِنْ أَرْضِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ  
*ثواب که در خشت و ساقه ترا پس رحمت بفرست بر محمد و آل او*  
 وَهَبْ لِي أَمَلِي وَزِدْنِي مِنْ هَذَا كَمَا أَصِلُ  
*بخش مرا از دهر من و زیاده کن بر از دهر من خود آنچه برسم*  
 بِهِ إِلَى التَّوْفِيقِ فِي عَمَلِي إِنَّكَ مَتَّانٌ  
*بأن بسورتوفیق در کار من خود و راستی که تو هست و پندار*  
 وَكَانَ مِنْ عَمَلِهِ كَرِيمٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْإِعْتِذَارُ مِنْ عَمَلِهِ  
*و بود از دهر او کرم بر عیسی السلام و عذر خواهی از حقوق*  
 الْحَيَاءِ مِنَ التَّغْيِيبِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ لِنَفْسِي  
*عزیم و از تقصیر حقون آن خداوندایم که هستی از عذر خواهی بر خود تو*  
 مِنْ مَظْلُومٍ ظَلَمَ بِحَضْرَتِي فَلَمْ أَنْصُرْهُ وَمِنْ  
*آنستم بریده کهستم بریده بکار خود و حضور من بر آنکه بستم بودا و او را*  
 مَعْرُوفٍ أَسَدِي إِلَى فَلَمْ أَعْذِرْهُ وَمِنْ  
*نیکی که کرده شده باشد بسوزن من عذر زانکهستم بر خود او را*  
 ذِي فَاقَةٍ سَأَلَنِي فَلَمْ أَوْشِرْهُ وَمِنْ جَعَلِي  
*در و شتر که سوال کرده باشد پس در گزیده بستم بود و او را حق*  
 ذِي حَقٍّ لِرَبِّهِ لَمْ أَوْشِرْهُ فَلَمْ أَوْقِرْهُ وَمِنْ  
*مناسب حق که دارم شده آن بکار از بار که من بر پس به نرسانده باشم و او را*

این دعا را هر روز بخواند  
 و در طلب رزق و روزی از آن  
 و در طلب رزق و روزی از آن

و در طلب رزق و روزی از آن  
 و در طلب رزق و روزی از آن

إِنْ فَلَمْ أَشْكُرْهُ وَ  
*پس اگر از او شکر نکرده باشم از او*  
 مِنْ عَمَلِي أَعْتَذِرُ  
*از بار من که عذر خواهی*

بمن خیر و نادم باشم

عَيْبٍ مُؤْمِنٍ ظَهَرَ لِي فَلَمْ أَسْتُرْهُ وَمِنْ  
*عیب مؤمن که ظاهر شد بر من پنهان نکرده باشم از او را*  
 كُلِّ شَيْءٍ عَرَضَ لِي فَلَمْ أَهْجُرْهُ أَعْتَذِرُ  
*هر که گذشت بر من عذر خواهی از هر که گذشت بر من و در گزیده باشم از آن عذر خواهی*  
 إِلَيْكَ يَا أَلْهِ مُنْهَنٍ وَمِنْ نَظَائِرِهِمْ  
*ایستاده تو ای خداوند از غمنا و از غمنا و از غمنا*  
 أَعْتَذِرُ نَدَامَةً يَكُونُ وَاعْظَا لِمَا  
*عذر خواهی از دهر پشیمانی که باشد و عذر خواهی از دهر پشیمانی*  
 بَيْنَ يَدَيَّ مِنْ أَشْيَاهُمْ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
*که پیش من است از دهر من از دهر من از دهر من از دهر من از دهر من*  
 وَآلِهِ وَاجْعَلْ نَدَامَتِي عَلَى مَا وَقَعْتُ  
*و آنرا و بگردان پشیمانی را بر آنچه افتاده ام*  
 فِيهِ مِنَ الزَّلَاةِ عَنِّي أَعْتَذِرُ لِمَنْ  
*در آن از لغزشها*  
 أَلَسْتُ بِفَانِي وَعَزَمِي عَلَى تَرْكِ مَا يَعْرِضُ  
*و خدا را بر ترک آنچه عارض میشود*

این دعا را هر روز بخواند  
 و در طلب رزق و روزی از آن  
 و در طلب رزق و روزی از آن



فطلب العفو

إِلَى مِنَ السَّيِّئَاتِ تَوْبَةً تَوْحِبُ لِي  
*مرا از گناهان توبه که واجب گرداند از برای من*  
 مَحَبَّتَكَ يَا حُبَّ التَّوَّابِينَ وَكَانَ مِنْ عَالَمِ  
 دوستی ترا در دوستدار توبه کنندگان و بود از دکان کفایت  
 عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَلَبِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ  
 علیه السلام در طلب عفو و رحمت  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْسِرْ  
 خداوند دعا رحمت بر محمد و آل او و بشکن  
 شَهْوَتِي عَنْ كُلِّ مُحَرَّمٍ وَارْزُوقْ صِي  
 خواهش مرا از هر محرم و روزی و خورشی  
 عَنْ كُلِّ مَانِعٍ وَامْنَعْنِي عَنْ أَدَى كُلِّ  
 از هر مانع و مانع من از ادای هر  
 مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ وَمُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ  
 مؤمن و مؤمنه و مسلم و مسلمه  
 اللَّهُمَّ وَائْتِمَاعِي بِأَلْمَنِ مَا حَظَرْتَ  
 خداوند و ایتماع من با آنچه نهی نمودی  
 عَلَيْهِ وَانْتَهَكِ مَنِي مَا حَجَرْتَ عَلَيْهِ  
 بر او و آنچه نهی نمودی از من آنچه منع ساختی بر او

فصل در طلب عفو و رحمت از خداوند عز و جل  
 و از ائمه اطهار علیهم السلام  
 و از بندگان صالحین  
 و از هر کس که عفو کند بر او

فطلب العفو

مَضَى بِظِلِّ امْتِنَانِي مَيِّتًا أَوْ حَصَلَتْ لِي  
 پس برود یا باشد حق مرا و در وقت مرگ یا حاصل باشد حق من  
 قَبْلَهُ حَيًّا فَأَغْفِرْ لَهُ مَا أَلْبَسْتَنِي  
 نزد او و زنده باشد پس بپوشد ز او آنچه پوشانیده است از من  
 وَاعْفُ لَهُ عَمَّا أَذْبَرْتَنِي عَنْهُ وَلَا  
 و عفو کن مرا و از آنچه پنهان کرده است از من و  
 تُقِفْهُ عَلَى مَا أَرْتَكِبُ فِي وَلَا تَكْشِفْهُ  
 قطع سازد بر آنچه ارتکاب کرده است در باره من و رسوا نکند او  
 عَمَّا أَكْتَسَبْتَنِي وَأَجْعَلْ مَا سَمَحْتُ  
 از آنچه اکتساب کرده است من و بگردان آنچه جوایز کرده ام  
 بِهِ مِنَ الْعَفْوِ عَنْهُمْ وَتَرَعْتُ بِهِ مِنْ  
 من از عفو کردن از ایشان و ترع نمودم بآن از  
 الصَّدَقَةِ عَلَيْهِمْ أَزْكَى صَدَقَاتِ  
 صدقه کردن بر ایشان پاکیزه ترین صدقه ها  
 الْمُتَصَدِّقِينَ وَأَعْلَى صَلَاحِ الْمُتَقَرِّبِينَ  
 صدقه دهنندگان و بلندترین صلاح نزدیکان  
 وَعَوِّضْنِي مِنْ عَفْوِي عَنْهُمْ عَفْوَكَ وَ  
 و عوض من از عفو کردن از ایشان عفو تو را

فصل در طلب عفو و رحمت از خداوند عز و جل  
 و از ائمه اطهار علیهم السلام  
 و از بندگان صالحین  
 و از هر کس که عفو کند بر او

فصل در طلب عفو و رحمت از خداوند عز و جل  
 و از ائمه اطهار علیهم السلام  
 و از بندگان صالحین  
 و از هر کس که عفو کند بر او

فصل در طلب عفو و رحمت از خداوند عز و جل  
 و از ائمه اطهار علیهم السلام  
 و از بندگان صالحین  
 و از هر کس که عفو کند بر او



في طلب العفو

وَمِنْ دُعَائِهِمْ رَحْمَتَكَ حَتَّىٰ لِيَعْدَ

و از و عارضه برادرش بر رحمت خود را تا اینکه نیکیست شود

كُلُّ وَاحِدٍ مِّنَّا بِفَضْلِكَ وَنَجْوُ كُلُّ

هر یک ازما بفضل تو در سعادته نشود هر یک

مُنَايْمِكَ اللَّهُمَّ وَأَيُّمَا عَبْدٍ مُرْعِيكَ

از به نغمت تو خداوند از هر پنداره از سندان تو

أَذْرَكُنِي دَرْكًا أَوْ مَسَّهُ مِنْ نَاحِيَّتِي

کہ وہ باقی شدہ اور ان کے عقوت پر درساؤ ماف اور ان کے

أَذَىٰ وَحَقِّقْهُ فِي أَوَّلِ سَمِّ ظَلَمَ فَفَتَنَهُ

[illegible]

حَقِّقْهُ أَوْسَقَّتْهُ بِمُطَّتْهُ ضَاعَ عَلِيٌّ مُحَمَّدٌ

حضرت ابو جعفر علی بن ابی طالب علیہ السلام

وَالِلهِ وَارْضِهِ عَمَّا فِي  
وَحْدِكَ وَأَوْفِهِ

وہاں اور پورے ممالک اور ان کے اہلکار خود و سرسبز باد

حَقُّهُ مِنْ عِنْدِكَ شَرِّفِي مَا يَوْجِبُ لَهُ

عزیز اور از جانب حق و کبریا را از خود و کبریا

حُكْمُكَ وَخِلَاصُ مِمَّا حَكَمَ بِهِ عَدْلُكَ

[illegible]

مجلس اول

و جب بیست زد حکم نواز بر آن ستمی کرده است یعنی بیست و یکم

فطلب العضو

فَاِنْ قُوَّتِي لَا تَسْتَقِلُّ بِقِيَمَتِكَ وَإِنْ طَافَتِي

سید مرتضی که وقت مغرب برنگزید و داشت غنیمت را و به کسی که طاعت نماز

لَا يَنْهَضُ بِسُخْطِكَ فَإِنَّكَ إِزْكَافُنِي

برابر است و انکه در بغض تو پس بدستی که اگر تو مکه است کن مرا

بِالْحَقِّ تُهْلِكُنِي وَالْإِسْتِغْنَاءُ بِرَحْمَتِكَ

کتاب در ادب و اخلاق و سیرت ائمه اطهار علیهم السلام

تَوْفِيقِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْفِيكَ يَا إِلَهِي

خداوند را در رسم که من میطلبم از تو

مَا لَمْ يَنْقُصْكَ نَذْلُهُ وَاسْتَحْيَاكَ مَا لَمْ

آنکه که منتظر ترا بخشید آن و طلبش ممکن از تو آنچه

يَهْطُلُ حِمْلُهُ أَسْتَوْهَكَ مَا إِلَهِي

شیرین و زار بخش آن در میان آنرا

نَفْسٍ إِلَهٍ لَمْ يَخْلُقْهَا لَتَمْسُهَا مِنْ

نفس خدایا که خداوند را در این عالم خدایا

سَمِعُوا وَلِتُذَقُوا بِهَا إِلَى نَفْعٍ وَلَكِنْ

سورة النور

اَنْشَأْتُمَا اَشْيَاءًا لَقَدْ رَتَكْ عَلَامَتُهَا

الاستقامه اياك يا الله القدوس العليم

بسم الله الرحمن الرحيم



وَاجْتَلِبْهَا عَلَى شَكْلِهَا وَاسْتَحْلِكْ  
 وَجِيتَ كَرَفْتَنِي وَ...  
 مِنْ ذُنُوبِي مَا قَدْ بَهْطَنِي حَمْلُهُ وَاسْتَعِينِ  
 اَزْ كُنْهَانِ...  
 بِكَ عَلَى مَا قَدْ فَدَجَنِي ثَقْلُهُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
 بَتَو...  
 وَالْهَ وَهَبْ لِنَفْسِي عَلَى ظِلِّهَا نَفْسِي  
 وَاَلْ...  
 وَوَكِّلْ رَحْمَتَكَ بِاخْتِالِ امْرِي فَكَمْ  
 وَبَكَر...  
 قَدْ حَقَّقْتَ رَحْمَتَكَ بِالْمُسِيئِينَ وَكَمْ  
 بَتَحْقِيقِ...  
 قَدْ شَمَلَ عَفْوُكَ الظَّالِمِينَ فَصَلِّ عَلَى  
 بَتَحْقِيقِ...  
 مُحَمَّدٍ وَالْهَ وَاجْعَلْنِي اُسُوَّةً مِنْ قَدَرِ  
 مُحَمَّدٍ...  
 اَنْهَضْتَهُ بِجَاوِزِكَ عَنْ ضَارِعِ الْخَطَا  
 بِرَفِيقَتِهِ...

بیت فاضل از آفرین نفس  
 دفعه در سبیل تقویت  
 بکبر غرض اظهار قدرت  
 بر آفریندن بنی و مانند بنی و  
 شد لای که از آفرین  
 او با بختن آفرین و احوال  
 آوچه

باز منقذ و نهاده

وَخَاصَّتَهُ بِتَوْفِيقِكَ مِنْ وَرَطَاتِ الْحَمِيمِ  
 وَرَا...  
 فَاصْبِرْ طَلِيقَ عَفْوِكَ مِنْ اسَارِ بَعْثِكَ  
 پس...  
 وَعَقِيقَ صُنْعِكَ مِنْ وَثَاقِ عَذَابِكَ  
 وَاَوَادِ...  
 اَنْ تَفْعَلَ ذَلِكَ يَا اِلٰهِي تَفْعَلْهُ مِنْ لَا  
 اَكْر...  
 يَجِدُ اسْتِحْقَاقَ عِقُوبَتِكَ وَلَا يُرَى  
 اَلَا...  
 نَفْسُهُ مِنْ اسْتِجَابِ تَقَمُّتِكَ تَفْعَلْ  
 نفس...  
 ذَلِكَ يَا اِلٰهِي مِنْ خَوْفِهِ مِنْكَ اَكْثَرُ مِنْ  
 اَيْن...  
 طَمَعِهِ فِيكَ وَمِنْ يَأْسِهِ مِنَ النَّجَاةِ  
 طمع...  
 اَوْ كَدُّ مِنْ رَجَائِهِ لِلْخَلَاصِ لَا اَنْ يَكُونَ  
 استوار...

در طلب زین کرب  
 که از اسیران باشد







عند ذكر الموت

نُصْبًا وَلَا تَجْعَلْ ذِكْرَنَا لَهُ غِبًّا وَاجْعَلْ  
 لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عِلًّا <sup>برابر کرده و اگر دانی یاد کن آن را و یاد داری پس یاد کن و یاد کن</sup>  
 مَعَهُ الْمَصِيرَ إِلَيْكَ وَخَصْرَهُ عَلَى وَ  
 الْحَاقِ بِكَ حَتَّى يَكُونَ الْمَوْتُ مَا لَسْنَا  
 الَّذِي نَأْسُ بِهِ وَمَا لَفْنَا الَّذِي نَشْتَاوُ  
 إِلَيْهِ وَحَامَتْنَا الَّتِي خَبَأَ لَدُنْهُنَا  
 فَإِذَا أَوْرَدْتَهُ عَلَيْنَا أَوْ أَنْزَلْتَهُنَا فَاسْعِدْنَا  
 بِهِ ذَائِرًا أَوْ أَلَسْنَا بِهِ قَادِمًا وَلَا تَشْقِنَا  
 بِضِيَافَتِهِ وَلَا تَحْزِنَا بِزَيَارَتِهِ وَاجْعَلْهُ  
<sup>بسیار آن و در میان آن با باریت کردن آن و بگردان آن</sup>

بمیز روز یا کسبیم  
 بنویسیم که زود بازگردیم  
 و هر چه بماند آن را در  
 روز آنست که عمل خود را بنویسیم  
 و بماند آن عمل را بنویسیم  
 و بماند آن عمل را بنویسیم  
 و بماند آن عمل را بنویسیم  
 و بماند آن عمل را بنویسیم  
 و بماند آن عمل را بنویسیم  
 و بماند آن عمل را بنویسیم

بمیز آنکه که اندازد  
 بنویسند

و طلب الموت

يَا بَايَ مَنْ أَبْوَابِ مَغْفِرَتِكَ وَمُفْتَا حَامِنِ  
 مَفَاتِيحِ رَحْمَتِكَ امْتَنَامُهُتَيْنِ غَيْرِ  
 ضَالِكَيْنِ طَائِعَيْنِ غَيْرِ مُسْتَكْرِهَيْنِ  
 تَائِبِينَ غَيْرِ عَاصِينَ وَلَا مُصِرِّينَ يَاضًا  
 جَزَاءَ الْمُحْسِنِينَ وَمُصْلِحَ عَمَلِ الْمُفْسِدِينَ  
 وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَعَلِيَ الشَّرُّ وَالْوَقَا  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْرِشْنِي  
 مِهَادَكَ رَأْمَتِكَ وَأَوْرِدْنِي شَارِعَ  
 رَحْمَتِكَ وَأَخْلِفْنِي مَجْبُوحَةَ جَنَّتِكَ  
<sup>رحمت خود و خود را در میان رحمت خود</sup>

بمیز آنکه که اندازد



فَطَلِبِ السِّرَّ

وَلَا تَسْمُنِي بِالْكَرْدِ عَنْكَ وَلَا تَحْرِمْنِي بِأَحْسَنِهِ  
 و بچ کسان مرا و بگردان از خود و محروم ساز بنویسید  
 مِنْكَ وَلَا تَقَاصِّصْنِي بِمَا اجْتَمَعْتُ وَلَا  
 از تو و گرد و بگردان کن با من آنچه اجتماع کرده ام و  
 تُنَاقِشْنِي بِمَا اكْتَسَبْتُ وَلَا تَزِمْنِي بِمَا  
 مناقشه کن با من آنچه کسب کرده ام و وظایف مرا بپوشیده و  
 وَلَا تَكْشِفْ مَسْتَوْرِي وَلَا تَحِلْ عَلَيَّ مِيزَانَ  
 و آشکارا کن پوشیده مرا و بگذار بر ترازو مرا  
 الْأَنْصَافَ عَمَلِي وَلَا تَقْلَنْ عَلَيَّ عِيُونَ  
 عدالت عمل مرا و آشکارا کن بر چشمها مرا  
 الْمَلَاخِيزِي وَأَخْفِ عَنْهُمْ مَا يَكُونُ  
 کرده آفریدگان عالم مرا پنهان کن از ایشان آنچه باشد  
 نَشْرُهُ عَلَيَّ غَارًا وَأَطِيعْنَهُمْ مَا  
 برانگیزد گردان آن بر غار و در هر نوبت از ایشان آنچه  
 يُلْحِقُنِي عِنْدَكَ شَنَااَ شَرَفٍ دَرَجَتِي  
 بچشم من نزد تو رسد و در هر مرتبه درجتم را  
 بِرِضْوَانِكَ وَأَكْمِلْ كَرَامَتِي بِغُفْرَانِكَ  
 بگشود در خود و تمام کن کرامتم را با بزرگوشت خود

یا نه کان

فَطَلِبِ السِّرَّ  
 مِنْ خَمْرِ الْقُرْآنِ

وَانْظُرْنِي فِي أَصْحَابِ الْيَمِينِ وَوَجِّهْنِي  
 و بکش مرا در گشت اصحاب دست راست و متوجه ساز  
 فِي مَسَالِكِ الْأَمِينِ وَاجْعَلْنِي فِي  
 در راهها را امین گشتگان را و بگردان مرا دور  
 فَوْجِ الْفَائِزِينَ وَاعْمُرْنِي بِمَجَالِسِ  
 گروه کسبندگان را و آبادان ساز زمین مجسما را  
 الصَّالِحِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ  
 صالحان را ای پروردگار عالمین و بود از دعاهای او حضرت  
 عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ حَتْمِ الْقُرْآنِ  
 علیه السلام نزد ختم کردن قرآن مجید  
 اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْنَتَنِي عَلَى خَتْمِ كِتَابِكَ  
 و خدا ای پروردگار من بر ختم کردن کتاب تو  
 الَّذِي أَنْزَلْتَهُ نُورًا وَجَعَلْتَهُ مَهْمِنًا  
 که فرود رستند و نور و گردانید آن کوهر  
 عَلَى كُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ وَفَضَّلْتَهُ  
 بر هر کتابی که فرود رستند و برتر داشتی او را  
 عَلَى كُلِّ حَدِيثٍ قَضَصْتَهُ وَفَرَّقَانَا  
 بر هر حدیثی که برقصیدی و بفرقتان ما

امین  
 اجابت کن دعای

تقصیر و صحت  
 این دعا را



زید  
فطلب الستر  
عند ختم القرآن

فَوَقَّتَ بِهِ بَيْنَ حَلَالِكَ وَحَرَامِكَ وَ  
 قُرْآنَا أَعْرَبْتَ بِهِ عَنْ شَرَائِعِ أَحْكَامِكَ  
 وَكُنَّا بِأَفْضَلِهِ لِعِبَادِكَ تَقْضِيلاً  
 وَوَحْيًا أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ  
 صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَإِلَيْهِ نَرْزِيلاً وَجَعَلْتَهُ  
 نُورًا أَنْهَدَى مِنْ ظُلُمِ الضَّلَالَةِ وَالْجَهْلِ  
 بِاتِّبَاعِهِ وَشَفَعَاءُ لِمَنْ أَنْصَبَ فِيهِمْ  
 التَّصَدِيقَ إِلَى اسْتِمَاعِهِ وَمِيزَانَ قِسْطٍ  
 لَا يَحْجِيفُ عَنِ الْحَقِّ لِسَانُهُ وَنُورُهُ هَدًى

زید  
فطلب الستر  
عند ختم القرآن

لَا يَطْفَأُ عَنِ الشَّاهِدِينَ بُرْهَانُهُ وَ  
 عِلْمُ نَجَاةٍ لَا يَظْلُمُ مَنْ أَمَرَ قَضَا سُنَّتِهِ  
 وَلَا تَنَالُ أَيْدِي الْهَلَكَاةِ مَنْ تَعَلَّقَ  
 بِعُرْوَةِ عِصْمَتِهِ اللَّهُمَّ فَإِذَا دُنْتُ  
 الْمَعُونَةَ عَلَى تِلَاوَتِهِ وَسَهَّلْتَ جَوَاسِي  
 السَّنِينَ بِحَسَنِ عِبَادَتِهِ فَاجْعَلْنَا  
 مِنْ يَرْعَاهُ حَقَّ رِعَايَتِهِ وَيَدِينُ لَكَ  
 بِإِعْتِقَادِ التَّسْلِيمِ لِحُكْمِ آيَاتِهِ وَيَقْرَعُ  
 إِلَى الْأَقْرَارِ بِمُتَشَابِهِهِ وَمَوْصَحَاتِ

فوق ختم آن  
 که بواسطه آن میان حلال خود و حرام خود و  
 قرآن آنرا آعرابت به عن شرائع احکام آن  
 جمع کرده که با افضل آن برای عباد آن تقضی و  
 و کتب آن که تقضی و داد و ستد از راه آن تقضی داد و  
 و وحی آنرا که فرود آورده آنرا بر پیغمبر محمد  
 صلوات الله علیه و ایلایه نرزیل و جعلت آنرا  
 نور آنرا که از تاریکی و ظلمت و جهل و  
 با اتباع او و شفاعت آنرا که آنرا نصیب  
 تصدیق آنرا که استماع او و میزان قسط  
 آنرا که تصدیق آنرا که استماع او و میزان قسط  
 آنرا که تصدیق آنرا که استماع او و میزان قسط  
 آنرا که تصدیق آنرا که استماع او و میزان قسط



في طلب المستر  
عند ختم القرائن

[illegible]



زاد  
في طلب السور  
عند ختم القرآن

وَأَنْهَجْتُ بِاللَّهِ سُبُلَ الرِّضَا إِلَيْكَ  
 وانشاء را ستر و آل او را بهار خشنود در ایستاد  
 فَضَّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلَهُ وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ  
 پس در دو فهرست بر محمد و آل او و بگردان قرآن  
 وَسَبِيلَهُ لَنَا إِلَى أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْكَرَامَةِ  
 و سبیل از برای ما به سبیل بهترین منازل کرامت  
 وَسَلَامًا نَخْرِجُ فِيهِ إِلَى مَحَلِّ السَّلَامَةِ  
 و نودانی که در ایستادیم بآن ایستاد در راه سعادت  
 وَسَبَابًا نَخْرِجُ بِهِ إِلَى الْحَاجَةِ فِي عَرْصَةِ الْقِيَامَةِ  
 و سبب که در پیش بایم بآن رسد در راه عرصه قیامت  
 وَذَرِيعَةً نَقْدُمُ بِهَا عَلَى نَعِيمِ دَارِ الْمَقَامَةِ  
 و وسیله که قدم بایم بآن بر نعمت دار مقامت  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاحْطُطْ بِالْقُرْآنِ  
 خداوند رحمت بفرست بر محمد و آل او و بپوشد بقرآن  
 عَنْثًا ثِقَلُ الْأَوْزَارِ وَهَبْ لَنَا حُسْنَ  
 از آن سنگین کن بارها و بخش ما حسن  
 سَمَائِلِ الْأَجْرَارِ وَاقِفُ بِنَا أَثَارَ الَّذِينَ  
 خصم کن ایستادگان و ایستاد باین آثار آنکه

قدوم بفرست از سفر باز آمدن و بجا شدن و فراموش شدن

زاد  
في طلب السور  
عند ختم القرآن

فَأَمَّا اللَّاتِي بِهِ أَنَاءُ اللَّيْلِ وَأَطْرَافُ النَّهَارِ  
 ایستاده اند از برای تو باین ساعتها و شب و کنایه از روز  
 حَتَّى تَطْهَرَنَا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ يَطْهِيهِ  
 تا آنکه پاک گردانند ما از هر چه که پاک کند  
 وَتَقْوِيَنَا أَثَارَ الَّذِينَ اسْتَضَاءُوا بِنُورِهِ  
 و تقویت ما بآثار آنکه روشن شدند باین نور  
 وَلَمْ يَلْهِمِهِمُ الْاِمْلُ عَنْ الْعَمَلِ فَيَقْطَعَهُمْ  
 و غافل نشدند باین کار از کار عمل تا قطع کند ایشان را  
 مَخْدَعُ غُرُورِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ  
 بفرست بر غرور او خداوند رحمت بفرست بر محمد و آل او  
 وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظِلِّ اللَّيْلِ إِلَى مُنَا  
 و بگردان قرآن از برای ما در سایه شبها ایستاد  
 وَمِنْ تَرَعَاتِ الشَّيْطَانِ وَخَطَرَاتِ  
 و از ترس شیطان و خطرات  
 الْأَوْسَاءِ وَسِجَارِ سَاوِلِ قَدَامِ سَاعِنِ  
 و سوسه ها و سحرهای ساعین  
 نَقْلَهَا إِلَى الْمَعَاصِي حَابِسًا وَلَا لِسِتْنَا  
 رفق کن باینها ایستادگان باین کارها و ایستاد باین کارها

بفرست از سفر باز آمدن و بجا شدن و فراموش شدن



زیاد  
 في طلب التستر  
 عند ختم القرآن

عَنِ الْخَوْضِ فِي الْبَاطِلِ مِنْ غَيْرِ مَا أَفْزَحَ  
 مَحْزَسًا وَجَوَارِحِنَا عَنْ أَقْرِافِ الْأَثَامِ  
 زَا جَرَّ أَوَّلِيَّ طَوْتِ الْغَفْلَةِ عَنَّا مِنْ تَصَقُّعِ  
 الْأَعْتَابِ رَدًّا شَرًّا حَتَّى تُوَصَّلَ إِلَى قُلُوبِنَا  
 فَهَمَّ عَجَائِبُهُ وَرَدَّ أَجْرَ مَثَالِهِ الَّتِي  
 ضَعُفَ الْجِبَالُ الرَّوَاسِي عَلَى صَلَاحِنَا  
 عَنْ احْتِمَالِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ  
 وَأَدِّمْ بِالْقُرْآنِ صَلَاحَ ظَاهِرِنَا وَاجْتِبُ  
 بِهَ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ عَنْ صِحَّةِ

بفرزبانهای باارکین ساز  
 و از کفش باطل بفر  
 بفرزبانهای باارکین ساز  
 و از کفش باطل بفر  
 بفرزبانهای باارکین ساز  
 و از کفش باطل بفر

زیاد  
 في طلب التستر  
 عند ختم القرآن

ضَائِرِنَا وَاغْسِلْ بِهِ دَرَنَ قُلُوبِنَا  
 وَعَلَّاقِ أَوْزَارِنَا وَاجْمَعْ بِهِ مَنَشَرِ  
 أُمُورِنَا وَارْوِ بِهِ فِي مَوْقِفِ الْعُزْزِ عَلَيْكَ  
 ظَهَامَ هَوَا جَرِنَا وَاكْسِبِ حِلْلَ الْأَمَانِ  
 يَوْمَ الْفَرَجِ الْأَكْبَرِ فِي شُورِنَا اللَّهُمَّ  
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْبُرْنَا الْقُرْآنَ  
 خَلْتَنَا مِنْ عَدَمِ الْأَمَلِاقِ وَسَقِ الْيَسَابِ  
 رَغْدَ الْغَيْشِ وَخَصْبَ سَعَةِ الْأَرْزَاقِ  
 وَجَنِّبْنَا الضَّرَائِبَ الْمَذْمُومَةَ وَ

بفرزبانهای باارکین ساز  
 و از کفش باطل بفر  
 بفرزبانهای باارکین ساز  
 و از کفش باطل بفر  
 بفرزبانهای باارکین ساز  
 و از کفش باطل بفر



زیاد  
 في طلب البستر  
 عند ختم القرآن

مَدَانِي الْأَخْلَاقِ وَأَعْصَمَانِي مِنْ هَوَاةٍ  
 وَبَسْتِيهَا <sup>وخلقها</sup> وَتَعَلَّمْتُ بِهَا <sup>وخلقها</sup> وَأَعْلَمْتُ بِهَا <sup>وخلقها</sup> وَأَعْلَمْتُ بِهَا <sup>وخلقها</sup>  
 الْكَفْرَ وَدَوَاعِيَ الْبَغْيِ حَتَّى يَكُونَ  
 كَفَرٌ <sup>ووعدها</sup> وَدَوَاعِيَ الْبَغْيِ <sup>تفادى</sup> تَأْ بُوَدَّ بَشَرٌ  
 لَنَا فِي الْقِيَمَةِ إِلَى رِضْوَانِكَ وَجَنَانِكَ  
 أَنْ يَرَاهُ <sup>ويعلم</sup> دَرَقِيْمَتِ <sup>ويعلم</sup> بِيَوْمِ تَشْتَدُّ <sup>ويعلم</sup> تَوْبَتِي <sup>ويعلم</sup> وَبِشْتَدُّ  
 قَائِدًا وَلَنَا فِي الدُّنْيَا عَنْ سَخَطِكَ وَتَعَدُّ  
 كَشْفُهُ <sup>ويعلم</sup> وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup> وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup> وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup>  
 حَدُودِكَ ذَائِدًا وَلِمَا عِنْدَكَ تَحْلِيلُ  
 أَنْ يَرَاهُ <sup>ويعلم</sup> مَسْجُودٌ <sup>ويعلم</sup> وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup> وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup>  
 حَلَالِهِ وَتَحْرِمُ حَرَامِهِ شَاهِدًا اللَّهُمَّ  
 حَلَالِ أَنْ <sup>ويعلم</sup> وَتَحْرِمُ حَرَامِهِ <sup>ويعلم</sup> وَتَحْرِمُ حَرَامِهِ <sup>ويعلم</sup>  
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَهَوْنُ الْقُرْآنِ عِنْدَ  
 رَحْمَتِ بَرِّتِ بَرِّتِ بَرِّتِ <sup>ويعلم</sup> وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup> وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup>  
 الْمَوْتِ عَلَى أَنْفُسِنَا كَرَبِّ السِّيَاقِ وَ  
 مَرَكِ <sup>ويعلم</sup> وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup> وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup>  
 جَهْدَ الْآلَيْنِ وَتَرَادُفَ الْحَشَارِجِ إِذَا  
 مَشَقَّتْ <sup>ويعلم</sup> نَالَهُ كَرْدَانِ <sup>ويعلم</sup> وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup> وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
 هدانا لهذا الذي كنا  
 لنهتدي لولا أن هدانا  
 الله

نماز  
 في طلب البستر  
 عند ختم القرآن

بَلَّغْنَا لِنُفُوسِ الْتَرَاتِقِ وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ  
 بَرَسَ <sup>ويعلم</sup> جَانَهَا <sup>ويعلم</sup> وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup> وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup>  
 وَتَحْلِي مَلِكِ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حَجَبِ  
 وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup> وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup> وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup>  
 الْقُيُوبِ وَرَمَاهَا عَنْ قُوسِ الْمَنِيَا لِيَتَمَّ  
 غَيْبُهَا <sup>ويعلم</sup> وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup> وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup>  
 وَحُشَّةَ الْفِرَاقِ وَدَنَا مِنَّا إِلَى الْآخِرَةِ  
 وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup> وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup> وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup>  
 رَحِيلُ وَأَنْطَلَقُ وَصَارَتْ الْأَعْمَالُ  
 كَيْفَ كَرْدَانِ <sup>ويعلم</sup> وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup> وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup>  
 قَلَامِي فِي الْأَعْنَاقِ وَكَانَتْ الْقُبُورُ  
 قَلَامِي <sup>ويعلم</sup> وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup> وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup>  
 الْمَأْوَى إِلَى مِيقَاتِ يَوْمِ التَّلَاقِ اللَّهُمَّ  
 أَمَّا كَهْ <sup>ويعلم</sup> وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup> وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup>  
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَبَارِكْ لَنَا فِي حُلُولِ  
 رَحْمَتِ بَرِّتِ بَرِّتِ <sup>ويعلم</sup> وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup> وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup>  
 دَارِ الْبَلَى وَطُولِ الْمَقَامَةِ بَيْنَ أَطْبَاقِ  
 بَلَاءِ كَسَلِ <sup>ويعلم</sup> وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup> وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
 هدانا لهذا الذي كنا  
 لنهتدي لولا أن هدانا  
 الله

وَدَاوَيْهَا مِنْ دَعَا  
 وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup> وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup> وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup>

الْمَذَاقِ  
 وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup> وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup> وَتَعَدُّ <sup>ويعلم</sup>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
 هدانا لهذا الذي كنا  
 لنهتدي لولا أن هدانا  
 الله



زیاد  
و طلب الستر  
عند ختم القرآن

الْثَرَىٰ وَاجْعَلِ الْقُبُورَ بَعْدَ فِرَاقِ  
 غاك و بگردان قبر را بعد از فراق  
 الدُّنْيَا خَيْرَ مَنَازِلِنَا وَاقْضِ لَنَا بِرَحْمَتِكَ  
 دنیا بهترین منزلت ما و کشمک از ما بر رحمت خود  
 فِي ضَيْقِ مَا أَحْدَانَا وَلَا تَفْضَحْنَا فِي حَاضِرِي  
 در غمی که ما را و در سوگواری ما در میان تو  
 الْقِيَامَةِ بِمُوقِفَاتِ اثْمِنَا وَارْجَمِ  
 قیامت به مکانی که ما را در روز قیامت  
 بِالْقُرْآنِ فِي مَوْقِفِ الْبَعْضِ عَلَيْكَ ذَلَّ  
 بقرآن در موقعی که تو را  
 مَقَامِنَا وَثَبَّتْ بِمِ عِنْدَ اضْطِرَابِ حَبِيرِ  
 مقام ما را و ثبات کرد نزد اضطراب حیر  
 جَهَنَّمَ يَوْمَ الْحَازِ عَلَيْهِمْ هَازِلُ أَقْدَامِنَا  
 جهنم روزی که بران نوازید بران قدم ما را  
 وَجَنَابِهِ مِنْ كُلِّ كَرْبٍ يَوْمَ الْقِيَمَةِ  
 و بزرگواری او از هر اندوهی روز قیامت  
 وَشَدَائِدِ أَهْوَالِ يَوْمِ الظَّامَةِ وَبَيِّضْ  
 و دشواریهای هولناک روز غمناک و سفید کن

بقرآن تو را

بقرآن تو را

زیاد  
و طلب الستر  
عند ختم القرآن

وَجْهَنَا يَوْمَ تَسُودُ وَجُوهُ الظَّالِمَةِ فِي يَوْمِ  
 و چهره ما را روزی که سیاه شود چهره ستمگران در روز  
 الْحَسْرَةِ وَالنَّدَامَةِ وَاجْعَلْ لَنَا فِي  
 حسرت و توبه و بگردان از پشیمانی  
 صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ وَدَّاءِ وَلَا تَجْعَلِ  
 در صدور مؤمنان و دوستی و بگردان  
 الْحَيَاةَ عَلَيْنَا نَكِدًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى  
 زندگی ما را ننگه و خداوند رحمت بفرست  
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ كَمَا  
 محمد و آل او بنده او و رسول او چنانکه  
 بَلَغَ رِسَالَتِكَ وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ وَصَحَّ  
 رسانید پیام تو و شکوید از امر تو و صح  
 لِعِبَادِكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِيَّنَا صَلَوَاتِكَ  
 بنده ما را خداوند بگردان پیغمبر ما را  
 عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَشْرَبَ  
 بر او و آل او روز قیامت نزدیکترین  
 النَّبِيِّينَ مِنْكَ مَجْلَسًا وَأَمْنَكُمُ مِنْكَ  
 پیغمبران تو را از هر دشمنی و ایمنی از تو



نماز  
۲ طلعت الشریع  
عند ختم القرآن

شَفَاعَةً وَأَجْلَهُمْ عِنْدَكَ قَدْ رَأَوْ  
 اذ در شفاعت و بزرگترین ایشان نزد تو اند و تو را  
 أَوْجَهُهُمْ عِنْدَكَ جَاهًا اللَّهُمَّ  
 روشنتر از بزرگترین ایشان نزد تو از دروخت است خداوند  
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَشَرِّفْ بَنِيَانَهُ  
 رحمت بر محمد و آل محمد و بزرگواران ایشان را  
 وَعَظِّمْ بَرَهَانَهُ وَثَقِّلْ مِيزَانَهُ وَتَقَبَّلْ  
 و بزرگواران کن برهان او و سنگین کن تراز او را و بپذیر  
 شَفَاعَتَهُ وَقَرِّبْ وَسِيلَهُ وَبَلِّضْ  
 شفاعت او را و نزدیک کن وسیله او را و سبب کن  
 وَجْهَهُ وَأَتِمِّمْ نُورَهُ وَارْصُدْ دَرَجَتَهُ وَ  
 دور او را و تمام کن نور او را و بگردان از مرتبه او را و  
 أَحْيَا عَلَى سُنَّتِهِ وَتَوَقَّعْ عَلَى مِلَّتِهِ وَخُذْ  
 زنده دار او را بر سنت او و بچسبان بر ملة او و بگیر  
 بِنَامِنِهَا جَهْ وَأَسْلِكْ بِنَا سَبِيلَهُ وَ  
 مارا بر راه او و ببرد ما را بر راه او و  
 اجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ طَاعَتِهِ وَاحْشُرْنَا  
 و بگردان ما را از اهل طاعت او و برآورد ما را

بدرخت شفاعت بزرگترین ایشان نزد تو  
 بزرگواران ایشان را  
 و بزرگواران کن برهان او و سنگین کن تراز او را و بپذیر  
 شفاعت او را و نزدیک کن وسیله او را و سبب کن  
 دور او را و تمام کن نور او را و بگردان از مرتبه او را و  
 زنده دار او را بر سنت او و بچسبان بر ملة او و بگیر  
 مارا بر راه او و ببرد ما را بر راه او و  
 و بگردان ما را از اهل طاعت او و برآورد ما را

نماز  
۲ طلعت الشریع  
عند ختم القرآن

فِي زُمرَتِهِ وَأُورِدْنَا حَوْضَهُ وَاسْقِنَا  
 در گروه او و وارد کن بر او حوض او و آسپان ما را  
 بِكَاسِهِ وَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ  
 بمجامع او و رحمت بر محمد و آل محمد و آل او  
 صَلَوةً تَبْلُغُ بِهَا أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُ مِنْ خَيْرِ  
 رحمت که برسد با آن به بهترین آنچه امیدوارند از خیر  
 وَفَضْلِكَ وَكَرَامَتِكَ أَنْتَ ذُو رَحْمَةٍ  
 و فضل تو و کرامت تو و تو هستی که تو هستی رحمت  
 وَاسْعَةٍ وَفَضْلُكَ كَرِيمٌ اللَّهُمَّ اخْرُجْ  
 قمر را و کرامت تو بزرگواران خداوند عظیم او را  
 بِمَا بَلَغَ مِنْ رِسَالَتِكَ وَأَدَّى مِنْ أَيْدِيكَ  
 آنچه رسانیده است از رسالت تو و داد کرد به دست از ایستاد تو  
 وَنَضَحَ لِعِبَادِكَ وَجَاهِدْ فِي سَبِيلِكَ  
 و پاشید برای بندگان تو و بجنگ در راه تو  
 أَفْضَلَ مَا خَرِيتَ لِحْدَامِ مِنْ مَلَائِكَتِكَ  
 بهترین آنچه خریده است از بندگان تو از فرشتگان تو  
 الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِكَ الْمُصْطَفَيْنِ الْمُرْسَلِينَ  
 مقربان تو و پیغمبران تو برگزیده خود را

عند ختم القرآن



اذا نظر في الهلال

وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آلِهِ الطَّيِّبِينَ

الظَاهِرِينَ وَرَحَّةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ وَ

كان يدعو عليه السلام إذا دخل إلى الخلاء  
 يا حي يا قيوم يا ذا الجلال والإكرام

يُهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ اللَّذَائِبِ السَّرِيعِ الْمُرْتَدِّ

فِي مَنَازِلِ التَّقْدِيرِ الْمُتَصَرِّفِ فِي

تقریر کند

فلك للتدبير امت من نور ربك اظلم  
فلك تدبيره كود بهام با نغمه درویش صاف تو بار کجاست

وَأَوْضَحِّبْكَ إِلَيْهِمْ وَجْعَلْكَ آيَةً مِّنْ

و رويش بود بنوا مورستيد را و كرده اند تراش كه اگر

بَابُ مَلِكِهِ وَعَلَامَةِ مِنْ عِلْمَاتِ  
تَمَامِ بَابِ خُودِ وَعِلْمِ خُودِ عِلْمَاتِ

سُلْطَانِيَّةً وَأَمْتَنَكَ بِالزِّيَادَةِ وَ

اذا نظر الى المحال

النُّصَانِ وَالطُّلُعِ وَالْأَفُولِ وَالْإِنَّا

الْقَصَصِ وَالْبَصِيغِ وَفِيهِ  
كَمْ شَيْءٌ وَبِرَأْسِهِ  
أَلَمْ تَرَ أَنَّكَ أَنْتَ لَمُطِيعٌ

والسوف في كل دليل  
وسماه شدن در عهد این تو  
مراد وافر مایه وافر

وَالْحَيُّ ارَادَتْهُ سُبْحَانَهُ مَا اعْجَبَنَا

وہو اور فرما گئے اور شاہجہان بادشاہ ہوا اور چھوٹی تختی  
 دیکھو فی امانک والطف ماضیہ فی

دبر بی امرت و لطف ماضع ہے  
تبریز کرد است در امر تو و بر لطیف است آنچه کرده است

شَانِكَ جَعَلَكَ مِفْتَاحَ شَهْرٍ حَادِثٍ

لا ادرى فاسأل الله العليم

لا مِرْحَدِيتَ فَاَسَا لَ اللّٰهَ زِي وَرِيَتَ  
 از میرا کار نازد *مستطعم* از خدا میری روکار و میری روکار

وَالْحَالِقِ وَالْخَالِقِ وَمُقَدِّرِ وَمُقَدَّرِ



اذا اطلع الهلال

بمنزلت ۱۰

لَا تَحْقُقْهَا الْآيَامُ وَطَهَارَةُ لَا تُدْثِهَا  
 غیبت کرده اند از روزها و پاکیزگی که چون بزد آنرا  
 الْآيَامُ هَلَالٌ مِنْ الْأَفَاتِ وَسَلَامَةٌ  
 کمالان هلال اغیبت از آفتها و سلامت  
 مِنَ السَّيِّئَاتِ هَلَالٌ سَعْدٌ لِحُسْنِ فِيهِ وَ  
 از بدیها هلال سعادت که حسن باشد در او  
 عَيْنٌ لَا يَكْدُمُهُ وَيُتْرَكُ لِمَا رَجَعَهُ عَسْرٌ  
 بینش که هیچ نباشد با آن و آنچه که غایب از آن دشواری  
 وَخَيْرٌ لَا يَتَوَبُّ شَرُّ هَلَالٍ آمِنٌ وَآمِنٌ  
 و بیکتر که آنچه نشود با او هر هلال اغیبت و ایمن  
 وَنِعْمَةٌ وَاحْسَانٌ وَسَلَامَةٌ وَاسْلَامٌ  
 و نعمت و احسان و سلامت و اسلام  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ  
 خداوند رحمت بفرست بر محمد و آل او و بگردان ما را از  
 أَرْضٍ مِنْ طَلْعِ عَلَيْهِ وَارِثِي مِنْ نَظَرِ إِلَيْهِ  
 را از زمین که طلوع کرد بر او و وارثی که نظر کرد به او  
 وَأَسْعِدْ مَنْ تَبَدَّلَكَ فِيهِ وَوَقَّافٍ فِيهِ  
 و بخت ترین که بدستش کرده است و قایم در او

بایستد بدین که اگر در روزی  
 باشد بودی بقیه خدا بخت  
 گشت بودی با او و بگردان  
 داشت میشود

اذا اطلع الهلال

لِلتَّوْبَةِ وَاعْصِمْنَا فِيهِ مِنَ الْخَوْبَةِ وَ  
 بر او توبه و نگاه دار ما در آن از کلاه  
 احْفَظْنَا فِيهِ مِنْ مُبَاشَرَةِ مَعْصِيَتِكَ  
 حفظ کن ما در آن از برخوردن عافیت تو  
 وَأَوْزِعْنَا فِيهِ شُكْرَ نِعْمَتِكَ وَاللِّسْنَا  
 و در دل ما را از شکر نعمت تو و بخت آن را  
 فِيهِ جُنْأَ الْعَافِيَةِ وَأَتِمُّ عَلَيْنَا بِاسْتِغْنَا  
 در آن بر ما از عافیت و تمام کن بر ما بیکسان  
 طَاعَتِكَ فِيهِ الْمُنَّةُ إِنَّكَ الْمُسَانُّ  
 طاعت تو در آن نعمت را بدست که تو بسیار نعمت میداد  
 الْحَمِيدُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ  
 بسیار ستوده شد و رحمت کند خدا بر محمد و آل او  
 وَكَانَ خَلْفَا الطَّاهِرِينَ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 بود از دو عالم حضرت محمد پاکیزه را که پاکیزه است علیه السلام  
 إِذَا خَلَّ شَهْرُ رَمَضَانَ  
 هرگاه دو خند بیشه  
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِحَدِّهِ وَجَعَلَنَا  
 سپاس را خدا را که راه نمود ما را بسپاس خود و گردانید ما را

لِلتَّوْبَةِ



لَدْخُولِ شَهْرِ مِصْنَانِ

مِنْ أَهْلِهِ لِيَكُونَ لِإِحْسَانِهِ مِنَ الشَّاكِرِينَ  
 وَلِيَجْزِيَنَا عَلَى ذَلِكَ جَزَاءُ الْحَسَنِينَ وَالْحَمْدُ  
 لِلَّهِ الَّذِي عَظَايَا بَدِينِهِ وَاخْتَصَّ بِمِلَّةِهِ  
 وَسَبَّلَنَا فِي سُبُلِ إِحْسَانِهِ لِنَسْلُكَهَا مِمَّنْ  
 إِلَى رِضْوَانِهِ خَدَائِقُ بَقَلِهِ مِمَّا وَيَرْضَى  
 بِهِ عَنَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ  
 السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ شَهْرَ  
 الصِّيَامِ وَشَهْرَ الْإِسْلَامِ وَشَهْرَ الظُّهْرِ  
 وَشَهْرَ النَّحْيِ وَشَهْرَ الْقِيَامِ الَّذِي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 بِمِثْلِ هَذِهِ الْأَمْرِ  
 بِمِثْلِ هَذِهِ الْأَمْرِ  
 بِمِثْلِ هَذِهِ الْأَمْرِ

لَدْخُولِ شَهْرِ مِصْنَانِ

أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَ  
 بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَاذْكُرُوا  
 فَضْلَهُ عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ مَا جَعَلَهُ  
 مِنَ الْحُرُمَاتِ الْمَوْفُورَةِ وَالْفَضَائِلِ الْمَشْهُورَةِ  
 فَحَرِّمْ فِيهِ مَا أَحَلَّ فِي غَيْرِهِ اعْظُمَا وَ  
 حَرِّفِيهِ الْمَطَاعِمَ وَالْمَشَارِبَ الْكَرَامَا  
 وَجَعَلْ لَهُ وَقْفًا يَتَنَا لَا يَجْزِلُ وَعِزُّ  
 أَنْ يَقْدَمَ قَبْلَهُ وَلَا يَقْبَلُ أَنْ يُؤَخَّرَ عَنْهُ  
 ثُمَّ فَضَّلَ لَيْلَةً وَاحِدَةً مِنْ لَيَالِيهِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 بِمِثْلِ هَذِهِ الْأَمْرِ  
 بِمِثْلِ هَذِهِ الْأَمْرِ







لَا تَحُولُ شَحْرَ رَمَضَانَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَآلِهِ وَقِنَا فِيهِ عَلَى  
 مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ الْحُسْنَى بِحُدُودِهَا  
 الَّتِي حَدَّثَتْ وَفَرَضَهَا الَّتِي فَرَضَتْ وَ  
 وَظَائِفُهَا الَّتِي وَظَفَتْ وَأَوْقَاتُهَا الَّتِي  
 وَثَّقَتْ وَأَتْرَكَ فِيهَا مَنَزِلَةَ الْمُصِيبِينَ  
 لِمَنَازِلِهَا الْخَافِظِينَ لِأَرْكَانِهَا الْمُؤَدِّينَ  
 لَهَا فِي أَوْقَاتِهَا عَلَى مَا سَنَّهُ عَبْدُكَ وَ  
 رَسُولُكَ صَلَّوْا تَكْ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي  
 رُكُوعِهَا وَسُجُودِهَا وَجَمِيعِ قَوَائِمِهَا

لَا تَحُولُ شَحْرَ رَمَضَانَ  
 مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ الْحُسْنَى بِحُدُودِهَا  
 الَّتِي حَدَّثَتْ وَفَرَضَهَا الَّتِي فَرَضَتْ وَ  
 وَظَائِفُهَا الَّتِي وَظَفَتْ وَأَوْقَاتُهَا الَّتِي  
 وَثَّقَتْ وَأَتْرَكَ فِيهَا مَنَزِلَةَ الْمُصِيبِينَ  
 لِمَنَازِلِهَا الْخَافِظِينَ لِأَرْكَانِهَا الْمُؤَدِّينَ  
 لَهَا فِي أَوْقَاتِهَا عَلَى مَا سَنَّهُ عَبْدُكَ وَ  
 رَسُولُكَ صَلَّوْا تَكْ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي  
 رُكُوعِهَا وَسُجُودِهَا وَجَمِيعِ قَوَائِمِهَا

لَا تَحُولُ شَحْرَ رَمَضَانَ

عَلَى أَتْرِ الظُّهُورِ وَاسْبِغْهُ وَأَيِّنِ الْخُشُوعَ  
 وَأَبْلِغْهُ وَوَقِّنَا فِيهِ لِأَنْ نَصِلَ أَرْحَامَنَا  
 بِالْبِرِّ وَالصَّلَةِ وَأَنْ نَعَاهِدَ جِيرَانَنَا  
 بِالْإِفْضَالِ وَالْعَطِيَّةِ وَأَنْ نَخْلُصَ أَمْوَالَنَا  
 مِنَ الشُّبُهَاتِ وَأَنْ نَطَهِّرَهَا بِإِخْرَاجِ الزُّكَاةِ  
 وَأَنْ نَرَاجِعَ مِنْهَا جِرَانًا وَأَنْ نَتَصَفَّ مِنْ  
 ظُلْمَانَا وَأَنْ نَسْأَلَ لِمَنْ عَادَ نَا حَاشَى مِنْ  
 عَوْدِي فِيكَ وَلَكَ فَإِنَّ الْعَدُوَّ الَّذِي  
 لَنَا وَآلِيهِ وَالْخَرْبُ الَّذِي لَنَا فِيهِ وَ

عَلَى أَتْرِ الظُّهُورِ وَاسْبِغْهُ وَأَيِّنِ الْخُشُوعَ  
 وَأَبْلِغْهُ وَوَقِّنَا فِيهِ لِأَنْ نَصِلَ أَرْحَامَنَا  
 بِالْبِرِّ وَالصَّلَةِ وَأَنْ نَعَاهِدَ جِيرَانَنَا  
 بِالْإِفْضَالِ وَالْعَطِيَّةِ وَأَنْ نَخْلُصَ أَمْوَالَنَا  
 مِنَ الشُّبُهَاتِ وَأَنْ نَطَهِّرَهَا بِإِخْرَاجِ الزُّكَاةِ  
 وَأَنْ نَرَاجِعَ مِنْهَا جِرَانًا وَأَنْ نَتَصَفَّ مِنْ  
 ظُلْمَانَا وَأَنْ نَسْأَلَ لِمَنْ عَادَ نَا حَاشَى مِنْ  
 عَوْدِي فِيكَ وَلَكَ فَإِنَّ الْعَدُوَّ الَّذِي  
 لَنَا وَآلِيهِ وَالْخَرْبُ الَّذِي لَنَا فِيهِ وَ

بِغَيْرِ تَوَنُّرٍ

بِكَلَامِ مَنْ لَا يَشْكُرُكَ بِرَبِّكَ



لنحول شهر رمضان

أَنْ تَقْرُبَ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ

الزَّائِكَةِ بِمَا تَطْهَرُ نَافِيَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ

تَعِصْمَانِيهِ مِمَّا اسْتَأْنَفُ مِنَ الْعُيُوبِ

حَتَّى لَا يُورِدَ عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ مَلَائِكَتِكَ

إِلَّا دُونَ مَا نُورِدُ مِنْ أَبْوَابِ الطَّاعَةِ

لَكَ وَأَنْوَاعِ الْقُرْبَةِ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ إِنِّي

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الشَّهْرِ وَبِحَقِّ مَنْ يَعْبُدُ

لَكَ فِيهِ مِنْ ابْتِدَائِهِ إِلَى وَقْتِ فَنَائِهِ

مِنْ مَلِكٍ قَرَّبْتَهُ أَوْ نَبِيٍّ أَرْسَلْتَهُ أَوْ عَبْدٍ

لنحول شهر رمضان

صَالِحٍ اخْتَصَصْتَهُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَأَهْلُنَا فِيهِ لِمَا وَعَدْتَ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ

كَرَامَتِكَ وَأَوْجِبْ لَنَا فِيهِ مَا أَوْجَبْتَ

لِأَهْلِ الْمِلَّةِ الْغَةِ فِي طَاعَتِكَ وَاجْعَلْنَا

فِي نَظْمٍ مِنْ اسْتَحَقَّ الرَّفِيعُ الْأَعْلَى بِرَحْمَتِكَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَجَنِّبْنَا الْإِلْحَا

فِي تَوْحِيدِكَ وَالتَّقْصِيرِ فِي عِبَادَتِكَ وَ

الشَّكِّ فِي دِينِكَ وَالْعَمَى عَنْ سَبِيلِكَ

وَالْإِعْغَالَ فِي حُرْمَتِكَ وَالْإِخْدَاعَ لِعِدْوِكَ

بعض از سر نوار که گفته اند  
نایم

بعض از سر نوار که گفته اند  
نایم



بعض از سر نوار که گفته اند  
نایم



الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
 وَإِلَهٍ وَإِذَا كَانَ لَكَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ  
 لَيْلِي شَهْرِنَا هَذَا رِقَابٌ يُعْطَقُهَا عَفْوُكَ  
 أَوْ يَهْمُهَا صَفْحُكَ فَاجْعَلْ رِقَابَنَا مِنْ ذَلِكَ  
 الرِّقَابِ وَاجْعَلْنَا الشَّهْرَ نَامِنَ خَيْرِ أَهْلِ  
 وَأَصْحَابِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَهٍ وَاجْعَلْ  
 ذُنُوبَنَا مَعَ أَخْطَا قَهْلِهِ وَأَسْلَحْ عَنَّا  
 تَبَعَاتِنَا مَعَ انْسِلَاحِ أَيَّامِهِ حَتَّى يَنْقُضَى  
 عَنَّا وَقَدْ صَفَّقْنَا فِيهِ مِنَ الْخَطِيئَاتِ

وَأَخْلَصْنَا فِيهِ مِنَ الشَّيْئَاتِ اللَّهُمَّ  
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَهٍ وَإِنْ مِلْنَا فِيهِ فَعَدِّلْنَا  
 وَإِنْ زَعَنَّا فِيهِ فَقَوِّمْنَا وَإِنْ اشْتَمَلْنَا عَلَيْهَا  
 عَذُوكَ الشَّيْطَانُ فَاسْتَقِمْ نَامِنَهُ اللَّهُمَّ  
 اشْحَنَّهُ بِعِبَادَتِنَا إِيَّاكَ وَزَيْنِ أَوْقَاتِنَا  
 بِطَاعَتِكَ لَكَ وَعِثَابِ فِي نَهَارِهِ عَلَى  
 صِيَامِهِ وَفِي لَيْلِهِ عَلَى الصَّلَاةِ وَالنُّصُوحِ  
 إِلَيْكَ وَالْخُشُوعِ لَكَ وَالذَّلَّةِ بِرَبِّكَ  
 حَتَّى لَا يَشْهَدَ نَهَارُهُ عَلَيْنَا بِغَفْلَةٍ وَلَا

بِطَاعَتِهِ  
 وَفِي شَهْرِ رَجَبِ







و د ا خ ش م ر م ف ا ن

قَدْ يَا شَكْرُكَ مِنْ شَكْرِكَ وَأَنَا لَهْمَتُهُ  
 شُكْرُكَ وَتُكَا فِي مَنْ حَذَكَ وَأَنْتَ عَلَمَتُهُ  
 حَذَكَ لَسْتُ عَلَى مَنْ لَوْ شِئْتُ فَصَحْتَهُ وَ  
 جُودُ عَلَى مَنْ لَوْ شِئْتُ مَنَعْتَهُ وَكَلَامُهَا  
 أَهْلُ مِنْكَ لِلْفَضِيحَةِ وَالْمَنْعِ غَيْرُ أَتَكَ بَنِي  
 أَفْعَالِكَ عَلَى التَّقْضِيلِ وَاجْرَيْتَ قَدْرَتَكَ  
 عَلَى التَّخَاوُزِ وَتَلَقَّيْتُ مَرْغَصًا بِالْحِلْمِ  
 وَأَمَهَلْتُ مَنْ قَصَدَ لِنَفْسِهِ بِالظَّالِمِ  
 تَسْتَظِرُّهُمْ بِأَنَا تَكِ إِلَى الْأَبَابَةِ وَتَتْرَكُ

بسته و خشنود که در آید  
 بیک کردن گناهان  
 و این را از خود بخار  
 و این را از خود بخار  
 و این را از خود بخار

و د ا خ ش م ر م ف ا ن  
 و د ا خ ش م ر م ف ا ن  
 و د ا خ ش م ر م ف ا ن

مُعَاجَلَتَهُ إِلَى التَّوْبَةِ لِكَيْ لَا يَهْلِكَ  
 عَلَيْكَ هَا لِكُفْمُ وَلَا يَشْفِي بِعَيْنِكَ  
 شَقِيمُ الْأَعْرَاطُ لِمَا عَذَارَا لَيْتَهُ وَبَعْدُ  
 تَرَادُفِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِ كَمَا مِنْ عَفْوِكَ يَا كَرِيمُ  
 وَعَائِدَةُ مِنْ عَطْفِكَ يَا حَلِيمُ أَمَّا الَّذِي  
 فَحَتَّ لِعِبَادِكَ بَابًا إِلَى عَفْوِكَ وَسَمِيَتْهُ  
 التَّوْبَةُ وَجَعَلْتَ عَلَى ذَلِكَ الْبَابِ دَلِيلًا  
 مِنْ وَجْهِكَ لِكَيْ لَا يَضْلُوا عَنْهُ فَقُلْتَ  
 تَبَارَكَ اسْمُكَ تَوَبُّوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا

بسته و خشنود که در آید  
 بیک کردن گناهان  
 و این را از خود بخار  
 و این را از خود بخار  
 و این را از خود بخار



عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَبْفِقَكُمْ سَبِيلَاتِكُمْ  
 وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ  
 الْأَكْبَرُ يَوْمَ لَا يُجْزَىٰ اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا  
 مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ  
 يَقُولُونَ رَبَّنَا آتِنَا نُورَنَا وَاعْفُ عَنَّا  
 لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ فَمَا عُدَدُ مَنْ  
 أَغْفَلَ ذَلِكَ الْمَنْزِلَ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَاقَامَةِ  
 الدَّلِيلِ وَأَنْتَ الَّذِي زِدْتَ فِي السُّؤْمِ  
 عَلَىٰ نَفْسِكَ لِعِبَادِكَ تُرِيدُ بِهِمْ فِي

بنا از این روز خدایان را میسر شود  
 باز از این روز خدایان را میسر شود

بنا از این روز خدایان را میسر شود  
 باز از این روز خدایان را میسر شود

دخول  
 بنا از این روز خدایان را میسر شود  
 باز از این روز خدایان را میسر شود

مُتَاجِرَتِهِمْ لَكَ وَفَوْزَهُمْ بِالْوَفَادَةِ عَلَيْكَ  
 وَالزِّيَادَةِ مِنْكَ فَقُلْتَ تَبَارَكَ اسْمُكَ وَ  
 تَعَالَيْتَ مِنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ  
 أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ  
 الْأَمْثَلُهَا وَقُلْتَ مَثَلُ الَّذِينَ يُفْقُونَ آمُوا  
 فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ  
 سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ  
 يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَقُلْتَ مَنْ ذَا الَّذِي  
 يَقْرِضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفُهُ لَهُ

بنا از این روز خدایان را میسر شود  
 باز از این روز خدایان را میسر شود

بنا از این روز خدایان را میسر شود  
 باز از این روز خدایان را میسر شود



أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَمَا أَنْزَلْتُ مِنْ نَظَائِرِهِنَّ  
 فِي الْقُرْآنِ مِنْ تَضَاعِيفِ الْحَسَنَاتِ وَ  
 أَنْتَ الَّذِي دَلَّكَ هُمْ بِقَوْلِكَ مِنْ عَيْبِكَ وَ  
 تَرَعَيْكَ الَّذِي فِيهِ حَظُّهُمْ عَلَى مَا لَوْسَتْ  
 عَنْهُمْ لَمْ تَذَرِكْهُ أَبْصَارُهُمْ وَلَمْ تَقْبَعْ أَسْمَاعُهُمْ  
 وَلَمْ تُلْحَقْهُ أَوْهَامُهُمْ فَقُلْتَ أَذْكُرُونِي  
 أَذْكُرْكُمْ وَأَشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ  
 وَقُلْتَ لَيْسَ شَيْءٌ كَرَّمٌ لَا رَيْدَ نَكْمٌ وَلَكِنَّ كَرَّمَ  
 أَنْفَالِي لَشَدِيدٌ وَقُلْتَ أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ

فمن نزلت من نظائرهن  
 في القرآن من تضاعيف الحسنات  
 وانت الذي دللكهم بقولك من عيبك  
 وترعيتك الذي فيه حظهم على ما لوست  
 عنهم لم تذر كه ابصارهم ولم تقبع  
 اسماعهم ولم تلحقه اوهامهم فقلت  
 اذكروني اذكركم واشكروا لي ولا تكفرون  
 وقلت ليس شئ كرم لا ريد نكم ولكن كرم  
 انفالي لشديد وقلت ادعوني استجب لكم

إِنَّ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ  
 جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ فَمَيِّتْ دُعَاءَكَ عِبَادَةَ  
 وَتَرْكَكَ اسْتِكْبَارًا وَتَوَعَّدْتَ عَلَى تَرْكِكَ دُخُولَ  
 جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ فَذَكِّرْكَ بِعَيْبِكَ وَشُكْرِكَ  
 بِفَضْلِكَ وَدَعْوَكَ بِأَمْرِكَ وَتَضَدَّقْ قَوْلَكَ  
 طَلِبًا لِمَزِيدِكَ وَفِيهَا كَانَتْ جَنَائِزُهُمْ  
 مِنْ غَضَبِكَ وَفَوْزُهُمْ بِرِضَاكَ وَلَوْ ذَلَّ  
 مَخْلُوقٌ مَخْلُوقًا مِنْ نَفْسِهِ عَلَى مِثْلِ الَّذِي  
 دَلَّكَ عَلَيْهِ عِبَادَتِكَ مَنِكَ كَانَ مَحْمُودًا

فمن نزلت من نظائرهن  
 في القرآن من تضاعيف الحسنات  
 وانت الذي دللكهم بقولك من عيبك  
 وترعيتك الذي فيه حظهم على ما لوست  
 عنهم لم تذر كه ابصارهم ولم تقبع  
 اسماعهم ولم تلحقه اوهامهم فقلت  
 اذكروني اذكركم واشكروا لي ولا تكفرون  
 وقلت ليس شئ كرم لا ريد نكم ولكن كرم  
 انفالي لشديد وقلت ادعوني استجب لكم



وداع شهر رمضان

فَلَكَ الْحَمْدُ مَا وَجَدَ فِي حَدِّكَ مَذْهَبٌ وَمَا  
 بَقِيَ لِلْحَمْدِ لَفْظٌ تَحْدِيهِ وَمَعْنَى يَصْرِفُ إِلَيْهِ  
 يَأْمُرُ بِتَحْدِيدِ الْعِبَادَةِ الْفَضْلُ وَالْإِحْسَانُ  
 وَغَيْرُهُمْ وَعَامِلُهُمْ بِالْمَنْ وَالظُّوْلَامُ أَفْشَى  
 فِينَا نَعْمَتُكَ وَأَسْبَغَ عَلَيْنَا مَنِّكَ وَ  
 أَخَصَّنَا بِرِكَ هَيْتَا لَدَيْكَ الَّذِي  
 اضْطَقَيْتَ وَمِلْكِكَ الَّذِي ارْتَضَيْتَ وَ  
 سَبِيلِكَ الَّذِي سَهَّلْتَ وَبَصَرْتَنَا الزُّلْفَةَ  
 لَدَيْكَ وَالْوُصُولَ إِلَى كَرَامَتِكَ اللَّهُمَّ

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 الذي هدانا لهذا  
 الذي كنا لنهتدي لولا  
 أن هدانا الله

وداع شهر رمضان

وَأَنْتَ جَعَلْتَ مِنْ صَفَائِكَ الْوِظَائِفَ  
 وَخَصَّائِكَ تِلْكَ الْفُرُوضِ شَهْرَ رَمَضَانَ  
 الَّذِي اخْتَصَصْتَهُ مِنْ سَائِرِ الشُّهُورِ  
 تَخَيَّرْتَهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَرْضِيَّةِ وَالذُّهُورِ  
 أَثَرُهُ عَلَى كُلِّ أَوْقَاتِ السَّنَةِ بِمَا أَنْزَلْتَ  
 فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَالنُّورِ وَضَاعَفْتَ  
 فِيهِ مِنَ الْإِيمَانِ وَفَرَضْتَ فِيهِ مِنَ  
 الصِّيَامِ وَرَغَّبْتَ فِيهِ مِنَ الْقِيَامِ وَ  
 اجْلَلْتَ فِيهِ مِنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ الَّتِي هِيَ

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 الذي هدانا لهذا  
 الذي كنا لنهتدي لولا  
 أن هدانا الله

والله اعلم  
 بالصواب  
 والحمد لله رب العالمين  
 والصلوة والسلام  
 على سيدنا محمد  
 وآله الطيبين الطاهرين  
 أجمعين



خَيْرٌ مِنَ الْفِ شَهْرٍ تَمَّ اثْرُنَا بِهٖ عَلَى سَائِرِ  
 الْأُمِّ وَأَصْطَفَيْتَنَا بِفَضْلِهِ دُونَ أَهْلِ  
 الْمَلِكِ قَضَانَا بِأَمْرِكَ نَهَارَهُ وَقَضَانَا بِعَوْنِكَ  
 لَيْلَهُ مُتَعَرِّضِينَ بِصِيَامِهِ وَقِيَامِهِ لِمَا  
 عَرَضَتْ لَنَا مِنْ رَحْمَتِكَ وَكُنْتَنَا إِلَيْهِ  
 مِنْ مَثُوبَتِكَ وَأَنْتَ الْمَلِكُ بِمَا رَغِبَ فِيهِ  
 إِلَيْكَ الْجَوَادُ بِمَا سَأَلْتَ مِنْ فَضْلِكَ الْقَرِيبُ  
 إِلَى مَخَاوِلِ قُرْبِكَ وَقَدْ أَقَامَ فِيْنَا  
 هَذَا الشَّهْرَ مَقَامَ حُدٍّ وَحُجْنًا صَحْبَةً مَبْرُورًا

بسم الله الرحمن الرحيم  
 اللهم اغفر لي ما مضى وما مضى  
 وما مضى وما مضى وما مضى  
 وما مضى وما مضى وما مضى  
 وما مضى وما مضى وما مضى

وَأَنْجَحْنَا أَفْضَلَ أَرْبَاحِ الْعَالَمِينَ ثُمَّ قَدْ  
 فَارَقْنَا عِنْدَ تَمَامِ وَقْتِهِ وَانْقِطَاعِ مَدَّةِ  
 وَوَفَاءِ عَهْدِهِ فَخَنُّ مَوْدِعُوهُ وَدَاعُ مَنْ  
 عَزَّ فِرَاقُهُ عَلَيْنَا وَغَمُّنَا وَأَوْحَشَنَا  
 إِفْصِرَافُهُ عَنَّا وَلَزِمَنَا لَهُ الْإِذْمَامُ الْمَحْظُوظُ  
 وَالْحُرْمَةُ الْمَرْغَبَةُ وَالْحَنُّ الْمَقْضِيُّ فَخَنُّ  
 قَائِلُونَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهْرَ اللَّهِ الْأَكْبَرِ  
 وَيَا عَيْدَ أَوْلِيَاءِهِ الْأَعْظَمِ السَّلَامُ عَلَيْكَ  
 يَا أَكْرَمَ مَضُوبٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ وَيَا

بسم الله الرحمن الرحيم  
 اللهم اغفر لي ما مضى وما مضى  
 وما مضى وما مضى وما مضى  
 وما مضى وما مضى وما مضى  
 وما مضى وما مضى وما مضى









وَلَا ذَمِّ الْمُلَابَّاتِ السَّامِعِينَ كَمَا

و زکوة مید است اینجا به تو سلام بر تو در

وَفَدَّتْ عَلَيْنَا بِالْبَرَكَاتِ وَعَسَلَتْ عَنَّا

و در شهرهای دیگر که در این کتاب مذکور است

دَسْرُ الْخَطِيئَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكَ غَيْرَ

چوک کنه ۱۷۷

مُودِعَ بَرْمًا وَلَا مَتْرُوكَ صِيَامُهُ سَامًا

و اما کرده است از مردم و سنگی و ده ترک شده بود و آن از دور محسوس

السَّلامُ عَلَيْكَ مِنْ مَطْلُوبٍ قَبْلَ وَقْتِهِ

سلام بر تو بود از آن طلب کرده شد پیش از وصال

وَمَحْزُونٍ عَلَيْهِ قَبْلَ فَوْتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ كَمْ

و الله و الذي لا اله الا هو اعلم اني قد اقبلت اليك من بلاد

فَمِنْ سُوءِ صُفْرٍ بِكَ عَنَّا وَكَمْ مِنْ خَيْرٍ

از جبر که در پیوسته لیب تواند و لب از خواجه

أُفِضُ بِكَ عَلَيْنَا السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى لِيلَةٍ

بمیزان ششصد و پنجاه و سه هزار و سیصد و هشتاد و نه تومان و هشتاد و نه ریال و هشتاد و نه قس

الْقَدْرُ الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرِ السَّلَامِ

قدر که الهیات از خود دارد سلام

عَلَيْكَ مَا كَانَ أَحْرَصَنَا بِالْأَمْرِ عَلَيْكَ وَ

برقہ : چوہانیم عریس

أَشَدُّ شَوْقًا غَدًا إِلَيْكَ أَلَسَّامُ عَلَيْكَ

بدرستی است شوق، فردا بخورده معلوم

وَعَلَىٰ فَضْلِكَ الَّذِي حُرِّمْنَا وَعَلَىٰ مَاضٍ

و در فصل اول که مردم و جمعی از آن را به این گونه

مِنْ بَرَكَاتِكَ سُلِّمْنَا إِلَيْكَ اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ

از - بر کشتن / که - بود و شد و گشت / خدا و خدا پیشی کند

هَذَا الشَّهْرُ الَّذِي شَرَّفْتَنَاهُ وَوَفَّقْتَنَا

این که مشرق ساخته از آن و توفیق داد

بِمَنِّكَ لَهُ حِينَ جَهْلِ الْأَشْقِيَاءِ وَقْتَهُ وَ

نعمت خود را از دفتر که نه استند به بختان دست آوا

حَرِّمُوا الشَّقَائِمَ فَضْلَهُ أَنْتَ وَلِيٌّ مَا أَنْتَ

ی. بحث در بیان مختصات فضیات از قلم اول المصنف کبریا

بِهِ مِمَّ مَعْرِفَتِهِ وَهَدَيْنَا لَهُ مِنْ نَاسِهِ وَ

این ارشد خدایم و را بود ادا آن از طرفه آن

قَدْ تَوَلَّيْنَا تَوْفِيقَكَ صِيَامَهُ وَقِيَامَهُ عَلَى

تجربہ متروک شدہ سہ ماہی تو روزہ آنہ و پرکشت آنہ

عليه







وداع شهر رمضان

وَاعْفُ عَنَّا بِعَفْوِكَ وَلَا تَنْصِبْنَا فِيهِ  
 لَاعَيْنُ الشَّامِتِينَ وَلَا تَبْسُطْ عَلَيْنَا فِيهِ  
 أَلْسُنَ الطَّاغِينَ وَاسْتَعْلِنَا بِمَا يَكُونُ  
 حِطَّةً وَكَفَّارَةً لِمَا أَنْكَرْتَ مِنَّا  
 فِيهِ بِرَأْفَتِكَ الَّتِي لَا تَنْقُذُ وَفَضْلِكَ  
 الَّذِي لَا يَنْقُصُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ  
 آلِهِ وَاجْبُرْ مُصِيبَتَنَا بِشَهْرِنَا وَبَارِكْ لَنَا  
 فِي يَوْمِ عِيدِنَا وَفِطْرِنَا وَاجْعَلْهُ مِنْ جَيِّرٍ  
 يَوْمٍ مَرَّ عَلَيْنَا أَجْلِبَهُ لِعَفْوٍ وَأَحْمَدَ لِلذِّكْرِ

بیشتر از این که در این ماه

بیشتر از این که در این ماه

وداع شهر رمضان

وَاعْفِرْ لَنَا مَا خَفِيَ مِن ذُنُوبِنَا وَمَا عَلَنَ  
 اللَّهُمَّ اسْلُخْنَا بِإِسْلَاحِ هَذَا الشَّهْرِ  
 مِنْ خَطَايَانَا وَآخِرُجْنَا بِخُرُوجِهِ مِنْ سَيِّئَاتِنَا  
 وَاجْعَلْنَا مِنْ أَسْعَدِ أَهْلِهِ بِهِ وَآخِرِهِمْ  
 قِسْمًا فِيهِ وَأَوْفَرِهِمْ حِطَامِيهِ اللَّهُمَّ  
 وَمَنْ رَعَى حَقَّ هَذَا الشَّهْرِ حَقَّ رِعَايَتِهِ  
 وَحَفِظَ حُرْمَتَهُ حَقَّ حِفْظِهَا وَقَامَ بِحُدُودِهِ  
 حَقَّ قِيَامِهَا وَاتَّقَى ذُنُوبَهُ حَقَّ تَقَاتِهَا أَوْ  
 تَقَرَّبَ إِلَيْكَ بِقُرْبَةٍ أَوْجَبَتْ رِضَاكَ

بیشتر از این که در این ماه

بیشتر از این که در این ماه











يوم الفطر

مَنْ لَا يَقْبِلُهُ الْبِلَادُ وَيَأْمُرُ لَا يَحْتَقِرُ أَهْلُ

سیرالہ قریب بود اورا شهر نامہ و از انکہ

الْحَاجَّةُ إِلَيْهِ وَيَأْمُرُ لِيُخَيِّبَ الْمُحِبِّينَ عَلَيْهِ

حسب حاجت و در آنجا که لازم می آید از کتب معتبره استفاده خواهد نمود.

وَيَأْمُرُ لِجَبَّةٍ بِالرِّدِّ أَهْلَ الدَّالَةِ عَلَيْهِ

و اما آنچه در مشتمل بر این کتاب است

وَأَمَّا لِأَحْتَتَ صَفَرٍ مَا تَحْفَ بِهِ وَشَكَرُ

وہی ہے جس نے ان کو

کَسَمَ مَا بَيْنَا أَمْهُ بَامَ: كَشْكُ عَلَا الْقَلَا

کے لئے یہاں سے شہر کی طرف

انچه در مود البرار و دارالرحمة شکر میکنند بر اندك

وَيَجَارِي بِجَنَّةٍ جَدِيدٍ وَيَأْمُرُ الْمَلَائِكَةَ قُلُوبًا مِّنْ لَّدُنْهُ أَنْ يَأْتِيَهَا بِهِ سَاقِدًا عَلَى سَاقٍ لَّيْسَ فِيهَا مِنْ عِلْفِ الْفَرَسِ وَلَا مِثْلُ بَاقٍ

نهاد آتش میزد بزرگ و اگر آنکه نزدیک می شود بزرگ

مِنْهُ وَيَأْمُرُ بِدَعْوَى نَفْسِهِ مِنْ أَدْنَىٰ

باب و ارادت میخانه بسور نفس و هر که در این راه

و باسم لاهوت النعمة والاساد بالثقة

و اگر آنکه تغیر نماید به نعمت را و پشتمن بیکدیگر و عذاب

*[Faint handwritten text from the reverse side of the page]*

و اگر آنکه ببار مراد نیکوید تا که بفراید آنرا و در میکند

\_\_\_\_\_

ناز کردن خواجه گنجی  
 کردن با جمال الهی که در او خدای  
 قفس گنجی است که در او خدای  
 قدس است که در او خدای  
 جود میکند خواجه که در او خدای  
 بر بعضی او ای بار او از اهل عالم  
 آینه شود شوق و اغیار بر افعال و  
 اعمال خود  
 میسر یا ایش بزرگ میدهد  
 یا آنکه علل بزرگ را یا ایش میدهد

يوم القطر

عَنِ السَّيِّئَةِ حَتَّى يُعْطِيَهَا أَنْ تُصَرَفَ الْأَمْوَالُ

انکه تا بدید که از آنها چه کردید

دُونَ مَدَى كَرَمِكَ بِالْحَاجَاتِ وَامْتَلَأْ

تاریخ فارس در سده گزین شده

بِقَضَائِهِ أَوْعَةُ الظُّلُمَاتِ وَتَفْسِي...

تاریخ اسلام

بر پیش جو دو ...

دون بلوغ نعيمك الصفات فلك لعلو

نزد رسیدن وصف تو صفی پس مرز است بنظر

الأعلى فوق كل عال والامجد تولى

مفتد بلار در بخت و بخت بلار

کَلَامًا كَلَامًا عَنَّا كَلَامًا

بزرگ بر بزرگ نود خرد است

9

وکل سرفیپ فی جنب سرفک حفر  
۱۸ بزرگوار در جنب بزرگوار تو خواست

— 3 —

حاجب لوافدون علی غیرت و حسیر  
نویسد شدند و او را دستکش کان بر غیرت

[illegible]

المتغصون إلا لك وصاع المليون إلا  
بیشتر اینمکان کمر مرزا و ضابطه شد در اینمکان کمر

1890

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله  
والحمد لله رب العالمين

کیمیائی غور و سیدہ صف  
از صفحہ ۲

لُجْلُل  
بَرْه

ع



يوم الفطر

بِكَ وَاجْتَدِبَ الْمُتَجَعُونَ الْإِمْنِ انْتَجِعْ فَضْلَكَ  
 بَابِكَ مَفْتُوحٌ لِلزَّاعِغِينَ وَجُودُكَ مُبَاحٌ  
 لِلسَّائِلِينَ وَإِعَانَتُكَ قَرِيبَةٌ مِنَ الْمُسْتَغِيثِينَ  
 لَا يَحْبِبُ مِنْكَ الْإِمْلُونَ وَلَا يَبْشُرُ مِنْ  
 عَطَائِكَ الْمُتَعَرِّضُونَ وَلَا يَشْفِي نِقْمَتِكَ  
 الْمُسْتَغْفِرُونَ رِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِعَصَاكَ  
 وَحِلْمُكَ مُعْتَرِضٌ لِنَاوَاكَ عَادَتُكَ  
 الْإِحْسَانُ إِلَى الْمُسِيئِينَ وَسُنَّتُكَ الْإِبْقَاءُ  
 عَلَى الْمُعْتَدِينَ حَتَّى لَقَدْ غَرَّتْهُمْ أَنَاثُكَ

يوم الفطر

عَنِ الرُّجُوعِ وَصَدَّهِمْ إِمْنُهَا لَكَ عَنِ التَّرَوُّعِ  
 وَإِنَّمَا تَأْتَيْتَ بِهِمْ لِيَفِيُوا إِلَى أَمْرِكَ وَ  
 أَمَلَتْهُمْ ثِقَةً بِدَوَامِ مُلْكِكَ فَرَجَكَ  
 مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ حَقَمْتَ لَهُ بِهَا وَمَنْ كَانَ  
 مِنْ أَهْلِ الشَّقَاوَةِ خَذَلَتْهُ لَهَا كُلُّهُمْ  
 صَائِرُونَ إِلَى حُكْمِكَ وَأُمُورُهُمْ أَيْلَةٌ إِلَى  
 أَمْرِكَ لَمْ يَهْنِ عَلَى طَوْلِ مُدَّتِهِمْ سُلْطَانُكَ  
 وَلَكِنْ حَضَرَ لِرَّكَ مُعَاجِلَتُهُمْ بِرَهَانِكَ  
 حُكْمُكَ قَائِمَةٌ وَسُلْطَانُكَ ثَابِتٌ لَا يَزُولُ

میرزا محمد کاظم  
 میرزا محمد کاظم  
 میرزا محمد کاظم









يوم الفطر

غَسَّنَكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصِيَ بِأَسْمَافِهَا وَأَحْسَنًا  
 نعمت تو بیشتر است از آنکه بشمار دهی تمام آن و احسن آن  
 أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُشْكِرَ عَلَى أَقْلِهِ وَقَدْ قَصَّرَ بِي  
 زیاده است از آنکه تشکر کرده باشی بر کمترین و قد قصری  
 السَّكُوتُ عَنْ تَحْمِيدِكَ وَفَهْمِي لِمَنْسَأَلِ  
 خاموشی از سپاس کردن تو و در نهان کردن مرا با سپاس تو  
 عَزَّجَدِيدُ وَقَصَارَايَ الْأَفْرَارِ بِالْحُسُورِ  
 از بزرگوارترین تو و نهایت کارهای افروخته است به رها کردن  
 لَا رَغْبَةَ يَا إِلَهِي بَلْ عَجَزَافَهَا أَنَا ذَا أَوْفُكَ  
 نه از دوری نیست از رضایت تو بلکه از دوری پس از آنکه تو را  
 بِالْوَفَادَةِ وَأَسْأَلُكَ حُسْنَ الرِّفَادَةِ  
 با عهد تو و میطلبم از تو نیکوکاری  
 فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاسْمَعْ جَوَائِیَ وَاسْتَجِبْ  
 پس صلاه بخوان بر محمد و آل او و بشنو و از دعا و اجابت آن  
 دُعَائِي وَلَا تَخْتِمْ يَوْمِي خِيبَتِي وَلَا تَجْهَنِي  
 دعا مرا و ختم نکن روز مرا بنیستداری و بهیبت نماند  
 بِالرَّدِّ فِي مَسْئَلَتِي وَأَكْرِمْ مِنْ عِنْدِكَ  
 به رد کردن در سوال من و گرامی گردان از نزد خود

يوم عرفة

مُنْصَرَفِي وَإِلَيْكَ مُنْقَلِبِي إِنَّكَ غَيْرُ ضَائِقٍ  
 باز گردیدن مرا و بهیجرت تو بازگشت مرا چه سست کرد تو تنگ نیست  
 بِمَا تَرِيدُ وَلَا عَاجِزٌ عَمَّا تَسْأَلُ وَأَنْتَ عَلَى  
 آنچه خواهی و نه عاجز از آنچه از تو طلبی و تو بر  
 كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ  
 همه چیز بنیست تو ای اله و نه نیرو و نه قوت الا بالله  
 وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ عَرَفَةِ  
 و بود از دعاهای بزرگوار علی علیه السلام در روز عرفه  
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ لَكَ التَّخَدُّدُ  
 تسبیح پس بر خدا را که پروردگار عالمی است و در خوار شدن بر تو تسبیح  
 بَدِيعِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ  
 از پروردگار آسمانها و زمین و از خداوند بزرگواری  
 رَبِّ الْأَبْوَابِ وَالْإِلَهَ كُلِّ مَأْوٍ  
 پروردگار درگاهها و اله هر مأوی  
 وَخَالِقِ كُلِّ مَخْلُوقٍ وَوَارِثِ كُلِّ شَيْءٍ  
 و آفریننده هر چیزی و وارث هر چیزی  
 لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَلَا يُعْزَبُ عَنْهُ عِلْمٌ  
 نیست مثل او چیزی و او را نیست از او دانستن

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 اللهم صل على محمد و آل محمد  
 و اعزهم في دار الدنيا و الآخرة  
 آمين

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 اللهم صل على محمد و آل محمد  
 و اعزهم في دار الدنيا و الآخرة  
 آمين









الْمُبْتَغَاتِ بِلَا اخْتِلَاءٍ أَنْتَ الَّذِي قَدَّرْتَ  
 كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا وَتَسَرَّتْ كُلَّ شَيْءٍ تَسِيرًا  
 وَدَبَّرْتَ مَا دُونَكَ تَدْبِيرًا أَنْتَ الَّذِي  
 لَمْ يُعْنِكَ عَلَى خَلْقِكَ شَرِيكَ وَلَمْ يُؤَازِرْكْ  
 فِي أَمْرِكَ وَزِيرٌ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ مُشَاهِدٌ وَلَا  
 نَظِيرٌ أَنْتَ الَّذِي أَرَدْتَ فَكَانَ جَمًّا  
 مَا أَرَدْتَ وَقَضَيْتَ فَكَانَ عَدْلًا مَا  
 قَضَيْتَ وَحَكَمْتَ فَكَانَ بَصْفًا مَا  
 حَكَمْتَ أَنْتَ الَّذِي لَا يَحُولُكَ مَكَانٌ وَ  
 لَا يَمُوتُكَ زَمَانٌ

بچه گرفت  
 نسبت من تو خدایا

لَمْ يَقُمْ لِسُلْطَانِكَ سُلْطَانٌ وَلَمْ يُعْنِكَ بُرْهَانٌ  
 وَلَا بَيَانٌ أَنْتَ الَّذِي أَحْصَيْتَ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا  
 وَجَعَلْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَمْدًا وَقَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ  
 تَقْدِيرًا أَنْتَ الَّذِي قَصَرْتَ الْأَوْهَامَ  
 عَنْ ذَاتَيْتِكَ وَعَجَزْتَ الْأَفْهَامَ عَنْ كَيْفِيَّتِكَ  
 وَلَمْ تُدْرِكِ الْأَبْصَارُ مَوَاضِعَ إِبْدَانِكَ أَنْتَ  
 الَّذِي لَا تَحْدُ فَتَكُونُ مَحْدُودًا وَلَمْ تُشَبَّلْ  
 فَتَكُونُ مَوْجُودًا وَلَمْ تَلِدْ فَتَكُونِ مَوْلُودًا  
 أَنْتَ الَّذِي لَا ضِدَّ مَعَكَ فَيُعَانِدُكَ وَلَا  
 لَا يَمُوتُكَ زَمَانٌ

بچه گرفت  
 نسبت من تو خدایا





معك  
مرا

عَدَلَ فَبَكَرْتُكَ وَلَا تَذَلَّكَ فَبَعَارَضَكَ

مناجیه: من بعد که بدو تو و بخت مانده در توبه پس برادر کند و تو

أَنْتَ الَّذِي ابْتَدَأَ وَاخْتَرَعَ وَاسْتَخْلَصْتَ

تو ای که آغاز کردی و از نو پدید آوردی و نجات دادی

وَابْتَدَعَ وَأَحْسَنَ صَنَعَ مَا صَنَعَ سُبْحَانَكَ

و پدید آوردی و نیکوتر کردی کردن آنچه کردی پاک تو

مَا أَجَلَ شَأْنِكَ وَأَسْنَى فِي الْأَمَانِ

چه زود گشت کار تو و چه بدست در ایمنی

مَكَانَكَ وَأَصْدَعَ بِالْحَقِّ فِرْقَانِكَ سُبْحَانَكَ

جای تو و پدید آوردی حق با حقان تو سبحان تو

مِنْ لَطِيفٍ مَا الْطَفَكَ وَرَوْفٍ مَا أَرْوَفَكَ

از ان لطیف کننده چه لطفت کننده و از ان مودت چه مودت دادی

وَحَكِيمٍ مَا اعْرِفَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ

و از ان حکیم چه بشناسد سالی پاک تو از ان

مَلِكٍ مَا أَمْسَعَا وَجُودًا مَا أَوْسَعَكَ وَ

پادشاه چه چه عالی و از ان گنجینه چه تو را گنج

رَفِيعٍ مَا أَرْفَعَكَ دُؤَالِ الْهَيْاءِ وَالْمَجْدِ

عزیز چه چه بلند اندام و جمال و بزرگو

الْكِبَرِيَاءِ وَالْحَمْدُ سُبْحَانَكَ بَسَطْتَ بِالْخَيْرَاتِ

بزرگواری و سپاس پاک تو گسترده به نیکیها

يَدَكَ وَعَرَفْتَ الْهَدَايَةَ مِنْ عِنْدِكَ فَمَنْ

دست خود را و شناخت هدایت بهت از نزد تو پس هر که

الْمَتَّسِكُ لِدِينِ أَوْ دُنْيَا وَجَدَكَ سُبْحَانَكَ

طلب کرد تو را از دین یا دنیا یافت ترا پاک تو

خَضَعَ لَكَ مَنْ جَرَى فِي عِلْمِكَ وَخَشَعَ

سجود کرد تو را هر که در علم تو و خستید

عِظَمَتِكَ مَا دُونَ عَرْشِكَ وَانْقَادَ

بزرگواری تو را آنچه درود عرش تو و گردان نهاد

لِلْإِسْلَامِ لَكَ كُلُّ خَلْقِكَ سُبْحَانَكَ لَا

در چهار گوشه تو در اسلام هر که آفریدت پاک تو

تَحَسُّ وَلَا تَحْسُ وَلَا تَحْسُ وَلَا تَحْسُ وَلَا تَحْسُ وَلَا

عجز نکند و عجز نکند و عجز نکند و عجز نکند و عجز نکند و عجز نکند

تُطَا وَلَا تُقَالِبُ وَلَا تُخَانُ وَلَا تُتَارَعُ

همه را در بر نگیرد و در بر نگیرد و در بر نگیرد و در بر نگیرد

وَلَا تُتَارَى وَلَا تُتَارَى وَلَا تُتَارَى وَلَا تُتَارَى

و غلبه نکند و غلبه نکند و غلبه نکند و غلبه نکند

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا  
هداه الله لنا  
بالحق والهدى

بدر کرد می شود





وَلَا تُنَاكَرُ سُبْحَانَكَ سَبِيلَكَ جَدِّدْ وَأَمُرْكَ  
 رَشِدْ وَأَنْتَ حَيٌّ صَدُّ سُبْحَانَكَ قَوْلُكَ  
 حُكْمٌ وَقَضَاءٌ وَكَحْمٌ وَإِرَادَتُكَ عَزْمٌ  
 سُبْحَانَكَ لَا رَادَّ لِحُكْمِكَ وَلَا مُبَدِّلَ  
 لِكَلِمَاتِكَ سُبْحَانَكَ يَا هُوَ الْآيَاتِ فَاطِرُ  
 السَّمَوَاتِ بَارِئُ الشَّيْءِ لَكَ الْحَمْدُ  
 حَمْدًا يَدُومُ يَدَوَامِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ  
 حَمْدًا خَالِدًا نِعْمَتِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا  
 يُوَاظِي صُنْعَكَ وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَزِيدُ عَلَى

رَضَاكَ وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ خَدِّ كُلِّ حَامِدٍ  
 وَشُكْرًا يَقْصُرُ عَنْهُ شُكْرُ كُلِّ شَاكِرٍ حَمْدًا  
 لَا يَنْبَغِي إِلَّا لَكَ وَلَا يَنْقَرِبُ بِهِ إِلَّا إِلَيْكَ  
 حَمْدًا يُسْتَدَامُ بِهِ الْأَوَّلُ وَلَيْسَ دَعَا  
 الْأَخِرُ حَمْدًا يَتَضَاعَفُ عَلَى كُرُورِ الْأَزْمِنَةِ  
 يَتَزَايِدُ أَضْعَافًا مُتَرَادِفَةً حَمْدًا يَعْجُزُ عَنْ  
 اخْتِصَافِهِ الْخَفِظَةُ وَيَزِيدُ عَلَى مَا اخْتَصَتْهُ  
 فِي كِتَابِكَ الْكَتْمَةُ حَمْدًا يُوَاظِي عَرْشَكَ  
 الْحَمْدُ وَيُعَادِلُ كُرْسِيَكَ الرَّفِيعُ حَمْدًا

چون خدا را بشارت دهد که این دعا را بخواند  
 پس از این دعا اول دعا خواند  
 کند و در هر روز بخواند





يَكْمُلْ لَكَ ذَنْبُكَ تَوَابُهُ وَيَسْتَعْرِقُ كُلَّ جَزَاءٍ  
 جَزَاؤُهُ حَسْبُ طَاهِرُهُ وَقَوْلُ لِبَاطِنِهِ وَ  
 بَاطِنُهُ وَقَوْلُ صَدَقَ إِلَهِي خَدَّاهُ يَحْذَرُكَ  
 خَلْقُ مِثْلِهِ وَلَا يَعْرِفُ أَحَدُ سِوَاكَ قَضَا  
 حَسْبُ دُعَايَا مَنْ اجْتَمَدَ فِي تَعْدِيدِهِ  
 وَتَوَكَّدَ مَنْ اغْرَقَ نَزْعًا فِي تَوْفِيَّتِهِ حَسْبُ  
 يَجْمَعُ مَا خَلَقْتَ مِنَ الْحَدِّ وَيَنْظُمُ مَا أَنْتَ  
 خَالِقُهُ مِنْ عِبْدٍ حَسْبُ أَحْسَنُ أَقْرَبُ  
 إِلَى قَوْلِكَ مِنْهُ وَلَا أَخْذُ مِنْ نَجْدِكَ بِهِ

حَدَّاهُ يَوْجُ بِكَرَمِكَ الْمَزِيدُ بِوُفُورِهِ وَ  
 تَصَلُّهُ بِمَزِيدٍ بَعْدَ مَزِيدٍ طَوَّلَ لَمَنَّا حَسْبُ  
 حَسْبُ لِكْرَمِكَ وَجْهَكَ وَيَقَابِلُ عِزَّ  
 جَلَالِكَ رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ  
 الْمُصْطَفَى الْمَكْرَمِ الْمُقَرَّبِ أَفْضَلُ صَلَوَاتِكَ  
 وَبَارِكْ عَلَيْهِ أَتَمُّ بَرَكَاتِكَ وَتَرْجَمْ عَلَيْهِ  
 أَمْتَعِ رَحْمَتَاكَ رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ  
 صَلَوةً زَاكِةً لَا تَكُونُ صَلَوةً أَرَكِي مِنْهَا  
 وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَوةً نَامِيَةً لَا تَكُونُ صَلَوةً

شده است



کتابخانه مجلس شورای ملی

از انوار کرامت

از انوار کرامت



أَتَمَّ مِنْهَا وَصَلَّ عَلَيْهِ وَاللَّهُ صَلَوةً رَاضِيَةً  
 لَا تَكُونُ صَلَوةٌ قَوْفَهَا رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
 وَاللَّهُ صَلَوةً تُرْضِيهِ وَتُرِيدُ عَلَى رِضَاهُ  
 وَصَلَّ عَلَيْهِ صَلَوةً تُرْضِيكَ وَتُرِيدُ  
 عَلَى رِضَاكَ لَهُ وَصَلَّ عَلَيْهِ وَاللَّهُ صَلَوةً  
 لَا تُرْضِي لَهُ بِهَا وَلَا تُرِي غَيْرَ لَهَا أَهْلًا  
 رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَاللَّهُ صَلَوةً تَجَاوِزُ رِضَا  
 وَيَتَّصِلُ أَتْصَا لَهَا بِقَائِكَ وَلَا يَنْفَدُ كَمَا  
 لَا تَنْفَدُ كَلِمَاتُكَ رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

الاله

وَاللَّهُ صَلَوةً تَنْظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ  
 وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ وَ  
 تَشْتَمِلُ عَلَى صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جَنَّتِكَ وَ  
 أَنْسِكَ وَأَهْلِ اجَابَتِكَ وَتَجْمَعُ عَلَى صَلَوةٍ  
 كُلِّ مَنْ ذَرَاتٍ وَبَرَاتٍ مِنْ أَصْنَافٍ  
 خَلَقَكَ رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَاللَّهُ صَلَوةً  
 بِكُلِّ صَلَوةٍ سَالِفَةٍ وَمُسْتَأْنَفَةٍ وَصَلَّ  
 عَلَيْهِ وَاللَّهُ صَلَوةً مَرْضِيَّةً لَكَ وَلِمَنْ  
 دُونَكَ وَتَنْشِئُ مَعَ ذَلِكَ صَلَوَاتٍ تَضَاهِي

على



کتابخانه

مخطوطات

تاریخ

مخطوطات

تاریخ

مخطوطات



مَعَهَا تِلْكَ الصَّلَوَاتُ عِنْدَهَا وَتَزِيدُهَا  
 بِأَنْتَ أَنْ دَعَمْتَ نَوَافِلَ دَعَمْتَهَا وَزِيَادَ كُنْهَا  
 عَلَى كُرُورِ الْأَيَّامِ زِيَادَةً فِي تَضَاعُفٍ  
 بِرُكُوعِ كُنْهَا وَزِيَادَةً فِي تَضَاعُفٍ  
 لَا يَعُدُّهَا غَيْرُكَ رَبِّ صَلِّ عَلَى طَائِفِ أَهْلِ  
 زَمَانٍ شَرِّهَا غَيْرُكَ رَبِّ صَلِّ عَلَى طَائِفِ أَهْلِ  
 بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِمَرْكَ وَجَعَلْتَهُمْ  
 بَيْتَ أَوْ أَمَلَكُ بَرَكَةِ بَيْتِهِ زِيَادَةً لِمَرْكَ وَجَعَلْتَهُمْ  
 خَزَنَةً عَلَيْكَ وَحَفَظَةً دِينِكَ وَخَلْقَةً  
 تَوَاضَعُوا لِعِلْمِ خُودِ وَتَكَلَّمَ دَارَانِ دِينِ خُودِ وَجَعَلْتَهُمْ  
 فِي أَرْضِكَ وَجَحَّكَ عَلَى عِبَادِكَ وَطَهَّرَهُمْ  
 مِنْ الرِّجْسِ وَاللَّئِيسِ تَطْهِيرًا يَا رَأْدَتِكَ  
 أَزْ بَيْتِكَ وَجَعَلْتَهُمْ لِمَرْكَ وَجَعَلْتَهُمْ  
 وَجَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ وَالْمَسْلُوكَ  
 إِلَيْكَ يَا رَأْدَتِكَ وَجَعَلْتَهُمْ لِمَرْكَ وَجَعَلْتَهُمْ  
 إِلَى جَنَّتِكَ رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوةً  
 بِرُكُوعِ خُودِ وَجَعَلْتَهُمْ لِمَرْكَ وَجَعَلْتَهُمْ لِمَرْكَ وَجَعَلْتَهُمْ

تَجَزَّلَ لَهُمْ بِهَا مِنْ خَلْقِكَ وَكَرَامَتِكَ  
 بِرُكُوعِ كُنْهَا وَجَعَلْتَهُمْ لِمَرْكَ وَجَعَلْتَهُمْ  
 وَتَكْمِلَ لَهُمُ الْأَشْيَاءَ مِنْ عَطَايَاكَ  
 وَكَرَامَتِكَ بِرُكُوعِ كُنْهَا وَجَعَلْتَهُمْ  
 وَتَوَافَلِكَ وَتَوْفُرَهُمُ الْخَطْمُ مِنْ عَوَائِدِكَ  
 وَتَوَافَلِكَ وَتَوْفُرَهُمُ الْخَطْمُ مِنْ عَوَائِدِكَ  
 وَتَوَافَلِكَ وَتَوْفُرَهُمُ الْخَطْمُ مِنْ عَوَائِدِكَ  
 صَلَوةً لَا أَمَدَ فِي أَوَّلِهَا وَلَا خَاتِمَةَ لِمَرْكَهَا  
 وَجَعَلْتَهُمْ لِمَرْكَ وَجَعَلْتَهُمْ لِمَرْكَ وَجَعَلْتَهُمْ  
 وَلَا نَهَايَةَ لِآخِرِهَا رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ  
 زِنَةَ عَرْشِكَ وَمَادُونَهُ وَمَلَأْهُمْ مَوَائِدِكَ  
 وَمَا فَوْقَهُنَّ وَعَدَدَ أَرْضِكَ وَمَا تَحْتَهُنَّ  
 وَمَا بَيْنَهُنَّ صَلَوةً تَقَرَّبَهُمْ مِنْكَ وَجَعَلْتَهُمْ  
 وَجَعَلْتَهُمْ لِمَرْكَ وَجَعَلْتَهُمْ لِمَرْكَ وَجَعَلْتَهُمْ

طهيم



وَتَكُونُ لَكَ وَلَهُمْ رِضًا وَمُتَّصِلَةً بِنِطَاقِ هُنَّ  
 و باشد برای تو و برای ایشان خوشنود و پیوسته باشد با نیت از برای خدا  
 اَبَدًا اَللّهُمَّ اَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ  
 همیشه خداوند اجرستی که توفیق دادی در دین خود و در هر  
 اَوَانٍ بِامَامٍ اَقَمْتَهُ عَلَا الْعِبَادَةِ وَ  
 زمام بر پیشوایان که بر پا کردی و در ایشان نه برای بندگان خود و  
 مَنَارًا فِي بِلَادِكَ بَعْدَكَ وَصَلْتَ  
 علامتی در شهرهای خود پس از آنکه پیوسته کردی  
 حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ وَجَعَلْتَهُ الذَّرِيعَةَ اِلَى  
 پیمان او را به پیمان خود و کردی اندر او را وسیله بسوی  
 رِضْوَانِكَ وَافْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ وَحَدَّرْتَ  
 خوشنودی خود و فرض کردی طاعت او را و ترسانیدی  
 مَعْصِيَتَهُ وَامَرْتَ بِامْتِثَالِ اَوَامِرِهِ وَ  
 از نافرمانی او و او را در پیروی او امر نمودی او را و  
 الْاِتِّهَاءَ عِنْدَ نَهْيِهِ وَالْاِتِّفَاقَ مَعَهُ مُنْقَدِمٌ  
 باز ایستادن نزد نهی او و اینکه پیش از دست او را پیش  
 وَلَا يَتَأَخَّرُ عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ فَهُوَ عَصْمَةُ الدَّاهِلِينَ  
 و او پس از او از او پس رونده ایست نیکو دانه بنده کبریا

وَكَفَفُ الْمُؤْمِنِينَ وَعُرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِينَ وَ  
 و نگه داشتی مؤمنان و عرویه نگه داشتی آنکه از دست نمانند  
 بَهَاءِ الْعَالَمِينَ اَللّهُمَّ فَاَوْزِعْ لَوْلِيكَ  
 تجویز کن عالمیان خداوند پس برای آنکه از جهان دوری  
 شُكْرًا اَفْعَمْتَ بِهِ عَيْنَكَ وَ اَوْزَعْنَا مِثْلَهُ  
 شکر بکنیم انعام کرده ای بر ما و دوری از ما را مانند  
 فِيهِ وَاَقِمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا  
 در بارگاه او و بپایان آور از نزد خود و بپایان آور  
 وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا وَاعِنَهُ بِرُكْنِكَ  
 و گشاید برای او راه را که آسان باشد و او را در رکن خود  
 الْاَعِزَّ وَاشْدُدْ اَزْرَهُ وَقَوِّعْ صُدْرَهُ  
 عزیزتر کن و تقویت کن او را و قوت ده به سینه او را  
 وَرَاعِهِ بِعَيْنِكَ وَاحْجِهْ بِحِفْظِكَ وَ  
 و درایت کن او را به دیده خود و جهت کن او را بحفظ خود  
 اَنْصُرَهُ بِمَلَأَتِكَ وَامُدَّهُ بِمُحْنِكَ  
 نصرت ده او را بپشتت خود و مدد ده او را بپشت خود  
 الْاَضْلَبُ وَاَقْرِمْ بِهِ كِتَابَكَ وَحُدُودَ  
 غلبه کند و آگاه سازد او با کتاب خود و حدود خود



بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم



وَشَرَّاعِيكَ وَسُنَّ رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ  
 و شرف خدا و شرف رسول خدا را  
 اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآخِيهِ مَا  
 خداوند ما را و بر آل او و بر خاندان او  
 اَمَانَةً الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ وَ  
 میرانده ایستگار را از نشانه های دین تو و  
 اجْلُ بِهِ صَدْرَ الْجَزَعِ عَنْ طَرِيقِكَ وَابْنِ  
 بدو از درد از راه تو و از راه تو  
 بِهِ الصَّرَاءَ عَنْ سَبِيلِكَ وَازِلْ بِهِ الشَّكَّ  
 بدو از غم از راه تو و از راه تو  
 عَنْ صِرَاطِكَ وَانْحَقْ بِهِ بُعَاةَ قُصْدِكَ  
 از راه تو و نیست از راه تو  
 عَوَجًا وَالْجَانِبَهُ لِأَوْلِيَائِكَ وَابْسُطْ  
 بگی و نرم کن جانب او را از برای دوستان خود و بکش  
 يدهُ عَلَى أَعْدَائِكَ وَهَبْ لَنَا رَافِقَهُ  
 دست او را بر دشمنان خود و ببخش ما را همراه او  
 وَرَحْمَتَهُ وَتَقَطُّفَهُ وَتَحَنُّنَهُ وَاجْعَلْنَا  
 و رحمت او و شگفت او و دانا او و بگردان او

بفرستد که از راه تو  
 بفرستد که از راه تو  
 بفرستد که از راه تو

لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ فِي رِضَاهُ سَاعِينَ  
 پذیرا را و شنونده ها را و در رضا او گوش شنونده ها را  
 وَآلِي نَصْرَتِهِ وَالْمُدَافِعَةَ عَنْهُ مُكِنِّينَ وَ  
 و بر سر نصرت او و دفع کردن از او و پدید کننده ها را و  
 إِلَيْكَ وَآلِي رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ اَللّهُمَّ  
 بفرستد و بر سر رسول تو و شرف تو خداوند  
 عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ مُنْقَرِبِينَ اَللّهُمَّ وَصِّلْ  
 بدو و بر آل او با این نزدیکی ها که خداوند او را و رحمت تو  
 عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمُ الْمُشْعِينَ  
 بر دوستان ایشان که اعتراف کنند به مرتبت ایشان و متابعت کنند  
 مِنْهُمْ الْمُتَقَنِّينَ ثَارَتُهُمُ الْمُتَمَسِّكِينَ  
 راه و اخراج ایشان را و پیروان ایشان را و ثبات ایشان را و استقامت ایشان را  
 بِعُرْوَتِهِمُ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَتِهِمُ الْمُؤْتَمِنِينَ  
 بچنگ داشتن ایشان را و چسبیدن ایشان را به دوستی ایشان را و اعتماد ایشان را  
 بِأَمَانَتِهِمُ الْمُسْلِمِينَ لِأَمْرِهِمُ الْمُجْتَهِدِينَ  
 با امانت ایشان را که در امر ایشان را کوشش کنند و استقامت کنند  
 فِي طَاعَتِهِمُ الْمُتَنَظِّرِينَ أَيَّامَهُمُ الْمَادِّينَ  
 در فرود ایشان را و انتظار ایشان را و روز ایشان را و کفایت ایشان را

بفرستد که از راه تو  
 بفرستد که از راه تو  
 بفرستد که از راه تو



بفرستد که از راه تو  
 بفرستد که از راه تو  
 بفرستد که از راه تو



إِلَيْهِمْ أَعْيُنُهُمُ الصَّلَوَاتُ الْمُبَارَكَاتُ  
 الزَّكَايَاتُ وَسَلَامٌ عَلَيْهِمْ وَعَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ  
 وَاجْمَعْ عَلَى الثَّقَوَىٰ أَمْرَهُمْ وَأَصْلِحْ شُؤْنَهُمْ  
 وَتَبَّ عَلَيْهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ وَخَيْرُ  
 الْغَافِرِينَ وَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ السَّلَامِ  
 بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمُ  
 عَرَفَةَ يَوْمٌ شَرَّفَتْهُ وَكُرِّمَتْهُ وَعَظُمَتْهُ  
 نَشَرْتُ فِيهِ رَحْمَتَكَ وَمَسَّنْتُ فِيهِ  
 بِعَفْوِكَ وَأَجَزْتُ فِيهِ عَظِيمَتَكَ وَتَفَضَّلْتُ

بغیر از ستم اهل بیت

کلمه

و

یا این روز عرفت

بِهِ عَلَى عِبَادِكَ اللَّهُمَّ وَأَنَا عَبْدُكَ الَّذِي  
 أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ قُلْ خَلَقَكَ لَهُ وَبَعْدَ  
 خَلْقِكَ إِثَاءً فَجَعَلْتَهُ مِنْ هُدًى لِدِينِكَ  
 وَوَقَّعْتَ لِحَقِّكَ وَعَصَمْتَ بِحَبْلِكَ وَ  
 أَدَخَلْتَهُ فِي حَرْبِكَ وَأَرْشَدْتَهُ لِمَوَالَاةِ  
 أَوْلِيَائِكَ وَمُعَادَاةِ أَعْدَائِكَ تَمَّ أَمْرُهُ  
 فَلَمْ يَأْتِرْ وَزَجَرْتَهُ فَلَمْ يَنْجِرْ وَنَهَيْتَهُ عَنْ  
 مَعْصِيَتِكَ فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَىٰ هَيْئِكَ  
 لَا مُعَانَدَةَ لَكَ وَلَا اسْتِكْبَارًا عَلَيْكَ

بغیر کار آوردن خود



از زمانه ابراهیم  
تا زمانه محمد

در روز عرفه  
در روز عید







عِبَادِكَ وَاتَّقِ وَأَنْتَ لَمْ أَقْدِرْ مَا قَدَّمْتَهُ  
 مِنْ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتَ تَوْحِيدَكَ  
 وَتَقَى الضُّدَّ وَالْأَنْتَادَ وَالْأَشْبَاهَ  
 عَنْكَ وَآتَيْتَكَ مِنَ الْأَجْوَابِ الَّتِي أَمَرْتَ  
 أَنْ تُؤْتَى مِنْهَا وَتَقَرَّبْتَ إِلَيْكَ بِمَا لَا يُقَرَّبُ  
 بِهِ أَحَدٌ مِنْكَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِنَّ ثُمَّ اتَّبَعْتَ  
 ذَلِكَ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ وَالتَّذَلُّلِ وَ  
 الْأَسْتِكَانَةِ لَكَ وَحُسْنِ الظَّنِّ بِكَ  
 وَالثِّقَةِ بِمَا عِنْدَكَ وَشَفَعْتَهُ بِرَجَائِكَ  
 وَرَحْمَتِكَ

بغیر از طریق معصیت و غیر از راه اولی  
 او صواب است و معصیت را که او را نهاده  
 پس خود را خاضع  
 بجز آن بجز این و پس و آنچه بجز آن  
 مذکور شده و مراد اینست که  
 آنرا کرده ام و پس از آن  
 خود را بجا آورده ام

بیشتر

الَّذِي قُلْتُ مَا يَحْبِبُ عَلَيْهِ رَاحِيكَ وَ  
 سَأَلْتُكَ مَسْئَلَةَ الْفَقِيرِ الدَّلِيلِ الْبَاسِ  
 الْفَقِيرِ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ وَمَعَ ذَلِكَ  
 خِيفَةٌ وَتَضَرُّعٌ وَتَعَوُّذٌ وَتَلَوُّدٌ لَا  
 مُسْتَطِيلًا يَتَكَبَّرُ الْمُتَكَبِّرِينَ وَلَا مُتَعَالِيًا  
 يَدَالَةُ الْمُطِيعِينَ وَلَا مُسْتَطِيلًا يَشْفَاعُ  
 الشَّافِعِينَ وَأَنَا بَعْدُ أَقْلُ الْأَقْلَى وَأَذَلُّ  
 الْأَذَلِّينَ وَمِثْلُ الذَّرَّةِ أَوْ دُونََهَا فَيَا  
 مَنْ لَمْ يُعَاجِلِ الْمُسِيئِينَ وَلَا يَنْدُرُ الْمُتَرَفِّعِينَ

بغیر از این و حالها را می بینم  
 از او ترس  
 یا خدا و در وقت این  
 بجز او چه اینها

آنکه نخواهد که من را بداند  
 و منم پس ازین کمترین کمترین  
 و خوارتران  
 و مانند مورچه  
 یا کمتر از آن پس  
 آنکه نخواهد که من را بداند  
 و منم پس ازین کمترین کمترین



کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه



وَيَا مَنْ عَيْنُ بَاقَالَةِ الْعَاثِرِينَ وَتَفْضُلُ  
 وَارَ كَمُ الْغَامِ مَكِينُهُ جَوَازُ شَيْئِهِ اِنْ اَنْزَلَ مَكَانَ وَتَفْضُلُ مَكِينُهُ  
 بِاِنْظَارِ الْخَاطِئِينَ اَنَا الْمُسِيءُ الْمُعْتَرِفُ  
 تَهْلُكْتُ دَاوِدَ كَمَا كُنْتُ دَاوِدَ مِنْ جَوَارِ اَهْلِي كَلْبَةٍ  
 الْخَاطِئُ الْعَاثِرُ اَنَا الَّذِي اَقْدَمَ عَلَيْكَ  
 خَطَاكَ بِرَدِّ رَأْيِهِ مِنْ كَلْبَةٍ اَقْدَمَ كُودَ بَرَوِ  
 مُجْتَرِئًا اَنَا الَّذِي عَصَاكَ مُتَجَدِّدًا اَنَا الَّذِي  
 جَرَّاسْتُ كُودَ مِنْ كَلْبَةٍ نَافَرُهُ لَمْ كُودَ اَزْوَاجَهُ مِنْ كَلْبَةٍ  
 اسْتَحْفَى مِنْ عِبَادِكَ وَبَارَزَكَ اَنَا الَّذِي  
 بَهَانُ كُودَ اَزْوَاجَهُ كَانُ نُو اَهْلِي كَرْدِشِي مِنْ كَلْبَةٍ  
 هَابَ عِبَادَكَ وَآمَنَكَ اَنَا الَّذِي لَمْ  
 نَرَسِيدُ اَزْوَاجَهُ كَانُ نُو دَاوِدَ شَدَّ اَزْوَاجَهُ كَلْبَةٍ  
 يَرْهَبُ سَطَوَتَكَ وَلَمْ يَخَفْ بَاسَكَ اَنَا  
 نَرَسِيدُ اَزْوَاجَهُ نُو دَاوِدَ شَدَّ اَزْوَاجَهُ كَلْبَةٍ  
 الْجَانِي عَلَى نَفْسِهِ اَنَا الْمُرْتَهَنُ بِبَلِيَّتِهِ  
 كَلْبَةٍ كَارِ بَرَفْسِي خُودَ مِنْ كُودَ كُودَ شَدَّ سَبَرِ خُودَ  
 اَنَا الْقَلِيلُ الْحَيَاءُ اَنَا الطَّوِيلُ الْعَنَاءُ  
 مِنْ اَهْلِي كَلْبَةٍ شَدَّ مِنْ دَاوِدَ رَجِي

يَحِقُّ مَنْ اَنْجَحْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَمَنْ اَضْطَفَيْتَهُ  
 بَلَّغَ اَكْبَرُ كَلْبَةٍ اَزْوَاجَهُ خُودَ وَبَلَّغَ اَكْبَرُ كَلْبَةٍ  
 لِنَفْسِكَ يَحِقُّ مَنْ اخْتَرْتَ مِنْ بَرِيَّتِكَ وَ  
 وَارَ خُودَ بَلَّغَ اَكْبَرُ اَخْتَرْتُ كُودَ اَزْوَاجَهُ كَلْبَةٍ  
 مِنْ اجْنَبِيَّتٍ لِسَانِكَ يَحِقُّ مَنْ وَصَلَتْ  
 اَكْبَرُ كَلْبَةٍ اَزْوَاجَهُ اَزْوَاجَهُ كَلْبَةٍ بَلَّغَ اَكْبَرُ كَلْبَةٍ  
 طَاعَتُهُ بِطَاعَتِكَ وَمَنْ جَعَلَ مَعْصِيَتَهُ  
 طَاعَتُهُ اَزْوَاجَهُ طَاعَتِكَ اَكْبَرُ كَلْبَةٍ مَعْصِيَتُهُ  
 كَعْصِيَّتِكَ وَجَوَّ مِنْ قَرْنَتِ مَوَالِيَتِهِ  
 اَكْبَرُ مَعْصِيَتِهِ خُودَ وَبَلَّغَ اَكْبَرُ اَكْبَرُ كَلْبَةٍ  
 بِمَوَالِيَّتِكَ تَعَدَّنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَعَدُّ  
 بِدَاوِدَ شَدَّ اَزْوَاجَهُ اَزْوَاجَهُ اَكْبَرُ كَلْبَةٍ  
 بِهِ مَرْجَبًا اِلَيْكَ مُنْصَلًّا وَعَادًا  
 بِدَاوِدَ شَدَّ اَزْوَاجَهُ اَزْوَاجَهُ كَلْبَةٍ اَزْوَاجَهُ  
 بِاسْتِغْفَارِكَ تَأْتِيًا وَتَوَلَّى بِمَا تَوَلَّى بِهِ  
 دَاوِدَ شَدَّ اَزْوَاجَهُ اَزْوَاجَهُ كَلْبَةٍ اَزْوَاجَهُ  
 اَهْلَ طَاعَتِكَ وَالرُّفَى لَدَيْكَ وَالْمَكَارِ  
 اَهْلُ طَاعَتِكَ تَوَخُّوْا دَاوِدَ اَهْلُ تَوَلَّى بِرِزْوَاجِهِ دَاوِدَ



بی معرفت

ادخودرا ریخته کنی و باقی بماند که در آن کبریا که وفادار

و در روز اندک است نفس خود را در ذات تو

کوشش و ادوار و جوش و درو و فکیر و

در حبس تو در زندان / و در زندان / و در زندان

در مدار تو و کلاشمن از مکه تو

دوسته را می گویند که بسبب است و این قدر

الکة بازداشت از این غیر الی نزدیک است و اما از شش قرار

در هر دو امدن حکمت او بین و الگه فرا از خواب

چیز و سبب اصراف اندمان

خوار شده کان و بکیر دل ما بسوزد که کار فرمودار

خود را در آنرا و به بندگی کوثر بآن برستندگان را

در آئینه ر بآن خوارشاهان

از این روز دیگر داندرا از تو و کبریا من و میان

بسم الله الرحمن الرحيم  
و بانه بعد از ما از آنچه قصد میکنم

از نزد تو داستان کن برانج ۱۵۵ نیکو بیجا لبورتو

و پشتر که خنک بود از آنجا که در صورت و

سنة ثمان وثمانين

در میان انکه میگوید از سبب سندان

بفرست و بنده کرامه از سهل  
مستورند

112

براهم تا جا در  
در قرائت مجید

جاءه

الحجرات

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

بجوریکو  
که از خود  
حق است که

۱۰۰

مجلس

مجلس

کران سیکو پنجاه و دو ساله

در این مکتب

تجلی: کتب

الحمد



تُهْلِكُنِي مَعَ مَنْ تُهْلِكُ مِنَ الْمُتَعَرِّضِينَ  
 هلاک کردن مرا با آنکه هلاک از فریبش آید کان  
 بِقِيَّتِكَ وَلَا تَبْرِيْ فِيمَنْ تَبْرِيْ مِنَ الْمُخْرَفِينَ  
 مروت مرا و هلاکت من را در میان آنکه هلاک میکنی از کوفتگان  
 عَنْ سُبُلِكَ وَحَجَّتِيْ مِنْ عَمَرَاتِ الْفِتْنَةِ  
 از راهها را و حاجت مرا از غمها را  
 وَخَلَصْنِيْ مِنْ لَهَوَاتِ الْبَلَوَى وَاجْرِيْ  
 و خلاص کن مرا از کاهنهای بلا و روان ده مرا  
 مِنْ اخِذِ الْاِمْلَاءِ وَخَلِّ بَنِيْ وَبَيْنَ عَدُوِّ  
 از گرفتن اعدا و در میان من و میان دشمن  
 يُضِلُّنِيْ وَهُوَ يُوَفِّيْ وَنَقْصَةٌ تَرْهَقُنِيْ  
 که گمراه میکند مرا و آنکه یاری میکند مرا و چیزی که کمبود میکند مرا  
 وَلَا تَقْرُضْ عَنِّيْ اِعْرَاضَ مَنْ لَا تَرْضَى  
 و رو کردن از من همچو رو کردن اینان از کسی که خوشنودند  
 عَنْهُ بَعْدَ غَضَبِكَ وَلَا تَوَلِّ سُنِّيْ مِنْ  
 از او پس از خشم خود و نوا میدهند مرا از  
 الْاَمَلِ فِيكَ فَيَغْلِبَ عَلَيَّ الْقُطُوبُ مِنْ  
 آرزو کردن از تو پس غلبه بر من تو میدار از

ایضا بسم الله الرحمن الرحيم  
 در روز عرفه و در روز نهم ماه ذی الحجه  
 از کفایت بطریق الهی و در روز نهم ماه ذی الحجه  
 که آن روز از روز عرفه است و در روز نهم ماه ذی الحجه

رَحْمَتِكَ وَلَا تَمْحَى عَمَّا لَا طَاقَةَ لِيْ  
 رحمت تو و محو مرا از آنچه طاقت نیست مرا  
 بِهِ فَتَهْطِئْ مِمَّا تَحْمِلُنِيْ مِنْ فَضْلِ  
 بآن پس گران گزین مرا از آنچه با سبب تو از زیادتی  
 مَحَبَّتِكَ وَلَا تُرْسِلْنِيْ مِنْ يَدِكَ اِرْسَالِ  
 محبت خود و سرحد مرا از دست خود سردار کردن  
 مِنْ لَا خَيْرَ فِيْهِ وَلَا حَاجَةَ يَكُ إِلَيْهِ وَ  
 نباشد خیر در او و نه حاجتی باشد ترا به او و  
 لَا اِنَابَةَ لَهُ وَلَا تَرْمِ بِيْ رَحْمِيْ مِنْ سَقَطِ  
 نه بازگشت باشد مرا و مینداز مرا از احسان کسی که افتاده باشد  
 مِنْ عِزِّ رِعَايَتِكَ وَمِمَّا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ  
 از چشم رعایت تو و کس که بگریزند از رحمت او را  
 الْخَيْرِ مِنْ عِنْدِكَ بَلْ خُذْ بِيْ مِنْ  
 رسوایی از نزد تو بلکه بگیر دست مرا از  
 سَقَطَةِ الْمُرْتَدِّينَ وَوَهْلَةِ الْمُتَعَسِّفِينَ  
 افتادن از گردن و از غفلت از راه روندگان  
 وَزَلَّةِ الْمَعْرُورِينَ وَوَرْطَةِ الْمَهَالِكِينَ  
 و لغزشیدن فریب داده شده و از هلاک شدن هلاک شدگان

بسم الله الرحمن الرحيم







یوم عرفه

وَرَدَّنِي رِداءَ مُعَافَاةِكَ وَجَلَّلَنِي سَوابِغِ  
 وَرَدَنِ بِجَشْتِ مَرادِ عافیت دادن و فروپاشان بر تمام  
 نِعْمَاتِكَ وَظَاهِرَ لَدُنِّي فَضْلِكَ وَطَوْلِكَ  
 نعمت خود را و ابراهیم کن از بزم فضل خود و عطا خود  
 وَأَيَّدَنِي بِتَوْفِيقِكَ وَتَسْدِيدِكَ وَأَعِنِّي  
 و تقویت مرا بتوفیق خود و تسدیع خود و ویران  
 عَلَى صَالِحِ الشَّيْءِ وَمَرْضِي الْقَوْلِ وَ  
 بقصد شایسته و گفتار پسندیده  
 مُسْتَحْسِنِ الْعَمَلِ وَلَا تُكَلِّبْنِي إِلَى حَوْلِي وَ  
 نکرد از بخت و دو انگیز مرا بحدی که بخواهم  
 قُوَّتِي دُونَ حَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَلَا تُخْرِجْنِي  
 قوت من نه قدرت تو و قدرت تو و رسوا کن مرا  
 يَوْمَ تَتَعَثَّرُنِي لِلْفَائِثِكَ وَلَا تَفْضَحْنِي بَيْنَ  
 روزی که برانگیزانی از بهار عاقبت خود و رسوا کن مرا پیش  
 يَدَيَّ أَوْلِيَاءِكَ وَلَا تُكْسِبْنِي ذِكْرَكَ  
 دوستان خود و غرض من را از یاد خود  
 وَلَا تُذْهِبْ عَنِّي شُكْرَكَ بَلْ الزِّمْنِيهِ فِي  
 و بر از من شکر خود بکن لازم گردان مرا

عزیز در چاک  
 نرسیده به توفیق  
 و تکیه از شکر تو

یوم عرفه

أَحْوَالِ السُّهُوِ غَفْلَاتِ الْجَاهِلِينَ  
 حالتهای سهو غفلت جاهلین  
 لَا لِأَيِّكَ وَأَوْزَعْنِي أَنْ أَتَيْنِي بِمَا أَوْلَيْتَنِيهِ  
 و نه تنها از تو و در احوال حق بر آنچه شما گویم تا آنچه عطا کرده مرا  
 وَأَعْرِفْ بِمَا أَسَدَيْتَهُ إِلَيَّ وَاجْعَلْ  
 و اعتراف کنم آنچه فرستاده بسورت و بگردان  
 رَغْبَتِي إِلَيْكَ فَوْقَ رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ  
 خواهش مرا بسورت بالاتر خواهش خواستندگان  
 وَحْدِي يَاكَ فَوْقَ حُدُودِ الْحَامِدِينَ وَ  
 و بسپار مرا بر تو بالاتر سپاس سپاس کنندگان  
 لَا تُخْذِلْنِي عِنْدَ فَاغَتِي إِلَيْكَ وَلَا تَمْلِكْنِي  
 خوار کردن مرا نزد غایت من به تو و دهان کن مرا  
 بِمَا أَسَدَيْتَهُ إِلَيْكَ وَلَا تُجْهِدْنِي بِمَا  
 آنچه فرستاده مرا تا بسورت و بر بخت از تو آنچه  
 جَهْتُ بِهِ الْمُعَانِدِينَ لَكَ فَإِنِّي لَكَ  
 بر بخت نمودم در وقت مستیزا کنندگان مرا تا ایستادن  
 مُسْلِمٌ أَعْلَمُ أَنَّ الْحُجَّةَ لَكَ وَأَنَّكَ أَوْلَى  
 گردان من تسلیم می دانم که حجت مراد است و اینکه تو سزاوارتر

بیشتر غفلت جاهلین  
 سزاوارتر از تو  
 و غرض من را از یاد خود

بیشتر از تو  
 و غرض من را از یاد خود

احوال



یوم عرفہ

بِالْفَضْلِ وَأَعُوذُ بِالْإِحْسَانِ وَأَهْلُ  
 التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ وَأَنْتَ يَا  
 تَعْفُو أَوْلَى مِنْكَ يَا نَقَّابَ وَأَنْتَ  
 يَا نَسْرَاقِبَ مِنْكَ إِلَى أَنْ تَشْهَرَ  
 فَأَجْنِي حِقْ طَبَّةً تَنْظُمُ مَا أُرِيدُ  
 وَتَبْلُغُ مَا أَحَبُّ مِنْ حَيْثُ لَا أَقِي مَا تَكْرَهُ  
 وَلَا أَرْتَكِبُ مَا نَهَيْتَ عَنْهُ وَأَمْسِي مَيْتَةً  
 مِنْ لَيْسَ عِي نَوْرُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَعَنْ يَمِينِهِ  
 وَذَلِّلْنِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَأَعِزَّنِي عِنْدَ

یا طاعت کرده تری؟

نصف اول از تو بهر

نورالدین محمد بن ابی طالب

بفرستش تو ز ابرم و ذلت  
کنم نه ای که خوار باشم  
پیش تو

یومِ عرفہ

خَلَقَكَ وَضَعْنِي إِذْ اَخْلَوْتُ بَكَ وَارْفَعْنِي  
 اَوْرِدَكَ اَنْ غُو دِهْتَن كَرِهَان غُوت كَم بَنُو دِهْتَن كَرِهَان  
 يَرْعِيَا دِيكَ وَاعْنِي عَمَّنْ هُوَ عَمِّي  
 مِيَان بِنْدَكَا ن غُو دِهْتَن كَرِهَان مَرَا اَز كَم اَوْدِي نِي دِهْتَن كَرِهَان  
 وَزِدْنِي اِلَيْكَ فَاَقَةً وَفَقْرًا وَاَعْدِنِي  
 زِدِي دِيكَ مَرَا بَسُو تُو جِي شِي دِي دِهْتَن كَرِهَان دِي دِهْتَن كَرِهَان  
 مِنْ شَهَانَةِ الْاَعْدَاءِ وَمِنْ حُلُولِ الْبَلَاءِ  
 اَز دِهْتَن كَرِهَان كَرِهَان دِهْتَن كَرِهَان دِهْتَن كَرِهَان  
 وَمِنْ الدَّلِّ وَالْعَنَاءِ تَعْدِنِي فِيمَا اطَّلَعْتَ  
 دِهْتَن كَرِهَان دِهْتَن كَرِهَان دِهْتَن كَرِهَان  
 عَلَيْهِ مِنِّي بِمَا يَتَقَدُّ بِهِ الْقَادِرُ عَلَيَّ  
 بَرَا نِي دِهْتَن كَرِهَان دِهْتَن كَرِهَان دِهْتَن كَرِهَان  
 الْبَطْشِ وَلَوْلَا حِلْمُهُ وَالْاِخْذُ عَلَيَّ الْجَزِيرَةَ  
 كَرِهَان كَرِهَان كَرِهَان كَرِهَان  
 لَوْلَا اَنَا تُرُّ وَاِذَا ارَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً  
 كَرِهَان كَرِهَان كَرِهَان كَرِهَان  
 اَوْ سَوْءٍ فَخَيَّنِي مِنْهَا لَوْ اَدَاكَ وَاِذَا لَمْ تَقْنُنْ  
 دِهْتَن كَرِهَان دِهْتَن كَرِهَان دِهْتَن كَرِهَان

میزان طبع وضع خوش  
و در آن که طبع وضع  
طبع ادا نیست که طبع ادا  
نخواهد طبع ادا و طبع ادا  
مستحق رفیع اینست که  
نموده محل اصحاب و طبع

چهل نفر خست که پیش از را  
از کفان مرگ هر که مطلع شده  
بران باخچه پیش از آن  
قادر حیم بغیر تو قادر  
و حیم

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the manuscript's content, possibly a list or a detailed description of the items mentioned in the preceding text.

خلفه



یوم عرفه

مَقَامَ فَضِيحَةٍ فِي دُنْيَاكَ فَلَا تَقْبَلْ مِثْلَهُ  
 در مقام رسوایی در دنیا خود پس بپایدار مرا در آن  
 فِي اخْرَجِكَ وَاشْفَعْ لِي وَائْتِلْ مِنْكَ بِالْوَاحِدِ  
 در آخرت تو و بپایدار مرا و ایستادگی از خود را با تو  
 وَقَدِيمَ فَوَائِدِكَ بِجَوَادِ ثَمَاهَا وَلَا تَمُدُّ لِي  
 و قدیم و از قدیم خود را و ایستادگی از خود را با تو  
 مَدًّا يَقْسُو مَعَهُ قَلْبِي وَلَا تَقْرَعْنِي قَارِعَةً  
 کشش که سخت شود آن دل من و غلظت مرا بصیرت  
 يَذْهَبُ لَهَا يَهَائِي وَلَا تَسْبِي خَسِيسَةً  
 که برود بر آن یکهوایی و دور رسد و بپایدار مرا  
 يَصْغُرُ لَهَا قَدْرِي وَلَا تَقِصَّ جُهْلًا مِنْ  
 که کوچک شود جایگاه من و نه چهره که  
 أَجْلَهَا مَكَانِي وَلَا تَرْعِي رَوْعَةَ ابْلِيسَ  
 بجز آن جایگاه من و از ترس ابلیس که  
 بِهَا وَلَا خِيفَةَ أَوْ جُسُودُنَا أَعْمَلْ  
 آن و نه خوف که درون من ترس آید از آن که در آن  
 هَيْبَتِي فِي وَعِيدِكَ وَحَذْرِي مِنْ غَدَاكَ  
 هیبت مرا در وعده تو و حذر مرا از غدا تو

بغیر از آنست که بپایدار مرا

بغیر از آنست که بپایدار مرا و از ترس ابلیس که در آن

یوم عرفه

وَاِنْذِرْكَ وَرَهْبَتِي عِنْدَ تِلَاوَةِ آيَاتِكَ  
 و ترسانیدن تو و خوف مرا نزد خواندن آیت تو  
 وَاعْمُرْ لِي بِإِقْطَاطِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ  
 و آباد کن شب مرا بپایدار کردن مرا در آن ایستادگی  
 وَتَقَرُّدِي بِالتَّحَمُّدِ وَتَجَرُّدِي بِسُكُونِي  
 و تهنید بودن من بپایدار کردن من و تجرد بودن من بپایدار کردن من  
 إِلَيْكَ وَانْزِلْ خَوَاجِجِي بِكَ وَمُنَازِلِي  
 نزد تو و فرود آوردن حاجت من نزد تو  
 آيَاكَ فِي فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنْ نَارِكَ  
 آیت تو در آزاد کردن گردن من از آتش تو  
 وَاجَارَتِي مِمَّا فِيهِ أَهْلُهَا مِنْ عَذَابِكَ  
 و از غارت کردن مرا از آنچه در آنست از عذاب تو  
 وَلَا تَذَرْنِي فِي طُعْيَانِي غَامِهَا وَلَا  
 و دور نگذار مرا در طغیان من سرگردان و نه  
 فِي غَمْرَتِي سَاهِيًا حَتَّى حِينٍ وَلَا  
 در گمراهی من بپایدار کردن من تا روزگار من  
 تَحْغَلْنِي عِظَةٌ لِمَنْ أَعْطَى وَلَا نَكَالًا  
 که در آن مرا بپایدار کردن مرا از عذاب تو و نه نكال

مسألتی

طغیان من در طغیان تو

نكال عقوبت که بپایدار مرا





بفرز میان آنکه مکر با آنها میکنند

یوم عرفه

یوم عرفه

لَمْ يَأْتِ بِشَيْءٍ لَّيْسَ لَهُ نَظَرٌ وَلَا تَكْرُرٌ  
 بِي فِيمَنْ تَكْرِيهِ وَلَا تَسْتَبْدِلُ فِي غَيْرِي  
 وَلَا تَقْبِلُ لِي أَسْمًا وَلَا تَبْدِلُ لِي جِسْمًا  
 لَا تَخْذِي هَذَا وَاجْلَحِيكَ وَلَا سَخِرِي لَكَ  
 وَلَا تَبْعَا إِلَّا لِمَرْضَاتِكَ وَلَا مَنِّهَا إِلَّا  
 بِالْإِنْقَامِ لَكَ وَأَوْحِدِي بَرْدَ عَفْوِكَ  
 وَحَلَاوَةَ رَحْمَتِكَ وَرَوْحِكَ وَ  
 رَحْمَتِكَ وَجَنَّةَ نَعِيمِكَ وَأَذِقِي  
 طَعْمَ الْفَرَاغِ لِأَتَحِبَّ سَعَةً مِنْ سَعَتِكَ

وَالْإِجْتِهَادِ فِيمَا يُزِلُّ لَدَيْكَ وَعِنْدَكَ  
 وَتَحْفِي تَحْفَةً مِنْ تَحْفَاتِكَ وَاجْعَلْ  
 تَحَارِقِي رَاحَةً وَكَرَّرِي غَيْرَ خَاسِرَةٍ  
 وَأَخْفِي مَقَامَكَ وَشَوْقِي لِقَائِكَ  
 وَتُبِّ عَلَى تَوْبَةٍ نَصُوحًا لَا تُبْقِ مَعَهَا  
 ذُنُوبًا صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا تُدْمِمْهَا  
 عَلَاقِيَّةً وَلَا سَرِيرَةً وَأَنْزِعِ الْغُلَّ  
 مِنْ صَدْرِي لِلْمُؤْمِنِينَ وَاعْظِفْ بَقْلِي  
 عَلَى الْخَاشِعِينَ وَكُنْ لِي كَمَا تَكُونُ

وادی ازین نفوذ است که در السبعین قابل  
 طایفه و در غیر آن قابلیت داشته باشد  
 بجای نیاید و نام از تغییر و غیر  
 از دیوان نمیکنی و در سزاوار  
 دیوان میبخش و سبب من و مانند  
 این و در من از انصاف و غیر  
 از قیامت من نمیگویی  
 و یکبار سبب آتش دوزخ  
 آفریننده در دنیا با اعتبار  
 که در دنیا و آخرت با اعتبار  
 که در دنیا و آخرت با اعتبار

بفرز میان آنکه مکر با آنها میکنند  
 بفرز میان آنکه مکر با آنها میکنند  
 بفرز میان آنکه مکر با آنها میکنند

بفرز میان آنکه مکر با آنها میکنند  
 بفرز میان آنکه مکر با آنها میکنند  
 بفرز میان آنکه مکر با آنها میکنند

بفرز میان آنکه مکر با آنها میکنند

بفرز میان آنکه مکر با آنها میکنند  
 بفرز میان آنکه مکر با آنها میکنند  
 بفرز میان آنکه مکر با آنها میکنند

بفرز میان آنکه مکر با آنها میکنند  
 بفرز میان آنکه مکر با آنها میکنند  
 بفرز میان آنکه مکر با آنها میکنند



لِلصَّالِحِينَ وَخَلَّى جَنَّةَ الْمُتَّقِينَ وَاجْعَلْ  
 لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْغَايِبِ وَذَكَرَكَ  
 نَامِيًا فِي الْآخِرِينَ وَوَأَفِ بِهِ عَرَضَةَ  
 الْأَوَّلِينَ وَتَتِمَّ سُبُوحُ قِسْمَتِكَ عَلَى  
 وَظَاهِرُ كَرَامَاتِكَ لَدَيَّ وَأَمْلَأْ  
 مِنْ قَوَائِدِ لَيْدِي وَسُكْرَائِمِ  
 مَوَاهِبِكَ إِلَيَّ وَجَاوِرِي الْأَطْيَبِينَ  
 مِنْ أَوْلِيَائِكَ فِي الْجَنَانِ الَّتِي زَيَّنْتَهَا  
 لِأَصْفِيَائِكَ وَجَلَّلْنِي شَرَائِفَ مَخْلُوكِ

میزان کانی را بخوبی یاد کنید

یا غم کن بن عرصه اولین را

فِي الْمَقَامَاتِ الْمُعَدَّةِ لِإِحْسَائِكَ وَ  
 اجْعَلْ لِي عِنْدَكَ مَقِيلًا أَوْيًّا إِلَيْهِ  
 مُطْمَئِنًّا وَمُثَابَرَةً اتَّبَعُهَا وَأَقْبَرُ  
 عَيْنًا وَلَا تُفَاقِسْنِي بِعَظَمَاتِ الْجَوَارِثِ  
 وَلَا تَهْلِكْنِي يَوْمَ يُبْلَى السَّرَائِرُ وَأَزِلْ  
 عَنِّي كُلَّ شَيْءٍ وَشُبُهَةٍ وَاجْعَلْ لِي  
 فِي الْحَقِّ طَرِيقًا مِنْ كُلِّ رَحْمَةٍ وَاجْعَلْ  
 لِي قِسْمَ الْمَوَاهِبِ مِنْ تَوَالِكَ وَوَفِّرْ  
 عَلَيَّ حُظُوظَ الْإِحْسَانِ مِنْ أَفْضَالِكَ

میزان کانی را بخوبی یاد کنید

یا غم کن بن عرصه اولین را



وَاجْعَلْ قَلْبِي وَاثِقًا بِمَا عِنْدَكَ وَهَيِّئْ  
 مَسْئَرِي إِلَى هَوَاكَ وَاسْتَعْلِنِي بِمَا  
 تَسْتَعْلِي بِهِ خَالِصَتِكَ وَأَشْرِبْ قَلْبِي  
 عِنْدَ ذَهْوِ الْعُقُولِ طَاعَتِكَ وَاجْعَلْ  
 لِي الْغِنَى وَالْعَفَافَ وَالِدَعَّةَ وَالْمَعَافَا  
 وَالصَّحَّةَ وَالسَّعَةَ وَالطَّبَائِنَةَ وَ  
 الْعَافِيَةَ وَلَا تَحْطُ حَسَنَاتِي بِمَا يَشْتَوِيهَا  
 مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَلَا تَخْلُوْا لِي بِمَا يَعْزُضُ  
 لِي مِنْ تَرْغَاتِ فِتْنَتِكَ وَصُنْ وَجْهِي

وَأَجْعَلْ قَلْبِي وَاثِقًا بِمَا عِنْدَكَ  
 وَهَيِّئْ مَسْئَرِي إِلَى هَوَاكَ  
 وَاسْتَعْلِنِي بِمَا تَسْتَعْلِي بِهِ  
 خَالِصَتِكَ وَأَشْرِبْ قَلْبِي  
 عِنْدَ ذَهْوِ الْعُقُولِ طَاعَتِكَ  
 وَاجْعَلْ لِي الْغِنَى وَالْعَفَافَ  
 وَالِدَعَّةَ وَالْمَعَافَا  
 وَالصَّحَّةَ وَالسَّعَةَ  
 وَالطَّبَائِنَةَ وَ  
 الْعَافِيَةَ وَلَا تَحْطُ  
 حَسَنَاتِي بِمَا يَشْتَوِيهَا  
 مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَلَا تَخْلُوْا  
 لِي بِمَا يَعْزُضُ لِي مِنْ تَرْغَاتِ  
 فِتْنَتِكَ وَصُنْ وَجْهِي

بِالْغِنَى وَالْعَفَافِ

الطَّلِبَ إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ وَذَيِّبْ  
 عَنِ التَّمَاسِ مَا عِنْدَ الْفَاسِقِينَ وَلَا  
 تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَهِيرًا وَلَا لِهَامٍ عَلَى  
 مَحْكَاتِكَ يَدًا وَتَضِيرًا وَحُطْنِي مِنْ  
 حَيْثُ لَا أَعْلَمُ حِيَاطَةَ ثَقِينِي بِهَا وَ  
 افْتَحْ لِي أَبْوَابَ تَوْبِكَ وَرَحْمَتِكَ وَ  
 رَأْفَتِكَ وَرِزْقِكَ الْوَاسِعِ إِلَى لَيْتِكَ  
 مِنَ الرَّاغِبِينَ وَأَتِمِّمْ لِي أَنْعَامَكَ  
 إِنَّكَ خَيْرُ الْمُنْعِمِينَ وَاجْعَلْ بَاقِي

وَأَجْعَلْ قَلْبِي وَاثِقًا بِمَا عِنْدَكَ  
 وَهَيِّئْ مَسْئَرِي إِلَى هَوَاكَ  
 وَاسْتَعْلِنِي بِمَا تَسْتَعْلِي بِهِ  
 خَالِصَتِكَ وَأَشْرِبْ قَلْبِي  
 عِنْدَ ذَهْوِ الْعُقُولِ طَاعَتِكَ  
 وَاجْعَلْ لِي الْغِنَى وَالْعَفَافَ  
 وَالِدَعَّةَ وَالْمَعَافَا  
 وَالصَّحَّةَ وَالسَّعَةَ  
 وَالطَّبَائِنَةَ وَ  
 الْعَافِيَةَ وَلَا تَحْطُ  
 حَسَنَاتِي بِمَا يَشْتَوِيهَا  
 مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَلَا تَخْلُوْا  
 لِي بِمَا يَعْزُضُ لِي مِنْ تَرْغَاتِ  
 فِتْنَتِكَ وَصُنْ وَجْهِي



يوم الاضحى ويوم الجمعة

عَمْرِي فِي الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ ابْتِغَاءً

للمرءة الحج والعمرة بغير حج

وَجْهَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ

ذات تو - ان يرد ذكره عالمين وركعت واحدة

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَالسَّلَامُ

بر محمد وآل ائمه وبيكره است

عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَبَدًا أَبَدِينَ وَكَانَ مِنْ دَعَائِهِ

برو و بر ایشان را همیشه همیشه و بود از دعای

عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْأَضْحَى وَيَوْمَ الْجُمُعَةِ

انحضرت عید رسم روز عید قربان و روز جمع

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ مُبَارَكٌ وَالْمُسْلِمُونَ

خداوند این روز است مبارک و مسلمون

فِيهِ مُجْتَمِعُونَ فِي أَقْطَارِ أَرْضِيكَ لِشَهِدِ

در آن مجتمعند در اطراف زمین تو حاضرند

السَّائِلُ مِنْهُمْ وَالطَّالِبُ وَالرَّائِبُ

خواهنده از ایشان و طلب کننده و راضی کننده

وَالرَّاهِبُ وَأَنْتَ الشَّاطِرُ فِي حَوَاجِهِمْ

و ترساننده و تو ای شاطر در حاجت ایشان

الطَّاهِرِينَ  
پاکان

يوم الاضحى ويوم الجمعة

فَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَهَوَانِ مَا

پس سوال میکنم ترا بخشنش تو و کرم تو و استغناء تو

سَأَلْتُكَ عَلَيْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

سوال میکنم ترا بدو ای محمد رحمت بر محمد و آل او

وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا بِأَنَّ لَكَ الْمُلْكُ

و سوال میکنم ترا و در خدا ای الهه که در دست است

وَلَكَ التَّخَذُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَكِيمُ الْكَرِيمُ

و تو ای حکیم و کریم و تو ای الهه که در دست است

الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

و مهربان و نعمت دهنده خداوند بزرگوار و کرامت کردن

بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مَهْنَأَقَمْتَ

خداوند آفرنده آسمانها و زمین را خدایا قیامت کردی

بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ خَيْرِ أَوْ

میان بندهگان تو میان مؤمنان تو از خیر او

عَافِيَةٍ أَوْ بَرَكَةٍ أَوْ هُدًى أَوْ عَمَلٍ

عافیت یا برکت یا هدایت یا عمل

بِطَاعَتِكَ أَوْ خَيْرَ تَمَنٍّ بِهِ عَلَيْهِمْ

بجاست تو یا بخیر آرزوی که بر ایشان

الطَّاهِرِينَ

پاکان

الطَّاهِرِينَ

الطَّاهِرِينَ

فَأَسْأَلُكَ



چون من این فقرات از این کتاب را  
بناجالت که سوال میکنم از این  
کتاب و ده که با فتنه و اندک  
نیاز کان خود را بفرست و این  
ایکبار که کوشیده است و این  
کتاب از آن روز که این کتاب  
به روز رسد اگر چه در کتاب  
انقدر است بفرستید تمام  
چون سوال میکنم این که در کتاب

بازار سلیقه

نقش بر روی کاغذ خود  
بازار خود را نقد و حساب



ذُنُوبِي فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ وَتَوَلَّ  
 كُنَّا نَحْمَدُكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 قَضَاءَ كُلِّ حَاجَةٍ هِيَ لِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّهَا  
 رَدَّكَ عَنْكَ كُلَّ شَيْءٍ سِوَاكَ يَا مُجِيبُ دُعَائِ الْمُتَضَلِّينَ  
 وَيَسِّرْ ذَلِكَ عَلَيَّكَ وَبِقُدْرَتِكَ إِلَيْكَ  
 وَتَسَانُدُكَ عَلَيَّ يَا مُجِيبُ دُعَائِ الْمُتَضَلِّينَ  
 وَغِنَاكَ عَنِّي فَإِنِّي لَمْ أَصِبْ خَيْرًا قَطُّ  
 وَلَا نِيْلًا دُونَكَ يَا مُجِيبُ دُعَائِ الْمُتَضَلِّينَ  
 إِلَّا مِنْكَ وَلَمْ يَصْرِفْ عَنِّي سُوءٌ قَطُّ  
 كَرِّمْتُكَ يَا مُجِيبُ دُعَائِ الْمُتَضَلِّينَ  
 أَحَدُ غَيْرِكَ وَلَا أَرْجُو لِمَرِّ آخِرَتِي وَدُنْيَا  
 كَسْرَ قِرَارَتِي يَا مُجِيبُ دُعَائِ الْمُتَضَلِّينَ  
 سِوَاكَ اللَّهُمَّ مِنْ تَهَيُّتَ وَأَعَدَّوْا سَعْدًا  
 سَوَاءًا يَا مُجِيبُ دُعَائِ الْمُتَضَلِّينَ  
 لَوْ فَادَةٌ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءُ رَفْدِهِ وَتَوَافُلِهِ  
 أَوْ بَرَقَتْ بِي سُبُورُ آفَرِيهِ يَا مُجِيبُ دُعَائِ الْمُتَضَلِّينَ  
 وَطَلَبَ نَيْلِهِ وَجَائِزَتِهِ فَإِلَيْكَ يَا مُنْجِي  
 وَطَلَبَ نَيْلِهِ يَا مُجِيبُ دُعَائِ الْمُتَضَلِّينَ

وَقَدْ نَزَلَ  
وَقَدْ نَزَلَ

كَانَ الْيَوْمَ تَهَيُّتِي وَتَعَيُّتِي وَأَعْدَا  
 يَوْمَ الْيَوْمِ تَهَيُّتِي وَتَعَيُّتِي وَأَعْدَا  
 وَاسْتَعْدَا دِي رَجَاءُ عَفْوِكَ وَرَفْدِكَ  
 وَاسْتَعْدَا دِي رَجَاءُ عَفْوِكَ وَرَفْدِكَ  
 وَطَلَبَ نَيْلِكَ وَجَائِزَتِكَ اللَّهُمَّ  
 وَطَلَبَ نَيْلِكَ وَجَائِزَتِكَ اللَّهُمَّ  
 فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ وَلَا تَحْشِبْ الْيَوْمَ  
 يَوْمَ الْيَوْمِ تَهَيُّتِي وَتَعَيُّتِي وَأَعْدَا  
 ذَلِكَ مِنْ رَجَائِي يَا مَنْ لَا يُخْفِيهِ سَا  
 أَنْ لَا يَنْقُصَهُ نَائِلٌ فَإِنِّي لَأَتُكِّفُكَ  
 وَأَنْ لَا يَنْقُصَهُ نَائِلٌ فَإِنِّي لَأَتُكِّفُكَ  
 مَنِّي بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتَهُ وَلَا شَفَاعَةَ  
 بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتَهُ وَلَا شَفَاعَةَ  
 مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ إِلَّا شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ  
 بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتَهُ وَلَا شَفَاعَةَ  
 وَأَهْلَ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ سَلَامُكَ  
 وَأَهْلَ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ سَلَامُكَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ











مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ وَهَبْ لَنَا يَا اَلْهُيْ مِنْ لَدُنْكَ  
 فَرَجًا يَا الْقُدْرَةَ الَّتِي بِهَا خَلَقْتَ اَمْوَالَ الْعَالَمِ  
 وَبِهَاتِ تَنْشُرُمِيتَ الْاِيْلَادِ وَلَا تَهْلِكْنِي يَا اَلْهُيْ  
 عَمَّا حَتَّى تَسْتَجِبَ لِي وَتَعْرِفَنِي الْاِجَابَةَ  
 فِي دُعَائِي وَادْفِنِي طَعْمَ الْعَافِيَةِ اِلَى  
 مَسْجِدِي اَجَلِي وَتَشْمِتْ بِي عَدُوِّي وَلَا تَكُنْهُ  
 مِنْ عُنُقِي وَلَا تَسْلُطْهُ عَلَيَّ اَلْهُيْ اِنْ رَفَعْتَنِي  
 فَرَزَا الَّذِي يَضَعُنِي وَاِنْ وَضَعْتَنِي فَرَزَا  
 ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي وَاِنْ اَكْرَمْتَنِي فَرَزَا

وغير آن محمد و آل محمد را در روز آخرت از خداوند تعالی بخواهد که بر او و آل او رحمت و مغفرت کند و او را در بهشت ببرد و او را در بهشت بگذارد و او را در بهشت بگذارد و او را در بهشت بگذارد

بفرستد از بهشت بر او و آل او رحمت و مغفرت کند و او را در بهشت ببرد و او را در بهشت بگذارد و او را در بهشت بگذارد و او را در بهشت بگذارد

بفرستد از بهشت بر او و آل او رحمت و مغفرت کند و او را در بهشت ببرد و او را در بهشت بگذارد و او را در بهشت بگذارد و او را در بهشت بگذارد

الَّذِي يُهِنُّنِي وَاِنْ اَهْنَيْتَنِي فَرَزَا الَّذِي  
 يُكْرِمُنِي وَاِنْ عَذَّبْتَنِي فَرَزَا الَّذِي يَجْزِي  
 وَاِنْ اَهْلَكْتَنِي فَرَزَا الَّذِي يَغْضُكُ فِي  
 عِبْدِكَ اَوْ يَسْئَلُكَ عَنْ اَمْرِهِ وَقَدْ عَلِمْتُ  
 اَنْهُ لَيْسَ فِي حُكْمِكَ ظُلْمٌ وَلَا فِي نَقْمَتِكَ  
 عَجَلَةٌ وَاِنَّمَا يَفْجَلُ مِنْ خِيفَةِ الْقَوْتِ وَ  
 اِنَّمَا يَحْتَاجُ اِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفِ وَ  
 قَدْ عَلِمْتُ يَا اَلْهُيْ عَنْ ذَلِكَ عَلَوًا كَبِيرًا  
 اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا





تَجْعَلَنِي لِلْبَلَاءِ غَرَضًا وَلَا لِنَقْمَتِكَ  
 نَصَابًا وَمَهْلَنِي وَنَفْسِي وَأَقْلَبْ عَثْرَتِي  
 وَلَا تَبْلِيَنِي بِبَلَاءٍ عَلَى اثَرِ بَلَاءٍ فَقَدْ  
 تَرَى ضَعْفِي وَقَلَّةَ حِيلِي وَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ  
 أَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ الْيَوْمَ مِنْ غَضَبِكَ  
 فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِزَّنِي وَاسْتَجِيرُ  
 بِكَ الْيَوْمَ مِنْ سَخَطِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
 وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي وَأَمْثَلَكَ أَمَنًا مِنْ  
 عَذَابِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَمِنِي

کردان مرا از بار بلاست نه و نه از بار نفیست نه  
 برپا شده و هفت ده مرا و پراخته مرا و در گذران از هر بلا  
 و بعد از کردان مرا بپای من عقب بمان پس حقیقت  
 مرخصه سست مرا و کمر تنه مرا و زان را بپوش  
 بنده میگویم تو بار خدا ای امروز از غضب تو  
 پس بخت بخت بر محمد و آل او و پناه ده مرا از پناه عذاب  
 بنو امروز از خشم تو پس بخت بخت بر محمد  
 و آل او و از پناه ده مرا و مطمئن تو امتیاز از  
 عذاب تو پس بخت بخت بر محمد و آل او و امین از

وَاسْتَمْدِيكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ  
 أَهْدِنِي وَاسْتَنْصِرْكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
 وَآلِهِ وَانصُرْنِي وَاسْتَرْجِكَ فَصَلِّ عَلَى  
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْحَمْنِي وَاسْتَكْفِكَ فَصَلِّ  
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْفِنِي وَاسْتَرْزُقْكَ  
 فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْنِي وَاسْتَعِينِكَ  
 فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاعِنِّي وَاسْتَغْفِرْكَ  
 لِمَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ  
 آلِهِ وَاعْفِرْ لِي وَاسْتَغْفِرْكَ فَصَلِّ عَلَى

و طلب هدایت میکنم از تو پس هدایت بخت بر محمد و آل او و  
 هدایت کن مرا و طلب یار میکنم از تو پس یار بخت بر محمد  
 و آل او و یار ده مرا و طلب دوست میکنم از تو پس دوست بخت  
 بر محمد و آل او و دوست کن مرا و طلب کفایت میکنم از تو پس کفایت  
 بر محمد و آل او و کفایت کن مرا و طلب روزی میکنم از تو پس روزی  
 پس بخت بخت بر محمد و آل او و روز ده مرا و مدد بخت بر محمد  
 پس بخت بخت بر محمد و آل او و مدد کن مرا و طلب مغفرت میکنم  
 از پناه گذشته است از کمال من پس بخت بخت بر محمد  
 و آل او و عفو کن مرا و طلب عفو میکنم از تو پس عفو کن مرا



مکتب کتب خطی  
کتابخانه خطی  
تاسیس ۱۳۰۳

کتابخانه خطی  
تاسیس ۱۳۰۳

مکتب کتب خطی



مُحَمَّدٌ وَآلِهِ وَاعْصِمْنِي فَإِنِّي لَزَاعُودٌ  
 لَشَيْءٍ كَرِهْتَهُ مِنِّي إِنْ شِئْتَ ذَلِكَ  
 يَا رَبِّ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا ذَا الْجَلَالِ  
 وَالْإِكْرَامِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاسْجِبْ  
 لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَطَلَبْتُ إِلَيْكَ وَ  
 رَغِبْتُ فِيهِ إِلَيْكَ وَأَرَدْتُ وَقَدَّرْتُ  
 أَقْضِهِ وَأَمْضِهِ وَخَرْلِي فِيهَا تَقْضِي مِنْهُ  
 وَبَارِكْ لِي فِي ذَلِكَ وَتَفْصِلْ عَلَيَّ بَيْنَ  
 وَأَسْعِدْنِي بِمَا تَعْطِينِي مِنْهُ وَزِدْنِي

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم



بسم الله الرحمن الرحيم  
 بسم الله الرحمن الرحيم  
 بسم الله الرحمن الرحيم

مِنْ فَضْلِكَ وَسَعَةِ مَا عِنْدَكَ فَإِنَّكَ  
 وَاسِعٌ كَرِيمٌ وَصَلِّ ذَلِكَ بَحِيرَ الْآخِرَةِ  
 وَتَعِيمَهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ثُمَّ تَدْعُو عَلَيَّ  
 بِذَلِكَ وَتُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَلْفَ  
 مَرَّةٍ هَكَذَا يَفْعَلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 كَانَ مِنْ دَعَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي دِفَاعِ كَيْدِ الْأَعْدَاءِ  
 وَرَدِّ بِلَاسِهِمْ إِلَى هَدْيَتِي فَلَهُوَ  
 وَوَعظت فقسوت وأبليت الحميل  
 فعصيت ثم عرفت ما أصدرت إذ  
 بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم  
 بسم الله الرحمن الرحيم  
 بسم الله الرحمن الرحيم



عَزَّ قُدِّيهِ فَاسْتَغْفَرْتُ فَأَقْلَبْتُ فَعَدْتُ  
 شش ماه در میان پس طلب آمرزش کردم بهر که شتر پس برگشتم  
 فَسَرَرْتُ فَلَكَ إِلَهِي أَحَدُ نَفَحْتِ وَأَذِي  
 پس پوشش غم پس عزت از خدا پس انداخته ام خود را در راه  
 الْهَلَاكِ وَحَلَلْتُ شِعَابَ تَلَفِ  
 هلاکت و فرو اندام بهنجار بستر  
 تَعَرَّضْتُ فِيهَا لِسُطُوتِكَ وَجَلَوُهَا  
 فرا پیش اندم در آنجا مرقد مرا ترا و بسبب فزودن  
 عَقُوبَاتِكَ وَوَسَّيْتُ إِلَيْكَ التَّوْحِيدَ  
 عقوبت ترا و وسوسه نمودم به تو یگانگی  
 وَذَرَيْتُ أَتَى لَمْ أَشْرِكْ بِكَ شَيْئًا وَ  
 دوست آوردم من اینست که شرک نکردم به تو چیزی را  
 لَمْ أَخْذِ مَعَكَ الْهَأْ وَقَدْ فَرَرْتُ إِلَيْكَ  
 فرار نمودم ام با تو خدا را و بختی که گریخته ام بسوی تو  
 بِنَفْسِي وَإِلَيْكَ مَفَرُّ الْمُسِيءِ وَمَفْزَعُ  
 بخت خود و بسوی تو گریخته ام بدکار و پناهگاه  
 الْمُضِيعِ لِحَظِّ نَفْسِهِ الْمُلْتَجِي فِكْمُ مِنْ  
 گریخته ام به لحظه نفس خود را و پناه گرفته ام به تو ای صاحب از

شعب بیت که در میان  
 گریخته ام  
 نیت درین راه پناهگاه  
 و بسبب فرود آمدن در اندام  
 فرار پیش آمده ام عقوبت ترا  
 ترا

عَدُوِّ وَانْطَضَى عَلَى سَيْفِ عَدَاوَتِهِ وَ  
 دشمن خود را کشید و بر شمشیر دشمنی خود را  
 شَحَدِي ظِمَّةَ مَدْيَتِهِ وَارْهَفَ لِي  
 بزرگو و بیان و نه کار و بزرگو خود را و سنگ کرد و بران  
 شَبَاحِينَ وَدَافَى لِي قَوَائِلَ سُمُومِهِ  
 گناهان بزرگان و دفع کرد برای من قوائیل سموم  
 وَسَدَّ دُخْوَى صَوَائِبِ سَهَامِهِ وَ  
 درایت کرد بجهت من قیران صواب و دروغ خود را  
 لَمْ تَنْتَهِ عَنِّي عَيْنُ حِرَاسَتِهِ وَاضْمَرَ  
 نگرفت از من چشم و پنهان کرد  
 أَنْ يَسُومَنِي الْمَكْرُوهَ وَيَجْعَلَ عَنِّي دُعَاةَ  
 که بر من بد را نکند و بر من دعوت  
 مَرَارَتِهِ فَظَنَرْتُ يَا إِلَهِي إِلَى ضَعْفِي عَنِ  
 سبب و بخت خود پس نظر کردم ای خدا از ضعف من  
 احْتِمَالِ الْفَوَاحِشِ وَجَعَلَنِي عَنِ الْإِنْتِصَارِ  
 بدوشتن بجزایر گناه و بخت نمودم من از انتصار  
 مَشْرِئُ قَصْدِي بِجَارِبَتِهِ وَوَحَدَنِي فِي  
 از گریخته ام قصد خود را به جاربت و وحدت خود را

ای کس

درین راه

بخت کرد



كثير عدد من ناواني وارصد لي  
 يا لبلاء فيما لم اعمل فيه فكري  
 فابندائي بنصرك وشددت ازري  
 بقوتك ثم قلت لي حده وصيرته  
 من بعد جمع عديد وحده واعليت  
 كعبتي عليه وجعلت ماسدده مرددا  
 عليه فرددته لم يشف عيظه ولم  
 يسكن غليله وقد عص على شواه و  
 اذ برموليا قد اخلفت سراياه و

بغير شکر وافر کثیر است  
 که به عین است در راه  
 خسته که در میان زلفت

بسیار از راه و در راه  
 و به کعبه است در راه  
 از سر و پا و در راه

بغیر از راه و در راه  
 که به بود و در راه  
 با آن و در راه  
 او را و در راه  
 از سر و پا و در راه  
 که به و در راه

كم من باغ بغاني بمكائده ونصب لي  
 شرك مصائد و وكل بي نفقده  
 رعائيه واصبا الى اضاء السبع  
 لطريدته انتظارا لاني انا الفرصة  
 لفرسيته وهو يظهر لي بشاشة  
 الملك ويظهرني على شدة الحزن فلما  
 رايت يا الهي تباركت وتعاليت  
 دخل سريره وقبح ما انطوى عليه  
 ارسته لام راسه في زيبته وردد

بغیر از راه و در راه  
 که به بود و در راه  
 با آن و در راه  
 او را و در راه  
 از سر و پا و در راه  
 که به و در راه



في مهوى حفرة فانقمع بعد

استطالته ذليلا في ربو جبالته

التي كان يقدر ان يراي فيها

وقد كاد ان يحل بي لو لا رحمتك

ما حل بساحته وكم من جاسد قد

شروى بغصته وشجى مني بغظه

وسلقني بجد لسانه وحرني بقرق

عيوبه وجعل عرضي عرضا لراميه

وقلدي خلا لا لم تزل فيه و

غصه جزت که در کلو بانه  
بغصه کرد  
سلقني  
بغصه کرد  
بغصه کرد  
بغصه کرد  
بغصه کرد

وحرني بكيدهم وقصدي بكيدته

فناديتك يا الهي مستغثا بك

واثقا بسرعة اجابتك عالما انه

لا يظهد من اوى الى ظل كفك

ولا يفرغ من لجا الى معقل انتصارك

فخصنتني من راسه بقدرتك وكم من

سحاب مكر وهلكتها عني وسحاب

نعم امطرتها علي وجداول رحمة

نشرت بها وعافية السهما واعين

بغصه جزت که در کلو بانه



فَدَعَا كَيْدَ الْاَعْدَاءِ

اَحْذَارِ طَمَسَتْهَا وَعَوَاشِي كُرْبَاتِ  
 كَشَفَتْهَا وَلَمْ مِنْ ظُنِّ حَسَنِ حَقَّقَتْ وَ  
 عَدَمِ جَبَرَتْ وَصَرَعَةَ اَنْفَعَتْ وَ  
 مَسْكَنَةِ حَوْلَتْ كُلَّ ذَلِكَ اِنْعَامًا وَ  
 تَطَوَّلًا مِنْكَ وَفِي جَبْعِهِ اَهْمًا كَلِمَةً  
 عَلَى مَعَاصِيكَ لَمْ تَمْتَعَكَ اِسَاءَتِي  
 عَنْ اِتِّمَامِ اِحْسَانِكَ وَلَا حَرَجِي ذَلِكَ  
 عَنْ اِزْتِكَابِ مَسَاخِطِكَ لَا تُسْئَلُ عَمَّا  
 تَفْعَلُ وَلَقَدْ سُئِلْتُ فَأَعْطَيْتَ وَلَمْ

تفعلت  
 و در آنجا که  
 و در آنجا که  
 و در آنجا که

فَدَعَا كَيْدَ الْاَعْدَاءِ

تُسْئَلُ فَأَبْنَدَاتِ وَاسْتَمِعْ فَضْلَكَ فَمَا  
 اَكْذَيْتَ اَبَيْتَ يَا مُوَلَايَ اِلَّا اِحْسَانًا وَ  
 اَمْنًا نَا وَتَطَوَّلًا وَ اِنْعَامًا وَ اَبَيْتَ  
 اِلَّا اَتَقِيًّا لِحُرْمَاتِكَ وَتَعَدَّيَا لِحُدُودِكَ  
 وَغَفَلَةً عَنْ وَعِيدِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ اَلْهِى  
 مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي اَنَاةٍ لَا تَقْهَلُ  
 هَذَا مَقَامُ مَنْ اِعْتَرَفَ بِسُوءِ النِّعَمِ  
 وَقَالَ لَهَا يَا اَلْتَقْصِيرِ وَشَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ  
 بِالْاِضْيَاعِ اَللّهُمَّ فَاِنِّي اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ

و در آنجا که  
 و در آنجا که  
 و در آنجا که

بغیر آن توانا



فَدَعَا عِزَّهُ لِيَهْدِيَهُ

بِالْحَمْدِ الرَّفِيعَةِ وَالْعُلْوَةِ الْبَيِّنَةِ وَ  
 اتَّوَجَّهُ إِلَيْكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
 كُنَا وَكَذَا فَإِنَّ ذَلِكَ لَا يَضِيقُ عَلَيْكَ  
 فِي وَجْدِكَ وَلَا يَتَكَدَّرُ فِي قُدْرَتِكَ وَ  
 أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ فَهَبْ لِي يَا إِلَهِي  
 مِنْ رَحْمَتِكَ وَدَوَامِ تَوْفِيقِكَ مَا أَخْجِدُ  
 سَلَامًا أَعْرِجْ بِهِ إِلَى رِضْوَانِكَ وَأَمْنٌ بِهِ  
 مِنْ عِقَابِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَكَانَ  
 مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرَّهْبَةِ

از دعای اخفیت عیدیم در ترس

بمیزان محروفت مهر  
 با جود و عیدیم  
 بنیست از انبیا  
 بنیست از انبیا  
 بنیست از انبیا  
 بنیست از انبیا

فَدَعَا عِزَّهُ لِيَهْدِيَهُ

اللَّهُمَّ أَنْتَ خَلَقْتَنِي سَوِيًّا وَرَبِّتَنِي  
 صَغِيرًا وَرَزَقْتَنِي مَكْفِيًّا اللَّهُمَّ إِنِّي  
 وَجَدْتُ فِيمَا أَنْزَلْتَ مِنْ كِتَابِكَ وَ  
 بَشَّرْتَ بِهِ عِبَادَكَ أَنْ قُلْتَ يَا عِبَادِيَ  
 الَّذِينَ اسْرِفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا  
 مِنْ رَحْمَتِي إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ  
 جَمِيعًا وَقَدْ تَقَدَّمَ مِنِّي مَا قَدْ عَلِمْتَ وَ  
 مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي فَيَا سَوْءَ تَامِمًا  
 أَحْصَاءُ عَلَى كِتَابِكَ فَلَوْلَا الْمَوَاقِفُ







في الرهبة

تَسْتَطِيعُ غَضَبَكَ فَارْحَمْنِي اللَّهُمَّ

طاقت دارود غضب را پس رحم کن بر من خداوند

فَإِنِّي أَمْرٌ وَحَقِيرٌ وَخَطَرِي كَبِيرٌ وَ

پس من امر و حقیر و خطر من بزرگ است و

لَيْسَ عَذَابِي مِثْلَ يَزِيدٍ فِي مُلْكِكَ مِثْقَالُ

نیست عذاب من مانند یزید در ملک تو مثقال

ذَرَّةٍ وَلَوْ أَنَّ عَذَابِي مِثْلَ يَزِيدٍ فِي مُلْكِكَ

ذره و اگر عذاب من مانند یزید در ملک تو

لَسَأَلْتُكَ أَصْبِرَ عَلَيْهِ وَأَخْبَتُ أَنْ

درخواست کنم از تو صبر بر آن و خست آن

يَكُونَ ذَلِكَ لَكَ وَلَكِنْ سُلْطَانُكَ اللَّهُمَّ

بوده باشد آن را تو ولیکن سلطان تو خداوند

أَعْظَمُ وَمُلْكُكَ أَزْوَاجُ مَنْ أَنْ تَزِيدَ

بزرگتر است و ملک تو از زوج من آن که یزید

فِيهِ طَاعَةُ الْمُطِيعِينَ أَوْ تَنْقُصَ مِنْهُ

در آن طاعت اطاعت کنندگان و کم کند از آن

مَعْصِيَةُ الْمُنْذِبِينَ فَارْحَمْنِي يَا أَرْحَمَ

کنندگان از من پس رحم کن بر من ای رحیم ترین

في التضرع والاسكان

الرَّاحِمِينَ وَتَحَاوَزَعْنِي يَا ذَا الْجَلَالِ

رحیم کنندگان و تجاوز کن مرا ای ذات الجلال

وَالْأَكْرَامِ وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ

و الاکرام و توبه کن بر من که تو توبه پذیر

وَكَانَ الرَّحِيمُ مِنْ قَائِمٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ

و بود از رحیم از قائم علیه السلام

إِلَهِي أَحْمَدُكَ وَأَنْتَ

ای من تو را ستایم و تو

لِلْحَمْدِ أَهْلٌ عَلَى حَسَنِ صَنِيعِكَ إِلَيَّ وَ

برای ستایش من و تو بر حسن صنع من به تو و

سُبُوغُ نِعْمَاتِكَ عَلَيَّ وَجَزِيلُ عَطَاكَ

تأمین نعمت تو بر من و جزیل عطا تو

عِنْدِي وَعَلَى مَا فَضَّلْتَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ

در من و بر آنچه تو مرا از رحمت خود

وَأَسْتَعِثُّ عَلَى مَنِّ نِعْمَتِكَ فَقَدْ

و استعینم بر من نعمت تو پس حقیر

أَصْطَنَعْتُ عِنْدِي مَا يَجْرُ عَنْهُ شُكْرِي

چنان کردم در من آنچه شکر از آن



في التضرع والاسكان

وَلَوْلَا إِحْسَانُكَ إِلَيَّ وَسُبُوحُ نِعْمَاتِكَ  
وَالْجُودُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
عَلَيَّ مَا بَلَغْتَ إِجْرًا حَظِّي وَلَا إِصْلَاحَ  
بِحِلْمِكَ فَرَسِدِمُ بِحِلْمِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
نَفْسِي وَلِكِنَّكَ بِنْدَاتِي بِالْإِحْسَانِ وَ  
نَفْسِي وَنَفْسِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
رَزَقْنِي فِي أُمُورِي كُلِّهَا الْكَفَايَةَ وَ  
رَزَقْنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
صَرَفْتَ عَنِّي جَهْدَ الْبَلَاءِ وَمَنْعْتَ مِنِّي  
كُلَّ شَيْءٍ يَصِلُ إِلَى الْوَيْلِ  
مَحْذُورًا الْقَضَاءِ إِلَهِي فَمِنْ بَلَاءٍ جَاهِدِ  
قُدْرَتُكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
قَدْ صَرَفْتَ عَنِّي وَكَمْ مِنْ نِعْمَةٍ سَائِغَةٍ  
كُلَّ شَيْءٍ يَصِلُ إِلَى الْوَيْلِ  
أَقْرَرْتَ بِهَا عَيْنِي وَكَمْ مِنْ صَبِيغَةٍ كَرِيمَةٍ  
رَوْحِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
لَكَ عِنْدِي أَنْتَ الَّذِي أَحْبَبْتُ عِنْدَ  
مَوْلَاكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

بِقُدْرَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

الاضطرار

في التضرع والاسكان

الاضطرار دَعَوَتِي وَأَقْلَكَ عِنْدَ لِعَنَاتِي  
وَالْجُودُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
رَلَّتِي وَأَخَذْتَ لِي مِنَ الْأَعْدَاءِ بَطْلًا  
وَالْجُودُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
إِلَهِي مَا وَحَدْتُكَ خِيَالِي سَأَلْتُكَ وَ  
إِلَهِي مَا وَحَدْتُكَ خِيَالِي سَأَلْتُكَ  
لَا مُنْقِضًا حِينَ ارْتَدْتُكَ بَلْ وَحَدْتُكَ  
وَالْجُودُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
لِدُعَائِي سَامِعًا وَلِطَلْبِي مُعْطِيًا وَ  
إِلَهِي مَا وَحَدْتُكَ خِيَالِي سَأَلْتُكَ  
وَجَدْتُ نِعْمًا لَكَ عَلَى سَائِغَةٍ فِي كُلِّ  
وَالْجُودُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
شَأْنٍ مِنْ شَأْنِي وَكُلِّ زَمَانٍ مِنْ  
وَالْجُودُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
زَمَانِي فَأَنْتَ عِنْدِي تَحْمُودٌ وَصَبْعُكَ  
وَالْجُودُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
لَدِي مَبْرُورٌ تَحْمَدُكَ نَفْسِي وَلِسَانِي  
وَالْجُودُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

الاضطرار



في التفرغ والدستكانة

بفرقه سپهسازان بكنند وحب  
سنگ بجا آورد

بفرقه سپهسازان بكنند وحب  
سنگ بجا آورد

وَعَقْلِي حَمْدًا يَبْلُغُ الْوَقَاءَ وَحَقِيقَةَ الشُّكْرِ  
وَعَقْلِي حَمْدًا يَبْلُغُ الْوَقَاءَ وَحَقِيقَةَ الشُّكْرِ  
يَكُونُ مَبْلُغَ رِضَاكَ عَنِّي فَخَنِّي مِنْ حُجَّتِكَ  
يَكُونُ مَبْلُغَ رِضَاكَ عَنِّي فَخَنِّي مِنْ حُجَّتِكَ  
يَا كَهْفِي حِينَ تَعْبِي الْمَذَاهِبُ يَا مُقْبِلِي عَثْرَتِي  
يَا كَهْفِي حِينَ تَعْبِي الْمَذَاهِبُ يَا مُقْبِلِي عَثْرَتِي  
فَلَوْلَا سِتْرُكَ عَوَّرَتْنِي لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ  
فَلَوْلَا سِتْرُكَ عَوَّرَتْنِي لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ  
وَيَا مُؤَيِّدِي يَا لَصْرٍ فَلَوْلَا نَصْرُكَ إِنَاءِي  
وَيَا مُؤَيِّدِي يَا لَصْرٍ فَلَوْلَا نَصْرُكَ إِنَاءِي  
لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ وَيَا مَنْ وَضَعْتَ لَهُ  
لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ وَيَا مَنْ وَضَعْتَ لَهُ  
الْمُلُوكُ نِزْجَ الْمَذَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهَا فَهَمُّ  
الْمُلُوكُ نِزْجَ الْمَذَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهَا فَهَمُّ  
مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ وَيَا أَهْلَ التَّقْوَى  
مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ وَيَا أَهْلَ التَّقْوَى  
وَيَا مَنْ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى أَسْأَلُكَ  
وَيَا مَنْ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى أَسْأَلُكَ

بفرقه سپهسازان بكنند وحب  
سنگ بجا آورد

بفرقه سپهسازان بكنند وحب  
سنگ بجا آورد

في التفرغ والدستكانة

أَنْ تَغْفِرَ عَنِّي وَتَغْفِرَ لِي فَلَسْتُ بِرَبِّئَا  
أَنْ تَغْفِرَ عَنِّي وَتَغْفِرَ لِي فَلَسْتُ بِرَبِّئَا  
فَاعْتَذِرْ وَلَا يَدِي قُوَّةً فَأَنْصِرْ وَلَا  
فَاعْتَذِرْ وَلَا يَدِي قُوَّةً فَأَنْصِرْ وَلَا  
مَفَرَّ لِي فَأَفِرْ وَأَسْتَقِيلَكَ عَثْرَاتِي  
مَفَرَّ لِي فَأَفِرْ وَأَسْتَقِيلَكَ عَثْرَاتِي  
وَأَتَصَلَّ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي قَدْ  
وَأَتَصَلَّ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي قَدْ  
أَوْ بَقِيَّتِي وَأَحَاطَتْ بِهَا فَاهْلِكْ كُنِّي  
أَوْ بَقِيَّتِي وَأَحَاطَتْ بِهَا فَاهْلِكْ كُنِّي  
مِنْهَا فَرَدْتُ إِلَيْكَ رَبِّ ثَائِبًا فَتُ  
مِنْهَا فَرَدْتُ إِلَيْكَ رَبِّ ثَائِبًا فَتُ  
عَلَى مَنْعُودًا فَأَعِزَّنِي مُسْتَجِيرًا فَلَا  
عَلَى مَنْعُودًا فَأَعِزَّنِي مُسْتَجِيرًا فَلَا  
تَخْذُلْنِي سَاءَ مَا فَلَاحُ حَرَمِي مُعْتَصِمًا فَلَا  
تَخْذُلْنِي سَاءَ مَا فَلَاحُ حَرَمِي مُعْتَصِمًا فَلَا  
تُسَلِّمْنِي دَاعِيًا فَلَا تَرُدَّنِي خَائِبًا  
تُسَلِّمْنِي دَاعِيًا فَلَا تَرُدَّنِي خَائِبًا

بفرقه سپهسازان بكنند وحب  
سنگ بجا آورد



في التفرغ والالتكانة

دَعَاكَ يَا رَبُّ مُسْكِنًا مُسْكِنًا  
 غلامم تا از برده من در خانه من و از آنکه  
 مُسْفِقًا خَائِفًا وَحَلَا فَقِيرًا مُضْطَرًّا  
 در سنده و در اسنده و بی تنگ فقر و بچاره  
 إِلَيْكَ أَشْكُوا إِلَيْكَ يَا إِلَهِي صَغَفْتُ نَفْسِي  
 بپوش تو شکایت میکنم بپوش تو ای خدا من را بپوش تو  
 عَنِ الْمَسَارَعَةِ فِيهَا وَعَدَّتْهُ أَوْلِيَاءُكَ  
 از شتابان دان در آن و عهد داده بان دوستان خود  
 وَالْمُجَانِبَةِ عَمَّا حَذَرَتْهُ أَعْدَاءُكَ وَ  
 و دور کردن از آن و دوری با آن دشمنان خود و  
 كَثْرَةَ هَوَمِيٍّ وَوَسْوَسةٍ نَفْسِي  
 از بسیار اندیشیدن و وسوسه نفس من  
 إِلَهِي لَمْ تَقْضِ لِي سِرِّي وَلَمْ تَهْلِكْ لِي  
 ای خدا من را بر سر من و مرا نماند  
 بِحَيْرِي أَدْعُوكَ فَجَبْنِي وَأَرْكَتُ  
 بگناه من میخوانم تا پس از آنکه بگریزم و اگر چه هستم  
 بَطِيئًا حِينَ نَدْعُوْنِي وَأَسْأَلُكَ كُلَّ  
 و در جواب دهنده و بپوش تو میخوانم و سوال میکنم تا هر چه

نفس من را بپوش تو  
 بپوش تو و بپوش تو  
 بپوش تو و بپوش تو

في التفرغ والالتكانة

سَلِّتْ مِنْ حَوَالِيَّ وَحَيْثُ مَا كُنْتُ وَ  
 از هر چه من بخوانم از هر چه من بخوانم  
 وَضَعْتُ عِنْدَكَ سِرِّي فَلَا أَدْعُوكَ  
 و میگذارم پیش تو و خود پس میخوانم سوار تو  
 وَلَا أَرْجُو عِزَّكَ لَيْسَ لَكَ تَسْمِعُ  
 و امید ندارم عزت تو را ایستادن تو نیست شنیدن تو  
 مِنْ شَكَايَتِي إِلَيْكَ وَتَلْقَى مَنْ تَوَكَّلَ  
 مرا شکایت کرد و بپوش تو و پیش سرای هر که را توکل کرد  
 عَلَيْكَ وَتَخْلُصُ مِنْ أَعْصَمَ بِكَ وَ  
 بر تو و بر آنکه و دوری با آنکه و دوری با آنکه  
 تَفَرَّجْ عَمَّنْ لَا ذِيكَ إِلَهِي فَلَا تَحْزِنُنِي  
 برطرف کن از آنکه که تو ای خدا من را برطرف کن  
 خَيْرَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى لِقَلَّةِ شُكْرِي  
 از خیر آخرت و دنیا و دنیا و دنیا و دنیا  
 وَاعْفِرْ لِي مَا تَعْلَمُ مِنْ ذُنُوبِي  
 و ببخش من از آنچه میدانی از گناهان من اگر  
 تُعَذِّبْ فَإِنَّا الظَّالِمُ الْمَفْرُطُ الْمُضِيعُ  
 عذاب کن پس من استغفار تقصیر من استغفار من استغفار من

و در جواب دهنده



الْاَلَامُ الْمُقَصَّرُ الْمُضْعُ الْمُغْفَلُ حَقَّ  
 كنهه كان كونه من كنهه وكذا كنهه  
 نَفْسِي وَإِنْ تَغْفِرْ فَإِنَّ رَحِمَ الرَّاحِمِينَ  
 خود را و اگر ببخشد پس رحم کند و رحمت کند  
 وَكَانَ مِنْ دَعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِسْلَامِ  
 و بود از دعا ها علیه السلام در اسلام  
 عَلَى اللَّهِ يَا اللَّهُ الَّذِي لَا يَخْفَى تَعَالَى  
 بر خدا ای خدا ای که پنهان نیست تعالی  
 عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ  
 بر او چیزی در زمین و در آسمان  
 وَكَيْفَ عَلَيْكَ سَيِّئِي يَا إِلَهِي مَا أَنْتَ  
 و چون و چگونه بر تو ای الهی تو  
 خَلَقْتَهُ وَكَيْفَ لَا تُخْضِي مَا أَنْتَ  
 آفریده آنرا و چگونه نماند تو  
 صَنَعْتَهُ أَوْ كَيْفَ يَغِيبُ عَنْكَ مَا أَنْتَ  
 ساخته آنرا یا چگونه از تو پنهان شود  
 تَدْرِي أَوْ كَيْفَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَهْرُبَ مِنْكَ  
 ندانم که آنرا یا چگونه می تواند از تو فرار کند

يَخْفَى  
پنهان

مِنْ لِحْيَةٍ لَهُ الْأَمْرُ زَيْدٌ أَوْ كَيْفَ  
 از لایحه او امر زید و چگونه  
 يَجُومُنَاكَ مِنْ لِمَذْهَبٍ لَهُ فِي غَيْرِ  
 را می جویاند از هر مذهب او در غیر  
 مُلْكِكَ سُبْحَانَكَ أَخَشِي خَلْقَكَ لَكَ  
 ملک تو پاک است ترسناکم از آفرین تو  
 أَعْلَمُهُمْ بِكَ وَأَخْضَعُهُمْ لَكَ أَعْلَهُمْ  
 دانایان ایشانست به تو و خوارترین ایشانست از تو  
 بِطَاعَتِكَ وَأَهْوَنُهُمْ عَلَيْكَ مَنْ أَنْتَ  
 بطاعت تو و آسانترین بر تو ایست که تو  
 تَرْزُقُهُ وَهُوَ يَعْبُدُ غَيْرَكَ سُبْحَانَكَ  
 روز می دهد او را و او عبادت غیر تو را پاک است  
 لَا يَنْقُصُ سُلْطَانُكَ مِنْ إِشْرَاكَ بِكَ  
 کم نشیند سلطان تو از اشتراک با تو  
 وَكَذَبَ رُسُلَكَ وَلَيْسَ يَسْتَطِيعُ مِنْ كَرَمٍ  
 و کذب کرد رسولان تو و نمی تواند از تو بزرگواری  
 قَضَاءُكَ أَنْ يَرُدَّ أَمْرَكَ وَلَا يَمْنَعُ مِنْكَ  
 قضاء تو را که برگرداند امر تو را و نمی مانع از تو

اعلم

باز کرد

نهان

در آسمان و در زمین



مَنْ كَذَّبَ بِقُدْرَتِكَ وَلَا يَفُوتُكَ مِنْ  
 عَبْدٍ غَيْرِكَ وَلَا يَعْمُرُ فِي الدُّنْيَا مِنْ  
 كَرِهٍ لِقَاءَكَ سُبْحَانَكَ مَا أَعْظَمَ  
 شَانَكَ وَأَقْهَرُ سُلْطَانَكَ وَأَشَدَّ  
 قُوَّتَكَ وَأَنْفَذَ أَمْرَكَ سُبْحَانَكَ قَضَيْتَ  
 عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ الْمَوْتَ مِنْ وَحْدِكَ  
 وَمَنْ كَفَرَ بِكَ وَكُلُّ ذَا نَفْسٍ أَلْمُوتُ وَ  
 كُلُّ صَائِرٍ إِلَيْكَ مُبَارَكْتَ وَ  
 تَعَالَيْتَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا

شَرِيكَ لَكَ أَمَنْتُ بِكَ وَصَدَقْتُ سُلْكَ  
 وَقَبْلَتْ كِتَابَكَ وَكَفَرْتُ بِكُلِّ مَعْبُودٍ  
 غَيْرِكَ وَبَرَّيْتُ مِنْ عَبْدٍ سِوَاكَ اللَّهُمَّ  
 إِنِّي أَضِيعُ وَأُضَيِّعُ وَأُسْقِطُ أَعْمَلِي مُعْتَرِفًا  
 بِذُنُوبِي مُقَرَّرًا خَطَايَايَ أَنَا يَا سَرِيفًا  
 ذَلِيلًا عَمَلِي أَهْلِكْنِي وَهَوَايَ أَرِزْ إِنِّي  
 وَشَهْوَايَ حَرِّمْنِي فَاسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ  
 سُؤَالَ مَنْ نَفْسُهُ لَا هَيْئَةَ لِطَوْلِ أَمَلِهِ  
 وَبَدَنُهُ غَافِلٌ لِسُكُونِ عُرْوَةِ قَلْبِهِ







فَالْتَدَلُّ لَكَ عَنْ حِلِّ

ادْعُوْا إِلَيْكَ الْحَاءُ وَبِكَ اِثْنُ وَاثْنَاكَ  
*میانم و بسوز تو ای که میگویم و بیا خودم و باز تو*

اَسْتَعِيْنُ وَبِكَ اُوْمِنُ وَعَلَيْكَ اَتَوَكَّلُ  
*ایزداد تو و بیا تو میگویم و بدو توکل میکنم*

وَعَلَى جُودِكَ وَكَرَمِكَ اَتَكَلُّ وَكَانَ  
*و بیا جود تو و کرم تو و بیا تو تکلم میکنم و بود*

مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي التَّدَلُّ لَكَ عَنْ حِلِّ  
*از دعای ائمه علیهم السلام و در خواست کردن از برای ضایع و حیل*

رَبِّ اَلْحَمْدُ ذُنُوْبِيْ وَانْقَطَعَتْ مَقَالَتِي  
*ایزداد تو که تمام کار من است و تمام کار من در پیشگاه تو قطع شد*

فَلَا حُجَّةَ لِيْ فَاَنَا الْاَسِيْرُ بِكَيْتِي الْمَرْهُنُ  
*پس نیست مجوز مرا پس منم اسیر بپای تو و مرهون*

بِعَمَلِي الْمُرْتَدُّ فِيْ خَطِيئَتِي الْمَخْرُوعِ  
*بکار خودم که برگشته ام در خطای خودم و مخرور*

قَصْدِي الْمُنْقَطِعُ بِقَدَا وَقَفْتُ بِنَفْسِي  
*مقصد خودم که قطع شده و بپای تو ایستادم و بپای خودم ایستادم*

مَوْقِفُ الْاَدْلَاءِ الْمُنْبِينِ مَوْقِفُ الْاَشْقِيَا  
*درگاه پستیان و خواران گناهکاران درگاه پستیان و بدبختان*

فَالْتَدَلُّ لَكَ عَنْ حِلِّ

عَلَيْكَ الْمُسْتَخْفِيْنَ بِوَعْدِكَ سُبْحَانَكَ  
*بر تو ای که پنهان کنی بپای تو و بپای خودم*

اَيُّ جُرْأَتٍ اجْتَرَأْتُ عَلَيْكَ وَاَيُّ تَغَرُّبٍ  
*بچه ام جرأت و بپای تو و بپای خودم و بپای خودم*

غَرَّرْتُ بِنَفْسِيْ مَوْلَايْ اَرْحَمُ كَيْوَنَةٍ  
*در میانک انداختم نفس خودم را ای مولای من مهربانترین*

لِحُرُوجِهِ وَزَلَّةَ قَدَمِيْ وَعُدْجِيْكَ  
*برای خروج او و لغزش پاهای من و کجایی تو*

عَلَى جَهْلِيْ وَبِاِحْسَانِكَ عَلَى اِسَاءَتِي  
*بر نادانی من و بپای تو که بخیر کنی مرا بر بدی من*

فَاَنَا الْمُقْرَبُ ذُنُوْبِيْ الْمُعْتَرِفُ بِخَطِيئَتِيْ  
*پس منم نزدیک گناه خودم که اعتراف کننده به خطای خودم*

هَذِهِ يَدِيْ وَنَاصِيَّتِيْ اسْتَكْبَرْتُ بِالْقُوَّةِ  
*این دست من است و پیشانی منم که بپای تو ایستادم و بپای خودم ایستادم*

مِنْ نَفْسِيْ اَرْحَمُ شَيْئَتِيْ وَتَفَادَايَايْ  
*از نفس من مهربانترین و بپای تو ایستادم و بپای خودم ایستادم*

اقْتَرَابَ اَجَلِيْ وَضَعْفِيْ وَمَسْكِنَتِيْ  
*نزدیک شدن اجل مرا و ضعف مرا و مسکن مرا*

مِنْ نَفْسِيْ اَرْحَمُ شَيْئَتِيْ وَتَفَادَايَايْ  
مِنْ نَفْسِيْ اَرْحَمُ شَيْئَتِيْ وَتَفَادَايَايْ  
مِنْ نَفْسِيْ اَرْحَمُ شَيْئَتِيْ وَتَفَادَايَايْ  
مِنْ نَفْسِيْ اَرْحَمُ شَيْئَتِيْ وَتَفَادَايَايْ

مِنْ نَفْسِيْ اَرْحَمُ شَيْئَتِيْ وَتَفَادَايَايْ

مِنْ نَفْسِيْ اَرْحَمُ شَيْئَتِيْ وَتَفَادَايَايْ

مِنْ نَفْسِيْ اَرْحَمُ شَيْئَتِيْ وَتَفَادَايَايْ

مِنْ نَفْسِيْ اَرْحَمُ شَيْئَتِيْ وَتَفَادَايَايْ

مِنْ نَفْسِيْ اَرْحَمُ شَيْئَتِيْ وَتَفَادَايَايْ

المحرور



فَالْتَدَلَّ عَلَى اللَّهِ

وَقَلَّةَ حِيلَتِي مَوْلَايَ وَارْحَمْنِي إِذَا <sup>نقطع</sup>  
*و کمر چاره مرا از مولای من و رحم کن مرا چون قطع شود*  
مِنَ الدُّنْيَا أَتَرَى وَأَحْيِي مِنَ الْخُلُوقِ  
*دنیای من و دنیا را می بینی و زنده می سازی از مخلوقات*  
ذِكْرِي وَكُنْتُ فِي الْمُنْسِينَ كَمَنْ  
*یاد من و بودم در میان منسلکان همچو کس*  
قَدْ نَسِيَ مَوْلَايَ وَارْحَمْنِي عِنْدَ تَغْيِيرِ  
*آنچه که فراموش کرده است مولای من و رحم کن مرا نزد تغییر شدن*  
صُورَتِي وَحَالِي إِذَا بَلَغَ جِسْمِي نَفَقَتِ  
*صورت من و حال من چون گذشت جسم من و پنهان شد*  
أَعْضَائِي وَتَقَطَّعَتْ أَوْصَالِي يَا غَفْلَةً  
*اعضای من و پاره شد پیوندهای من ای غافلانه*  
عَمَّا يُرَادُ بِي مَوْلَايَ وَارْحَمْنِي فِي  
*از آنچه اراده کرده است برای من مولای من و رحم کن مرا در*  
حَشَرِي وَنَشْرِي وَاجْعَلْ فِي ذَلِكَ  
*دشمنی کردن من و دشمنی من و بگردان من در آن*  
الْيَوْمَ مَعَ أَوْلِيَاءِكَ مَوْفَقِي وَفِي  
*روز با یاران خود استخوان مرا و در*

فَاسْتَكْثَفَ الْهَوَا

أَحْبَائِكَ مَصْدَرِي وَفِي جَوَارِكَ  
*سویان دوستان خود جوارش مرا و در آب گنجش مرا*  
مَسْكَنِي يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَكَانَ مِنْ دَعَائِهِ  
*آرامگاه مرا ای پروردگار عالمین و بود از دعای*  
عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي اسْتِكْثَافِ الْهَوَا  
*آنحضرت علیه السلام در طلب دفع کردن اندوه*  
يَا فَارِجَ الْهَمِّ وَكَاشِفَ الْغَمِّ يَا خَيْرَ  
*ای رفع کننده اندوه و دفع کننده غم ای بهترین*  
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِمَهُمَا صَلِّ عَلَى  
*دو دنیا و در آنحضرت و رحم او دنیا و آخرت را صلوات*  
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْرُجْ هَمِّي وَاكْشِفْ  
*محمد و آل محمد و کشش اندوه مرا و برطرف کن*  
عَنِّي يَا وَاحِدًا يَا أَحَدًا يَا صَدُ يَا مَنْ لَمْ  
*غم مرا ای یکتا ای یگانه ای یگانه ای آنکه*  
يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ  
*زاییده و زاییده نشد و نیست بر او مانند کسی*  
اغْنِنِي وَطَهِّرْنِي وَادْهَبْ سِلَّتِي  
*کند و در مرا و پاکیزد مرا و ببرد پستی مرا*



وَأَقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَالْمُعْذِيتَيْنِ وَ  
 قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَقُلْ اللَّهُ هَمٌّ إِنْ سَأَلَكَ  
 سُؤَالَ مَنْ أَسْتَدْتْ فَأَقْنَهُ وَضَعْفَتْ  
 قُوَّتُهُ وَكَثُرَتْ ذُنُوبُهُ سُؤَالَ مَنْ  
 بَجَدَ لِفَاقَتِهِ مُغِيثًا وَلَا لَضَعْفِهِ مُقْوِيًا  
 وَلَا لَذَنْبِهِ غَافِرًا غَيْرَكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ  
 أَسْأَلُكَ عَمَلًا تَحْتَ بِهِ  
 مِنْ عَمَلٍ بِهِ وَبِقِيَّتِهِ نَفَعُ بِهِ مَنْ أَسْتَيْقِنَ  
 حَقَّ الْيَقِينِ فِي نَفَاذِ أَمْرِكَ اللَّهُمَّ

بغير قیل خود بر این  
 و عمل مؤید است

در این دعا  
 و عمل مؤید است

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَقْبِضْ عَلَى الصَّدَقِ  
 نَفْسِي وَأَقْطَعْ مِنَ الدُّنْيَا حَاجَتِي وَ  
 اجْعَلْ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتِي شَوْقًا إِلَى  
 لِقَائِكَ وَهَبْ لِي صِدْقَ التَّوَكُّلِ  
 عَلَيْكَ أَسْأَلُكَ مِنْ حَيْرِ كِتَابٍ قَدْ  
 خَلَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كِتَابٍ قَدْ خَلَا  
 أَسْأَلُكَ خَوْفَ الْعَابِدِينَ لَكَ وَعِثَا  
 الْخَاشِعِينَ لَكَ وَيَقِينَ الْمُتَوَكِّلِينَ  
 عَلَيْكَ وَتَوَكُّلَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْكَ

بسم الله الرحمن الرحيم  
 اللهم اغفر لي ما مضى وما مضى  
 و ما مضى و ما مضى

بسم الله الرحمن الرحيم  
 اللهم اغفر لي ما مضى وما مضى  
 و ما مضى و ما مضى





بغيره از محبت

اللَّهُمَّ اجْعَلْ رَغْبَتِي فِي مَسْئَلَتِي مِثْلَ  
 رَغْبَةِ أَوْلِيَائِكَ فِي مَسَائِلِهِمْ وَهَبْنِي  
 مِثْلَ رَهْبَةِ أَوْلِيَائِكَ وَاسْتَعْلَنِي  
 فِي مَرْضَاتِكَ عَمَلًا لَا أَتْرُكُ مَعَهُ شَيْئًا  
 مِنْ دِينِكَ خَافَةً أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ  
 هَذِهِ حَاجَتِي فَأَعْظِمْ فِيهَا رَغْبَتِي  
 وَأُظْهِرْ فِيهَا عُذْرِي وَلَقِّنِي فِيهَا  
 حُجَّتِي وَعَافِ فِيهَا جَسَدِي اللَّهُمَّ مَنْ  
 أَضَيَّ لَهُ ثِقَةٌ أَوْ رَجَاءٌ غَيْرُكَ فَقَدْ  
 ضَلَّ سُبُلَ الْهَلَاكِ

أَصْحَحْتُ وَأَنْتَ ثَقْتِي وَرَجَائِي فِي  
 الْأُمُورِ كُلِّهَا فَأَقْضِ لِي بِخَيْرِهَا  
 عَاقِبَةً وَبَحْتِي مِنْ مُضَلِّاتِ الْفِتَنِ  
 بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ  
 عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ الْمُصْطَفَى  
 وَعَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ مَا أُحِبُّ بَعْضُ  
 لَسَخِ الصَّحِيفَةِ كَانَ مِنْ تَسْبِيحِهِ أَعْنِي  
 زَيْنَ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سُبْحَانَكَ  
 اللَّهُمَّ وَحَنَانِكَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ

من صبح کردم و تو یه ایستادم و امیدوارم در امورم بر تو تکیه کنم پس بگو که با تو هر چه بخواهم برآید

در روز بخیرم و در کارهایم از تو امیدوارم که مرا از گناهان نجات دهی و رحمت تو را بر من نازل کنی و محمد رسول خدا را که بر او صلوات است

و بر آل الطاهرين که با او صلوات است و بعضی از نسخه ها که در آن است تسبیح است و بعضی از نسخه ها که در آن است تسبیح است و بعضی از نسخه ها که در آن است تسبیح است





# الشيخ

وَعَالَيْتُ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَالْعِزُّ  
 وَبَدَأَ بِهَذَا الشَّيْخُ مُحَمَّدٌ تَرَا <sup>خداوند</sup> وَغَزَتْ  
 إِذَا رَكَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَالْعِظْمَةُ  
 جَانِبَتْ <sup>شیخ</sup> تَرَا <sup>خداوند</sup> وَغَضَّتْ  
 رِذَاؤُكَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَالْكَرِيَاءُ  
 دَارَتْ <sup>شیخ</sup> تَرَا <sup>خداوند</sup> وَبَدَأَ  
 سُلْطَانُكَ سُبْحَانَكَ مِنْ عَظِيمٍ مَا أَغْظَاكَ  
 مَحَبَّتِ <sup>شیخ</sup> تَرَا <sup>خداوند</sup> إِذَا رَكَ <sup>بزرگ</sup> بَرَكِ  
 سُبْحَانَكَ سُبْحَتُ فِي الْأَعْلَى تَسْمَعُ وَ  
<sup>شیخ</sup> تَرَا <sup>شیخ</sup> كَرَّمَهُ <sup>در عالم بالا</sup> وَرَشَّحَهُ  
 تَرَى مَا تَحْتَ الثَّرَى سُبْحَانَكَ أَنْتَ  
<sup>مخبر</sup> تَرَا <sup>در زیر خاک</sup> تَرَا <sup>شیخ</sup> تَرَا <sup>تو</sup>  
 شَاهِدُ كُلِّ بَحْوٍ سُبْحَانَكَ مَوْضِعُ كُلِّ  
<sup>عالم</sup> تَرَا <sup>دار</sup> تَرَا <sup>شیخ</sup> تَرَا <sup>ارحل</sup>  
 بَحْوٍ سُبْحَانَكَ حَاضِرُ كُلِّ مَلَا سُبْحَانَكَ  
<sup>دار</sup> تَرَا <sup>شیخ</sup> تَرَا <sup>ارحل</sup> تَرَا <sup>در هر کس</sup> تَرَا <sup>شیخ</sup>  
 عَظِيمُ الرَّجَاءِ سُبْحَانَكَ تَرَى مَا فِي قَعْرِ  
<sup>و</sup> تَرَا <sup>شیخ</sup> تَرَا <sup>شیخ</sup> تَرَا <sup>مخبر</sup> تَرَا <sup>در</sup>

# الشيخ

الْمَاءِ سُبْحَانَكَ تَسْمَعُ أَنْفَاسَ الْحَيَاتِ  
<sup>آبست</sup> تَرَا <sup>شیخ</sup> تَرَا <sup>مخبر</sup> تَرَا <sup>خداوند</sup>  
 فِي قَعْوَرِ الْحَارِ سُبْحَانَكَ تَعْلَمُ وَزْنَ  
<sup>در قعر</sup> تَرَا <sup>شیخ</sup> تَرَا <sup>مخبر</sup> تَرَا <sup>خداوند</sup>  
 السَّمَوَاتِ سُبْحَانَكَ تَعْلَمُ وَزْنَ الْأَرْضِينَ  
<sup>آسمانها</sup> تَرَا <sup>شیخ</sup> تَرَا <sup>مخبر</sup> تَرَا <sup>خداوند</sup>  
 سُبْحَانَكَ تَعْلَمُ وَزْنَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ  
<sup>شیخ</sup> تَرَا <sup>مخبر</sup> تَرَا <sup>خداوند</sup> تَرَا <sup>آفتاب</sup> تَرَا <sup>و ماه</sup>  
 سُبْحَانَكَ تَعْلَمُ وَزْنَ الظُّلُمَةِ وَالنُّورِ  
<sup>شیخ</sup> تَرَا <sup>مخبر</sup> تَرَا <sup>خداوند</sup> تَرَا <sup>مخبر</sup> تَرَا <sup>خداوند</sup>  
 سُبْحَانَكَ تَعْلَمُ وَزْنَ الْفَيْ وَالْهَوَاءِ  
<sup>شیخ</sup> تَرَا <sup>مخبر</sup> تَرَا <sup>خداوند</sup> تَرَا <sup>سایه</sup> تَرَا <sup>و هوا</sup>  
 سُبْحَانَكَ تَعْلَمُ وَزْنَ الرَّيحِ كَمْ هِيَ مِنْ  
<sup>شیخ</sup> تَرَا <sup>مخبر</sup> تَرَا <sup>خداوند</sup> تَرَا <sup>مخبر</sup> تَرَا <sup>خداوند</sup>  
 مِثْقَالِ ذَرَّةٍ سُبْحَانَكَ قَدُوسٌ قُدُّوسٌ  
<sup>مخبر</sup> تَرَا <sup>شیخ</sup> تَرَا <sup>مخبر</sup> تَرَا <sup>خداوند</sup> تَرَا <sup>مخبر</sup> تَرَا <sup>خداوند</sup>  
 قَدُوسٌ سُبْحَانَكَ عَجَبًا مِنْ عَرَفِكَ كَيْفَ  
<sup>مخبر</sup> تَرَا <sup>شیخ</sup> تَرَا <sup>مخبر</sup> تَرَا <sup>خداوند</sup> تَرَا <sup>مخبر</sup> تَرَا <sup>خداوند</sup>



کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

مخبر تارا شیخ تارا خداوند

مخبر تارا شیخ تارا خداوند



# التسبيح

لَا يَخَافُكَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ  
 سُبْحَانَكَ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ رَوَى  
 الزَّهْرِيُّ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيْبِ قَالَ  
 كَانَ الْقَوْمُ لَا يَخْرُجُونَ مِنْ مَكَّةَ حَتَّى  
 يَخْرُجَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ سَيِّدَا الْعَابِدِينَ  
 فَخَرَجَ وَخَرَجَتْ مَعَهُ فَزَلَّ فِي بَعْضِ  
 الْمَنَازِلِ فَصَلَّى رُكْعَتَيْنِ فَسَبَّحَ فِي سَجْدِهِ  
 يَعْنِي بِهَذَا التَّسْبِيحِ فَلَمْ يَبْقَ شَجَرٌ وَلَا مَدْرَ  
 الْأَشْجِ مَعَهُ فَفَرَّغْنَا فَرَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ

# تجويد

يَا سَعِيدُ أَفَرِغْتَ فَقُلْتُ نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ  
 فَقَالَ لِهَذَا التَّسْبِيحِ الْأَعْظَمِ حَدَّثَنِي أَبِي  
 عَنْ جَدِّي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
 وَآلِهِ قَالَ لَا يَنْتَقِي الذَّنُوبُ مَعَ هَذَا  
 التَّسْبِيحِ وَإِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ لَمَّا خَلَقَ  
 جِبْرِيلَ الْهَمَّةَ هَذَا التَّسْبِيحَ وَهُوَ اسْمُ اللَّهِ

الْأَكْبَرُ دُعَاءُ وَتَحْمِيدٌ لِلْفَضْلِ السَّلَامُ اللَّهُمَّ  
 الَّذِي تَجَلَّى لِلْقُلُوبِ بِالْعِظَةِ وَاجْتَمَعَ  
 عَنْ الْأَبْصَارِ بِالْعِزَّةِ وَاقْتَدَرَ عَلَى الْأَشْيَاءِ



مكتبة  
 دار  
 الكتب  
 دار  
 الكتب  
 دار  
 الكتب

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 والصلاة والسلام على سيدنا محمد  
 وآله الطيبين الطاهرين  
 أجمعين







في التذلل

بِفَنَائِكَ سَأَلْتُكَ بِفَنَائِكَ فَقَتِيرُكَ  
 بِرَأْسَانِكَ سَأَلْتُكَ بِرَأْسَانِكَ فَقَتِيرُكَ  
 بِفَنَائِكَ ثَلَاثًا إِلَهِي لَكَ يَرْهَبُ وَإِلَيْكَ  
 بِرَأْسَانِكَ سَأَلْتُكَ بِرَأْسَانِكَ فَقَتِيرُكَ  
 أَخْلَصَ الْمُسْتَغِيثُونَ رَهْبَةً لَكَ وَرَجَاءَ  
 فَاحْصُ كَرَمِهِ إِذَا تَوَلَّى وَكَانَ إِذْ ذُرُوسُ عَرْشِهِ وَاسْمُهُ  
 لِعَفْوِكَ يَا إِلَهَ الْحَقِّ ارْحَمْ دُعَاءَ الْمُسْتَغِيثِينَ  
 مَعْذُورًا ارْحَمْ دُعَاءَ الْمُسْتَغِيثِينَ  
 وَاعْفُ عَنِّ جَرَائِمِ الْغَافِلِينَ وَزِدْنِي  
 وَاعْفُ عَنِّ جَرَائِمِ الْغَافِلِينَ وَزِدْنِي  
 إِحْسَانِ الْمُنِيبِينَ يَوْمَ الْوُفْدِ عَلَيْكَ  
 نِيكَوْنُ كَرَمُهُ إِذَا تَوَلَّى وَكَانَ إِذْ ذُرُوسُ عَرْشِهِ وَاسْمُهُ  
 فَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ يَا كَرِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي التَّذَلُّلِ  
 وَهُوَ دُعَاءُ الْخَفَرِ أَوْ تَوَلَّى وَكَانَ إِذْ ذُرُوسُ عَرْشِهِ وَاسْمُهُ  
 مَوْلَايَ مَوْلَايَ أَنْتَ الْمَوْلَى وَأَنَا الْعَبْدُ  
 مَوْلَايَ مَوْلَايَ أَنْتَ الْمَوْلَى وَأَنَا الْعَبْدُ  
 وَهَلْ يَرْحَمُ الْعَبْدَ إِلَّا الْمَوْلَى مَوْلَايَ  
 وَهَلْ يَرْحَمُ الْعَبْدَ إِلَّا الْمَوْلَى مَوْلَايَ

بِفَنَائِكَ ثَلَاثًا  
 بِرَأْسَانِكَ سَأَلْتُكَ  
 بِرَأْسَانِكَ سَأَلْتُكَ

بِفَنَائِكَ ثَلَاثًا  
 بِرَأْسَانِكَ سَأَلْتُكَ

في التذلل

مَوْلَايَ أَنْتَ الْعَزِيزُ وَأَنَا الذَّلِيلُ وَ  
 مَوْلَايَ أَنْتَ الْعَزِيزُ وَأَنَا الذَّلِيلُ وَ  
 وَهَلْ يَرْحَمُ الذَّلِيلَ إِلَّا الْعَزِيزُ مَوْلَايَ  
 وَهَلْ يَرْحَمُ الذَّلِيلَ إِلَّا الْعَزِيزُ مَوْلَايَ  
 مَوْلَايَ أَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ وَ  
 مَوْلَايَ أَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ وَ  
 هَلْ يَرْحَمُ الْمَخْلُوقَ إِلَّا الْخَالِقُ مَوْلَايَ  
 هَلْ يَرْحَمُ الْمَخْلُوقَ إِلَّا الْخَالِقُ مَوْلَايَ  
 مَوْلَايَ أَنْتَ الْمُعْطَى وَأَنَا السَّائِلُ  
 مَوْلَايَ أَنْتَ الْمُعْطَى وَأَنَا السَّائِلُ  
 وَهَلْ يَرْحَمُ السَّائِلَ إِلَّا الْمُعْطَى مَوْلَايَ  
 وَهَلْ يَرْحَمُ السَّائِلَ إِلَّا الْمُعْطَى مَوْلَايَ  
 مَوْلَايَ أَنْتَ الْمَغِيثُ وَأَنَا الْمُسْتَغِيثُ  
 مَوْلَايَ أَنْتَ الْمَغِيثُ وَأَنَا الْمُسْتَغِيثُ  
 وَهَلْ يَرْحَمُ الْمُسْتَغِيثَ إِلَّا الْمَغِيثُ  
 وَهَلْ يَرْحَمُ الْمُسْتَغِيثَ إِلَّا الْمَغِيثُ  
 مَوْلَايَ مَوْلَايَ أَنْتَ الْبَاقِي وَأَنَا الْفَاقِ  
 مَوْلَايَ مَوْلَايَ أَنْتَ الْبَاقِي وَأَنَا الْفَاقِ

بِفَنَائِكَ ثَلَاثًا  
 بِرَأْسَانِكَ سَأَلْتُكَ

بِفَنَائِكَ ثَلَاثًا  
 بِرَأْسَانِكَ سَأَلْتُكَ

بِفَنَائِكَ ثَلَاثًا  
 بِرَأْسَانِكَ سَأَلْتُكَ

بِفَنَائِكَ ثَلَاثًا  
 بِرَأْسَانِكَ سَأَلْتُكَ

بِفَنَائِكَ ثَلَاثًا  
 بِرَأْسَانِكَ سَأَلْتُكَ

بِفَنَائِكَ ثَلَاثًا  
 بِرَأْسَانِكَ سَأَلْتُكَ

بِفَنَائِكَ ثَلَاثًا  
 بِرَأْسَانِكَ سَأَلْتُكَ



وَهَلْ يَرْحَمُ الْفَاقِيَ إِلَّا الْبَاقِي مُوَلَايَ  
 وَأَنَا مِمَّنْ يَكُونُ فَاكِيًا كَمَا يَكُونُ مُوَلَايَ  
 مُوَلَايَ أَنْتَ الدَّائِمُ وَأَنَا الزَّائِلُ وَهَلْ  
 يَرْحَمُ الزَّائِلَ إِلَّا الدَّائِمُ مُوَلَايَ مُوَلَايَ  
 أَنْتَ الْحَيُّ وَأَنَا الْمَيِّتُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَيِّتَ  
 إِلَّا الْحَيُّ مُوَلَايَ مُوَلَايَ أَنْتَ الْقَوِيُّ وَ  
 أَنَا الضَّعِيفُ وَهَلْ يَرْحَمُ الضَّعِيفَ  
 إِلَّا الْقَوِيُّ مُوَلَايَ مُوَلَايَ أَنْتَ الْكَبِيرُ  
 وَأَنَا الصَّغِيرُ وَهَلْ يَرْحَمُ الصَّغِيرَ إِلَّا  
 الْكَبِيرُ مُوَلَايَ مُوَلَايَ أَنْتَ الْمَالِكُ  
 وَأَنَا الْمَمْلُوكُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَمْلُوكَ  
 إِلَّا الْمَالِكُ وَمَنْ دُعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ذِكْرِ  
 الْحَمْدِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اللَّهُمَّ يَا مَنْ خَصَّ مُحَمَّدًا  
 وَالْأَئِمَّةَ بِالْكَرَامَةِ وَجَبَّاهُمْ بِالرِّسَالَةِ  
 وَخَصَّصَهُمْ بِالْوَسِيلَةِ وَجَعَلَهُمْ  
 وَرَثَةَ الْأَنْبِيَاءِ وَخَتَمَ بِهِمُ الْأَوْصِيَاءَ  
 وَجَعَلَ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ قُورَى  
 إِلَيْهِمْ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

أَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا  
 الْفَقِيرُ وَهَلْ يَرْحَمُ  
 الْفَقِيرَ إِلَّا الْغَنِيُّ  
 مُوَلَايَ مُوَلَايَ

وَهَلْ يَرْحَمُ الْفَاقِيَ إِلَّا الْبَاقِي مُوَلَايَ  
 وَأَنَا مِمَّنْ يَكُونُ فَاكِيًا كَمَا يَكُونُ مُوَلَايَ  
 مُوَلَايَ أَنْتَ الدَّائِمُ وَأَنَا الزَّائِلُ وَهَلْ  
 يَرْحَمُ الزَّائِلَ إِلَّا الدَّائِمُ مُوَلَايَ مُوَلَايَ  
 أَنْتَ الْحَيُّ وَأَنَا الْمَيِّتُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَيِّتَ  
 إِلَّا الْحَيُّ مُوَلَايَ مُوَلَايَ أَنْتَ الْقَوِيُّ وَ  
 أَنَا الضَّعِيفُ وَهَلْ يَرْحَمُ الضَّعِيفَ  
 إِلَّا الْقَوِيُّ مُوَلَايَ مُوَلَايَ أَنْتَ الْكَبِيرُ  
 وَأَنَا الصَّغِيرُ وَهَلْ يَرْحَمُ الصَّغِيرَ إِلَّا  
 الْكَبِيرُ مُوَلَايَ مُوَلَايَ أَنْتَ الْمَالِكُ  
 وَأَنَا الْمَمْلُوكُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَمْلُوكَ  
 إِلَّا الْمَالِكُ وَمَنْ دُعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ذِكْرِ  
 الْحَمْدِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اللَّهُمَّ يَا مَنْ خَصَّ مُحَمَّدًا  
 وَالْأَئِمَّةَ بِالْكَرَامَةِ وَجَبَّاهُمْ بِالرِّسَالَةِ  
 وَخَصَّصَهُمْ بِالْوَسِيلَةِ وَجَعَلَهُمْ  
 وَرَثَةَ الْأَنْبِيَاءِ وَخَتَمَ بِهِمُ الْأَوْصِيَاءَ  
 وَجَعَلَ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ قُورَى  
 إِلَيْهِمْ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ



کتابخانه  
 مسجد  
 جامع  
 تهران  
 شماره ثبت  
 ۱۳۵۴  
 تاریخ ثبت  
 ۱۳۵۴



وَأَفْعَلْ بِأَمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ فِي الدِّينِ  
وَكَيْفَ يَأْتِيهِ تَوَهُُّدًا وَرَأْفَةً وَدِينًا  
وَالدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ  
وَدَّيْقٌ وَأَخْبَرْتُ بِكَ كَرَامَتَكَ بِرَبِّهِ

وَمِنْ دَعَائِهِ قَدِيرٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الصَّلَاةِ  
وَأَزْوَاجُ الْفَخْرِتِ بِغَيْثِ تَوَاتُرِ عِلْمِهِ وَدُرِّهِ وَرَحْمَتِهِ  
عَلَى آدَمَ اللَّهُمَّ وَآدَمَ بَدِيعُ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
بِرَبِّهِ بَارِئًا وَآدَمَ نَوِيًّا وَآدَمَ عِلْمًا

فِطْرَتِكَ وَأَوَّلُ مُعْتَرِفٍ مِنَ الطِّينِ  
أَوَّلُ طِينٍ تَحْتَ وَتَحْتَ أَهْلَ كَرَامَتِهِ وَرَأْفَتِهِ  
بِرَبِّهِ تَوَيْتِكَ وَبَدُوْجِكَ عَلَى عِبَادِكَ  
بِرَبِّهِ وَكَأَنَّ تَوَهُُّدًا وَرَأْفَةً بِرَبِّهِ كَانَتْ تَوَهُُّدًا

وَالدَّلِيلُ عَلَى الْإِسْتِجَارَةِ بِعَفْوِكَ مِنْ  
وَرَأْفَتِهِ بِرَبِّهِ بَارِئًا وَآدَمَ نَوِيًّا وَآدَمَ عِلْمًا  
عِقَابِكَ وَالْثَّاهُجُ سَبَلُ تَوَيْتِكَ وَ  
عَفَاكَ تَوَهُُّدًا وَرَأْفَةً بِرَبِّهِ كَانَتْ تَوَهُُّدًا  
الْمَوْسِلُ بَيْنَ الْخَلْقِ وَبَيْنَ مَعْرِفَتِكَ وَ  
وَسَبِيلُ تَوَهُُّدِهِ مِثْلَهُ خَلْقٌ وَمِثْلَهُ مَعْرِفَتُهُ تَوَهُُّدًا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالَّذِي لَقِّنْتَهُ مَا رَضِيتَ بِهِ عَنْهُ  
وَالَّذِي لَقِّنْتَهُ مَا رَضِيتَ بِهِ عَنْهُ  
بِمَنِّكَ عَلَيْهِ وَوَحْنِكَ لَهُ وَالْمَنِيبُ  
بِمَنِّكَ عَلَيْهِ وَوَحْنِكَ لَهُ وَالْمَنِيبُ

الَّذِي لَمْ يُصِرَّ عَلَى مَعْصِيَتِكَ وَسَابِقُ  
الْمُنْذَلِّينَ بِحُلُوِّ رَأْسِهِ فِي حَرَمِكَ وَ  
الْمَوْسِلُ بَيْنَ الْمَعْصِيَةِ بِالطَّاعَةِ أَلَا  
الْمَوْسِلُ بَيْنَ الْمَعْصِيَةِ بِالطَّاعَةِ أَلَا

عَفْوِكَ وَأَبُو الْأَنْبِيَاءِ الَّذِينَ أَوْدُوا  
عَفْوَكَ وَأَبُو الْأَنْبِيَاءِ الَّذِينَ أَوْدُوا  
فِي جَنبِكَ وَأَكْثَرُ سُكَّانِ الْأَرْضِ  
فِي جَنبِكَ وَأَكْثَرُ سُكَّانِ الْأَرْضِ

سَعْيًا فِي طَاعَتِكَ فَضَّلَ عَلَيْهِ أَنْتَ  
سَعْيًا فِي طَاعَتِكَ فَضَّلَ عَلَيْهِ أَنْتَ  
وَمَا مَكَانِكَ وَسُكَّانُ سَمَوَاتِكَ وَ  
وَمَا مَكَانِكَ وَسُكَّانُ سَمَوَاتِكَ وَ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فكيد الاعداء

أَرْضِكَ كَمَا عَظَّمَ حُرْمَانِكَ وَدَلَّنَا  
 زَمِينِ تُو چنانکه بزرگ داشت حرمتها را و راه نماید که  
 عَلَى سَبِيلِ مَرْضَاتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
 بر راهش خود را تو ارحم کننده ترین رحم کننده  
 وَمِنْ عَائِدَةِ السَّلَامِ فِي الْكُوفَةِ وَالْإِسْلَامِ  
 و از عود ایام حضرت عیسی علیه السلام در حال اندوه و طلب کشف شدن از کفایت  
 إِلَهِي لَا تَسْتَمِثْ بِي عَدُوِّي وَلَا يَفْخَعْ بِي  
 ای خداوند منم که تو را دشمن مرا و دروغ من  
 حَبِيبِي وَصَدِيقِي إِلَهِي هَبْ لِي حَظَّةً  
 تو دوست مرا و دوست مرا ای خداوند بخش مرا بخش  
 مِنْ حَظَاتِكَ تَكْشِفْ عَنِّي مَا ابْتَلَيْتَنِي بِهِ  
 از بخششهای خود که رفع کن از من آنچه مبتلا کرده مرا بآن  
 وَتَعِيدَنِي إِلَى أَحْسَنِ عَازِدَاتِكَ عِنْدِي  
 و برگردان مرا به بهترین نزد تو ای خداوند  
 وَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَدُعَاءَ مَنْ أَخْلَصَ  
 و اجابت کن دعا مرا و دعا را کسی که خالص  
 لَكَ دُعَاءٌ فَقَدْ ضَعُفَتْ قُوَّتِي وَقُلْتُ  
 برای تو دعا خود را پس بگو که سست شده است قوت من و اندک است

بزرگوار من  
 ای خداوند منم که تو را دشمن مرا و دروغ من  
 ای خداوند منم که تو را دشمن مرا و دروغ من

فكيد الاعداء

جِلَّتِي وَاسْتَدْنَتْ حَالِي وَأَيْتُ مِمَّا  
 چاره من و سخت شده است حال من و آیت از آنچه  
 عِنْدَ خَلْقِكَ فَلَمْ يَبْنِ إِلَّا رَجَاؤُكَ إِلَهِي إِنَّ  
 نزد خلق تو نیست پس نامه است که امید تو ای خداوند بزرگوار  
 قُدْرَتِكَ عَلَى كَشْفِ مَا آتَانِيهِ قُدْرَتِكَ  
 قدرت تو بر دفع آنچه آید مرا از قدرت تو  
 عَلَى مَا ابْتَلَيْتَنِي بِهِ وَأَنْ ذَكَرَ عَوَائِدُكَ يَكُونِي  
 بر آنچه گرفته و کرده مرا بآن و به گسترده و پراکنده تو  
 وَالرَّجَاءُ فِي أَعْلَامِكَ وَفَضْلِكَ بِقُوَّتِي  
 و امید در اقسام تو و فضل تو تو بزرگوار  
 لِأَنِّي لَمْ أَخْلُصْ مِنْ نِعْمِكَ مُنْذُ خَلَقْتَنِي وَ  
 بپای تو من نماندم از نعمت تو از آن زمان که آفریده مرا و  
 وَأَنْتَ إِلَهِي مَقَرِّي وَمُلْجَأِي وَالْحَافِظُ إِلَيَّ  
 و تو ای خداوند پناه من و پناه من و نگهدارنده مرا  
 وَالذَّابُّ عَنِّي الْمُخَيَّنُ عَلَى الرَّحِيمِ  
 و دفع کننده از من هر مانده کننده بزم و رحمت من  
 الْمُتَكَلِّفُ بِرِزْقِي فِي قَضَائِكَ مَا حَلَّ بِي  
 متکلف بر رزق من در قضاء تو چه آنچه فرود آمده بر من



بزرگوار من  
 ای خداوند منم که تو را دشمن مرا و دروغ من  
 ای خداوند منم که تو را دشمن مرا و دروغ من



تکید الاعداء

وَبَعْلِكَ مَا صِرْتُ إِلَيْهِ فَأَجْعَلْ يَا وَلِيَّ  
 دهرت که کردید و نام من بهر آن پس گردان از دست  
 وَسَيِّدِي مَا قَدَّرْتَ وَقَضَيْتَ عَلَيَّ وَ  
 و خداوند من آنچه تقدیر کرده و قضای کرده بر من  
 حَمَمْتُ عَافِيَتِي وَمَا فِيهِ صَلَاحِي وَخَلَا  
 لازم شد عافیت مرا و آنچه در آن صلاح من و خلاص  
 مِمَّا أَنَا فِيهِ فَإِنِّي لَا أَرْجُو لِدَفْعِ ذَلِكَ غَيْرَكَ  
 از آنچه من در آن هستم بیشتر که من امید ندارم به دفع آن غیر ترا  
 وَلَا أَعْتَمِدُ فِيهِ إِلَّا عَلَيْكَ يَا ذَا الْجَلَالِ  
 و اعتماد ندارم در آن مگر بر تو ای خداوند بزرگو  
 وَالْأَكْرَامِ عِنْدَ احْسَنْ ظَنِّي بِكَ وَأَرْحَمِ  
 و اکرام نزد بهترین که ظن من به تو و دردم کن  
 ضَعْفِي وَقَلَّةَ حِيلَتِي وَاكْشِفْ كُرْبَتِي وَ  
 سست مرا و کم چاره مرا و دفع کن اندوه مرا و  
 اسْتَجِبْ دَعْوَتِي وَأَقْلِنِي عَثْرَتِي وَأَمْنُنْ  
 اجابت کن دعا مرا و در گردان لغزش مرا و ایمن کن  
 عَلَيَّ بِذَلِكَ وَعَلَى كُلِّ ذِي لَكَ أَمْرَتِي  
 بر من بآن و بر هر کس تو امر کرده مرا

بفرموده از بیم دشمن و دشمن

بگردان از عیب من و از عیب من  
 و تقصیر مرا عافیت و از تقصیر  
 مرا ایمن کن و از امر تو

تکلیف  
 پس بپوش

تکید الاعداء

يَا سَيِّدِي بِاللُّغَاءِ وَنَكَهْتُ بِالْإِجَابَةِ  
 ای خداوند منم به لغو و به جوابت مرا  
 وَوَعْدُكَ الْحَقُّ الَّذِي لَا خُلْفَ فِيهِ وَ  
 و وعده تو حق است که نیست خفایت آن در آن و  
 لَا تَبْدِيلَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَعَبْدِكَ  
 نه بدل کردن پس است بر تو بر محمد پیغمبر تو و عبت تو  
 وَعَلَى الطَّاهِرِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَاعْتَنِي  
 و بر پاکان و ای اهل بیت او و عتبت  
 فَإِنَّكَ غِيَاثٌ مِنْ لَاحِيَاتِ لَهُ وَخَوْزَمِنْ  
 پس ای یار که فرمودی در پس آن کمر که فرمودی در پس غیبت او را و خورزمین  
 لَا حِرْزَ لَهُ وَأَنَا الْمُضْطَرُّ الَّذِي أَوْجِبُ  
 که نیست پناه مرا و من آن بچاره ام که و موجب  
 إِجَابَتَهُ وَكَشَفَ مَا بِي مِنَ السُّوءِ فَأَجْنِبْ  
 اجابت او را و دفع کردن آنچه او درست از بدیها و اجتناب  
 وَاكْشِفْ عَنِّي وَفَرِّجْ وَأَعِدْ حَالِي إِلَى الْخَيْرِ  
 و دفع کن از من و گشای و در گردان حال مرا به بهترین  
 مَا كَانَتْ عَلَيْهِ وَلَا تَجَارِبْنِي بِالْإِسْتِحْقَاقِ  
 آنچه بود حال من بر من و واداشتن مرا به استحقاق



بفرموده از بیم دشمن و دشمن

بگردان از عیب من و از عیب من  
 و تقصیر مرا عافیت و از تقصیر  
 مرا ایمن کن و از امر تو

تکلیف  
 پس بپوش

بفرموده از بیم دشمن و دشمن

بگردان از عیب من و از عیب من  
 و تقصیر مرا عافیت و از تقصیر  
 مرا ایمن کن و از امر تو

تکلیف  
 پس بپوش

بفرموده از بیم دشمن و دشمن



فَمَا يَنفَعُهُ وَيُجِدُّهُ

بهرت خود پادشاه  
نیت خیر

وَلَكِنْ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ  
يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَاسْمَعْ وَاجِبْ يَا غَنِيَّ

وَدَعَاؤُهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّهٗ لَيْسَ عَلَيَّ اِسْلَامٌ مَّا غَفَرَ لَكَ  
وَمَنْ دَعَا لَكَ اُخْرَفَتْ رَسْمُ الرَّسْمِ مِنْهُ

يُرَدُّ غَضَبُكَ الْاَحْلَمُ وَلَا يَجِيْ مِنْ عِقَابِكَ

وَالْتَضَرُّعُ إِلَيْكَ فَهَبْ لِي يَا اَللّٰهُ فِرَاجًا

يَا الْقُدْرَةَ الَّتِي يَهْتَئِ بِهَا خَيْبَى مِثْلَ الْبَلَادِ

وَيَهْأَنْتَشِرُ رُزَاخَ الْعِبَادِ وَلَا تَهْلِكُنِي

وَبَانِ زَهْدٌ مِثْرُ جَانِحٍ شَدِيدٍ كَانِ

فَمَا يَنفَعُهُ وَيُجِدُّهُ

نیت خیر  
بهرت خود پادشاه

وَعَرَّفَنِي الْإِجَابَةَ يَا رَبِّ وَأَرْفَعُنِي وَ

لَا تُضَعِّنِي وَأَنْصُرْنِي وَأَرْزُقْنِي وَعَافِنِي

مِنَ الْآفَاتِ يَا رَبِّ إِنْ تَرَفَعُنِي فَرِضْ عَنِّي

وَإِنْ تَضَعَّنِي فَمَنْ يَرْفَعُنِي وَقَدْ عَلِمْتُ

يَا اَللّٰهُ اِنْ لَيْسَ فِي حُكْمِكَ ظُلْمٌ وَلَا فِي

نَفْسِكَ عَجَلَةٌ اَتَمَّا يَحْمِلُ مِنْ خَافِ الْقَوَى

وَيَحْتَاجُ اِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ وَقَدْ

تَعَالَيْتَ عَنْ ذَلِكَ يَا سَيِّدِي عُلُوًّا

كَبِيرًا رَبِّ لَا تَجْعَلْنِي لِلْبَلَاءِ غَرَضًا



نیت خیر  
بهرت خود پادشاه

نیت خیر  
بهرت خود پادشاه

نیت خیر  
بهرت خود پادشاه

نیت خیر  
بهرت خود پادشاه



نصباً لفتح مؤخر  
في ما يخافه ويحذر

وَلَا لِقَمَتِكَ نَصْبًا وَمَهْلَنِي وَبِقَتْنِي وَ  
أَقْلَنِي عَثْرَتِي وَلَا تَبْلُغْنِي بِالْبَلَاءِ فَقَدْ تَرَى  
وَنَدِمَا رَغُوبَتِ نَفْسِي بِمَا كَرِهْتُهَا وَمَهْلَنِي وَبِقَتْنِي وَ  
دُرُودُكَ رَأْسُ دُرُودِ الْبَرِّ عِلْمٌ دَرَجَةٌ بِلَا مَكُنْ بِهَا لَيْسَ تَحْقِيقُ كَيْفِ الْغُفْرِ  
ضَعْفِي وَقَلَّةَ جَلَّتِي فَصَبِّرْنِي فَإِنِّي يَارَبِّ  
سُتَيْمِرٌ وَكَلِمَةٌ جَارِدَةٌ بِهَا لَيْسَ بِمَعْدَةٍ مَرَّاسِي بِأَكْثَرِ الْوَقْرِ  
ضَعِيفٌ مُضْطَرِعٌ إِلَيْكَ يَارَبِّ وَأَعُوذُ  
صَلِّيمٌ دَارُكَ نَفْسٌ لَمْ يَدْرِكْهُ لَبِثْتُ فِي رَحْمَتِكَ وَدَهْنٌ مَكِينٌ  
بِكَ مِنْكَ فَأَعِزَّنِي وَأَسْخِرْ بِي مِنْ كُلِّ  
بِتُو أَتَوُا لَيْسَ بِمَعْدَةٍ مَرَّاسِي بِأَكْثَرِ الْوَقْرِ  
بَلَاءٍ فَاجْرِني وَأَسْتَرْبِيكَ فَاسْتَرْبِي  
بِلَالٍ لَيْسَ بِمَعْدَةٍ مَرَّاسِي بِأَكْثَرِ الْوَقْرِ  
يَا سَيِّدِي مَا أَخَافُ وَأَحْذَرُ وَأَنْتَ  
أَرْفَعُكَ وَتَرْفَعُكَ مِنْ رُتَبٍ وَتَهْدِيكَ وَتَهْدِيكَ  
الْعَظِيمُ أَعْظَمُ مِنْ كُلِّ عَظِيمٍ بِكَ  
بِرُكْمٍ بَرُّكَ أَزْهَرُ مِنْ بَرِّكَ  
بِكَ اسْتَرْبِي يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ  
بِتُو دُرُودُكَ شَدِيدٌ أَرْضَا

دُعائه في يوم الجمعة

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ  
وَمِنْ دُعَائِهِ الطَّيِّبِينَ وَسَلِّمْ كَثِيرًا عَلَيْهِ السَّلَامُ  
وَمِنْ دُعَائِهِ كَمَا كَانَتْ دُرُودُكَ بِحَسْبِ الْغَفْرِ عَزَّ وَجَلَّ  
فِي الْيَوْمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ السَّجْدَةُ  
دُعَاءُ يَوْمِ الْجُمُعَةِ بِحَسْبِ الْغَفْرِ عَزَّ وَجَلَّ  
بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا أَرْجُو إِلَّا فَضْلَهُ وَلَا  
بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا أَرْجُو إِلَّا فَضْلَهُ وَلَا  
أَخْشَى إِلَّا عَذْلَهُ وَلَا أَعْمِدُ إِلَّا قَوْلَهُ وَ  
فَرَسٌ مَكْرُومٌ مَكْرُومٌ أَوْ رَقِيقٌ مَكْرُومٌ مَكْرُومٌ  
لَا أَمْسُكَ إِلَّا بِحَبْلِهِ وَبِكَ أَسْتَجِيرُ إِذَا  
فَرَسٌ مَكْرُومٌ مَكْرُومٌ أَوْ رَقِيقٌ مَكْرُومٌ مَكْرُومٌ  
الْعَفْوُ وَالرِّضْوَانُ مِنَ الظُّلْمِ وَالْعُدْوَانِ  
عَفْوٌ وَحُسْنُ دُرُودٍ أَرْضَا  
وَمِنْ غَيْرِ الزَّمَانِ وَتَوَاتُرِ الْأَحْزَانِ وَمِنْ  
وَزَعَجِهَا لَمْ يَدْرِكْهُ لَبِثْتُ فِي رَحْمَتِكَ وَدَهْنٌ مَكِينٌ  
انْقِضَاءُ الْمُدَّةِ قَبْلَ التَّاهِبِ وَالْعُدَّةِ  
مَنْقُصٌ مِنْ مَتْنِهَا أَرْضَا

والحمد لله

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ



کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه







الاستغفار

دعاء بسم الله الرحمن الرحيم يوم

أَحْمَدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَشْهَدُ أَحَدٌ لِحِينَ فُطِرَ  
 السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا تَعْدُ عَيْنَانِ  
 بَرَاءَ السَّمَاوَاتِ لَا يَشَارِكُ فِي الْإِلَهِيَّةِ وَلَمْ  
 يُظَاهَرْ فِي الْوَحْدَانِيَّةِ كُلُّ الْإِنْسَانِ  
 عَنْ غَايَةِ صِفَتِهِ وَالْعُقُولُ عَنْ كُنْهِ مَعْرِفَتِهِ  
 وَتَوَاضَعَتِ الْجَبَابِرَةُ لِهَيْبَتِهِ وَعَنِ الْجَوْهَرِ  
 لِحُسْنِيَّتِهِ وَانْقَادَ كُلُّ عَظِيمٍ لِعَظَمَتِهِ  
 فَلَكَ الْحَمْدُ مُتَوَاتِرًا مُتَمَسِّقًا وَمُتَوَالِيًا مُتَسَبِّحًا

وَصَلَوَاتُهُ عَلَى رَسُولِهِ أَبَدًا وَسَلَامُهُ دَائِمًا  
 سَمِعْنَا اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَوَّلَ يَوْمِي هَذَا  
 صَلَاحًا وَأَوْسَطَهُ فَلَاحًا وَآخِرَهُ نَجَاحًا وَ  
 أَعُوذُ بِكَ مِنْ يَوْمٍ أَوَّلُهُ فُسُوحٌ وَأَوْسَطُهُ جَحِيمٌ  
 وَآخِرُهُ وَجَعٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ  
 نَذْرٍ نَذَرْتُهُ وَكُلِّ وَعْدٍ وَعَدْتُهُ وَكُلِّ عَهْدٍ  
 عَاهَدْتُهُ ثُمَّ لَمْ أَفِ بِهِ وَأَسْأَلُكَ فِي مَظَالِمِ  
 عِبَادِكَ عِنْدِي فَإِنَّمَا عَبْدٌ مِنْ عِبِيدِكَ أَوْ  
 أَمَةٍ مِنْ أَمَائِكَ كَأَنَّكَ لَهْ قَبْلِي مَظْلُومٌ

سورة

الاستغفار

الاستغفار

الاستغفار



يوم الاثنين

ظلمتها اياه في نفسه او في عرضه او  
 في ماله او في اهله ووكيله او غيبه  
 اغتبت بها او حامل عليه بميل او هو  
 او انفة او حمية او رياء او عصبية  
 غائبا كان او شاهدا وحيث كان  
 او ميتا فقصرت يدي وضاق وسعي عن  
 ردّها او التحل منه فاستلكت بامرئك  
 الخبايا وهي مستحبة لشئيه ومسرعة  
 الى ارادته ان يصلي على محمد وعلى محمد

يعني غيبه

الله

يوم الثلاثاء

وان ترضيه عني ما شئت وتغيبه  
 رخرة ان لا تنقصك المغفرة ولا تضر  
 الموهبة يا ارحم الراحمين اللهم  
 اولني في كل يوم اثنين بغيتين منك تثنين  
 سعادة في اوله بطاعتك ونعمة في  
 اخره بمغفرتك يا من هو الاله ولا يغفر  
 دعاء يوم الذنوب سواء الثلاثاء  
 بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله والحمد لله كما يستحقه حمدا كثيرا

من عندك

من اول روز

بسم الله الرحمن الرحيم



وَأَعُوذُ بِهِ مِنْ شَرِّ نَفْسِي إِنْ النَّفْسَ لَا مَنَارَةَ  
 بِالسُّوءِ الْأَمَارِجِ رَبِّي وَأَعُوذُ بِهِ مِنْ شَرِّ  
 الشَّيْطَانِ الَّذِي يَزِيدُنِي ذَنْبًا إِلَى ذَنْبٍ  
 وَأَحْتَرِزُ بِهِ مِنْ كُلِّ جَبَّارٍ فَاجِرٍ وَسُلْطَانٍ  
 جَائِرٍ وَعَدُوٍّ قَاهِرٍ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ جُنْدِكَ  
 فَإِنَّ جُنْدَكَ هُمُ الْغَالِبُونَ واجْعَلْنِي مِنْ  
 حَزْبِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ واجْعَلْنِي مِنْ أَوْلِيَاكَ  
 فَإِنَّ أَوْلِيَاكَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ  
 اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي فَإِنَّهُ عِصْمَةُ أَمْرِي

دینی  
کنم

فان حزبك  
پس بهرگز نترسد

پس بهرگز

وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي فَإِنَّهَا دَارُ مَقَرِّي وَإِلَيْهَا  
 مِنْ جَاوِزَةِ اللَّثَامِ مَقَرِّي واجْعَلْ الْحَيَاةَ  
 زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ وَالْوَفَاةَ رَاحَةً  
 لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
 خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَتَمَامِ عِدَّةِ الْمُرْسَلِينَ  
 وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَأَصْحَابِهِ  
 الْمُنَجِّبِينَ وَهَبْ لِي فِي الثَّلَاثَةِ ثَلَاثًا  
 لَا تَدْخُلُ فِي ذَنْبِهَا الْإِعْفَرَةُ وَلَا غِنَا الْآ  
 أَذْهَبَتْهُ وَلَا عَدُوًّا إِلَّا دَفَعَتْهُ بِسْمِ اللَّهِ

بقرات  
نیت کند در روزهای

ایستادگی

از این روزها

در روزهای



خَيْرَ الْأَسْمَاءِ بِسْمِ اللَّهِ رَبِّ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ  
 بِهترین نامها نام خداوند پروردگار زمین و آسمان  
 اسْتَدْفِعْ كُلَّ مَكْرُوهٍ أَوَّلَهُ سَحْطُهُ وَاسْتَجِبْ  
 دفع میکنم هر ناخوشی که اول آن غضب باشد و بپوشد  
 كُلَّ مَحْبُوبٍ أَوَّلَهُ رِضَاءٌ فَاخْتِمْ بِمِثْلِكَ  
 هر پسندیده که اول آن خوشنودی باشد پس ختم کن بر آن چیزی  
 دَعَا يَوْمَ بِالْغَفْرِ أَنْ يَأْوِلِيَ الْإِحْسَانَ الْأَرْبَعَاءُ  
 دعا روز بامدحش اربعه ای حسن چهارشنبه  
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ اللَّبْلَ لِيَاسًا وَ  
 سپاس را خدا را که گاو را بنده است شب را بامهر و  
 الْيَوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ لَهَا رُسُورًا لَكَ الْحَمْدُ  
 خواب را آسایشگر و گردانیده است روز را زنده گردانیده است و روز را  
 أَنْ تَبْعَثَنِي مِنْ مَرْقَدِي وَلَوْ شِئْتَ جَعَلْتَهُ  
 برایم که باز بفرستی مرا از خوابم و اگر بخواهی میگردانیدی مرا  
 سَرْمَدًا أَخَذَ أَدَائِمًا لَا يَنْقُطِعُ أَبَدًا وَلَا يَخْصُ  
 جاودان سپاس را دریم که قطع نمیشود هرگز و نشمارد

بهر نام خداوند میکنم  
 روز از آن که نصف روز است و چهارشنبه

بهر روز و در آن روز  
 بر آن که از آن روز است  
 بیکر از آن روز

بهر روز است

و در آن روز از آن روز است

لَهُ الْخَلَاءُ تَوْعَدًا اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ  
 مرا از آفریدگان شکر کردی خداوند هر روز است سپاس  
 أَنْ خَلَقْتَ فَسَوَّيْتَ وَقَدَّرْتَ وَقَضَيْتَ  
 برایم که آفریدی پس همسوی کردی و قدر کردی و حکم کردی  
 وَأَمَّتٌ وَأَحْيَيْتَ وَأَمْرَضْتَ وَشَقَيْتَ  
 و میراندی و زنده کردی و بیمار کردی و شست کردی  
 وَعَافَيْتَ وَأَبْلَيْتَ وَعَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَيْتَ  
 و عافیت کردی و درخت کردی و بر عرش نشستی  
 وَعَلَى الْمُلْكِ اخْتَوَيْتَ أَدْعُوكَ دُعَاءَ  
 و بر پادشاه را احاطه کردی بخوانم ترا خواندن  
 مَنْ ضَعُفَتْ وَسِيلَتُهُ وَانْقَطَعَتْ حِيلَتُهُ  
 کس که کمزور است شهادت و وسیله او و بریده شده است حیل او  
 وَأَقْرَبَ أَجَلُهُ وَتَدَانِي فِي الدُّنْيَا أَمَلُهُ  
 و نزدیک است اجل او و نزدیکی است در دنیا امل او  
 وَأَشَدَّتْ إِلَى رَحْمَتِكَ فَاقْتَهُ وَ  
 و سخت شد است به رحمت تو و حاجت او و  
 عَظُمَتْ لِنَفْسِهِ حَسْرَتُهُ وَكَثُرَتْ  
 بزرگ شد است برای او حسرت او و بسیار شد است

بهر روز است  
 و در آن روز است  
 و در آن روز است

بهر روز است  
 و در آن روز است  
 و در آن روز است



بهر روز است

بهر روز است

بهر روز است

بهر روز است

بهر روز است

بهر روز است



زَلَّتْهُ وَعَثْرَتْهُ وَخَلَصَتْ لِيُجْهَكَ تَوْبَتُهُ  
 نغزش او و سب و زدن او و خلاص شدن است بپار زات تو توبه او  
 فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى أَهْلِ  
 این است بر محمد که آخر پیغمبر است و بر اهل  
 بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَارْزُقْنِي شِفَاعَةَ  
 بیت او که پاکان پاکیزه اند و روزی که در شفاعت  
 مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَا تَحْرِمْنِي صُحْبَتَهُ  
 محمد رحمت کند خدا بر او و آل او و محروم سازد صحبت او  
 إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ اقْضِ لِي  
 بهیست که توبه تو رسم گشته ترین رسم کندگان خداوند بخار او در بار  
 فِي الْأَرْبَعَاءِ أَرْبَعًا اجْعَلْ ثِقَتِي فِي طَاعَتِكَ  
 در چهار رشتنه چهار چرخه که در آن تو در طاعت خود  
 وَتَسَالِحِي فِي عِبَادَتِكَ وَرَغْبَتِي فِي  
 و تسالیم در عبادت تو و رغبت مرا در  
 ثَوَابِكَ وَزَهْدِي فِي مَا يُوجِبُ لِي الْيَمَ  
 ثواب تو و زهد مرا در آنچه موجب برای من  
 عِقَابِكَ إِنَّكَ لَطِيفٌ لِمَا تَشَاءُ دَعَا يَوْمَ  
 عقاب در آن که تا بهیست که تو لطیف گشته مرا آنچه خواهی دعا روز

در توبه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْخَمِيسُ  
 الحمد لله الذي أذهب اليل مظلماً بقدرته  
 سپاس هر خدا را که برود شب را در ظلمت تاریکی و اندک  
 وَجَاءَ بِالنَّارِ مُبْصِرًا بِرَحْمَتِهِ وَكَأَنِّي  
 و در آورده روز را روشن بر رحمت خود و پندم که  
 ضِيَاءُهُ وَأَنَا فِي نِعْمَتِهِ اللَّهُمَّ فَكُنَا  
 روشن شدای آن و منم در نعمت او خداوند پس چنانکه  
 أَبْقَيْتَنِي لَهُ فَأَبْقِنِي لِامْتِنَانِهِ وَصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ  
 بماند و بماند مرا بر امتنان پس بماند دارم بر امتن از آن درست بماند بر بماند  
 مُحَمَّدًا وَآلِهِ وَلَا تَجْعَلْنِي فِيهِ وَفِي غَيْرِهِ مِنْ  
 محمد و آل او و در و نگذار مرا در این روز و در غیر این روز از  
 اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ بِأَرْكَابِ الْحَارِمِ وَ  
 شبها و روزها بسبب از کتب حرامها و  
 أَكْثَابِ الْمَنَافِئِ وَارْزُقْنِي خَيْرَهُ وَخَيْرَ  
 کتب کردن کتابها و روزی که مرا خیر این روز و خیر  
 مَنَافِعِهِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهُ اللَّهُمَّ وَأَصْرِفْ  
 آنچه در دست و خیر آنچه پس از آنست و بگردان

بسم الله الرحمن الرحيم





عَنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا فِيهِ وَشَرِّ مَا بَعْدَ اللَّهِ  
 اِنِّي بِبَيْتَةِ الْاِسْلَامِ اَتُوَسَّلُ اِلَيْكَ وَ  
 حُرْمَةِ الْقُرْآنِ اَعْتَدُ عَلَيْكَ وَبِحَدِّ الْمُصْطَفَى  
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَسْتَشْفِعُ لَدَيْكَ  
 فَاعْرِفِ اللَّهُمَّ ذِمَّتِي الَّتِي رَجَوْتُ بِهَا قَضَاءَ  
 حَاجَتِي يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ اقْضِ لِي  
 فِي الْخَمِيسِ خَمْسًا لَا يُلْغِي لَهَا اِلَّا كَرَمَكَ وَ  
 لَا يَطْبِقُهَا اِلَّا نِعْمَتُكَ سَلَامَةً اَقْوَى بِهَا  
 عَلَى طَاعَتِكَ وَعِبَادَةِ اسْتَوْجِبْ بِهَا جَنَّةَ  
 عِلِّيِّينَ

بیت کن جان

مُتَوَكِّلٌ وَسَعَةً فِي الْحَالِ مِنَ الرِّزْقِ  
 الْحَالِ وَأَنْ تُؤَمِّنَنِي فِي مَوَاقِفِ الْخَوْفِ  
 بِأَمْنِكَ وَتَجْعَلَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْمُسُومِ وَ  
 الْغُيُومِ فِي حَصْنِكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى  
 آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ تَوَسُّلِي بِهِ شَافِعًا يَوْمَ  
 الْقِيَمَةِ نَافِعًا إِنَّكَ أَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ  
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ قَبْلَ الْاِنْشَاءِ وَالْاَحْيَاءِ  
 وَالْآخِرِ بَعْدَ فَنَاءِ الْأَشْيَاءِ الْعَلِيمِ الَّذِي

در وقت نماز

مُتَوَكِّلٌ



يوم الجمعة

یعنی هر که یا اگر خدا را تعالی را  
خدا تعالی اورا فراموش میکند

لَا يَنْشِي مِنْ ذِكْرِهِ وَلَا يَنْقُصُ مِنْ شِكْرِهِ  
فراموش نمیکند هر که را یاد کرد او را و کم نمیکرد اندک هر که را شکر داد او را  
وَلَا يَخْتَبِ مِنْ دَعَاهِ وَلَا يَقْطَعُ رَجَاءَ مَنْ رَجَا  
و فراموش نمیشود کسی که خواند او را و قطع نشود امید کسی که امید داشت  
اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا  
خداوند اید بر کسی که من گواه میگیرم ترا و بسند ترا بر هر گواهی و  
أَشْهَدُ جَمِيعَ مَا لَمْ يَكُنْكَ وَسُكَّانَ سَمَوَاتِكَ  
گواه میگیرم همه فرشتگان ترا و ساکنان آسمانها ترا  
وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَمَنْ عَشَتْ مِنْ أَنْبِيَائِكَ  
و برداران عرش ترا و هر آنکه فرستاده از پیغمبران تو  
وَرَسَلِكَ وَأَنْشَأْتَ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ  
و رسولان تو و آفریده از اصناف خلق تو  
إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ  
بر این گواه میگیرم که تو یگانه خدا نیستی بجز تو  
وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَلَا عَدِيلَ وَلَا خَلْفَ  
تنهایی نیست شریکی مرترا و نه مانند و نه خلف کردنی  
لِقَوْلِكَ وَلَا تَبْدِيلَ وَأَنْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
مقول ترا و نه تبدیلی است و اینکه محمد رحمت گناه خدا است

يوم الجمعة

وَاللَّهُ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ أَدَّى مَا حَمَلْتَهُ  
و آل او بندت و رسولت رساند آنچه حمل کرده بود او را  
إِلَى الْعِبَادِ وَجَاهِدَ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَقَّ  
بسر بندگان تو و کار کرد در راه خدا عز و جل حق  
الْجِهَادِ وَأَتَى بِشَرِّهَا هُوَ حَقُّ مِنَ الثَّوَابِ  
کارزار است و اینکه در فرموده داد با جهاد آن حقت از ثواب  
وَأَتَدْرِبُهَا هُوَ صِدْقٌ مِنَ الْعِقَابِ اللَّهُمَّ  
و بیم داد با جهاد آن رحمت از عقاب خداوند  
تُبْنِنِي عَلَى دِينِكَ مَا أَحْبَبْتَنِي وَلَا تُزِغْ قَلْبِي  
ثابت دار مرا بر دین خود چنانکه زنده دار مرا و میل مرا بدل مرا  
بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً  
پس از آنکه راه نموده بشما و بخش مرا از تو خود رحمت  
إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ  
بدست که تو یگانه بسیار بخشاینده رحمت برست بر محمد و بر آل  
مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي مِنْ تَابِعِهِ وَشِيعَتِهِ  
محمد و بگردان مرا از تابعان او و شیعیان او  
وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِ وَوَفِّقْنِي لِذِئَابِ فَرَضِ  
و حشر کن مرا در گروه او و توفیق ده مرا برای عذاب آوردن

بنا بر این که تو یگانه بسیار بخشاینده رحمت برست بر محمد و بر آل محمد و بر شیعیان او و بگردان مرا از تابعان او و حشر کن مرا در گروه او و توفیق ده مرا برای عذاب آوردن

بنا بر این که تو یگانه بسیار بخشاینده رحمت برست بر محمد و بر آل محمد و بر شیعیان او و بگردان مرا از تابعان او و حشر کن مرا در گروه او و توفیق ده مرا برای عذاب آوردن



الجمعات وما أوجب على فيها من الطاعات  
مجموعاً والله واجب سائغته *بسم* ذرايتها از طاعتها

جمعها وانچه واجب ساخته بر من در اینها از طاعتها

وَقَسَمْتُ لِأَهْلِهِا مِنْ الْعَطَاءِ فِي يَوْمِ الْحِزَاءِ

قسمت کرده بوز اهل آنها اند عقل در روز جزا

دعاء اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ يوم السبت

۱۰۰ بدست که تو به نو عزیز حکیم روز شنبه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ كَلَامُ الْمُعْظَمِينَ وَمَقَالَةُ الْمُتَحَرِّزِينَ

بنام خدا که همه چند در زدگان و گفتگور بد نیز کنند گانست

وَأَعُوذُ بِاللَّهِ تَعَالَى مِنْ جَوْرِ الْجَاهِلِينَ وَكَيْدِ

هنا. مريم بخدا توکل دارستم. قسم کنندگان و لید

لِحَاسِدِينَ وَبَغِي الظَّالِمِينَ وَاحْمَدُ فَوْقَ

و از حد در گذشتن طمان و سپاسم و اورا بالا

خَدِّحَامِدِينَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْوَاحِدُ بِاِشْرَافِكَ

پہاں سپاس نندگان خداوند ا نویی یگانہ ہے انبار

وَالْمَلِكُ بِإِثْمَلِكٍ لَا تَضَادُّ فِي حِكْمِهِ

باز است هر چه از آنکه بر آید و شهادت دارد بآنکه خداوند در علم خود

يوم السبت

وَلَا تُنَازِعْ فِي هَذَا أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ

و معاذ الله و قد وردت در باب است هرگز سوال نسئیم از اینکه دست بفرستد

عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَأَنْ تُوزِعَنِي

محمد بنده تو و رسول تو و اینکه در دل انداز مرا

مِنْ شُكْرِنَا مَا تَبْلُغُ غَايَةَ رِضَاكَ

سکر نعمت مار حواد آنچه برکات مرا بسبب بهمانیت سکود کرد

وَأَنْعَمْنِي عَلَى طَاعِنِكَ وَلَزُومِ عِبَادَتِكَ

دایمکه مادر دهر را بر طاقت خود در مردم کتابت نمود

وَاسْتَحْقَا مَثْوِيَّتِكَ بِلُطْفِ عِنَايَتِكَ وَ

کتابخانه

رحمتی و صدنی عن معاصیک ما احببت

۱۱۰۰ / ۱۱۰۱ / ۱۱۰۲ / ۱۱۰۳ / ۱۱۰۴ / ۱۱۰۵ / ۱۱۰۶ / ۱۱۰۷ / ۱۱۰۸ / ۱۱۰۹ / ۱۱۱۰

و فوقی لما یفعلنی ما ابقیته و ان شرح

کتابخانه

بیتابك صدمی و خط بیلاوتیه وزری  
کتاب خود داشته ام و در فهرست خود اندامی که امیر

...

ويعني السلامة في دينه ونفسه ولا توحش  
الايكه عنك للزمن صفة الزمان ولفظ النفس

...





فِي أَهْلِ الْإِسْلَامِ وَنُتِمَ أَحْسَنُكُمْ فِيمَا بَقِيَ  
 مِنْ عَمَلِهِ كَمَا أَحْسَنَ فِيمَا مَضَى مِنْهُ  
 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

بن اهل اسلام و نیت احسن کرد  
 از زندگانی که پیش از این کرده در آنچه گذشته است ازاله

قد فرغنا من هذه العجفة الكاملة  
 زين العابدين عليه السلام في اول شهر محرم  
 الحرام ختم بالخير والظفر سنة ثمانية و سبعين  
 سيد ابن طاووس رحمه الله  
 از تسع بن حسن محمد و است کرده که  
 ختم کرده و است  
 ختمی که آنکه نوشته

من غفر الله له و آتاه الله من فضله  
 من غفر الله له و آتاه الله من فضله  
 من غفر الله له و آتاه الله من فضله  
 من غفر الله له و آتاه الله من فضله  
 من غفر الله له و آتاه الله من فضله  
 من غفر الله له و آتاه الله من فضله  
 من غفر الله له و آتاه الله من فضله  
 من غفر الله له و آتاه الله من فضله  
 من غفر الله له و آتاه الله من فضله  
 من غفر الله له و آتاه الله من فضله

من غفر الله له و آتاه الله من فضله  
 من غفر الله له و آتاه الله من فضله  
 من غفر الله له و آتاه الله من فضله  
 من غفر الله له و آتاه الله من فضله  
 من غفر الله له و آتاه الله من فضله  
 من غفر الله له و آتاه الله من فضله  
 من غفر الله له و آتاه الله من فضله  
 من غفر الله له و آتاه الله من فضله  
 من غفر الله له و آتاه الله من فضله  
 من غفر الله له و آتاه الله من فضله

١٢٨



